

اسناد لانه جاسوسی

شماره ۲۹ - ۳۰

افغانستان

باز پخش: راه پرچم

<http://rahparcham1.org>

کتاب بیست و نهم

افغانستان (۱)

سند شماره (۱)

انتشار خارجی ممنوع اداره مرکزی اطلاعات (سیا) سری
گزارش بیوگرافیک محمد داوود رئیس جمهور افغانستان
اوت ۱۹۷۳ - مرداد ۱۳۵۲

توجه

این سند حاوی اطلاعاتی است که به تعریف فصل ۱۸، بخشهای ۹۷۳ و ۹۷۴ مجموعه قوانین اصلاح شده ایالات متحده، بر دفاع ملی ایالات متحده تأثیر دارند. انتقال یا افشا یا دریافت محتویات آن توسط افراد فاقد صلاحیت به موجب قانون ممنوع است.
تعیین تاریخ خروج خود به خودی از طبقه بندی نامقدور است.

سری - انتشار خارجی ممنوع

افغانستان:

رئیس جمهور؛ نخست وزیر؛ وزیر دفاع، وزیر امور خارجه

در اولین ساعات ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳ سردار (شاهزاده) محمد داوود، نخست وزیر سابق و دیکتاتور (۶۳ - ۱۹۵۳) از طریق یک کودتای نظامی خیلی عالی اداره شده و عملاً بدون خونریزی به قدرت رسید و به ۴۰ سال حکومت برادر خوانده و پسر عمویش، شاه محمد ظاهر خاتمه داد. (شاه که در آن موقع در جزیره «نیپولیتان ایسشبا» در مرخصی به سر می برد در ایتالیا در سفارت آن کشور در رم باقی ماند. زن و خانواده اش در ۲۷ ژوئیه به او پیوستند.

به نظر می رسد که افسران جوان فعال در کودتا، داود را در آخرین لحظات در طرحشان گنجانیدند تا مقام ارشد را ایفا کند. بعد از به قدرت رسیدن، داود ظاهراً موقعیتش را در کابل و دیگر استانها مستحکم کرده است. بعد از آنکه طی یک وقفه ده ساله به قدرت رسید، پادشاهی را برانداخت و قانون اساسی ۱۹۶۴ را ملغی کرد و نظام جمهوری را اعلام نمود و خودش را به عنوان رئیس جمهور، نخست وزیر، وزیر دفاع، و وزیر امور خارجه معرفی کرد. ۱۴ عضو خانواده پادشاهی به تبعید فرستاده شدند. سردار شاه ولی خان و عبدالولی، دو نفر از دشمنان اصلی داود یا در بازداشت به سر می برند یا مرده اند. اگر آنها هنوز زنده باشند، حضور مداوم آنها در کشور ممکن است یک تهدید بالقوه را برای رژیم فراهم کند.

کابینه جدید، که به وسیله کارمندان سفارت آمریکا در کابل، یک چیز در هم و برهم و عجیب و غریب نامیده شده است، نشانگر توافقی است بین داود و افسران جوان که در اصل به نفع داود است. رئیس جمهور، پستهای بالا را اشغال کرده و همین طور انتظار می رود که امور طرحهای اقتصادی را نیز در دست بگیرد. معاون نخست وزیر و چند تن از وزرای پایین دیگر از نزدیکان داود می باشند. افسران جوان و دو نفر غیر نظامی که به نظر می رسد که هوادار آنها باشند، پنج پست را در دست دارند که شامل امور مالی و امور داخلی می شود. اگر کابینه ناتوانی و بی اثری خود را در اتخاذ یک تصمیم واحد ثابت کند ممکن است قادر باشد همقطاران بدون تجربه و ناهماهنگ و نامتحد خود را به کار گیرد.

داود به عنوان یک فرد^(۱)

مردی قاطع و باهوش. داود همچنین دمدمی مزاج، خودسر، بسیار رک گو و خودپرست است. او یک مرد سخت‌کوش و در اواخر ۱۹۳۰ به یک مدیر با کفایت و توانا و صادق توصیف شده بود. در عرض ده سالی که به عنوان نخست وزیر کار می‌کرد سیاستهایش را با انرژی، اطمینان به نفس و به طور مستقل انجام داد. او کاملاً علاقه داشت که مدرنیزه شدن و بهبود وضع اقتصادی کشورش را افزایش دهد. یک نمونه از اصلاحات لیبرالی او برداشتن اجبار برای زنهای افغانی در پوشیدن چادری است (یک جامه چادر مانند و حجاب که طرح شده و بدن را از سر تا پای می‌پوشاند). داود از حمایت قابل توجهی در نیروهای مسلح، بین کارمندان قدیمی دولت و عناصر مشخصی از دانشجویان برخوردار است. گروههایی مانند رهبران مذهبی مرتجع با کارها و جهت‌گیریهای رفرمیستی او مخالفت کرده‌اند.

غیر متعهد بیطرف؟

گزارشها نشان می‌دهد که داود فردی شدیداً ملی‌گرا است که به جستجوی کمک از هر کجا که در دسترس باشد خواهد رفت. او ادعا می‌کند که یک غیر متعهد بیطرف است، ولی تصمیم او در مدرنیزه کردن افغانستان در زمانی که او نخست وزیر بود، به اعتماد زیاد به شوروی برای کمک کردن منتهی شد. او دلایل رو آوردنش به سوی شوروی را کمکهای نظامی آمریکا به پاکستان و حمایت اندک آمریکا از افغانستان ذکر کرد. او احساس کرد که خطر کمی در اعتماد کردن به آن کشور برای تأمین نظامی و اقتصادی وجود دارد. بر طبق اخبار گفته می‌شود که داود یک دفعه اظهار داشته است که وقتی که بتواند سیگار آمریکاییش را با کبریت روسی روشن کند خیلی خوشحال تر می‌شود.

موقعیت شوروی در کابل ممکن است به خاطر به قدرت رسیدن داود بهتر شده باشد، ولی فقط مقدار کمی. این گونه شایع شده که روسها از پیش در مورد نقشه‌های او در برانداختن شاه اطلاع داشته‌اند. بیشتر از ۲۰۰ تکنیسین و مشاور ارتشی شوروی در آن کشور بودند. خیلی از آنها با واحدهای ارتشی که پایه‌های اصلی کودتا را فراهم کردند، کار می‌کرده‌اند. با وجود این هیچ اثری از اینکه روسها کودتا را تحریک یا مستقیماً در آن کودتا دخالت کرده‌اند، وجود ندارد.

داود به عنوان رئیس جمهور

در اولین نطق ملی خود، پرزیدنت داود با تندی از تجربیات ده ساله شاهنشاهی در دموکراسی صحبت کرد. ادعا می‌کرد که آن (رژیم شاهنشاهی — مترجم) به خاطر دروغها، خیانتها، پارتی‌بازها و منفعت‌طلبیها رو به انحطاط گذاشته بود. او ذکر کرد که خانواده شاهنشاهی از قدرتهایشان سوء استفاده کرده و باعث فلج اقتصادی، اداری و سیاسی شده بودند. او گفت که از اولیتهای مهم رژیم او پیشرفت اقتصادی و تغییرات اساسی اجتماعی خواهد بود.

۱- این گزارش توسط مرکز خدمات مراجع تهیه و به مقدار لزوم با سیا و وزارت امور خارجه هماهنگ شده است. نظریات و سؤالات برای مایکل کاپس، به شماره ۶۷۶۵ داخلی ۱۴۳، ارسال شود.

انعکاسهای بین‌المللی

داود با اینکه تعهد داده که سیاست بیطرفی و عدم تعهد افغانستان را ادامه دهد، ولی باز بر روی، میل خود به پیدا کردن یک «راه حل دائمی» بر سر مسئله پشتونستان با پاکستان تاکید نموده است. پشتونستان اسمی است که به نواحی پشتو و بلوچی زبان ایران، افغانستان و پاکستان، مخصوصاً استانهای مرزی غرب پاکستان داده می‌شود. پشتوها گروه قبیله‌ای عمده در افغانستان هستند و خیلی از آنها به طور گسترده در مرز افغانستان و پاکستان زندگی می‌کنند. حامیان پشتونستان نه در محدوده دقیق آن توافق دارند و نه در هدفهای نهایی آن. عده‌ای فقط خواهان افزایش خودمختاری برای منطقه هستند و عده‌ای دیگر می‌خواهند که پشتونستان یک کشور مستقل باشد. داود از حامیان قدیمی استقلال است و در سال ۱۹۶۲ مقامات آمریکایی او را به عنوان یک نفر احساساتی و بی‌منطق در این موضوع تشخیص دادند. وقتی که او نخست وزیر بود، تنها در جشن سالیانه روز پشتونستان شرکت می‌کرد.

قبل از اینکه داود کودتایش را انجام دهد، روابط بین اسلام‌آباد و کابل سرد بود و به نظر می‌رسید که بدتر هم می‌شود. محمد موسی شفیق، فردی که قبل از داود نخست وزیر بود، ظاهراً خواهان روابط خوبی با پاکستان بود و مخصوصاً به پشتونستان علاقه‌مند نبود.

با این وجود، احساسات عمومی او را مجبور کرد که تبلیغات علیه پاکستان را افزایش دهد و در مه ۱۹۷۳ پاکستان افغانها را به دخالت علنی در امور داخلی پاکستان متهم کرد. داود برعکس شفیق نگران پشتونستان است و زمانی که او نخست وزیر بود، افراد قبیله‌ای و عده‌ای از دسته‌های معمولی سربازان را جهت به حرکت درآوردن یک شورش در مرز پاکستان فرستاد. این کشمکشها در اوایل ۱۹۶۰ به اوج خود رسید، زمانی که به نظر رسید دو کشور به جنگ نزدیک شدند، روابط دیپلماتیک به هم خورد و مرزها بسته شد.

کوششهای داود تقریباً با شکست کامل رو به رو شد. قبایل پاکستان جوابی ندادند، بسته شدن مرزها (طرح شده بود که به پاکستان ضربه بزند) بخش اصلی تجارت خارجی افغانستان را قطع نمود که در نتیجه آن به آبروی داود خللی وارد آورد که این عمدتاً در برکناری نخست وزیر در ۱۹۶۳ دخیل بود. از آن موقع افغانها تبلیغات خود را زنده نگه داشته‌اند، ولی به تدریج از طرفداری از استقلال پشتونستان به حمایت افزایش خودمختاری برای استانهای مرزی پاکستان تغییر موضع داده‌اند. طرحهای فعلی داود در مورد پشتونستان روشن نیست. احتمالاً، او حالا بیشتر در مورد خطرات یک سیاست پشتونستان فعال برای افغانستان و خودش واقف است.

به قدرت رسیدن داود، روابط بین تهران و کابل را که در گذشته اخیر به تدریج در حال بهبود بوده، تهدید می‌کند. قبل از این کودتا، شاه ایران نگران نفوذ شوروی در افغانستان بود. روابط صمیمی داود با شوروی ممکن است انعقاد یک معاهده در مورد تقسیم آبهای رود هیرمند و به همان اندازه دسترسی به تسهیلات راه و بندر که شاه به افغانستان قول داده بود، را به خطر بیندازد. شاه به نظر می‌رسد که هر خطری را برای وحدت پاکستان مانند خطری علیه ایران می‌بیند.

زندگی اولیه و سوابق

محمد داود در سال ۱۹۰۹ در کابل به دنیا آمد.

او به مدرسه انگلیسی زبان حبیبیه در کابل رفت و بین سالهای ۳۰-۱۹۲۱ در فرانسه درس خواند. او بعداً به مدرسه افسران پیاده نظام در کابل وارد شد. از سال ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۸ داود فرماندهی عموم و فرماندهی استانهای شرق و قندهار بود، جایی که از او به عنوان کسی که تغییرات فرهنگی و اجتماعی و پیشرفتهایی در متدهای کشاورزی به وجود آورده بود، نام برده می‌شد. در سال ۱۹۳۹ او فرمانده نظامی کابل شد و در اوایل سال ۱۹۴۰ او به عنوان فرمانده عمومی نیروهای مرکزی ارتش خدمت می‌کرد. داود در خلال سالهای ۴۸-۱۹۴۶ وزیر دفاع ملی بود و بعد سفیر در کشورهای فرانسه، سوئیس و بلژیک شد. در سال ۱۸۴۹ او دوباره به مقام وزیر دفاع ملی منتصب شد و رئیس اولین گروه از وزرای شورای عالی کشور بود. در سال ۱۹۵۳ داود به سمت نخست وزیری، وزیر دفاع و وزیر طرح ریزی منتصب شد. ظاهر شاه او را در سال ۱۹۶۳ به خاطر سیاست ناسازگاری نخست وزیری در قبال پاکستان برکنار نمود. پیشنهاد شده بود که داود می‌توانست مقام خودش را نگه دارد، ولی تصمیم گرفت تا به خاطر انسجام خانواده شاهنشاهی استعفا بدهد.

انتظار در کنار صحنه

بازنشستگی داود، در قدرتش و در امکان اینکه او از این قدرت برای برگشتن به سر کار استفاده کند خللی وارد نکرد. ناظرین معتقدند که حضور این شخص قدرتمند در کنار صحنه، اعتماد عمومی را خدشه دار کرد؛ که به عدم اجرای موفقیت‌آمیز تجربه ظاهر شاه در دموکراسی و تغییرات قانون اساسی او در ۱۹۶۴ منتهی شد.

در اوت ۱۹۶۸، داود و شاه برای یک آشتی کوشش کردند. مذاکرات آنها موفقیت‌آمیز نبود. بر طبق گفته یک مقام دولتی افغان، در سال ۱۹۷۱ داود به طور خصوصی ناراضی خود را در مورد شاه اظهار کرد، کسی که او احساس می‌کرد کشور را دارد با اهمیت ندادن و تحمل فساد اخلاقی در میان اعضای خانواده سلطنتی خراب می‌کند. داود و برادرش شاهزاده محمد نعیم احساس کردند که قانون اساسی، خانواده سلطنتی را به مشغول شدن به فساد تشویق کرده است. آنها از داشتن شغل‌های اجتماعی منع شده بودند، لذا اعضای خانواده سلطنتی کوشش کردند که روی اشخاصی که این شغلها را داشتند، تأثیر بگذارند.

در یک پیشگویی، داود گفت که اعتماد زیاد شاه به ارتش می‌تواند باعث سقوط سلطنت شود. او شاه را متهم به خفه کردن ابتکارات وزرا کرد و هنوز بر این عقیده بود که برکناری او به عنوان نخست وزیر در سال ۱۹۶۳ نتیجه یک کنایه و شایعه بود. طبق گفته مقام افغانی فوق، داود، شاه را وادار کرده بود که اصلاحات لازم را انجام دهد.

سلامتی

داود تحت معالجات پزشکی در سوئیس در سال ۱۹۵۹ برای چیزی که در آزمایشات، دیسک جابه جا شده شناخته شده بود، قرار گرفت.

در جستجوی کمک بیشتر پزشکی در وین در سال ۱۹۶۰، معلوم شد که او از تنظیم نبودن ستون فقرات و روماتیسم رنج می‌برد؛ اگر چه درباره او گزارش شده که علیرغم دنبال کردن یک زندگی شبانه سنگین

بیش از آنکه بیمار به نظر برسد، سرحال بوده است. با ترک وین در آوریل ۱۹۶۰ او به مراکز استراحتی اتحاد شوروی واقع در سوخی، جهت چند هفته استراحت و معاینه پزشکی رفت. در فوریه ۱۹۶۱ هنگامی که در رم بود، تحت عمل جراحی برای دیسک جابجا شده‌اش قرار گرفت. در مدت یک ملاقات که در انگلستان در ژوئیه ۱۹۹۱ داشت، مقامات انگلیسی در مورد سلامت بدنی و هوشیاری مغزی او نظر دادند. داود در خانه‌اش به خاطر یک بیماری که فاش نشد برای دو هفته در اوت ۱۹۶۸ محبوس شد. در ۱۹۷۲ او از یک حالت تورم کبدی رنج می‌برد که بدون تکمیل معالجات تحت مداوا قرار گرفت. ناظرین مختلف در مورد سلامت مغزی داود شک کرده‌اند. در ۱۹۶۰ چندین عضو خانواده سلطنتی به او لقب «شاهزاده دیوانه» داده بودند. آنها گفتند که در وحشت به سر می‌برده‌اند و جرأت انتقاد از داود را نداشته‌اند. همان منابع ادعا کردند که داود به ظاهر شاه گفته تنها دلیلی که او هنوز شاه است به خاطر این است که او به عنوان نخست وزیر می‌خواهد او (ظاهر شاه- مترجم) در آنجا باشد. اخیراً یک مقام دولتی پاکستان، داود را به عنوان یک «دیوانه» واقعی توصیف کرد و ادعا کرد که رئیس جمهور یک بار تحت معالجات روانی در شوروی قرار گرفته است. اخیراً یک روزنامه‌نگار، داود را مانند (کسی که) خسته و خمود به نظر می‌رسد، توصیف کرد.

مسافرت

داود در رأس هیئت نمایندگی افغانستان در سال ۱۹۴۸ به سومین دوره مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پاریس رفت. در سال ۱۹۵۳ او به عنوان نماینده شاه در تشییع جنازه ژوزف استالین در مسکو و در تاجگذاری ملکه الیزابت دوم در لندن شرکت کرد. او در کنفرانس کشورهای غیر متعهد در بلگراد در سپتامبر ۱۹۶۱ شرکت کرد. به اضافه کشورهای کمیونسیتی در ۱۹۵۷، آمریکا در ۱۹۵۸، هند در ۱۹۵۹، ایران در ۱۹۶۰ و آلمان در ۱۹۶۱ دیدن کرده است.

«دیو بازارها»

از زمان کودتا داود در جستجوی این بوده که محبوبیت خود و تحقیرش را از خانواده سلطنتی با پافشاری بر اینکه به او آقا داود بگویند و نه رئیس جمهور، به نمایش بگذارد. طبیعتاً نرم و غیر رسمی صحبت می‌کند، معمولاً ظاهری آرام دارد، ولی بعضی مواقع یک حالت وحشیانه از خود نشان می‌دهد. گفته می‌شود که او با دوستان باوفا است، ولی گفته شده که نسبت به دشمنانش تند و حتی بیرحم است. به عنوان نخست وزیر او با لباس مبدل مغازه‌ها را مورد بررسی قرار می‌داد، با این عقیده که از صداقت فروشندگان مطمئن شود. به این دلیل او لقب «دیو بازارها» را به دست آورده بود. مطابق شایعات بازار، یک نانوا را به خاطر قیمت اضافه که بر روی نان کشیده بود به وسیله زنده پختن او در اجاق (تتور) خودش تشبیه کرد. بر طبق شایعات یک تشبیه عمومی تر (او این است که) گوش فروشندگان بی دقت را به دیوار می‌خکوب می‌کرده است.

رئیس جمهور یک مشروب خور خوب و یک سیگارکش قهار است. در مدت بازنشستگی او کمی علاقه به کشاورزی نشان داد. او خیلی روان ترکی، فارسی، پشتو و فرانسه صحبت می‌کند. او مقداری انگلیسی می‌داند، اگر چه ترجیح می‌دهد از آن استفاده نکند.

خانواده

در ۱۹۳۴ داود بازینب جان، خواهر ظاهر شاه از دواج کرد. آنها حداقل ۳ پسر و ۴ دختر دارند. یکی از دخترها بین سالهای ۶۲-۱۹۶۱ مقیم واشنگتن بوده است. یکی از پسران در مسکو درس می خواند، داود یک یا دو بار در سال او را ملاقات می کند. ۱۳ اوت ۱۹۷۳

سند شماره (۲)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزیر امور خارجه واشنگتن
تاریخ: ۳۰ ژانویه ۷۸
طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند ۰۸۲۰ کابل

موضوع: افغانستان در سال ۱۹۷۷

۱- خلاصه: در سال ۱۹۷۷ استقلال و امنیت افغانستان بدون تغییر ماند و به این ترتیب مورد رضایت هدفهای اصلی ما در مورد افغانستان قرار گرفت. رئیس جمهور داود کمک زیادی به بهبود ثبات منطقه ای کرد و بدین ترتیب به تحقق یکی دیگر از هدفهای اصلی آمریکا جامه عمل پوشاند و از اینکه اوضاع درهم و برهم پاکستان مورد بهره برداری قرار گیرد اجتناب کرد. داود به سیاست نزدیکی بین خود و بوتو، نخست وزیر سابق پاکستان که از سال ۱۹۷۶ آغاز شده بود ادامه داد و هم چنین قادر شد تا با ایران به حل اختلافات در مورد آبهای رود هیرمند (هلمند) به توافق متقابل برسد.

۲- حوادث مهم روابط دوجانبه آمریکا و افغانستان از این قرار بودند:

الف: برقراری یک کمیسیون مشترک برای مبارزه با مواد مخدر.

ب: پشتیبانی افغانستان از موضع سازمان ملل متحد در مورد مسائل مربوط به جزیره گوام و پورتوریکو.

ج: دعوت کارتر از داود برای دیدار رسمی از آمریکا. (پایان خلاصه)

۳- مناسبات با آمریکا: روابط بین آمریکا و افغانستان در سال ۱۹۷۷ بسیار عالی بود. حکومت افغانستان تعهد خود را نسبت به آمریکا برای برقراری یک کمیسیون مشترک به منظور کنترل مواد مخدر و قاچاق مواد مخدر انجام داد. بر خلاف ۱۹۷۶ هنگامی که حکومت افغانستان تعهد خود را درباره عدم مخالفت با آمریکا در مورد مسئله گوام و پورتوریکو پس گرفت، این بار حکومت افغانستان در سال ۱۹۷۷ در مورد مسئله گوام و پورتوریکو به آمریکا کمک کرد.

داود دعوت کارتر را برای دیدار از آمریکا در تابستان ۱۹۷۸ پذیرفت. تأمین مالی آموزش افسران افغانی در آمریکا دو برابر شد تا بدین ترتیب سلطه شوروی در زمینه پشتیبانی خارجی نیروهای مسلح افغانستان خنثی شود.

۴- حکومت افغانستان در کوشش برای هماهنگ کردن برنامه های خود، با رهنمودهای کمکی کنگره آمریکا، به منظور استفاده از این کمکها کوشید. نگرانی افغانستان بر سر آنچه که به نظر آنها کاهش تعهد آمریکا در کمکهای عمرانی بود منطقه بود، ابراز شد. رهبران افغانستان اغلب به مقامات آمریکایی مقیم افغانستان و سایر مقاماتی که از این کشور دیدن می کردند گفتند که افغانستان خواستار کمکهای محسوس تر آمریکا و پیشنهاد متقابل آمریکا درباره حضور در این کشور برای مقابله با حضور شورویها

در آن است.

۵- مقامات افغانی دو تماس سطح عالی با رهبران آمریکا در سال ۱۹۷۸ داشتند. هنگامی که عبدالوحید کریم سفیر افغانستان استوارنامه‌های خود را در روز ۲۳ ژوئیه به رئیس جمهوری آمریکا تسلیم کرد، کارتر به او گفت: «ایالات متحده آمریکا تشکیل قانون اساسی شما را از نزدیک از مد نظر گذرانده است و ما به ویژه از تسهیلات مربوط به حقوق بشر آن آگاه هستیم... ما همچنین از کوششهای داود برای بهبود رفاه اقتصادی مردم افغان بسیار آگاه هستیم و مایلیم که در این کوشش کمکی کرده باشیم.» رئیس جمهوری همچنین حکومت افغانستان را درباره برقراری یک کمیسیون مشترک درباره مسئله مواد مخدر در افغانستان که دو روز قبل صورت گرفته بود مورد تمجید قرار داد و علاقه شدید شخصی خود را در کنترل مواد مخدر بیان کرد.

۶- سپس روز اول اکتبر اندکی قبل از اجلاسیه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، وحید عبدالله، وزیر امور خارجه افغانستان با سایروس ونس، وزیر امور خارجه و اترتون، معاون او ملاقات کرد. به وحید عبدالله گفته شد که حکومت آمریکا مسئله تولید تریاک را در افغانستان به عنوان یک مسئله فوری و فوری تلقی می‌کند. (این نظر به وسیله سناتور ویلیام اسکات از ایالت ویرجینیا در جریان دیدار سناتور از کابل نیز منعکس شد. سناتور ویرجینیا به داود گفته بود که کمک آینده آمریکا مشروط به فعالیت حکومت افغانستان در کنترل مواد مخدر خواهد بود.) وحید عبدالله به طرف آمریکایی اطمینان داد که داود شخصاً در پشت سر کوششهای حکومت افغانستان در کنترل کشت تریاک قرار گرفته است.

۷- در همین ملاقات عبدالله اظهار داشت که حکومت افغانستان خواستار روابط نزدیکتر با حکومت جدید آمریکا و همچنین یک حضور «مشهود» آمریکا در افغانستان می‌باشد. وزیر امور خارجه آمریکا پاسخ داد که آمریکا از استقلال و تمامیت ارضی افغانستان پشتیبانی می‌کند و به برنامه‌های کمکی خود ادامه خواهد داد. ونس، همچنین ضمن اظهار نظر بیشتر خود گفت که رؤسای جمهوری دو کشور باید همدیگر را بهتر بشناسند و در رابطه با این مسئله دعوت‌نامه رئیس جمهوری آمریکا را برای دیدار رسمی از ایالات متحده آمریکا در تابستان ۱۹۷۸ تسلیم وزیر امور خارجه افغانستان کرد. بعد رئیس جمهوری افغانستان این دعوت را پذیرفت.

۸- مناسبات با اتحاد جماهیر شوروی: مهمترین مناسبات دو جانبه افغانستان همچنان پیوند حساس و در عین حال سودآور این کشور با همسایه شمالی آن بوده است. شورویها ظاهراً از هر گونه مداخله‌ای در امور داخلی افغانستان اجتناب کرده‌اند و موضع خود را به عنوان کمک کننده اصلی به افغانستان (بیش از یک میلیارد دلار در ربع قرن اخیر، با مقایسه با کمتر از نیم میلیارد دلار از جانب ایالات متحده آمریکا بوده است) حفظ کردند.

هر چند که در سال ۱۹۷۷ هیچ‌گونه کمک اضافی به افغانستان از سوی شورویها تعهد نشد، طرفین مذاکراتی در ماه آوریل درباره مصرف هفتصد میلیون دلار اعتبار شوروی که تاکنون به افغانستان تعهد شده است انجام دادند. تحویل تجهیزات شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۷ شامل سلاحهای جدید مهم، مانند موشکهای... و زمین به هوا بوده است.

۹- از ۱۲ تا ۱۳ آوریل، داود از اتحاد جماهیر شوروی دیدن کرد که هر دو طرف، این دیدار را یک دیدار عادی توصیف کردند که در ضمن، جزء مهم‌ترین انگیزه‌های داود برای دریافت دعوت‌نامه‌ای از

آمریکا بوده است تا آنچه را که حکومت افغانستان به عنوان یک موازنه سیاسی بین دو ابر قدرت تلقی می‌کند حفظ شود). داود در جریان دیدار از مسکو یک قرار داد جدید ۱۲ ساله برای گسترش مناسبات اقتصادی و بازرگانی دو کشور افغانستان و شوروی امضاء کرد.

۱۰- مناسبات با چین: افغانیها برای فراهم کردن نوع دیگری از موازنه نسبت به سفر داود به اتحاد شوروی، روز نهم آوریل از هیئت نمایندگی از جمهوری خلق چین تحت ریاست چای شوفان، معاون وزارت بازرگانی خارجی این کشور پذیرایی کردند؛ ولی این دیدار نتیجه چنان برجسته‌ای نداشت.

۱۱- هرچند داود در نطقی در اجتماع..... در اوایل سال اظهار امیدواری برای مناسبات رو به توسعه دائمی با چین کرده بود، ولی در این جهت هیچ اقدام برجسته‌ای در سال ۱۹۷۷، صورت نگرفت. راه نفوذ چین در افغانستان (که شامل بعضی طرحهای جزئی عمرانی است) کاملاً محقرانه است ولی این طرحها نیز کافی است که نشان‌دهنده بی طرفی افغانستان بین مسکو و پکن باشد.

۱۲- مناسبات با پاکستان: نزدیکی قابل ملاحظه بین داود و بوتو نخست وزیر سابق پاکستان که سال قبل آغاز شده بود در سراسر دوره تحولات سال ۱۹۷۷ در پاکستان ادامه یافت. بوتو در جریان دیدارش از کابل در ماه ژوئن (یعنی اندکی قبل از سقوطش)، با یک استقبال تشریفاتی ولی نسبتاً خویشتن‌دار و سرد در افغانستان رو به رو شد و در آن زمان حکومت افغانستان پیشنهاد کرده بود که مذاکرات تفصیلی درباره پشتونستان (که از سوی افغانستان به عنوان تنها نقطه مورد اختلاف بین دو کشور توصیف شده است به بعد از انتخابات پاکستان که در آن زمان مورد انتظار بود) موکول شود.

تفاهمهای مشابهی بعداً با ضیاء الحق، فرماندار نظامی کل پاکستان، در جریان دیدار او از کابل در تاریخ ۱۱-۱۰ اکتبر حاصل شد. ضیاء الحق به افغانها اطمینان داد که همه عناصر جامعه پاکستان اکنون موافق با تشنج‌زدایی با افغانستان هستند، که این امر مورد توجه و رضایت افغانها قرار گرفت. افغانها نیز به نوبه خود با دقت هر چه بیشتر از هر گونه مداخله‌ای در امور داخلی پاکستان اجتناب کردند؛ هر چند هنگامی که ولی خان اخیراً از زندان آزاد شد و اجازه یافت که در فهرست سیاسیون قرار گیرد، آنها ابراز خشنودی زیادی در این باره کردند.

۱۳- شورویها از لحاظ ظاهر نسبت به نزدیکی افغانستان و پاکستان تاکنون هیچ‌گونه عکس‌العملی از خود نشان نداده‌اند. از سوی دیگر، مقامات آمریکایی، در هر دو کشور رضایت واشنگتن را درباره این تحول که یکی از مهمترین هدفهای منطقه‌ای آمریکا است. ابراز داشتند.

۱۴- مناسبات با ایران: داود همچنین مناسبات بهتری با پسر عموی فرهنگی افغانستان، ایران، از طریق حل مسئله مورد اختلاف بین دو کشور مربوط به تقسیم آبهای رودخانه هیرمند - لااقل برای زمان حاضر - به ارمغان آورد. حکومت افغانستان پس از اینکه محمد نعیم، برادر و فرستاده ویژه داود را به تهران فرستاد تا راه را هموار کند، اسناد مربوط به تصویب قرارداد آبهای هیرمند را که در سال ۱۹۷۳ امضاء شده بود و بعد از سقوط حکومت سلطنتی که آن را مورد مذاکره قرار داده بود در حالت بلا تکلیفی به سر می‌برد به تصویب رساند. نعیم همچنین تفاهم ایران را در مورد طرح کنترل سیلابها و آبیاری رود هیرمند که تا آن زمان مورد اختلاف بود به دست آورد. افغانستان مایل بود که این طرح را در هیرمند سفلی به مورد اجرا بگذارد. (این طرح در مرحله تهیه است.)

۱۵- از لحاظ جنبه منفی، معذالک، افغانها همچنان نسبت به وعده‌های گذشته ایران در مورد کمک به

افغانستان که افغانها به طور موجه آن را یک نوع ارتداد از جانب ایران تلقی می‌کردند نسبت به ایران احساسات خوبی نداشتند. به علاوه در اواخر سال، هر دو دولت به نحو شدید، ولی در عین حال بدون سروصدا می‌کوشیدند تا اختلافی را بر سر یک قطعه کوچکی از مرز بین دو کشور در نزدیکی اسلام‌قلعه در جاده مشهد به هرات حل کنند. دستگاه رهبری افغانستان که از اظهار نگرانیهای شاه درباره نفوذ شوروی در افغانستان و فقدان یک نقشه امن برای جانشینی داود سخت تحریک شده بودند، متقابلاً در هر فرصت مناسب نگرانی خود را بر سر مسئله جانشینی در ایران عنوان می‌کردند.

۱۶- روابط با سایر کشورها: در فصل پاییز، حکومت افغانستان از یک عده مقامات خارجی، در فواصل زمانی بسیار کوتاهی پذیرایی کرد و دیدار این مقامات نتیجه چندانی به بار نیاورد؛ با پلگرین توراس معاون وزارت امور خارجه کوبا (۲۳-۱۹ سپتامبر)، پال لوشونچی رئیس جمهوری مجارستان (۱۸-۱۵ اکتبر)، طه محی‌الدین معروف نایب رئیس جمهوری - عراق (۲۵-۲۲ اکتبر)، مانگالین دوگر سورن وزیر امور خارجه مغولستان (۳۰-۲۶ اکتبر). وحید عبدالله وزیر امور خارجه افغانستان پس از بازگشت از مجمع عمومی ملل متحد و سیاحت در ایالت کالیفرنیا از کشورهای عراق و ایران و چند کشور ساحلی خلیج فارس دیدن کرد و در این کشورها کوشید تا مساعدت مالی کشورهای هم‌مذهب و ثروتمند خود را نسبت به افغانستان جلب کند. بیشتر این جنب و جوش دیدارهای دیپلماتیک به منظور تقویت استوارنامه‌های افغانستان به عنوان یک کشور فعال غیر متعهد بود، در عین حال افغانستان به نحو جاه‌طلبانه‌ای خود را برای میزبانی در ماه مه از کمیته فرهنگی گروه کشورهای غیر متعهد آماده می‌کرد. حکومت افغانستان فعالیت خود را در پشتیبانی از نهضت کشورهای غیر متعهد در چندین زمینه، از قبیل کنفرانس دریاها و گفت و شنود اقتصادی شمال و جنوب افزایش داده است. افغانستان همچنین شدیداً علاقه‌مند است تا وضع کشورهای بی که به دریا راه ندارند از لحاظ عمرانی بهبود یابد و در سراسر سال ۱۹۷۷ هر فرصتی را برای پیشبرد این آرمان مورد بهره‌برداری قرار داده است.

۱۷- هر چند مطبوعات افغانستان، که تحت کنترل دولت است، گزارش داده‌اند که فعالیت مربوط به مذاکرات صلح در خاورمیانه به نحو کامل و متعادل در جریان است، حکومت افغانستان با احتیاط کامل سیاست دیرین خود را درباره اجتناب از هر گونه درگیری همچنان دنبال کرد و در این زمینه دقت خاصی، از زمانی که سادات با چند کشور عربی قطع رابطه کرده به کار برده است. افغانیها خود را مسلمان غیر متعلق به نژاد سامی تلقی می‌کنند که از موضع‌گیری خاصی بجز طرفداری لفظی از آرمان عرب هیچ نفع دیگری ندارد.

۱۸- نظریه: منافع ایالات متحده آمریکا در پیشبرد و حفظ ثبات منطقه‌ای در طول سال از طریق بهبود ناشی از احساس مسئولیت مناسبات افغانستان با پاکستان و ایران، تحقق یافت. طرز عمل و رفتار او (داود - مترجم) در مورد مناسبات دشوار و پیچیده کشور با اتحاد جماهیر شوروی بسیار ماهرانه و از روی توانایی صورت گرفت. از چندین لحاظ، اوضاع ژئوپلیتیک افغانستان تا اندازه‌ای شباهت به اوضاع فنلاند دارد و داود این مبارزه طلبی را اگر بهتر از ککونن (رئیس جمهور فنلاند - مترجم) انجام ندهد، با او برابر است. ۱۹- برای پشتیبانی از کوششهای افغانستان در راه حفظ استقلال این کشور از فشارهای شوروی به وسیعترین درجه ممکن که هدف اصلی سیاست آمریکا در این کشور است، ما به نشان دادن علاقه دوستانه و محسوس خود از طریق یک حضور مشهود آمریکا در این کشور ادامه می‌دهیم. دیدار رسمی داود از

ایالات متحده آمریکا از اقلام کلیدی برنامه سیاسی ایالات متحده آمریکا نسبت به افغانستان در سال ۱۹۷۸ به شمار می‌رود.

خیلی محرمانه

سند شماره (۳)

بعضی از مهمترین شخصیت‌های دولت افغانستان پس از تره‌کی و امین: شاه‌ولی: معاون نخست وزیر، وزیر امور خارجه و عضو شورای مرکزی حزب کمونیست. او عموماً به عنوان مرد شماره سه هیئت حاکمه افغانستان شناخته می‌شود. اختلاف آشکاری با امین یا تره‌کی ندارد. یک پزشک تحصیلکرده در افغانستان است که احتمالاً دوره‌هایی در چکسلواکی دیده است. او همچنین وزیر بهداشتی و وزیر برنامه‌ریزی نیز بوده است.

محمد اسلام و طنجانار، وزیر کشور: او تانک‌هایی را که در آخرین کودتا به کاخ حمله کردند رهبری می‌کرد و همچنین در کودتای قبلی در سال ۱۹۷۳ رانندگی تانک فرماندهی را به عهده داشت. پس از کودتا معاون نخست وزیر شد ولی به زودی مقامش تنزل پیدا کرد و وزیر کشور شد. (جایی که نفوذ کمی حتی در خود وزارت کشور داشت.) بعداً به مدت کوتاهی فرمانده ارتش بود و موقعی که دولت به یک سرباز محبوب احتیاج داشت وزیر دفاع شد و در آخرین تغییرات کابینه دوباره وزیر کشور شد. وی به عنوان یک شخص با عرضه و جاه‌طلب و یک راننده تانک، شخص انعطاف‌پذیر که زیاد هم باهوش نیست، شناخته شده است. هیچ کس در شجاعت و میل به ریسک‌های شخصی که در وی وجود دارد، شک ندارد. هیچ نشانه‌ای مبنی بر عدم وفاداری به تره‌کی و یا امین از خودش نشان نداده است ولی به احتمال زیاد کسی خواهد بود که بر علیه دولت کودتا خواهد کرد (این موضوع مورد تأیید تره‌کی و امین نیز هست). او کمتر طرفدار روسیه است و عقایدش کمتر از غیر نظامیها در دولت عملی است.

سرتیپ شرجان مزدوریار، وزیر امور مرزها: این وزارتخانه مهم نیست و ممکن است که کار وی تمام شود. او اخیراً از وزارت کشور به این پست انتقال یافت. او قبلاً در آن واحد فرمانده یکی از تیپهای مسلح نزدیک کابل، فرمانده پادگان کابل و فرمانده سپاه ارتش در کابل بود. او با وطنجانار خیلی صمیمی است و به احتمال زیاد با وی در کودتا شرکت خواهد کرد.

عبدالکریم میثاق، وزیر اقتصاد و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست: خودش درس خوانده و در یک خانواده فقیر بزرگ شده و زمانی از وی به عنوان مرد شماره چهار در دولت اسم برده می‌شد ولی احتمالاً مقامش تنزل پیدا کرده است. اطلاعاتی مبنی بر اختلاف وی با رهبران حزب نداریم.

دکتر محمد اقبال، معاون اول وزارت دفاع: او مسؤل این است که ارتش را وفادار کند و در حقیقت وی وزارتخانه را اداره می‌کند. (البته این موضوع ممکن است از یک ماه پیش که امین خودش مسؤل وزارتخانه شده است فرق کرده باشد.) او مرد مورد اعتماد امین است و در حلقه دولت، عامل بسیار مهمی محسوب می‌شود.

سند شماره (۴)

موقعیت سیاسی و نظامی در افغانستان

جنگها و قیامهای قبیله‌ای: محلی در استانهای شرقی که پس از به قدرت رسیدن کودتاچیان طرفدار

روس در اواخر آوریل ۱۹۷۸ به وجود آمده بودند، تبدیل به طغیان در سراسر کشور شده است. (سری)
الف: در مواجهه با دشمنی و خصومت، اکثر جمعیت افغانستان که از نظر سنتی مستقل می‌باشند، رژیم
تره‌کی و نخست‌وزیرش امین خیلی بعید است که بتواند دومین سال خود را به پایان برساند. (سری)
ب: رژیم تره‌کی و امین تا زمانی می‌تواند پایدار بماند که حزب حاکم، ارتش و سازمان امنیت به آنها
وفادار باشند که فشار زیادی بر آنها از سوی نیروهای متخاصم وارد می‌شود.

۱- رژیم‌هایی که به احتمال زیاد جانشین این رژیم خواهد شد، رژیم‌هایی به رهبری و یا حداقل به پشتیبانی
افسران چپی ارتش خواهد بود (وطن‌جار و یا مزدوریار).

۲- کودتاچیان که در هر صورت روابط نزدیکی با شوروی خواهند داشت، در به دست گرفتن قدرت از
شوروی اجازه خواهند گرفت.

۳- شوروی خواهان به قدرت رسیدن رژیم‌هایی است که پایه‌های وسیعتر و مستحکمتری داشته باشد تا
طغیان و قیام قبایله‌ها فروکش کند.

۴- پس از آنکه حزب دمکراتیک خلق افغانستان قدرت را در آوریل ۱۹۷۸ به دست گرفت. تره‌کی و
امین رهبران رژیم بوده‌اند.

الف: اگر چه تره‌کی ۶۲ ساله در وضع جسمانی خوبی به سر نمی‌برد، ولی نشانه‌های موجود حاکی از
آن است که نقش وی نسبت به روزهای اول انقلاب کاهش پیدا کرده است.

ب: امین تصمیم‌گیرنده بالفعل در امور روزمره دولت می‌باشد. این موضوع که وی قدرت اصلی رژیم
است در تاریخ ۳۱ مارس که وی از سمت معاونت نخست‌وزیر به پست نخست‌وزیری ارتقاء پیدا کرد
تأیید شد. لازم به توضیح است که پس از انقلاب، تره‌کی خودش نخست‌وزیر هم بود.

ج: خط‌دهنده و تصمیم‌گیرنده اصلی رژیم، شورای مرکزی هفت نفره حزب حاکم می‌باشد.

۱- تره‌کی، امین، معاون نخست‌وزیر، شاه ولی، رهبران شورای مرکزی می‌باشند.

د: ظاهراً رهبران سطح بالای حزب در مقابل مشکلات داخلی با هم متحد می‌باشند.

۱- البته اصطکاک‌هایی وجود دارد ولی رهبران تشخیص می‌دهند که موقعی که موجودیت خودشان به
وسیله قیامها و طغیانها در خطر است، باید اختلافات را کنار بگذارند.

۲- موجودیت رژیم محاصره شده تره‌کی با افزایش و توسعه طغیانها به خطر افتاده است و این
موجودیت شدیداً وابسته به پشتیبانی فنی، اقتصادی، نظامی و سیاسی شوروی می‌باشد (در حال حاضر
بین ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ مستشار روسی در افغانستان می‌باشند).

الف: وابستگی کامل افغانستان به شوروی، رل بیشتری به شوروی در تصمیم‌گیریهای روزمره دولت
افغانستان داده است.

۱- هنوز تره‌کی و امین ترسیم‌کننده خطوط اصلی سیاست می‌باشند.

ب: رژیم هنوز با یک موقعیت امنیتی مواجه نیست که اقتضا کند تا از شوروی درخواست مداخله
مستقیم نماید.

۱- هر چند می‌توان تصور کرد که در ۱۲ ماه آینده احتمالاً از نیروهای شوروی تقاضای مداخله شود.

ج: روسها اقداماتی برای حفاظت منافع خود در افغانستان خواهند کرد ولی احتمالاً مداخله نظامی
نخواهند کرد؛ اگر چه ممکن است واحدهای کوچکی برای حفاظت پرسنل خودشان به افغانستان

بفرستند.

۱- روسها به خاطر آنکه ممکن است برای نجات دادن یک رژیم بی اعتبار، نیروهایشان را برای مدت نامحدودی در شوروی درگیر کنند، دست به این اقدام نخواهند زد.

۲- رهبران روسیه باید عواقب و بهای مداخله مستقیم را، مخصوصاً نسبت به ایران، پاکستان، هند و سیاست بین‌المللی بسنجند.

۳- با این حال اگر جنگهای نزدیک مرز شوروی شدت بگیرد، شوروی هواپیما، هلیکوپتر (MI-24) خلبان و مستشاران را به کمک رژیم کابل خواهد فرستاد.

۴- دولت در مقابل قیامهای قبیله‌ای که در حال گسترش هستند و قدرت نظامی را فرسایش می‌دهند، تاکنون پیشرفتی نداشته است.

الف: اگر کاهش روحیه ارتش ادامه پیدا کند، در قدرت دولت برای نگهداشتن شهرهای مهم مثل کابل اثر خواهد گذاشت.

ب: سربازان مجروح و سربازانی که به یاغیان پناهنده می‌شوند، رژیم را دچار کمبود نیرو در سراسر کشور کرده است.

ج: با وجود کمکها و پشتیبانیهای شوروی، افغانها دچار مشکلاتی در نگهداری وسایل و تدارکات جبهه شده‌اند.

۱- طغیان قبایل تقریباً در نیمی از کشور گسترده است. آنها در چند نقطه، محلهای دولتی را گرفته‌اند و چند جاده را هم برای چند ساعت در اختیار داشته‌اند ولی نتوانسته‌اند شهر مهمی را بگیرند.

الف: آنها فاقد رهبری مرکزی و همکاری استراتژیک هستند که آنها را متحد و تبدیل به یک نیروی پیوسته کند.

ب: آنها هنوز قادرند فشارهایی بر رژیم برای مدتی وارد کنند.

۱- آنها یک سنت و سابقه طولانی در جنگهای چریکی دارند و می‌توانند نیروی زیادی را بسیج کنند.

۲- احتیاج آنها به سلاحهای ساده، آنها را مقدور ساخته است تا با سلاحهایی که از دولت به غنیمت می‌گیرند، خودشان را مسلح کرده و زندگی کنند.

سند شماره (۵)

تاریخ: ۳ می ۷۸

طبقه بندی: سری

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

رونوشت به: سفارت آمریکا در تهران

شماره سند: کابل ۳۵۱۱

موضوع: اطلاعات بیوگرافی درباره کابینه افغانستان

۱- آنچه در ذیل می‌آید اطلاعات بیوگرافی درباره اعضای کابینه افغانستان است که در ماه می اعلام شده و فعلاً در دسترس سفارت است.

نورمحمد تره‌کی: نخست وزیر و رئیس شورای انقلاب (گزارش بیوگرافیک کابل ۳۳۷۲)

ببرک کارمل: نایب رئیس شورای انقلاب و معاون نخست وزیر. کارمل (غالباً فقط به عنوان ببرک شناخته

شده) در حدود سال ۱۹۲۹ در نزدیکی کابل متولد شد. او پسر یک ژنرال احتمالاً فامیل دور داود است. وی هنگامی که در کابل بود یک دانشجوی آشوبگر بود و ۵ سال (از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۶) را در زندان گذراند. بعد از آزادیش از زندان دوره حقوق خود را به پایان رساند و با میر اکبر خیبر، رهبر کمونیست که قتلش در ۱۷ آوریل، اولین نشانه آشکار از ناآرامی بود که اتفاق افتاد، (گزارش کابل ۳۱۴۲) دوست شد. تقریباً در سال ۶۰ او دوست نزدیک (عاشق) آنهایتا راتبزاده شد، که اکنون وزیر امور اجتماعی است. و در سال ۱۹۶۵ او برای پارلمان انتخاب شد. در ۱۹۶۵ به عنوان یک عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست در کنگره آن برگزیده شد. در ۱۹۶۷، او در مخالفت با گروه تره کی (خلق) برای تشکیل حزب پرچم به خیبر پیوست. به خاطر تماسهای نزدیک با ولی خان و حزب عوام ملی در پاکستان، او به عنوان یک حامی قوی مسئله پشتونستان شناخته شده بود.

در سال ۱۹۷۳ او «بزرگترین تظاهرات در تاریخ افغانستان» را برای اعتراض به موافقتنامه آبهای هیرمند با ایران، رهبری کرد. ببرک یکی از هفت رهبر کمونیستها بود که توسط حکومت داود در ۲۵ آوریل دستگیر شد. (کابل ۳۲۲۷)

حفیظ الله امین: معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه. امین در سال ۱۹۲۸ در پغمان متولد شد. در اوایل سال ۱۹۵۹ او به عنوان یک چپی آشوبگر شناخته شد. امین در رشته آموزش و پرورش متوسطه در سال ۱۹۵۸ از کلمبیا لیسانس گرفت و برای دو سال تحصیل اضافی (در سالهای ۶۵-۱۹۶۳) به کلمبیا بازگشت. هزینه هر دو اقامت موقتی او توسط بورس کمکی ایالات متحده تأمین شد.

امین با تره کی در اواسط سالهای ۶۰ همکاری نمود و در دسته بندیهای بسیار سخت بین خلق و پرچم در سال ۱۹۶۷ توسط پرچمیها متهم شد که عامل سیا است. به عنوان عضو مجلس عوام، امین گاهگاهی صریحاً علیه فعالیتهای ایالات متحده در افغانستان صحبت می کرد. امین هم در میان آن کمونیستهایی بود که توسط حکومت داود در ۲۵ آوریل دستگیر شد.

ناخدا محمد اسلام: معاون نخست وزیر و وزیر مخبرات. (گزارش کابل ۳۳۵۰ را ببینید)
سرهنگ عبدالقادر: وزیر دفاع. (گزارش وزارت خارجه ۱۱۰۰۷۴ و دفتر وابسته دفاعی، کابل ۷۸-۰۰۳۸ - ۸۰۰ - ۶ - ۸۴ را ببینید.)

نور احمد (پنجوایی): وزیر امور داخلی. احمد یانور، یا پنجوایی، پسر یک ملاک ثروتمند در منطقه قندهار است. به نظر می رسد که او یک فارغ التحصیل دانشگاهی باشد. انگلیسی صحبت می کند و قبل از انتخابش برای پارلمان در سال ۱۹۶۵ یک کارمند جزء در وزارت امور خارجه بود. در سال ۱۹۶۸ او با ببرک کارمل و حزب پرچم همکاری کرد. در پارلمان، او یک خط کمونیستی تندی را انتخاب کرد، اما اطلاعات بیوگرافی ما به طور مبهم بیان می کند که او ممکن است رام شدنی تر و بی تعصب تر از دیگر کمونیستها باشد.

سلطان علی کشتمن: وزیر طرح و برنامه، کشتمن در سال ۱۹۵۳ در کابل متولد شد. گزارش شده که او در سال ۱۹۶۶ عضو کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق (شکل پیشین حزب خلق) بوده است. در سال ۱۹۶۵ او برای به دست آوردن یک کرسی در مجلس عوام تلاش کرد ولی در انتخابات شکست خورد. در سال ۱۹۶۷ او پست مدیر کلی را در بخش اقتصادی وزارت صنایع و معادن تصرفت کرد. خواهران او از اولین حامیان آنهایتا راتبزاده، وزیر امور اجتماعی، فعلی بوده اند.

عبدالکریم میثاق: وزیر دارایی. (هیچ اطلاعات بیوگرافی وجود ندارد)

دکتر صالح محمد زاراری: وزیر کشاورزی. دکتر زاراری فارغ‌التحصیل دانشکده پزشکی دانشگاه کابل بود: جایی که او در تمام هفت سال شاگرد اول کلاسش بود. او در انتخابات ۱۹۵۹ کاندیدای پارلمان از قندهار شد. ظاهراً او گاهی در حین فعالیت سیاسی دستگیر شده بود. در آن موقع او یک عضو «کمیته مرکزی گروه ببرک» بود. یک گزارش دیگر دلالت می‌کند بر اینکه دکتر زاراری یک بار در اواخر سال ۱۹۶۹ به دلیل اینکه حزب خلق در مقابل دستگیری او به دولت اعتراض نکرده بود، از حزب استعفا کرد. او در آن موقع پیشنهاد کرد که توسط حزب می‌بایست از حفیظ‌الله امین (عضو سابق کمیته مرکزی خلق) خواسته شود که در اعتراض علیه دستگیری او (دکتر زاراری) از پارلمان کناره‌گیری کند. حزب استعفا او را به نحو کم‌اهمیتی در منطقه گزارش کرد. او بعداً دوباره سمت خود را در حزب خلق به دست آورد. زاراری شوهر خواهر مدیر روابط فرهنگی و خارجی دانشگاه کابل، پیر محمد زاراری، است.

عبدالحکیم شهبابی: وزیر دادگستری و وکیل عمومی. شهبابی در سال ۱۹۶۲ یک دانشجوی دو ساله در بخش روزنامه‌نگاری دانشکدهٔ مراسلات بود. در آن موقع به او پیشنهاد شد که خبرنگار نیروهای امنیتی افغان شود. یک منبع گفت که او در همان موقع در حزب کمونیست فعال بود و انتظار داشت که بدان وسیله روزی رهبر مهمی شود. در سال ۱۹۶۳ شهبابی به عنوان یک کمونیست خیلی فعال آماده شده بود که برای به وجود آوردن و تحریک کردن اختلافات بین ازبکها و پشتونها در سرپل، نزدیک مزار شریف، مشغول فعالیت شود. در آن موقع او در بخش دایرة‌المعارف افغان در وزارت آموزش و پرورش کار می‌کرد. منبع دیگری گزارش داد که در همین موقع او به طور منظم در تمام میتینگهای حزب کمونیست شرکت می‌کرد و برای انتشار تبلیغات حزب و «عقاید ضد اسلامی» وارد فعالیت شد. شهبابی یکی از کمونیستهایی بود که توسط دولت داود در ۲۵ آوریل دستگیر شد.

دکتر شاه ولی (آله کوزای ALEKOZAI): وزیر بهداشت عمومی. نام اخیر، آله کوزای، او را به عنوان یک پشتون از منطقهٔ قندهار تثبیت می‌کند. (شاه) ولی از مدرسهٔ پزشکی دانشگاه کابل فارغ‌التحصیل شد و دستیار یک پروفیسور در مدرسهٔ پزشکی جلال آباد بود. او ممکن است مقداری تعلیمات در چکسلواکی دیده باشد. در زمان کودتا او معاون مدیر بیمارستان زنان دانشگاه کابل بود. (شاه) ولی یکی از هفت کمونیستی بود که در ۲۵ آوریل توسط حکومت داود دستگیر شد.

غلام دستگیر پنجشیری: وزیر آموزش و پرورش. پنجشیری قبلاً مدیر سانسور رادیو افغانستان (۱۹۶۳-۶۵) و مدیر جوایز ادبی وزارت اطلاعات و فرهنگ (۱۹۶۸) بود. او در سال ۱۹۶۹ در موقع انتخابات پارلمانی برای برکناری «پادشاه» زندانی شد و در سال ۱۹۷۲ آزاد شد. قبل از دستگیرش او با خیبر و ببرک کارمل همکاری می‌کرد. اما ظاهراً هنگامی که در زندان بود از حزب پرچم، که در آن یک عضو کمیتهٔ مرکزی بود، استعفا داد. در ۱۹۷۰ پنجشیری و پسر عمیش یک گروه جداگانه تشکیل دادند و آن را دموکراتیک خلق کارگری افغانستان نامیدند. او یکی از هفت نفری بود که در ۲۵ آوریل دستگیر شد. محمد حسن بارق شافعی: وزیر اطلاعات و فرهنگ «شاعر بزرگ افغان» شافعی، سردبیر نشریهٔ جدید «خلق» در ۱۹۶۶ و مدیر فتوگرامتری در مؤسسهٔ نقشه‌کشی وزارت صنایع و معادن از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷ بود. او همچنین مجلهٔ «پشتون جاق» را چاپ کرد و در سال ۱۹۶۵ مدیر «پیام امروز» بود. در سال ۱۹۶۸ در وزارت اطلاعات و فرهنگ در یک پست نامعلوم کار کرد. در خلال همان سال او سکرتر کمیتهٔ

مرکزی پرچم شد و بعد از اینکه تره کی از آن جدا شد او در حزب پرچم باقی ماند. در ۱۹۶۶ در یک گفتگوی بین تره کی و شافعی. مأمورین سفارت گزارش دادند که تره کی خیلی مشتاق شافعی بود و قبل از پاسخ به پرسشهای مشکل با او مشورت می کرد. اگر چه زبان شافعی فرضاً محدود به فارسی و پشتواست، ولی مأمورین بر این عقیده اند که او می توانست بیشتر مکالمه هایش را به انگلیسی انجام دهد.

سلیمان لایق: وزیر رادیو و تلویزیون. (گزارش کابل ۳۳۹۲ را ببینید.)

اسماعیل دانش: وزیر صنایع و معادن. دانش ۳۷ ساله است و فارغ التحصیل از مدرسه حبیبیا و دانشکده مهندسی دانشگاه کابل می باشد. سه سال و نیم را در ایالات متحده گذراند از اوایل سالهای ۱۹۶۰ تا اوایل سالهای ۱۹۷۰ او درجه BS و MS را در معدن از دانشگاه ویرجینیای غربی ایالات متحده به دست آورد. دانش، سه سال اضافی در مسکو گذراند، جایی که او یک لیسانس دیگر گرفت. دانش به عنوان مدیر مرکزی معادن ذغال سنگ ایشپوشتا، و مدیر مرکزی گزارشات علمی در وزارت صنایع و معادن خدمت کرده است و اخیراً او رئیس بخش فیزیک در مؤسسه پلی تکنیک بود. بر طبق گفته برادرش که یک کارمند محلی خدمات خارجی سفارت است، دوستان نزدیک نور محمد تره کی، حفیظ الله امین و سلطان علی کشتمن هستند، که به کابینه معرفی شدند. دانش یک عضو (حزب) خلق است.

سرهنگ محمد رایبی: وزیر امور عام المنفعه. (Publik Work) (اطلاعات بیوگرافی وجود ندارد.)

محمد منصور هاشیمی (هاشمی - مترجم): وزیر آب و برق. محمد منصور هاشیمی پسر محمد هاشمی، متولد خاش، جورم، در سال ۱۹۳۴ است. او قبلاً معلم علوم در کالج تربیت معلم بود. از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵، او در دانشگاه آمریکایی بیروت بود. در ماه مه ۱۹۶۳، او درخواست کرد برای تحصیل یک برنامه هیجده ماهه به ایالات متحده برود. در اوت ۱۹۶۳ برای مسافرت به دانشگاه کلمبیا ویزا گرفت. اطلاعات ما نشان می دهد که او به طور هفتگی در خانه یک مأمور دادگستری وزارتخانه برای میتینگ هسته مرکزی حزب کمونیست ملاقات داشت. این ملاقاتها از نوامبر ۱۹۶۶ شروع شد.

پروفسور محمود سوما: وزیر علوم عالی. سوما یک پروفسور در دانشکده علوم است. او با موافق و یا عضو حزب خلق است. تماسش را با اعضای شناخته شده حزب حفظ کرده است.

دکتر آناهیتا راتبازاده: وزیر امور اجتماعی. در حدود سال ۱۹۲۹ در کابل متولد شد. او در سالهای ۵۳-۱۹۵۱ در مدرسه نرسها در شیکاگو و مدرسه پزشکی در دانشگاه کابل حضور داشت. در حدود سال ۱۹۶۰ عاشق بیرک کارمل شد و وقتی برای پارلمان در سال ۱۹۶۷ انتخاب شد، با کارمل و نور احمد همکاری می کرد. «نور» به عنوان یکی از اعضای «اتحاد سه گانه کمونیستها در پارلمان» بود. گزارش شده که در سال ۱۹۷۳ آناهیتا در کمیته مرکزی حزب پرچم بوده است.

عبدالقُدوس گورباندی: وزیر بازرگانی. در سال ۱۹۷۴ گورباندی یک عضو کمیته مرکزی پرچم بود و دوست نزدیک بیرک کارمل. ما در حال حاضر اطلاعات دیگری نداریم.

نظام الدین تهذیب: وزیر امور قبایل. تهذیب تقریباً متولد سال ۱۹۳۵ در کوندوز است. در اوایل سالهای ۱۹۶۰ تهذیب در کالج حبیبیا و در دبیرستان دولتی ابن سینا درس می داد. او فارغ التحصیل از دانشکده اسلامی دانشگاه کابل است. بعداً او برای رادیو کابل کار کرد و سپس در وزارت آموزش و پرورش در بخش دایرة المعارف شغلی به دست آورد و عضو یکی از واحدهای یکی از شعبات حزب کمونیست بود. گزارش شده که او در سال ۱۹۶۶ به طور منظم هر هفته در میتینگهای خانه نور محمد

تره کی شرکت می‌کرد. در آن زمان او مشغول تعلیمات حزبی بود. در ۱۹۷۰ او به مؤسسه معلمان برگشت و یک دوست خوب برای رای اسماتی (RAI SMATI)، بارق شافعی (BAREQ SHAFEI)، ببرک کارمل و سلیمان لایق شناخته شد و یک رتبه پایین حزبی را به دست آورد.

الیوت

سند شماره (۶)

تاریخ: ۶ می ۱۹۷۸

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۳۶۱۹ کابل

موضوع: اولین مذاکره با رئیس جمهور جدید افغانستان

۱- نور محمد تره کی، رئیس شورای جدید انقلابی افغانستان، که دوست دارد او را آقای رئیس جمهور خطاب کنیم، مرا در دفتر خودش واقع در ساختمان قدیم نخست وزیری در ساعت ۵ بعد از ظهر روز ۶ می پذیرفت. در مدخل ساختمان رئیس و نایب رئیس تشریفات به استقبال من آمده بودند. این دو نفر در رژیم سابق رئیس و معاون تشریفات بودند. معاون رئیس محمد زایی، وقتی که من از او درباره خانواده‌اش پرسیدم شروع کرد به زار زار گریستن. با همین حالت روحی مرا به دفتر رئیس جدید راهنمایی کرد. تدابیر امنیتی به حداقل رسیده بود و فقط یک خودرو زرهی در محوطه ساختمان نخست وزیری دیده می‌شد.

۲- تره کی از من با فشردن صمیمی دست و یک لبخند دوستانه، که عکاسان از آن عکس برداشتند، استقبال کرد. ما آن گاه در گوشه دفتر او نشستیم و شروع کردیم به گرمی سخن گفتن در حالی که عکاسان مشغول عکسبرداری بودند. هنگامی که من گفتم متأسفم از اینکه در جریان چهار سال و نیمی که در افغانستان بودم او را ندیده بودم و حتی ظرف ۹ روز گذشته متأسف تر شدم، او به نحو کاملی خندید. تره کی به زبان انگلیسی عالی ولی در عین حال زنگ زده مکالمه می‌کند.

۳- تره کی مذاکرات خود را با شرح موفقیت خود، در حالی که احساس مباهات می‌کرد و از آن لذت می‌برد، شروع کرد و تأکید کرد که این یک انقلاب بوده است نه کودتا. او گفت روز پنجشنبه ۲۷ آوریل ساعت نه بامداد تانکها به سوی کابل حرکت کردند ولی بیش از دو ساعت طول کشید که به مرکز کابل رسیدند. حدود عصر، رژیم داود در نبرد شکست خورد، هر چند بیهوده می‌کوشیدند شب هنگام نیروهای امدادی از ستاد سپاه مرکزی و از کرچا بفرستند. او گفت، با روشن شدن روز نیروی هوایی توانست کار را یکسره کند. در ضمن، در داخل کاخ از داود خواسته شد که تسلیم نشد، به طرف مهاجمین شلیک کرد، همسر و خانواده او هم این کار را کردند و بنابراین کشته شدند. تره کی گفت، مقصود این بود که داود را به عنوان یک اسیر بگیریم. تره کی افزود اگر داود زنده دستگیر می‌شد به احتمال قوی محاکمه صحرائی شده و تیرباران می‌شد. تره کی دیروز از بیمارستان دیدن کرده و به سربازی که با تپانچه سفید داود مجروح شده بود تبریک گفت.

۴- تره کی آن گاه گفت که تعجب می‌کند که چرا من نخستین سفیری نبودم که از او دیدن کنم. برای اینکه آنچه را که او می‌کوشند در افغانستان برقرار کند «حکومت مردم است، به وسیله مردم و از برای مردم».

برای آنکه اندکی اظهارات خود را اصلاح کند، گفت که این سؤال را از سفیر پاکستان نیز کرده است زیرا پاکستان و افغانستان وجوه مشترک فرهنگی و قومی بسیاری با یکدیگر دارند.

۵- آن گاه توضیح دادم که در چنین مواردی ما شناسایی رسمی اعلام نمی‌کنیم، بلکه همان طوری که من انجام داده‌ام، خاطر نشان می‌سازیم که ما می‌خواهیم مناسبات عادی دیپلماتیک خود را ادامه دهیم. من در واقع گفتم، ما امیدواریم مناسبات کاری نزدیکی با حکومت جدید افغانستان داشته باشیم. من افزودم، همان طوری که در یادداشت ما اظهار شده است، من امیدوارم حکومت او به زودی از فرصت استفاده کرده و معتبر بودن معاهدات و موافقت‌نامه‌ها را تأیید کند. تره‌کی درباره‌ی این پیشنهاد اظهارنظری نکرد.

۶- در چندین مورد در جریان این مبادله‌ی تعارفات مقدماتی، تره‌کی به زمانی که او در ایالات متحده آمریکا گذرانده بود و دوستی او با آمریکاییها، و علاقه‌ی او به کیفیت آمریکایی، صراحت و رک بودن، اشاره کرد. ما با هم توافق کردیم که افغانستان و آمریکاییها وجوه مشترکی با همدیگر دارند.

۷- من آن گاه اظهار داشتم که می‌خواهم با او صریح باشم. من گفتم که، همان طوری که او می‌داند، ایالات متحده آمریکا هرگز در جستجوی امتیاز استراتژیکی یا سیاسی از افغانستان نبوده است. او قبول کرد. من گفتم که یکی از نکات اصلی سیاست ما این است که به افغانستان کمک کنیم تا استقلال، تمامیت ارضی و هویت‌های خود را حفظ کند. او با شوق و ذوق سر خود را تکان داد. من گفتم از زمانی که انگلیسیها هند را ترک کردند، نظر ما این بوده است که تنها کشوری که می‌توانست استقلال افغانستان را تهدید کند اتحاد شوروی است. و او را متوجه کردم که سیاست ما در گذشته این بوده است که بلوک‌هایی علیه گسترش طلبی شوروی بسازیم، ولی اینک برداشت ما از این مسئله به مرور زمان بیش از پیش بغرنج‌تر شده است.

من گفتم که با توجه به موقع جغرافیایی و نیازهای اقتصادی افغانستان ما به خوبی درک می‌کنیم که چرا افغانستان ما میل خواهد بود با شوروی مناسبات نزدیک داشته باشد. ولی اظهار داشتم، که اگر سیاستهای داخلی و خارجی افغانستان از سیاستهای داخلی اتحاد شوروی غیر قابل تمیز نباشد ما ناراحت خواهیم شد زیرا چنین وضعی هویت ملی افغانستان را محو خواهد کرد و به تشنج‌هایی در این قسمت از جهان منجر خواهد شد که بالنتیجه صلح مورد تهدید قرار خواهد گرفت. من گفتم که در چنین چهارچوبی است که سیاست غیر متعهد افغانستان را ارزیابی می‌کنیم.

۸- در پاسخ، تره‌کی تأیید کرد که افغانستان یک کشور مستقل و حاکم بر سرنوشت خود است و می‌خواهد چنین بماند. او گفت خوشوقت است از اینکه ایالات متحده آمریکا نظر با نرمش‌تری درباره‌ی جهان دارد و اعتراف کرده است که، مثلاً در مورد ویتنام مرتکب اشتباه شده است. او اشاره به این مطلب کرد که در خلال دوران سناتور مک‌کارتی در واشنگتن بوده است و خاطر نشان ساخت که نیکسون که در آن زمان معاون رئیس‌جمهور بود، از آمدن به یک ضیافتی در سفارت افغانستان خودداری کرد به این دلیل که افغانستان بسیار نزدیک به اتحاد شوروی بوده است. او اظهار خوشوقتی کرد از اینکه در حال حاضر ایالات متحده آمریکا چنین برداشتی نسبت به کشور او ندارد.

۹- آن گاه گفتم که در ارزیابی سیاستهای یک حکومت، در کشوری رو به رشد مانند افغانستان، ایالات متحده قبل از همه متوجه آن می‌شود که این حکومت برای بالا بردن سطح زندگی مردم خود و تأمین حفظ

حقوق بشر از لحاظ‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حقوقی چه کار می‌کند. در این مرحله تره‌کی دستخوش شور و شعف شد و به تفصیل دربارهٔ اینکه چگونه حکومت او می‌خواهد به مردم افغانستان کمک کند سخن راند. او گفت که او و همکارانش بر خلاف اسلافش، در واقع دربارهٔ مردم فقیر این کشور غمخواری می‌کنند و علاقه ندارند پول در بانکهای سوئیس پس‌انداز کنند. او گفت در قضاوت نسبت به سیاستهای حکومت او، باید از مردم افغانستان بیرسیم که آیا آنها موافق هستند یا خیر. او گفت در گذشته، خارجیان از اریستوکراتها و اشراف، که البته علاقه‌ای در کمک به فقیران نداشتند می‌پرسیدند، برای اینکه چنین سیاستی رفاه آنان را تهدید می‌کرد. دربارهٔ حقوق بشر، تره‌کی گفت این یک مسئله پیچیده‌ای است و هر ملتی خودش باید دربارهٔ حقوق بشری که بیشتر برای اوضاع و فرهنگ آن مردم مناسب است قضاوت کند. او به صراحت و روشنی گفت مایل نیست که ما قضاوت‌هایی دربارهٔ ارزشهایی بکنیم که معادل مداخله در امور داخلی افغانستان باشد. من به او اطمینان دادم که ایالات متحده آمریکا میل ندارد سیستم حکومتی خود را در جای دیگر برقرار کند، ولی در عین حال دربارهٔ حقوق بشر، آمریکا بی‌با همه اوضاع و احوال توجه زیادی دارند.

۱۰- تره‌کی آن‌گاه گفت حکومت او روش سایر کشورها را از لحاظ آمادگی آنها برای کمک به افغانستان مورد قضاوت قرار خواهد داد. او گفت که برنامه‌های عمران اقتصادی حکومت او هنوز تنظیم نشده است، ولی او از ایالات متحده آمریکا تقاضای مساعدت خواهد کرد، همان طوری که از اتحاد شوروی و سایر کشورها چنین تقاضایی خواهد کرد. او گفت شعار اصلی (مقصود او از شعار همان سیاست است و نه شعار) حکومت او، فراهم کردن نان، لباس و مسکن برای توده‌هاست. من به برنامه‌های کمک خودمان در سالهای اخیر و تأکید این برنامه‌ها بر بهداشت، آموزش و پرورش و کشاورزی برای روستائینان فقیر اشاره کردم. او گفت به من خواهد گفت، همچنان که به سفیر شوروی گفته است، که برنامه‌های کمکی ما شکست خورده است و اینکه این شکست در نتیجه فقدان تعهد رژیم سابق بوده است. من گفتم که موافقم که برنامه کمک ما به هدفهای خود نرسیده است. او از من پرسید چرا؟ من در پاسخ گفتم که او کشور خود را بهتر از من می‌شناسد و می‌توانم تنها بگویم، که حکومت قبلی قادر به اجرای آن نوع برنامه‌ای که ما می‌خواستیم اجرا بشود نبوده است. او ظاهراً از این مطلب من اظهار شادمانی کرد.

۱۱- تره‌کی آن‌گاه گفت که می‌خواهد یقین داشته باشد که وقتی او موضوع «نان» را پیش کشید مقصودش چه بوده است. او گفت می‌خواهد برای هزارها افغانی که کشور را ترک کرده‌اند تا در بی‌نامی در خارجه کار پیدا کنند، کار فراهم کند. این به معنای ساختن صنایع زیر بنا خواهد بود و او اظهار امیدواری کرد که ما در این امر به او کمک خواهیم کرد. من گفتم که به محض اینکه وزیر مربوطه در حکومت او حاضر به بحث دربارهٔ چنین مسائلی باشد، رئیس هیئت برنامهٔ کمک آمریکا و من خوشوقت خواهیم بود که چنین مسائلی را مورد بحث قرار دهیم.

۱۲- آن‌گاه گفتم که یک مسئله مهم دیگر از نظر ایالات متحده آمریکا ثبات این منطقه از جهان است. من گفتم که از پیشرفتی که در سالهای اخیر در همکاری عمرانی منطقه حاصل شده است خوشحال شده‌ایم. تره‌کی گفت که این البته، مسئله‌ای خواهد بود که حکومت او مطالعه خواهد کرد. او همچنین گفت که هنگامی که بحث دربارهٔ همکاری منطقه‌ای می‌شود، این بدان معنی نیست که همکاری با هند، پاکستان و ایران صورت گیرد بلکه همچنین با اتحاد شوروی.

۱۳- مذاکرات با بیان مطالب خوشایند همان طوری که آغاز شده بود پایان یافت. او گفت که امیدوار است اتحاد شوروی دربارهٔ او قضاوت بدی نداشته باشد، اگر او مسجدهای بیشتری بسازد. با همین لحن، او اظهار امیدواری کرد، که ما قضاوت بدی نسبت به او نخواهیم داشت اگر خود او به مسجد نرود. در پایان او گفت تمام آن چیزهایی که به من گفته است به سفیر شوروی نیز اظهار داشته است.

۱۴- نظریه: تره کی یک مرد لاغر، با موی سفید است، که مسن تر از شصت و یک سالی که دارد به نظر می‌رسد. دارای جذابیت و قدرت تلقینی است که می‌توان آن را به افغانیها ارتباط داد. او همچنین در نتیجه موفقیت خود سرسخت و پراز شوق و هیجان است. هنگامی که دربارهٔ نکته‌ای از خود به ویژه شوق و ذوق نشان می‌دهد، چشمهای او یک نوع حالت سبعی مختص به ملت افغان می‌گیرد. مذاکرات ما بسیار صمیمانه بود. همچنین به نظر من یک گفت و شنود واقعی بود.

البوت

سند شماره (۷)

تاریخ: ۱۰ می ۱۹۷۸

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۳۸۰۵ کابل

موضوع: آینده برنامه کمک ایالات متحده آمریکا در افغانستان

۱- خلاصه: به نظر ما، دستورهایی که در تلگراف مرجع دربارهٔ کمکهای ما دربارهٔ افغانستان داده شده بسیار محدود و یک استراتژی فاقد نرمشی برای دنبال کردن منافع ما در اینجا بوده است. اگر اجازه بدهیم که بر روی این برنامه‌ها «گرد و خاک بنشیند» قبل از اینکه گفتگویی دربارهٔ مسائل کمکی داشته باشیم این امر ممکن است راهها و شقوق مختلف آینده را با رژیم جدید ببندد؛ اما توصیه می‌کنیم که مقاصد و نقشه‌های حکومت تره کی هر چه زودتر مورد آزمایش قرار گیرد.

۲- ما هنوز قادر نشده‌ایم تشخیص بدهیم که آیا حکومت جدید افغانستان در واقع می‌تواند به عنوان یک «رژیم کمونیستی» در چهار چوب بخش ۶۲۰ (F) از «قانون کمکهای خارجی» قرار بگیرد یا خیر. حکومت تره کی به کرات این برچسب را رد کرده است و به همین جهت حتی کلمهٔ سوسیالیستی را در هیچ کدام از اعلامیه‌های رسمی خود یا مذاکرات خود با ایالات متحده آمریکا به کار نبرده است. اکثر رهبران رژیم جدید را می‌توان در واقع دارای یک زمینهٔ «حزب کمونیست» توصیف کرد (هر چند اسم «کمونیست» هرگز از طرف احزاب چپ‌گرای افغانستان به کار نرفته است).

دستگاه رهبری جدید به طور انکارناپذیری از طریق خشونت و خونریزی به حکومت رسیدند، ولی آنها مدعی هستند که این خشونت برای سرنگون ساختن «دیکتاتوری مستبدانه» داود لازم بود. ما معتقدیم که مقاصد و سیاستهای حقیقی حکومت جدید ممکن است تا مدتی قابل مشاهده نباشد.

۳- حکومت جدید مطلقاً به طور علنی روشن کرده است که می‌خواهد از هر منبعی که باشد کمک بگیرد، منجمله از آمریکا؛ و این موضوع هم، برای من کاملاً روشن شده است و در چهارچوب کشورهای غیر متعهد، این امر به منزلهٔ قضاوت دربارهٔ «دوستانه بودن» کشورهای خارجی با توجه به آمادگی آنها

برای فراهم کردن کمکهای اقتصادی خواهد بود. با توجه به این اوضاع و احوال، ما معتقد نیستیم که بر کنار بودن از گود یا روش منفی در پیش گرفتن امتیاز سیاسی با خود همراه داشته باشد، زیرا چنین موضعی رژیم جدید افغانستان را به وضعی دچار خواهد کرد که تماماً متکی به اتحاد شوروی و هم صف با آن باشد، مانند وضعی که کوبا نسبت به شوروی دارد. اگر بخواهیم مدت زیادی در انتظار بمانیم، این خطر وجود دارد که باعث شویم حکومت تره کی به این نتیجه برسد که از انتخاب کردن راههای اقتصادی غیر از اتکای کامل به مسکو و دست‌نشانندگان راه دیگری ندارد. ببرک، نایب رئیس حکومت افغانستان چنین ادعایی را امروز به من عنوان کرد. اگر همان طوری که امکان دارد، افغانستان از دریافت مساعدت از عربستان سعودی، کویت یا ایران محروم شود احساس فقدان راه دیگر، ممکن است در هفته‌های آینده در اینجا بیشتر شود.

۴- سایر کمک‌دهنده‌های غربی که ما با آنها مشورت کرده‌ایم، از جمله کاناداییها (رجوع شود به کابل ۳۷۱۶)، انگلیسیها و آلمان غربی، قصد دارند به برنامه‌های مساعدت جاری خودشان در این کشور ادامه دهند. آلمانیها به ما گفته‌اند که قصد دارند زمینه‌ها را آزمایش کنند و اعلام آمادگی کرده‌اند که طرحهای خود را ادامه می‌دهند و آن گاه محیط را در چهار چوب شرایط عملیاتی آزمایش کنند. اگر متوجه مخالفت یا سوء اداره از سوی افغانیها شدند، قصد دارند خود را عقب بکشند. اگر از سویی دیگر، آلمانیها متوجه شوند که رژیم جدید افغانستان قابلیت پذیرائی دارد، آنها حاضرند درباره برنامه‌های جدید مذاکره کنند. ظاهراً در قوانین آلمان منع کمک به کشورهای کمونیستی وجود ندارد. تنها روش سیاسی که حکومت بن در مورد هر یک از اوضاع به کار می‌برد شرط است. مثلاً، آلمان به رژیمهای «سوسیالیستی» در آفریقا که می‌توان آنها را دقیقاً «کمونیست» نامید کمک می‌کند. در چنین مواردی آلمان هیچ گونه ارتباط معناداری با مسکو نمی‌بیند. در مورد رژیم جدید افغانستان، سفارت آلمان هنوز تصور نمی‌کند که حکومت تره کی را باید دقیقاً «کمونیست» یا وابسته به مسکو از طریق «توطئه بین‌المللی کمونیستی» توصیف کرد. علاوه بر این سازمان ملل متحد و بانک جهانی قصد دارند به عملیات خود در این کشور ادامه دهند.

۵- ما معتقدیم که کاری نظیر آلمانیها می‌توانیم در اینجا انجام دهیم. اتخاذ روشی که به نحو صریح از تقبل تعهدات جدید کمکی خودداری کند و به طور تلویحی هر گونه بحث معناداری را با حکومت جدید به حالت بلا تکلیفی در آورد، به احتمال قوی از سوی رژیم جدید به عنوان یک نشانه منفی تلقی خواهد شد.

۶- ما دو طرح داریم که متوقف کردن آنها در ارتباط با تعهدات جدید، عملاً پیشرفت را در اجرای آنها سد خواهد کرد. بدون تعهدات جدید در مورد طرح هیرمند، ما قادر نخواهیم بود مرحله دوم ساختمان زه‌کشی را تأمین مالی کنیم. در دوران بلافاصله قبل از انقلاب، به دولت قبلی طی نامه‌ای اعلام داشته بودیم که شرایط قبلی تحقق یافته است، و اینکه ما حاضریم موافقتنامه‌ای را درباره اصلاح طرح، امضا کنیم که به موجب آن ما متعهد می‌شویم ۳/۲ میلیون دلار برای زه‌کشی اختصاص دهیم. اوضاع مشابهی نیز در مورد طرح مربوط به غله وجود دارد. اگر حکومت جدید تصمیم بگیرد پیشنهاد قرار داد MIAC را بپذیرد ما قادر نخواهیم بود تا زمانی که پولهای اضافی تعهد نشود هیتتی را به منطقه عملیات بفرستیم، در ماه جاری تعهدی به مبلغ ۱/۸۶ میلیون دلار برای تأمین مالی این طرح به مدت یک سال در نظر بوده است.

۷- بحثها با حکومت قبلی درباره سایر طرحها به مرحله‌ای رسیده بود که در صورت خودداری حکومت جدید از پیشرفت در این زمینه شتاب حرکت ما به نحو محسوسی صدمه می‌دید، به طوری که ما

نتوانیم این شتاب را دوباره به دست بیاوریم و این یک علامت سیاسی منفی خواهد بود. اسناد طرح، برای آموزش پشتیبانی از عمران و برای نیروی انسانی فنی مورد لزوم در طی ماه ژوئن جهت شرکت‌کنندگان در این طرح از سوی آمریکا، لازم خواهد بود. اصلاحیه جدید طرح خدمات بهداشتی در زمان انقلاب نزدیک به تکمیل بود. وزیر جدید بهداری علاقه خود را به بحث دربارهٔ پیشبرد این طرح (۳۵۴۳ کابل) اعلام داشته است. وزارت آموزش عالی همچنین به از سر گرفته شدن گفت و شنود مربوط به کمک، علاقه‌مندی نشان داده است. (۳۷۳۲ کابل)

۸- هر چند ما در حال حاضر توصیه نمی‌کنیم اقداماتی در مورد امضای قرارداد صورت گیرد معذالک، معتقدیم که برای سفیر و مدیر و برنامه‌های کمک بسیار سودمند خواهد بود که در جریان دیدار از وزیران برنامه‌ریزی و سایر وزیران مربوط بتواند تفکرات و مقاصد آنها را دربارهٔ نقشه‌های عمرانی مورد ارزشیابی قرار دهد؛ به ویژه در زمینه‌های دارای اولویت. ما همچنین مایلیم اطمینان داشته باشیم که حکومت جدید تعهدات خود را طبق قراردادهای موجود طرح درک کرده و آنها را می‌پذیرد. یک چنین کسب نظرهایی ما را عمیقاً از قبل متعهد نخواهد کرد که به آنها کمک کنیم، بلکه بدان معنی خواهد بود که اگر ما یک پاسخ قابل قبول از حکومت جدید به دست بیاوریم، حاضر خواهیم بود به سرعت دربارهٔ آن چند طرحی که آماده هستند و ما می‌توانیم دربارهٔ آنها به توافق برسیم پیش برویم. ما همچنین تأکید خواهیم کرد که آمریکا متعهد است به فقیران جهان کمک کند، ولی توانایی ما برای چنین کاری در افغانستان به اندازهٔ زیادی، بستگی به اقدامات حکومت جدید در زمینهٔ حقوق بشر و همچنین تعهد آنها نسبت به رشد اقتصادی و اجتماعی خواهد داشت. در این مورد باید ما خاطر نشان سازیم که حکومت جدید به کرات تعهد خود را برای فراهم کردن «غذا، لباس و مسکن» تأکید کرده است و حکومت‌های قبل را به خاطر سهل‌انگاری در کمک به فقیران شدیداً مورد حمله قرار داده است. امین، وزیر امور خارجه همچنین به من گفت که حکومت او مایل به داشتن مناسبات مسالمت‌آمیز با همهٔ ملل است تا به آن امکان دهد مشکلات داخلی خود را با آنها در میان بگذارد. بدین ترتیب ممکن است چنین باشد که این حکومت پویاتر و کاراتر از رژیم داود در بالا بردن وضع اکثریت فقیر باشد. البته در این باره زمان ثابت خواهد کرد.

۹- به طور خلاصه، ما معتقدیم که اقدامات آزمایشی به منظور کسب نظر در جهت خطوط فوق در این زمان لازم است تا بتوان تا اندازهٔ ممکن راه کمک ما در اینجا در صورتی که واقعاً مایل باشیم در صحنهٔ مساعدت به افغانستان باقی بمانیم، حفظ شود. ما معتقدیم چنین موضعی راه‌های مختلف سیاسی ما را برای ما باز خواهد گذاشت. ما باید دربارهٔ مقاصد حکومت جدید به طور غیر مستقیم کسب نظر کنیم و آمادگی خود را برای حرکت به پیش در مورد طرح‌های جاری کمکی نشان دهیم تا حکومت جدید مسئولیت‌های خود را طبق موافقت‌های طرح تأیید کند و ما همچنین باید آمادگی خود را به ادامه گفت و شنود دربارهٔ موافقتنامهٔ طرح خدمات اساسی بهداشتی و طرح‌های IMD و DST نشان دهیم. اگر در وزارت امور خارجه و ادارهٔ کمک‌های خارجی با هیچ‌گونه مخالفتی رو به رو نشود، این برنامهٔ ماهیگیری در جریان دیدارهای من و مدیر کمک‌های خارجی آمریکا از وزیران مربوط در برنامه‌های کمک‌های اقتصادی آغاز خواهد شد.

۱۰- و اما دربارهٔ آینده، ما شدیداً امیدواریم که هدف‌های ما در افغانستان می‌تواند به وسیلهٔ یک برنامهٔ کمکی که از سوی رژیم جدید به عنوان یک برنامه معنادار و کمک‌دهنده باشد پشتیبانی شود. ما باید قادر

باشیم تا هر چه زودتر در این بازی تشخیص دهیم که آیا چنین کاری ممکن خواهد بود یا خیر.
۱۱- تقاضای دستور هر چه زودتر. من سرگرم دیدارهای خود از وزیران جدید هستم؛ همچنان که همه سفیران دیگر این کار را می‌کنند و اگر من از دیدار وزیر عمران اجتناب کنم این موضوع قابل یادداشت خواهد بود.

سند شماره (۸)

از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت خارجه - واشنگتن، دی. سی.

تاریخ: ۲۵ سپتامبر ۱۹۷۸

موضوع: ارزیابی ایران از تحولات افغانستان و روابط ایالات متحده و افغانستان
۱- گیرندگان تلگرام آگاه هستند که شاه عملاً از ابتدای امر این نظر شخصی را داشته که دولت جدید افغانستان از هر نظر، خدمتگزار روسهاست. او این نظریه را در پشت سیاست رسمی «صبر کن و ببین» که به دولت جدید افغانستان امکان هر گونه تردیدی را می‌دهد پنهان نموده است. روابط رسمی مثل گذشته ولی محتاطانه ادامه پیدا کرده‌اند، از جمله ادامه پرداختها روی تعهدات موجود اقتصادی (تهران ۷۸۱۸ و یادداشت به وزارتخانه و کابل در ۲۳ اوت).

۲- شاه در عین حال به روشنی برای سفیر توضیح داد که وی حاصلی از مدارا کردن با رژیم جدید افغانستان نمی‌بیند، ولی مطابق تمایلات آمریکا در مورد این موضوع عمل خواهد کرد. بنابراین چنانچه قرار است سیاست ایالات متحده دستخوش تغییری شود بایستی که از پیش مطلع گردد. (برای مثال، متمم سنا به لایحه قانونی همکاری خارجی). او سپس انتظار دارد که سیاست مخفی تبدیل به سیاست علنی بشود. شاه فرض خواهد نمود که پاکستانیها چنین تغییری را به عنوان مقدمه‌ای برای حمایت زیادتیر ایالات متحده ایران از آنان، مورد استقبال قرار دهند. این موضوع ممکن است او را دچار تأمل کند ولی احتمالاً وی در نهایت به تصمیم‌گیری در مورد انتخاب یک سیاست موازی با سیاست ما خواهد پرداخت.

سند شماره ۹

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۲۳ اکتبر ۱۹۷۸

موضوع: فرمان جدید از افغانستان، ترتیبات ازدواج را آزاد می‌سازد

۱- متن فرمان شماره هفت شورای انقلاب جمهوری دموکراتیک افغانستان درباره ازدواج که در ۱۷ اکتبر انتشار یافت در زیر آمده است:

شروع متن

فرمان شماره ۷

مهریه و مخارج ازدواج

این فرمان برای اجرای ماده ۱۲ خطوط اصلی وظایف انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و به منظور تضمین حقوق برابر زنان و مردان در محدوده حقوق مدنی و برای از میان برداشتن روابط پدر شاهی

فتووالی بین شوهر و زن و نیز برای انجام روابط خانوادگی صمیمانه بیشتر صادر شده است.

ماده یک

هیچ فردی نباید دختری را در مقابل پول یا متاع به عقد یا نامزدی در آورد. هیچ کس نباید به نام سهم ازدواج، داماد را در هنگام ازدواج مجبور به پرداخت پول یا دادن متاع بنماید.

ماده ۲

هیچ کس نباید به نام عیدی، نوروزی، براتی یا دیگر جشنها، داماد یا ولی او را مجبور به تهیه لباس، یا هدایا برای دختر یا خانواده اش بنماید.

ماده ۳

دختر یا ولی او نباید به اسم مهریه پول نقد یا متاع بیش از ۱۰ درهمی که در شرعیات مشخص شده که براساس نرخ بانکی جاری نقره از ۳۰۰ AFS تجاوز نمی نماید دریافت کند. (تذکر: ۳۰۰ AFS با نرخ تبدیل ارز روز ۲۳ اکتبر ۱۹۸۷ از ۱۰ دلار کمتر می باشد).

ماده ۴

ازدواج یا نامزدی بایستی با رضایت کامل طرفین صورت گیرد؛ بنابراین:

- ۱- هیچ کس نبایستی ازدواج را تحمیل کند.
- ۲- هیچ کس نباید از ازدواج آزاد یک بیوه جلوگیری کند و یا او را به خاطر رابطه یا روابط کوتاه نظرانه مجبور به ازدواج نماید.
- ۳- هیچ کس نباید به بهانه نامزدی، مخارج تحمیلی نامزدی یا به وسیله استفاده از زور از ازدواج قانونی شخصی دیگر جلوگیری به عمل آورد.

ماده ۵

نامزدی یا ازدواج زنان کمتر از ۱۶ سال و مردان کمتر از ۱۸ سال مجاز نیست.

ماده ۶

- ۱- کسانی که از مقررات این فرمان سرپیچی نمایند محکوم به زندان از ۶ ماه تا سه سال خواهند شد.
- ۲- پول یا کالاهایی که بر خلاف مقررات این فرمان دریافت شده ضبط خواهد شد.

ماده ۷

این فرمان پس از انتشار در روزنامه رسمی اجرا خواهد شد.

- ۲- نظریه: دولت در نظر دارد از طریق فرمان جدید، ازدواجهای اجباری کودکان و بیوهها را محدود نماید و هزینه های سنتی ازدواج که اغلب خانواده های درگیر را به مقدار زیادی مقروض می کند کاهش

دهد. در حالی که احتمال دارد جهیزیه و مهریه در بین عروس و دامادها و پدر و مادرهایشان رواج داشته باشد، ولی این سنتها عمیقاً در جامعه افغان ریشه دارد و در پشت آنها مجوز رسمی مذهبی و تاریخی وجود دارد. به این لحاظ هر گونه تلاش جدی از طرف دولت برای اجرا نمودن این فرمان، خصوصاً در مناطق روستایی پیرو سنن قدیم، احتمالاً در ابتدا با مقاومت قابل توجهی رو به رو خواهد شد.

شاه ظاهراً در اواخر دهه ۱۹۵۰ ممانعتهای مشابهی را به عمل آورد. چنانچه خانواده‌ای، دختر مشخصی را به عنوان عروس برای پسرشان می‌پسندیدند، آنها مجبور بودند تا به طور مخفیانه با مخارج سنتی موافقت نمایند. خانواده‌ای که پول می‌پرداخت بعد از آن به طور قابل درکی از به دشمنی کشیدن رابطه غیرقانونی (جعلی) جدید با خانواده دختر به وسیله معرفی کردن آنان به دستگاه عدالت شاه اکراه داشت. قانون انجام نشد و منسوخ گردید.

۳- بایستی ذکر گردد که مهریه به طور سنتی مبلغی پول مورد توافق قرار گرفته است که در زمان ازدواج به نام عروس می‌شود ولی تحت کنترل شوهر باقی می‌ماند مگر اینکه او (شوهر) از همسرش جدا شود که در آن موقع پول به زن برمی‌گردد. در حقیقت مهریه یک نوع نفقه از پیش مورد توافق گرفته می‌باشد. از میان برداشتن این وسیله تأمین (و وسیله جلوگیری از طلاق) بدون تأمین مدنی که به جای آن قرار گیرد عملاً زنان را از آن به بعد در مقابل شوهرانشان در وضعیت پر مخاطره‌تر اقتصادی و اجتماعی قرار می‌دهد.

۴- برخی از شوخ‌طبعان کابلی گفته‌اند که اکنون آنها می‌توانند سهمیه اسلامی کاملشان از ۴ همسر را به دست آورند. البته آنها به طور خوش بینانه‌ای هزینه‌های سنگین مسؤل بودن برای ۴ زن را که به طور سنتی از آن برخوردار هستند و تقاضای رفتار مساوی را دارند، از نظر دور می‌دارند.

سری

سند شماره (۱۰)

تاریخ: یک دسامبر ۱۹۷۸

از: وزارت امور خارجه در واشنگتن

به: سفارت آمریکا در کابل

موضوع: ارزیابی تحولات افغانستان و روابط افغانستان با آمریکا

۱- ما با خطوط عمده ارزیابی شما درباره گرایش کلی تحولات در افغانستان، چشم‌انداز نامعلوم بازگشت به سوی روابط نزدیک آمریکا و افغانستان موافقیم. معذالک هنوز درباره شکل اوضاع در آینده نزدیک معلومات دقیقی نداریم. حتی تصور می‌کنیم که رژیم کنونی همچنان بر اوضاع مسلط است و معتقدیم که ما باید بر این مبنا اقدام کنیم که روابط سازنده آمریکا و افغانستان هنوز امکان‌پذیر است. ما نمی‌دانیم که چه هنگامی اوضاع روشنتر خواهد شد و آیا چنین خواهد شد یا خیر و اینکه جمهوری دمکراتیک افغانستان یک پیرو فرمانبردار تحت تسلط اتحاد جماهیر شوروی خواهد بود، یا اینکه یک رژیم رادیکال چپ‌گرا در لبه نهضت کشورهای غیر متعهد ولی با ماهیت ویژه افغانی و درجه‌ای از استقلال تأسیس خواهد شد یا خیر. ناگوارترین تحولات از نظر منافع آمریکا این خواهد بود که سربازان جنگی شوروی وارد افغانستان شوند و این امر اوضاع تمامی منطقه را به طور جدی برهم خواهد زد.

۲- ما مانند شما منافع منطقه‌ای خود را در درجه اول در بررسی یک برداشت ویژه نسبت به جمهوری دمکراتیک افغانستان می‌بینم و یک افغانستانی که قومیت‌گرا باشد و مورد پشتیبانی شوروی باشد، از نظر ما تهدید بسیار جدی برای صلح و ثبات این منطقه است و ما معتقدیم که این یک ترس واقعی، به ویژه در

پاکستان و همچنین در ایران است.

۳- ارزیابیهای همسایگان افغانستان مشابه ارزیابی خودمان است هر چند پاکستان و ایران به طور جدی معتقدند که افغانستان به نحو «برگشت ناپذیری» از دست آنها رفته و متمایل به شوروی شده است. پاکستان ظاهراً می‌خواهد که ما در ارزیابی آنها از این تهدید سهیم باشیم، شاید بدین منظور که تعهد بزرگتری نسبت به امنیت پاکستان به دست آورند. در هیچ زمانی پاکستانیها سیاست حفظ حضور ایالات متحده را در افغانستان مورد سؤال قرار نداده‌اند. هندیها ظاهراً درباره‌ی اینکه بتوانند با جمهوری دموکراتیک افغانستان سر و کار داشته باشند حرارت بیشتری نشان می‌دهند. معذالک آنها درباره‌ی نفوذ فزاینده‌ی شورویها در کابل نگرانی عمیقی دارند و هنگام قضاوت درباره‌ی واکنشهای احتمالی منطقه‌ای نسبت به هر گونه تغییر نسبت به افغانستان، باید این نظرها را به حساب آوریم.

۴- کشورهای این منطقه در واقع از سیاستهایی مشابه سیاست ما پیروی می‌کنند. ایران به کمک خود که قبلاً متعهد شده، ادامه می‌دهد؛ هر چند از انعقاد موافقتنامه‌های جدید خودداری می‌کند. هند ظاهراً پیشنهاد کرده است که برنامه‌های کمکی خود را بالا ببرد و به نظر ما نقش بسیار خوبی در کوشش به تشویق نوعی استقلال و عدم تعهد از سوی رژیم جدید ایفا می‌کند. پاکستان به نحو فعالانه‌ای از یک سیاست مناسبات دوستانه با جمهوری دموکراتیک افغانستان پیروی می‌کند از قبیل تسریع کالاهای ترانزیتی افغانستان و دیدار ضیاءالحق در ماه سپتامبر از افغانستان و کم اهمیت کردن موضوع آوارگان افغانی و لفاظیهای خویشتن‌دارانه. پاکستان ظاهراً چنین سیاستی را به نفع خود تلقی می‌کند.

۵- یکی از راهها این است که ما فعالیتهای خود را در افغانستان مرحله به مرحله کاهش دهیم. ولی ما معتقدیم که چنین کاری برای همسایگان افغانستان چندان خوشایند نخواهد بود و با سیاستهای آنها مطابقت نخواهد کرد. جمهوری دموکراتیک افغانستان از ما نخواسته است که جُل و پلاس خود را جمع کرده برویم، بلکه بالعکس سیاست حفظ منافع و حضور ما را پذیرفته است. پایان دادن به کوششهای ما در افغانستان احتمالاً به عنوان انصراف از مسؤلیت ما تلقی خواهد شد و بدین ترتیب شورویها متوجه خواهند شد که یکی از نخستین هدفهای آنها در افغانستان یعنی کاهش بیشتر نفوذ آمریکا و غرب در این کشور و در تمامی منطقه تحقق یافته است (گزارش مسکو ۲۳۴۷۹). به نفع ما نخواهد بود که یک چنین چک سفیدی را در اختیار مسکو بگذاریم.

۶- بنابراین ما معتقدیم که برداشت کلی که در تلگرام شماره ۲۱۱۱۰۲ توصیه شده است به عنوان یک چهارچوبی برای سیاست ایالات متحده معتبر می‌نماید. ما نباید درباره‌ی کمک خود به افغانستان پافشاری کنیم بلکه باید در پی فرصتهایی باشیم که تماسهای خود را با جمهوری دموکراتیک افغانستان حفظ کنیم و بکوشیم تا هدفهایی برای برنامه‌های مساعدت که متقابلاً قابل قبول باشد برقرار کنیم و طرحهایی را تهیه کنیم که اعتبارنامه‌ی کمک ما و سیاست حقوق بشر و علائق آنها را مسلم کند. ما کاملاً معتقدیم که خود افغانیها ظاهراً در جهت کاهش حضور ما فعالیت می‌کنند. این امر شامل برنامه‌ی محدودتر سپاه صلح و پایان دادن به آموزش نظامی افغانیها در ایالات متحده در حال حاضر و محدودتر کردن دفتر وابسته‌ی دفاعی آمریکا در کابل و برنامه‌ی مبادلات فرهنگی محدودتر و مقاومت در برابر طرحهای کمک پیشنهادی آمریکا، در برگیرنده‌ی مقدار هنگفتی مساعدات فنی است می‌باشد. ما به نوبه‌ی خود همچنین باید نگرانیهای بشر دوستانه‌ی خود را متعادل تر کنیم و به مردم یکی از فقیرترین کشورهای جهان با نگرانی خود درباره‌ی

عملکرد رژیم جدید از لحاظ حقوق بشر که جای بسی سؤال دارد، کمک کنیم. باید درباره این نگرانیها ضمن بحث با رهبران افغانستان توضیح داد.

۷- ما اوضاع را در افغانستان یک نوع اوضاع متحول تلقی می‌کنیم و معتقدیم که توجه مداوم ما ضروری است و همچنین گفت و شنود با سایر کشورهای منطقه باید ادامه یابد. ما به سفارتخانه‌های خود در تهران و اسلام آباد و دهلی نو توصیه می‌کنیم تا به مبادله نظریات با بیشتر دولت‌ها درباره مقابله با صحنه افغانستان ادامه دهند و در ضمن در نظر داشته باشند که نفوذ ما در کابل شدیداً محدود است و از کشورهای همجوار افغانستان انتظار داریم که ابتکار در تهیه یک شبکه از مناسبات همکاری را به دست بگیرند و این امر به صلح و ثبات در منطقه کمک خواهد کرد.

ونس

سند شماره (۱۱)

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.
طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره: ۲۰۵۲

موضوع ملاقات مدیر کمکهای آمریکا با نمایندگان سایر کشورهای کمک‌دهنده به افغانستان

تمامی متن محرمانه

۱- خلاصه: در جریان ده روز گذشته، مدیر کمکهای آمریکا در کابل با نمایندگان سایر کشورهای که به افغانستان بر اساس قراردادهای دو جانبه کمک می‌کنند، ملاقات کرد تا تصمیم اخیر رئیس جمهوری را درباره کاهش کمک آمریکا به افغانستان توضیح دهد و نظریات آنها را درباره موضع کمکی آینده ایالات متحده آمریکا جويا شود. این نمایندگان از سفارتخانه‌های انگلیس، آلمان، کانادا و هند بودند. همگی آنها معتقد بودند که با توجه به اوضاع و احوالی که به دنبال مرگ «دابس»، سفیر آمریکا، پیش آمده است تصمیم آمریکا در مورد کاهش برنامه‌های کمکی خود در افغانستان، اجتناب‌ناپذیر بوده است. بیشتر آنها همچنین معتقد بودند که جمهوری دمکراتیک افغانستان به تدریج به نحو فزاینده‌ای از اتحاد شوروی سرخورگی پیدا خواهد کرد. همه آنها صلاح در آن دانستند که ایالات متحده آمریکا همچنان به حضور کمکی خود در افغانستان ادامه دهد. (پایان خلاصه)

۲- ملاقات با «هانس پتر دیسدرن»، رایزن سفارت جمهوری فدرال آلمان:

وزیر مختار آلمان درباره اهمیت کاهش کمک آمریکا به افغانستان کنجکاوای فوق‌العاده‌ای نشان داد و صریحاً می‌خواست بداند که آیا ایالات متحده قصد دارد به مساعدت به افغانستان پایان دهد یا خیر. پس از آنکه مدیر کمک آمریکا درباره پیامدهای تصمیم رئیس جمهوری به کاهش کمک و نه پایان دادن آن به افغانستان توضیح داد. «دیسدرن» گفت که در اوضاع و احوال کنونی او موافق است که این تصمیم، هر چند که تأسف آوراست، ضروری بوده است. او گفت کشورهای اروپای غربی معتقدند که هنوز فرصت معقولی وجود دارد که یک افغانستان مستقل به وجود آید و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که غرب برنامه‌های کمکی خود را ادامه داده و راه دیگری در پیش پای افغانستان قرار دهد. او گفت که وجود یک یا دو کشور

غربی، بدون ایالات متحده آمریکا، راه دیگری را فراهم نخواهد کرد و بنابراین اصرار داشت که حضور کمکی ایالات متحده ادامه یابد.

«دیس‌درن» همچنین گفت که معتقد است که جمهوری دمکراتیک افغانستان به نحو فزاینده‌ای از کشورهای سوسیالیستی سرخوردگی پیدا خواهد کرد.

او نمونه‌های اخیر مربوط به یک قرارداد پانزده میلیون مارک آلمانی با آلمان شرقی را ذکر کرد. هنگامی که قرار داد مقدماتی در ماه اوت گذشته به امضاء رسید، درباره‌ی اخوت سوسیالیستی و کمکهای خارجی، تبلیغات فراوانی شد. ولی هنگامی که قرارداد نهایی در ماه فوریه گذشته تهیه شد چنین معلوم گردید که این قرارداد یک قرارداد اساساً بازرگانی است که برای مدت هشت سال و با نرخ بهره هفت درصد امضاء شده است. علاوه بر این مظنه بسیاری از تجهیزات بسیار بالا بوده است. آقای «دیس‌درن» گفت افغانستانی از این قرارداد به حیرت آمده و فوق‌العاده خشمگین شدند. او گفت که با یک مأمور جمهوری دمکراتیک آلمان که با این معامله ارتباط داشته گفتگو کرده بود و این مأمور از عکس‌العمل افغانستانی غافلگیر شده بود و در نهایت بلاغت و لفاظی گفت: آیا آنها انتظار دارند که ما به آنها هدیه بدهیم؟ (اظهار نظر: یک مأمور عمران سازمان ملل متحد به ما گفته است که مشاور آلمان شرقی اخیراً نقشه افغانستان را درباره جایگزین کردن همه کارمندان تربیتی آلمان غربی با کارمندان مشابهی از آلمان شرقی به یأس مبدل کرده است. پاسخ او این بوده است که: «خیر شما این کار را نخواهید کرد».)

۳- ملاقات با «ک. ر. کروک» سفیر انگلیس: این ملاقات به تقاضای مایکل هاوول، دبیر اول و رئیس دفترخانه، که خود او نیز در ملاقات حضور داشت صورت گرفت. هر دو آنها با جزئیات اعلامیه مطبوعاتی کاخ سفید درباره کاهش کمک آمریکا به افغانستان آشنا بودند. پس از پرسشهای تفصیلی درباره پیامدهای کاهش کمک آمریکا جهت طرحهای معین، کروک سفیر انگلیس پرسید که آیا تأیید اعلامیه کاخ سفید درباره کاهش کمکهای آمریکا نتیجه ادامه تجدید نظر در روابط آمریکا و افغانستان ناشی از تغییر در سیاست آمریکا در مورد افغانستان است یا خیر؟ و آیا ایالات متحده راه دیگری را برای افغانستان در مقابل اتکاء به بلوک شوروی فراهم کرده است یا خیر؟

مدیر کمکهای آمریکا پاسخ داد که در حالی که سیاست کمکی آمریکا همچنان در معرض بررسی قرار دارد، تصمیم به ادامه طرحهای کمکی ما یک مرحله از تعطیل کردن برنامه‌های کمکی ما را تشکیل می‌دهد و اجازه می‌دهد که حضور کمکی ما ادامه یابد. کروک، سفیر انگلیس پرسید که آیا ایالات متحده میل دارد سایر کشورهای غربی سیاستهای کمکی خود را نسبت به افغانستان تغییر دهند یا خیر. مدیر کمکهای آمریکا گفت او در این باره هیچ گونه اطلاعی ندارد. «کروک»، سفیر انگلیس گفت او شخصاً معتقد است که تصمیم ایالات متحده برای کاهش کمکها در قبال نحوه متضاحانه‌ای که جمهوری دمکراتیک افغانستان حادثه ربودن «دابس» سفیر آمریکا را مورد رسیدگی قرار داده است، تنها راه ممکن بوده است ولی معذالک او معتقد است که ضرورت یک چنین کاهش محسوس در کمک آمریکا به افغانستان تأسف آور است. او گفت که معتقد است تغییراتی در سیاست جمهوری دمکراتیک افغانستان به وجود می‌آید زیرا افغانستانیها به تدریج از پیوندهای نزدیک خود با بلوک شوروی سرخورده می‌شوند. کمکهای خارجی، تنها نوع مناسبات دو جانبه مهم در افغانستان به شمار می‌آید. او اظهار امیدواری کرد که ایالات متحده حضور کمکی خود را حفظ خواهد نمود. او معتقد بود که برقراری مجدد یک برنامه کمکی آمریکا پس از اختتام

برنامه، بسیار دشوار خواهد بود و از سوی دیگر حفظ یک حضور کمکی به جمهوری دمکراتیک افغانستان امکان خواهد داد به تدریج مناسبات خود را با غرب، در صورت تمایل، توسعه دهد و او گفت به همین دلیل او معتقد است که حفظ یک راه اختیاری دیگر هم مطلوب است و هم مهم او گفت تصمیم سیاسی آمریکا برای کاهش شدید مساعدتهای آمریکا در کمک به افغانستان چنانچه به منظور کشاندن افغانستان به اتکای بیشتر به اتحاد جماهیر شوروی باشد، شکستی برای ما خواهد بود.

کروک، سفیر انگلیس گفت او معتقد نیست که جمهوری دمکراتیک افغانستان نسبت به تصمیم آمریکا در مورد کاهش کمکها واکنش خصمانه‌ای نشان دهد. او گفت که معتقد است که رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان در وضع ناهنجاری قرار دارند و بنابراین کمتر احتمال می‌رود با نشان دادن عکس‌العملهای مستقیم به تصمیم آمریکا بر مشکلات خود بیفزایند.

۴- ملاقات با «بندال» دبیر اول (عمرانی) سفارت کانادا در اسلام آباد: بندال در جریان دیدار عادی طبق برنامه خود از کابل و اسلام آباد، با مدیر کمک آمریکا ملاقات کرد او می‌خواست بداند پیامدهای تصمیم اخیر آمریکا درباره کاهش کمک به افغانستان چیست. او گفت سفارت کانادا تصمیم آمریکا به کاهش کمک را به عنوان یک واکنش معقول در قبال اوضاع و احوال مربوط به مرگ «دابس» سفیر آمریکا در افغانستان تلقی می‌کند. ولی عقیده قبلی کانادا درباره اینکه حضور کمکی آمریکا در افغانستان یک امر مطلوبی است تغییر نکرده است. او گفت سیاست کمکی دولت کانادا نسبت به افغانستان اکنون یک سال است که تحت بررسی است ولی هنوز یک تصمیم روشن سیاسی درباره جهت‌گیریهای برنامه‌های کمکی گرفته نشده است.

۵- ملاقات با «اس.ک. سینگ» سفیر هند: پس از اینکه مدیر کمک آمریکا درباره پیامدهای تصمیم رئیس جمهوری درباره برنامه‌های کمک آمریکا به سفیر هند توضیحاتی داد، سفیر هند گفت که او این سیاست را درک می‌کند و با تصمیم سیاسی ایالات متحده همدردی دارد. او گفت معتقد است که اعلامیه ایالات متحده در تأیید این مطلب که کاهش کمکها نتیجه «ادامه ارزیابی» است و کمتر جلوه دادن ارتباط آن با شرایط مربوط به مرگ سفیر آمریکا قابل تأسف است. او همچنین گفت که درک نمی‌کند چرا ایالات متحده درباره پایان دادن به برنامه IMET اعلامیه داده است زیرا به خوبی دانسته شد که جمهوری دمکراتیک افغانستان خود این برنامه را رد کرده است.

سینگ با نهایت حسن اخلاق، ایالات متحده آمریکا را به خاطر ناشکیبایی که گاهی اتفاق افتاده است مورد سرزنش قرار داد و گفت به عقیده او این ناشکیبایی نتیجه اوضاع و احوال کنونی بوده است. او گفت: عده زیادی در حزب خلق از سیاستهای کنونی دستگاه رهبری خود ناراضی هستند و نگران تغییراتی در آن می‌باشند. سفیر هند گفت احساسات ضد غربی مگر در سطوح بسیار بالای دولت به ویژه در میان دو یا سه نفر که در رأس قرار گرفته‌اند مشاهده نمی‌شود.

هنگامی که درباره دکتر «شاه ولی» پرسیده شده او گفت که هنوز یقین ندارد شاه ولی در چه موضعی قرار گرفته، ولی به خوبی می‌داند که شاه ولی به روشنی تمام، تحت تأثیر نظام شوروی قرار گرفته است. او گفت معذالک سرخوردگی از بلوک شوروی به نحو فزاینده چشمگیری در داخل دولت مشاهده می‌شود. او اظهار عقیده کرد که شورویها به نوبه خود ممکن است لقمه بزرگتری از آنکه بتوانند ببلعند به دهان گرفته‌اند. او شک داشت از اینکه شورویها بخواهند ایالات متحده به کلی ایالات متحده به کلی از

افغانستان خارج شود.

و اما درباره احتمال واکنش جمهوری دمکراتیک افغانستان نسبت به کاهش کمک آمریکا، سینگ گفت او هنوز هیچ گونه نشانه‌ای در این باره دریافت نکرده است. او گفت اصولاً شک دارد از اینکه چنین واکنش فوری صورت گیرد.

او گفت که به دست آوردن وعده ملاقات با مقامات جمهوری دمکراتیک افغانستان به تدریج سخت‌تر و سخت‌تر می‌شود. او گفت جمهوری دمکراتیک افغانستان یقیناً انتظار یک نوع واکنش از سوی ایالات متحده در برابر قتل سفیر آمریکا داشت. او معتقد است که اوضاع کنونی داخل افغانستان بسیار حساستر از آن است که جمهوری دمکراتیک افغانستان نسبت به کاهش کمک آمریکا عکس‌العملی نشان دهد، حتی اگر چنین تمایلی هم داشته باشد. او گفت که اگر عکس‌العملی در پیش باشد این عکس‌العمل بسیار نامعقول خواهد بود. درباره موضع کمکی ایالات متحده در آینده، سینگ گفت او شدیداً طرفدار ادامه حضور کمکی آمریکا است. او گفت که معتقد نیست که حضور کمکی آمریکا رژیم افغانستان را از قابلیت احترام بیشتری برخوردار می‌کند. سینگ در حالی که گفت نمی‌خواهد درباره علائق و منافع ایالات متحده در منطقه خلیج (مقصود خلیج فارس است) و نیازهای آن قضاوت کند، او معتقد است که با حفظ حضور کمکی در این منطقه علائق ایالات متحده به یک منطقه با ثبات پیش برده می‌شود. او گفت که معتقد نیست که سطح کمک آمریکا در افغانستان باید بالا باشد و در واقع او معتقد است که کمک ایالات متحده در این کشور در آینده بسیار نزدیکی باید محقرانه باشد و از هر گونه ابتکاری برای توسعه این کمکها به جمهوری دمکراتیک افغانستان خودداری شود. او توصیه کرد که ایالات متحده باید چنان حضوری در افغانستان داشته باشد که چندان چشمگیر نباشد ولی این حضور باید حتماً موجود باشد. او نتیجه‌گیری کرد که در سال آینده یا در آن حدود هر چیزی ممکن است در این کشور رخ دهد و این دوران هر چند دوران دشواری خواهد بود معذالک دوران جالبی نیز خواهد بود.

سند شماره (۱۲)

طبقه بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۵ مارس ۷۹

گزارشگر: جی. بی. لامبراکیس

شماره سند: ۰۰۳۲۱۳

موضوع: اوضاع در افغانستان

- ۱- تمام متن خیلی محرمانه است
- ۲- سلطان محمود غازی، عضو خاندان سلطنتی افغانستان، رئیس سابق سازمان هواپیمایی کشوری و توریسم، و برادر سفیر سابق افغانستان در ایران،... روز ۲۵ مارس در ارتباط با مسئله ویزا با رایزن سیاسی دیدن کرد. او گفت اطلاعات وسیعی درباره اوضاع در افغانستان ندارد، ولی با اشخاصی که تا سه روز قبل از افغانستان به اینجا آمده‌اند صحبت کرده است.
- ۳- او گفت قیام، توسعه یافته و حداقل هشت ایالت را در بر گرفته است. حکومت افغانستان اعتمادی به قسمت بزرگ ارتش خود، به ویژه سربازان وظیفه ندارد و مواردی از بمباران شدن واحدهای نظامی توسط

نیروی هوایی صورت گرفته زیرا این واحدها غیر قابل اعتماد تشخیص داده شده بودند. در کابل امنیت در شب به وسیله بسیاری از غیر نظامیان و سایر کمونیستها به جای نظامیان تأمین می‌شود. در واقع نظامیان تا اندازه زیادی از شهر خارج نگهداشته می‌شوند.

۴- طبق اظهار محمود غازی اگر حکومت افغانستان تنها می‌ماند، بیش از یک هفته دوام نمی‌آورد، ولی محمود غازی یقین دارد که شورویها از حکومت افغانستان پشتیبانی می‌کنند و این حکومت را با سربازانی از نژاد تاجیک، ازبک، و ترکمن که آن طرف مرز قرار گرفته‌اند تقویت می‌کند. این امر چیزی است که یک بیگانه هرگز نمی‌تواند ثابت کند؛ با توجه به اینکه حکومت افغانستان می‌تواند هر چه زودتر شناسنامه‌هایی برای آنها فراهم کند.

۵- متأسفانه نه حکومت آمریکا نه حکومت پاکستان و نه حکومت ایران ظاهراً علاقه‌مند به مساعدت به این قیام نیستند. ایرانیان احتمالاً ممکن است مساعدت مالی فراهم کنند ولی آنها نظامی ندارند و سلاحهای آنها تقریباً به طور کامل سبک آمریکایی و غربی است. از سوی دیگر، سلاحهای چینی در دست پاکستانیها شاید در افغانستان سودمند باشد.

۶- مراتب فوق ممکن است با گزارشهای صادره از کابل و منابع دیگر تطبیق کند. خود محمود غازی پیشنهاد دریافت یک گذرنامه ایرانی را در صورت تغییر ملیت، رد کرد و امید بازگشت به افغانستان را هنگامی که اوضاع روزی تغییر کند و در صورتی که تغییر کند از دست نداده است.

سولیوان

سند شماره (۱۳)

طبقه بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۸ مارس ۷۹

از: وزیر امور خارجه در واشنگتن

به: سفارت آمریکا در کابل

شماره: ۷۶۷۰

موضوع: کاهش کمک به افغانستان از سوی کمیته مجلس نمایندگان

- ۱- در بیست و هشت مارس، کمیته امور خارجه مجلس نمایندگان اصلاحیه زیر را به لایحه کمکهای خارجی که از سوی «دروینسکی» پیشنهاد شده بود تصویب کرد:
- ۲- هیچ کدام از وجوه مجاز که در نتیجه اصلاحیه‌هایی که تحت این عنوان به عمل آمده نباید برای کمک به افغانستان اختصاص داده شود مگر اینکه رئیس جمهور تصمیم بگیرد و به کنگره گزارش دهد که کمک به افغانستان به سود منافع ملی ایالات متحده آمریکا است.
- ۳- اثرات این اصلاحیه عبارت است از حذف وجوهات جهت برنامه‌های عنوان یک (کمکهای اقتصادی آمریکا) برای سال مالی.

ونس

سند شماره (۱۴)

تاریخ: ۱۱ آوریل ۱۹۷۹

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شرکت‌کنندگان: واسیلی - گوروی دبیر اول سفارت شوروی

رونالد دی لورتون مأمور سفارت در افغانستان

وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

یادداشت مکالمه

موضوع: افغانستان و روابط آمریکا و افغانستان

«گوروی» گفت که او نتوانسته است تحولات در روابط آمریکا و افغانستان را از زمانی که او آخرین بار «لورتون» ملاقات کرده است درک کند و اظهار نظر کرد که در دیدار اخیر او (در هشتم فوریه) مناسبات بین آمریکا و افغانستان «آرام» به نظر می‌رسید ولی از زمانی که حادثه وحشتناکی که منجر به مرگ سفیر آمریکا در کابل شده بود یک نوع تغییر ناگهانی در این مناسبات روی داده است. او به عنوان نمونه تصمیم آمریکا را در کاهش دادن کمکهای اقتصادی به افغانستان و پیشنهادهای کنگره را برای اقدامات دیگر از قبیل خارج کردن سپاه صلح ذکر کرد. گوروی توضیح داد که این تحولات غیر قابل درک است زیرا ایالات متحده همیشه کوشیده است تا موضع خود را در نقاط مختلف جهان حفظ کند.

لورتون موافقت کرد که دشواریهایی در مناسبات آمریکا و افغانستان به وجود آمده و توضیح داد که هر چند مناسبات، قبل از ۱۴ فوریه عادی بوده است معذالک ما تعدادی مسئله در پیش داریم که از جمله ناتوانی ما به توافق با افغانیها درباره مسائل مختلف با بردهای بین‌المللی است و فقدان علاقه از سوی جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد بسیاری از برنامه‌هایی است که ما همچنان عرضه می‌کنیم. آنچه که ما را به مناسبت رسیدگی به ماجرای ربودن «دابس» سفیر آمریکا، ناراحت می‌کند فقدان کامل همکاری جمهوری دمکراتیک افغانستان و حتی مشورت آنها با ما در رسیدگی به این ماجرا است. لورتون گفت همه این عوامل جزئی از تصمیم ما را برای کاهش سطح مساعدت اقتصادی آمریکا تشکیل می‌دهد. گوروی آنچه را که وی به عنوان نظر ایالات متحده تلقی می‌کند و دایر بر آن است که شورویها قادر بودند رفتار افغانیها را در آن زمان کنترل کنند مورد پرسش قرار داد. او گفت افغانستان یک کشور دارای حق حاکمیت است و این امر را انکار کرد که اتحاد جماهیر شوروی قادر است به افغانها «دستور دهد» که کاری را انجام بدهند. لورتون در اعتراض به این مطلب گفت که مسئله صدور دستور نیست، بلکه نظر ما این است که شورویهایی که به افغانها توصیه می‌کنند، بایستی قادر باشند که افغانیها را به خویشتن‌داری وادار کنند. در واقع شورویها در بعضی از جنبه‌های عملیات ضد تروریستی طبق گزارش شهود عینی نقش عملیاتی داشته‌اند. لورتون خاطر نشان ساخت که با وجود این، نظر خود را به اعضای ذینفع کنگره و دیگران بیان داشته‌ایم که حکومت افغانستان است که باید مسؤلیت نتایج اقدامات خود را به عهده بگیرد. گوروی اظهار نظر کرد که با توجه به تصمیمات شدید آمریکا دشوار است بتوان دید که مناسبات آمریکا و افغانستان پیشرفت کند. لورتون گفت که آمریکا تمایلی به تیره کردن روابط خود با افغانستان ندارد، ولی خاطر نشان ساخت که یکی از دشواریهای اصلی در داشتن مناسبات کاری در آینده، ادامه اتهامات ناشی از مسکو درباره مداخلات بیگانه در امور افغانستان است. لورتون خاطر نشان ساخت که اظهار رسمی از سوی آمریکا در این مورد در تأیید بر آنکه آمریکا در امور داخلی افغانستان دخالتی نکرده

و قصدی برای دخالت ندارد، منتشر شده است. لورتون در پایان نتیجه‌گیری کرد که تا زمانی که این نوع اتهامات و جوی که از آن ناشی می‌شود ادامه یابد، بهبود مناسبات آمریکا و افغانستان دشوار خواهد بود. لورتون از گوروی خواست که تحولات افغانستان و مشکلات عمده حکومت تره‌کی را ارزیابی کند. گوروی اظهار عقیده کرد که جمهوری دمکراتیک افغانستان با مشکلاتی که همه انقلابها با آن مواجه هستند رو به رو است زیرا طبقات قدیم و جدید برای کنترل اوضاع با یکدیگر رقابت می‌کنند.

گوروی خاطر نشان ساخت که یک سنت نیرومند مذهبی در افغانستان وجود دارد و گفت که این خود یک منبع مخالفت با رژیم است که می‌خواهد کلیسا را از دولت جدا کند و مذهب را از سیاست دور کند. او همچنین سنتهای خود مختاری بعضی از گروههای قبیله‌ای را گوشزد کرد و گفت که عده‌ای از ناراضیان از مرز افغانستان گذشته و وارد پاکستان شده‌اند و به فعالیتهای ضد جمهوری دمکراتیک افغانستان می‌پردازند. گوروی ادامه داد که جمهوری دمکراتیک افغانستان از مقدار زیادی پشتیبانی برای برنامه‌های اصلاحاتی خود (از قبیل اصلاحات ارضی) که به سود توده‌های مردم افغانستان است برخوردار است. به عقیده گوروی نظامیان کلید پیشرفت یک انقلاب در کشورهای رو به رشد هستند.

لورتون پرسید که آیا رژیم واقعاً «از سوی توده‌ها» پشتیبانی می‌شود یا خیر و اظهار داشت که بخشهای بزرگی از جمعیت عمومی به نظر می‌آید که مخالفت خود را با رژیم در شورش هرات و ترک افغانستان به مقصد پاکستان بیان داشته‌اند. لورتون گفته که اینها نشانه‌هایی کمتر از پشتیبانی عمومی توده‌ها برای رژیم هستند و واکنش تدابیر شدیدی را که رژیم علیه مخالفان در پیش گرفته‌اند تشکیل می‌دهند. گوروی پاسخ داد که هر اقدامی باعث اقدام متقابل می‌شود و درباره نیاز انقلاب به دفاع خود از لنین نقل قول کرد که او یادآوری کرد که تعداد بزرگی از روستاییان روسیه با انقلاب روسیه مخالفت می‌کردند زیرا آنها فاقد تحصیل و بیسواد بودند و نمی‌دانستند منافع واقعی آنها در کجاست. به عقیده او وظیفه رهبران حکومت افغانستان پرورش توده‌ها درباره منافع حقیقی آنها است و این فرآیند را یک امر بسیار دشوار توصیف کرد.

لورتون در پایان گفت که در واقع برای مردم افغانستان اوضاع و احوال بسیار دشواری در پیش است زیرا جمهوری دمکراتیک افغانستان به نظر می‌رسد نابودی نهادهای قدیمی را به نفع ساختهای جدید، بر کوشش به کار کردن با این نهادها یا از طریق این نهادها ترجیح می‌دهد.

سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۸ می ۱۹۷۹

طبقه بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزیر امور خارجه در واشنگتن

شماره ۳۵۵۷

موضوع: «دروغ بزرگ» به صورت ابزار استاندارد خلقیها در می‌آید

۱- (تمامی متن محرمانه)

۲- خلاصه: نتیجه نطقهای فراوان و کنفرانسهای مطبوعاتی که در جریان روزهای اخیر از سوی نور محمد تره‌کی رئیس جمهوری و حفیظ الله امین، نخست وزیر به مناسبت سالگرد انقلاب ترتیب داده شده بود، چین و چروکهای سیاسی جدیدی را به وجود آورده است و از جمله اشاره بر آن شده است که

اصطکاک بین دو رهبر ممکن است واقعیت داشته باشد. تکذیبهای صریحی درباره اینکه در جلال آباد شورشی رخ داده و یا اینکه رژیم زندانیان سیاسی خود را شکنجه می دهد، نشان دهنده آن است که «دروغ بزرگ» ممکن است تاکتیک ترجیحی رژیم در سروکار داشتن با مسائل ناگوار بوده باشد. مداخله ادعائی از سوی ایران و پاکستان و «امپریالیسم» بهانه اصلی حکومت برای ادامه مخالفت در داخل کشور است در حالی که کنایه های نیمه سرپوشیده ای به کشورهای «برادر» (به ویژه چکسلواکی) که ممکن است به رهبران پرچمیست تبعید شده پناهندگی دهد به عمل آمده است. (پایان خلاصه).

۳- مناسبات تره کی و امین: علیرغم توصیف پرافاضه تره کی از سوی امین به عنوان «شکوه مندترین شخصیت در تاریخ افغانستان» (که اشخاص برجسته ای از قبیل داریوش و اسکندر کبیر و چنگیز خان و تیمور لنگ و احمدشاه درانی و بانو میلر و فلاشمن را کنار می گذارد) اشاراتی همچنان ظاهر می شود که اختلافات بین این دو رهبر ممکن است وجود داشته باشد. نور محمد تره کی در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی در پاسخ به تقبیح و محکوم کردن پرستش فرد، درباره خود او از سوی امین، تره کی از روی تواضع گفت که مردم افغان «احساس محبت و احترام نسبت به من دارند» به طوری که آنها اصرار دارند همه جا عکس او را نصب کنند. تره کی افزود که حکومت دستوراتی درباره پایان دادن به این عمل صادر کرده است ولی رژیم برای ممانعت از بیان احساسات مردم متوسل به زور نخواهد شد. (اظهار نظر: تعداد زیادی از عکسهای تره کی اخیراً ناپدید شده است.) در همین کنفرانس مطبوعاتی تره کی این اطلاع را به نحو قاطعی تکذیب کرد که امین گفته است یا حتی اطلاع داده است که بعضی از دشمنان ناشناخته می کوشند رئیس جمهوری افغانستان را «تحت نفوذ خود» درآورند. (مرجع ۸) تره کی از روی گستاخی اصرار داشت که امین «به هیچ وجه چنین چیزی نگفته است» و اینکه او یقین دارد که گفته او حقیقت دارد زیرا او «همه مصاحبه های امین را که در یک سال گذشته انجام گرفته خوانده است».

۴- حقوق بشر: امین ضمن رد گزارشهای مفصل که به وسیله شهود عینی و قربانیان تأیید شده است، مبنی بر اینکه رژیم بسیاری از زندانیان در بازداشت خود را از لحاظ جسمی در معرض بد رفتاری قرار می دهد (و از جمله شب هنگام زندانیان سیاسی بدون محاکمه اعدام می شوند، بعضی از قسمتهای بدن زندانیان در معرض شوک الکتریکی قرار می گیرد) مدعی شد که «ما به وقار انسانی لطمه ای نزدیم حتی هنگامی که با اشخاصی سروکار داشته ایم که علیه خلق ما و کشور ما توطئه می چیدند». امین اضافه کرد: «ما علیه هیچ کس و سائلی را که با احترام به وقار انسانی تضاد دارد به کار نبرده ایم». تره کی اصرار ورزید که تنها بین ۱۰۰۰ تا ۱۱۰۰ زندانی سیاسی در بازداشت به سر می برند. (اظهار نظر: ما تصور می کنیم که رقم زندانیان سیاسی عملاً بیش از ۱۰ هزار نفر است)

۵- امنیت داخلی: گناه مشکلات امنیت داخلی همچنان به «عوامل نفوذی بیگانه» و به ویژه سربازان ملبس به لباسهای افغانی «از پاکستان و ایران نسبت داده شده است. تره کی به طور غیر مستقیم پذیرفت که در شمال غربی افغانستان زد و خوردهایی در جریان است او اصرار داشت که خشونت در اطراف میمنه (یک منطقه ترکمن نشین در نزدیکی مرز شوروی) کار «رخنه گران ایرانی» بوده است که به دنبال عصیان در هرات فرار کرده بودند. تره کی هم چنین اعلام داشت که «مداخله» از سوی ایران و پاکستان رژیم را ناگزیر ساخته است که مقررات منع عبور و مرور شبانه را در کابل بیش از یک سال پس از انقلاب همچنان حفظ کند. تره کی درباره واقعیات مربوط به چند نقطه اشاره کرده و این موضوع را تکذیب کرد که اخیراً در

جلال آباد حوادثی اتفاق حوادثی اتفاق افتاده تا چه رسد به اینکه ارتش دست به عصیان زده است. تره کی با اصرار گفت که هیچ کس (و به ویژه شیعیان) به علت اعتقادات مذهبی خود دستگیر نشده‌اند.

۶- هدفهای انقلاب: تره کی پذیرفت که ساختن یک جامعه سوسیالیستی، یک وظیفه دراز مدت است ولی او مدعی شد که «شالوده» یک جامعه سوسیالیستی ظرف «۶ تا ۱۰ سال آینده» ریخته خواهد شد. و اما درباره ماهیت رژیم، تره کی خاطر نشان ساخت که «دمکراسی بدین معنی است که تدابیری برای سود اکثریت اتخاذ شود» و افزود که ما می‌توانیم جمهوری دمکراتیک افغانستان را یک دیکتاتوری دمکراتیک افغانستان بنامیم، زیرا جمهوری دمکراتیک افغانستان به نفع ۹۸٪ از مردم است.

۷- مناسبات با ایران و پاکستان: طبق اظهار رهبران افغانستان «قدرتهای ارتجاعی منطقه» (مقصود ایران و پاکستان) با پشتیبانی «امپریالیست» (مقصود آمریکا و انگلیس) به انجام «تجاوز مسلحانه» علیه افغانستان ادامه می‌دهند که به «شهادت تعداد زیادی از مردم» منجر شده است که از جمله زنان و کودکان و اشخاص مسن در میان آنان بوده‌اند. تره کی مدعی شد که از هشتم آوریل ۱۹۷۹ به بعد «سربازان پاکستان یازده بار به خاک افغانستان تجاوز کرده‌اند».

تره کی با اصرار گفت که همه تجاوزهای بعدی از سوی نیروهای مسلح افغانستان «با پشتیبانی دوستان بین‌المللی افغانستان» دفع خواهند شد. تره کی افزود «ما ضیاء الحق را دشمن خود نمی‌دانیم ولی ممکن است دیر یا زود او از اعزام رخنه‌گران به این کشور خودداری کند».

۸- مناسبات با کشورهای سوسیالیستی: تره کی اصرار داشت که تنها بین ۱۰۰۰ و ۱۱۰۰ مستشار روسی در افغانستان وجود دارد که از این عده حدود ۳۰۰ نفر در دستگاههای نظامی افغانستان خدمت می‌کنند. (اظهار نظر: ما معتقدیم که تقریباً ۱۰۰۰ مستشار نظامی روسی در اینجا وجود دارد و تعداد مستشاران غیر نظامی حدود ۲۵۰۰ نفر است.) او پیشنهاد کرد خبرنگاران خارجی این رقم را با اوضاع در ایران و پاکستان و سایر کشورها مقایسه کنند که در آنجا بین ۶۰ تا ۷۰ هزار آمریکایی و سایر مستشاران حضور دارند. درباره کمکهای نظامی از جانب اتحاد جماهیر شوروی، تره کی مدعی شد که «آنچه که ما نیاز داریم و می‌توانیم آنها را به کار بریم دریافت می‌کنم». در جبهه سیاستی تره کی اصرار داشت که «مناسبات برادرانه» بین افغانستان و چکسلواکی دلالت بر آن می‌کند که چکسلواکی «هرگز به ببرک کارمل سفیر سابق و همکاران پرچمیست او یا سایر دشمنان انقلاب پناه نخواهد داد».

۹- مناسبات حزب با نهضت بین‌المللی: طبق اظهار تره کی حزب دمکراتیک خلق افغانستان «همبستگی تاریخی با سه نهضت عمده ضد امپریالیستی» داشته است. این سه نهضت عبارتند از: «جبهه جهانی صلح و ترقی» و «نهضت بین‌المللی طبقه کارگر» و «نهضت‌های آزادیبخش ملی و اجتماعی در سراسر جهان».

۱۰- نتیجه‌گیری: به غیر از این فرمول‌بندیهای جدید، وفور لفاظیها در سطح عالی در اطراف نخستین سالگرد انقلاب، مطالب، قدیمی بوده است. تکذیب علنی وقوع حوادث (از قبیل شورش جلال آباد و شکنجه زندانیان و غیره) از سوی دستگاه رهبری ظاهراً همان تاکتیک «دروغ بزرگ» است که از طرف آنها در پیش گرفته شده و بدین ترتیب از حیثیت و اعتبار داخلی رژیم کاسته شده است. در این ارتباط تکذیب ناشیانه تره کی درباره اینکه امین گفته است که بعضی اشخاص می‌کوشند رهبر بزرگ را تحت تأثیر قرار دهند با اشاره به اینکه امین جزئی از دستگاه رسمی در مطبوعات تحت کنترل دولت است بسیار

جالب توجه است. اشاره‌های تره‌کی خطاب به پراگ (چکسلواکی) نیز ممکن است به عنوان حمله به سایر کشورهای «برادر» (مثلاً یوگسلاوی و حتی اتحاد جماهیر شوروی) باشد که ممکن است اکنون یا در مرحله دیگری به رهبران پرچمیست پناه دهند. در این ارتباط چنین به نظر می‌رسد که به هر اندازه که رژیم خلقی در تحکیم امنیت داخلی خود ناتوان باشد به همان اندازه رهبران خلقی ممکن است از این نگرانی داشته باشند که «دوستان بین‌المللی» آنها در جستجوی یک دستگاه رهبری چپ‌گرای دیگری برای پشتیبانی باشند.

سند شماره (۱۶)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۹ می

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: نقش فعلی روسیه در افغانستان

۱- خلاصه: درگیری شوروی در افغانستان در هفته‌های اخیر به صورت بارزی افزایش یافته است، ولی هنوز به حدود مبالغه شده‌ای که اغلب در مطبوعات جهان گزارش شده نرسیده است. اگر چه این امکان وجود دارد که نیروهای رزمی شوروی در درگیری داخلی افغانستان مداخله نمایند. ولی نظر ما این است که اتحاد جماهیر شوروی احتمالاً تلاش خواهد نمود تا از افتادن در چیزی که می‌تواند تله‌ای از نوع ویتنام باشد اجتناب ورزند.

۲- با در نظر داشتن این حقیقت که عناصر انتخاب شده این گزارش توسط وزارتخانه در پاسخگویی به تجسسهای کنگره و جامعه مورد استفاده قرار خواهد گرفت (تلکس مرجع)، سفارت اطلاعات زیر را در مورد درگیری فعلی شوروی در افغانستان ارائه می‌کند که افشای آن به عملیات ما در اینجا به طور جدی زیان وارد نمی‌کند و یا منابع ما را مورد مخاطره قرار نخواهد داد.

۳- علیرغم بدتر شدن وضعیت امنیتی در سراسر کشور حضور شوروی در افغانستان از نظر کمی، در ماههای اخیر افزایش قابل توجهی پیدا نموده است. تعداد مستشاران نظامی روسی در حدود کمی بالاتر از ۱۰۰۰ نفر باقی مانده است. (و احتمالاً هنوز در حدود ۲۵۰۰ نفر مستشار غیر نظامی روسی در آن کشور به سر می‌برند.)

ما بر این اعتقاد داریم که تعداد زیادی از وابسته‌های روسی به شوروی تخلیه شده‌اند، هر چند سفارت شوروی این را تکذیب می‌کند.

۴- از نظر کیفی چنین به نظر می‌آید که نفوذ مستشاران روسی در هفته‌های اخیر و خصوصاً پس از دیدار ژنرال روسی «ا.ا. پیشیف» رئیس اداره سیاسی نیروهای مسلح در آوریل، مشخص‌تر شده باشد. اگر چه دلیل اعلام شده برای سفر «پیشیف» بالا بردن سطح آموزش سیاسی نیروهای افغانستان بوده، ولی وی به همراه یک گروه بزرگ از کارمندان رسمی شوروی به افغانستان آمد و گمان بر این می‌رود که جنبه‌های مختلف پشتیبانی نظامی از ارتش و نیروی هوایی افغانستان را مورد بررسی قرار داده باشد. ما همچنین از اداره و هدایت افزایش یافته وزارتخانه‌های مختلف کشوری توسط روسها مطلع می‌باشیم.

۵- بهترین لوازم از نظر کیفی که شوروی تاکنون برای افغانستان تهیه دیده است عبارتند از هواپیماهای

جنگنده میگ - ۲۱ و سوخو ۷ و هلیکوپترهای توپدار ۲۴ - MI و تانکهای ۶۲ - T علیرغم شایعات خلاف و مکرر، افغانها هنوز به هواپیمای میگ ۳۲ مجهز نشده‌اند.

۶- سفارت شایعات گسترده‌ای که خلبانان روسی در برخی مأموریت‌های عملیاتی هواپیماهای افغانستان بر علیه هدفهای چریکی شرکت دارند را مورد ارزیابی قرار داده است. ما هیچ دلیل محکمی برای رد این امکان در دست نداریم و تا زمانی که چنان هواپیمایی با خلبان روسی آن دچار حادثه نشود مشکل خواهد بود که این شایعات را اثبات کنیم. از آنجایی که برخی از تجهیزات جدید از قبیل هلیکوپترهای توپدار ۲۴ - MI از تجهیزات جنگی قدیمی تر افغانستان پیچیده‌تر هستند، گمان بر این می‌رود که پرسنل روسی در فعالیت آموزشی سنگینی شرکت دارند و چندین گزارش وجود دارد که هلیکوپترهای ۲۴ - MI در عملیات علیه شورشیان مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از آنجایی که این یک سیستم پیچیده تسلیحاتی است ما اطمینان نداریم که زمان کافی برای آموزش افغانها جهت پرواز با این هلیکوپترها به تنهایی وجود داشته است. بنابراین کاملاً امکان‌پذیر است که روسها در پرواز آن هلیکوپترهایی که در عملیات مورد استفاده قرار گرفته است کمک کرده باشند و در عین حال خلبانان افغانی را تعلیم داده باشند.

۷- چون مستشاران نظامی روسی در نیروی زمینی افغانستان در تمام سطوح تا گردان و همچنین در چندین واحد تخصصی کوچک حضور دارند، غیر عادی خواهد بود اگر هر چند وقت یک بار در عملیات نظامی دستگیر نشوند.

۸- مهمترین سؤال این است که آیا می‌توانیم انتظار داشته باشیم که نیروهای روسی را در درگیری افغانستان ببینیم؟

ما فقط می‌توانیم ناظر باشیم که از چنان احتمالی جلوگیری به عمل نیاید. ماده ۴ معاهده جدید دوستی افغانستان - شوروی منعقد در ۵ دسامبر ۱۹۷۸ شرط می‌کند که طرفین ۰۰۰۱۱ با یکدیگر مشاوره می‌نمایند و بر اساس توافق، اقداماتی به عمل می‌آورند که امنیت، استقلال و تمامیت ارضی دو کشور را تضمین نماید. ماده به این ترتیب خاتمه می‌پذیرد: «به منظور انسجام بخشیدن به توانایی دفاعی طرفین قرارداد، آنها بایستی که به توسعه همکاری در زمینه نظامی بر اساس موافقتنامه‌های مناسبی که بین آنها منعقد شده ادامه دهند.»

۹- خیلی از ناظران دیپلماتیک اظهار نظر کرده‌اند که عبارت پردازی دقیق ماده ۴ به نظر می‌رسد که اتحاد شوروی را قادر می‌سازد که با یک تیر دو نشان بزند. به نظر می‌رسد که این ماده به نیروهای روسی اجازه می‌دهد در زمان صلح به افغانستان وارد شوند، ولی همچنین حاوی زبان گریز می‌باشد که به روسها اجازه می‌دهد درخواست کمک رژیم خلقی را نادیده بگیرند. شایع است که افسران ارشد روسی به خلقیها اطمینان شفاهی داده‌اند که اتحاد جماهیر شوروی هر چه که لازم باشد برای حفاظت از انقلاب انجام خواهند داد. در حالی که خلقیها در گفتگو با دیپلماتها و مطبوعات خارجی (کابل ۳۵۳۸) اظهار داشته‌اند که مطمئن می‌باشند که اتحاد شوروی به آنها در رویارویی با مداخلات روشن نیست آیا واقعاً آنها چنین اطمینانی را دارا می‌باشند. رهبری تره کی - امین بدون شک آگاه است که راههای دیگری نیز برای رژیم آنها به صورت ناآشکار وجود دارد (از جمله رهبران تبعیدی حزب پرچم).

۱۰- هر چند این سفارتخانه به تخصص سفارت مسکو در تجزیه و تحلیل روسیه در مورد وضعیت

افغانستان احترام می‌گذارد (که کرملین بایستی به آن هم به عنوان یک فرصت و هم آشفتنگی بنگرد)، این مورد در کابل موضوع خیلی از تفکرات می‌باشد. بعضی استدلال می‌کنند که شوروی مایل است تا از یک رکود اقتصادی در باتلاق جنگی داخلی از نوع ویتنام اجتناب ورزد، در حالی که دیگران معتقدند که ما بایستی در آستانه وضعیت نظیر ۱۹۶۸ چکسلواکی باشیم. اتحاد شوروی ممکن است به خاطر اینکه انقلاب افغانستان در خطر است «حرکتی» صورت دهد. در این رابطه اتهامات مکرر شوروی در مورد مداخله ایالات متحده، چین، پاکستان و دیگر کشورها می‌تواند به عنوان زمینه‌ای قانونی و تبلیغاتی برای چنان حرکتی به کار گرفته شود. علاوه بر این شکایتهای مکرر خلقیها که سربازان پاکستانی و ایرانی در لباس افغانی در افغانستان فعالیت می‌نمایند، می‌توانند بخشی از این تدارکات سیاسی باشد.

۱۱- چرا اتحاد شوروی باید تصمیم به مداخله بگیرد؟ افغانستان بر خلاف آنگولا، اتیوپی یا یمن با خود شوروی هم‌مرز است. در حقیقت این کشور آشوب‌زده در مجاورت چندین جمهوری مسلمان آسیایی مرکزی شوروی که حساس می‌باشد قرار دارد. مسکو به صورت قابل درکی در مورد امکان یک رشته به هم پیوسته از کشورهای اسلامی محافظه‌کار که در طول و یا نزدیک مرزهای جنوبی آن از پاکستان، ایران قرار می‌گیرد، نگران است (و اگر که اتحاد اخوان رژییم خلقی را سرنگون کند، این جریان می‌تواند رخ دهد). اتحاد شوروی همچنین سرمایه‌گذارهای سیاسی، اقتصادی، استراتژیک، نظامی و پرستیژ کافی در افغانستان خلقی دارد. محتمل نیست که مسکو بدون برخی تلاشها جهت حفظ آنها بگذارد که از دست بروند.

به عبارت دیگر تقریباً هر رژییم افغانی که بر رژییم خلقی پیشی بگیرد، احتمالاً احساس خواهد کرد که بایستی با حقیقت جغرافیایی — سیاسی همسایه بزرگ شمالی کشور به توافق برسد. (همان گونه که در مورد دولتهای افغانستان در ۶۰ سال گذشته متغیر بوده است.)

سند شماره (۱۷)

از: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.

تاریخ: ۱۱ می ۷۹

به: سفارت آمریکا در تهران

موضوع: تقاضای اطلاعات در مورد افغانستان و جمهوری دمکراتیک خلق یمن

۱- تمام مطالب خیلی محرمانه است.

۲- سفارت بایستی تا به حال تلگرافهایی درباره نقش شوروی در افغانستان دریافت کرده باشد و قبلاً مجاز بوده است که بیشتر این اطلاعات را با دولت موقت ایران در میان بگذارد. به علاوه شما می‌توانی از IMR جدید زیر به شماره ۹۴۹۰۵ وزارت خارجه (که برای سفیر سولیوان در اواخر مارس تهیه شده) استفاده کنی که حاوی اطلاعات وسیعی است که از منابع آزاد دریافت شده است.

۳- افغانستان: تفسیر شوروی از افغانستان در دو سه هفته گذشته کاهش یافته است. در حالی که مطبوعات شوروی به اشاره ضمنی به اینکه ایالات متحده و پاکستان در پشت افغانستان هستند، ادامه می‌دهند که ضمناً تکرار و درجه اعتبار این اشارت ضمنی کاهش پیدا کرده است. به هر حال مسکو هنوز با شدت به چین حمله می‌کند. برای مقابله با احساسات ضد شوروی در دنیای مسلمین که به واسطه حمایت مسکو از کابل صورت پذیرفته، سعی بر این شده که وجهه اقلیتهای مسلمان در شوروی تقویت شود. دوبار

در ماه گذشته رادیو شوروی پیامهایی را از مفتی تاشکند که سیاست شوروی در مورد آزادی مذهب و وضعیت اسلام در شوروی را ستوده است پخش کرد. در عین حال شوروی مواظب بوده تا روی روابط دو کشور تأکید گردد و جهت‌گیری مارکسیستی حزب دمکراتیک خلق افغانستان را بی‌اهمیت جلوه دهد.

۴- پوشش رسانه‌های گروهی شوروی از اولین سالگرد انقلاب افغانستان در ۲۷ آوریل بدون عیب بود. برژنف و کاسیگین تبریکاتشان را ارسال داشتند در حالی که تفسیر آنها روی پیشرفتی که در ۱۲ ماه اخیر حاصل شده بود، تأکید می‌کرد اما اضافه می‌کرد که هنوز راه طولانی در پیش است. علیرغم تعهدات پشتیبانی مکرر روسها، روسها دقت داشتند که بر وضعیت عدم تعهد جمهوری دمکراتیک افغانستان تأکید کنند.

مسکو هنوز حزب دمکراتیک خلق افغانستان را به عنوان یک حزب کمونیست نشناخته و احتمال هم نمی‌رود که تا زمانی که وضعیت افغانستان و کنترل جمهوری دمکراتیک افغانستان بر کشور احاطه پیدا نماید چنین کاری را انجام دهد. در واقع نشانه‌ای وجود دارد که شوروی از روابط نزدیک با رژیم تره‌کی متأسف است ولی تعهد آنها برای تبادل آن همچنان پابرجاست. در هر صورت شوروی به حزب دمکراتیک خلق افغانستان به عنوان حزب پیش‌قراول و به انقلاب افغانستان به عنوان روح پرولتاریای بین‌المللی اشاره می‌کند. ساسلو عضو اداره سیاسی، اخیراً اظهار داشت که افغانستان مثل اتیوپی و موزامبیک در جهت سوسیالیست شدن قرار دارد. این جهت‌گیری همراه با پیشرفت است ولی راه درازی، در پیش دارد تا بتواند شروع به ساختن سوسیالیسم واقعی کند.

۵- علیرغم کوششهای کابل مبنی بر متوقف ساختن فعالیت شورشیان، به نظر می‌رسد که جنگ در افغانستان شدت و گسترده‌گی شدیدی یافته است. کنترل دولت بر نواحی استانهای کنارها، ننگاهار و پکتیا کم به نظر می‌رسد و جنگ در آن مناطق سنگین بوده است. آشوبهایی در حومه کابل اتفاق افتاده است. در خلال جشن سالانه هیچ ناراحتی جدی مخصوص (عمدتاً به خاطر هماهنگی تدارکات امنیتی شوروی) وجود نداشته ولی اخبار ترور مقامات عالی‌رتبه افغان و مستشاران روسی پا بر جا باقی می‌ماند. طبق اخبار واصله تا به حال عده‌ای از روسها در یک شورش آشکار نظامی در جلال آباد کشته شده‌اند.

۶- مسکو در پاسخ به نیازهای کابل، ظاهراً به کمکهای نظامی افزایش داده است. بیشتر این کمکها قبلاً در قراردادهای وجود داشته ولی تاریخ ارسال آنها تمدید شده است. طبق گزارشهای معتبر مطبوعات، در حال حاضر بیشتر از ۳۰۰۰ مستشار روسی در افغانستان به سر می‌برند که ۱۰۰۰ نفر از آنها پرسنل نظامی هستند، اتحاد جماهیر شوروی اخیراً حدود دوجین هلیکوپتر ۲۴-MI جنگی ارسال داشته و از آنجایی که هیچ خلبان افغانی نیست که روی این هلیکوپترها تعلیم دیده باشد، خلبانان روسی ممکن است تا زمانی که خلبانان افغانی تعلیمات ببینند با این هلیکوپترها به عملیات بپردازند. در اوایل آوریل ژنرال پیشیف، رئیس هیئت مدیره سیاسی ارتش و نیروی دریایی، در رأس یک هیئت به کابل آمد تا احتمالاً وفاداری ارتش و تعلیمات آن را مورد بحث قرار دهد و همچنین احتمالاً وضعیت را برای مسکو بررسی کند و شانسهای رژیم تره‌کی برای ادامه بقاء را مورد ارزیابی قرار دهد.

۷- جمهوری دمکراتیک خلق یمن: اسماعیل، مرد شماره یک جمهوری دمکراتیک خلق یمن ضمن دیدارش از اتیوپی در اوایل مه علناً از اتحاد جماهیر شوروی و کوبا برای کمکهایشان در جنگ این کشور با (یمن جنوبی) تشکر کرد و جمهوری دمکراتیک خلق یمن را در زمره پیشقراولان انقلاب کبیر اکتبر

قلمداد کرد. مسکو در سراسر درگیری در عدن مستقر بود. در حالی که در خلال جنگ هیچ افزایش مهمی در ارسال اسلحه صورت نگرفته بود، مجموعه‌های ارسالی شوروی به جمهوری دموکراتیک خلق یمن از تابستان گذشته زیاد بوده و احتمالاً جمهوری دموکراتیک یمن آنچه احتیاج داشته دریافت داشته است.

۸- همچنین به نظر می‌رسد که مسکو از یک صلح میانه طرفداری می‌نمود و به طور علنی از تلاشهای اعراب برای خاتمه دادن به درگیری ستایش نمود. قبل از اینکه جنگ روی دهد اتحاد شوروی در تلاش بود تا روابطش را با عربستان و یمن (YAR) بهبود بخشد. امکان دارد که عراق به سهم خود در تلاش برای جلوگیری از رشد نفوذ شوروی در شبه جزیره عربستان وسیله‌ای بوده باشد.

۹- در خلال هفته آخر ماه آوریل، کمیته همبستگی آفریقا- آسیای شوروی مهماندار یک هیئت نمایندگی از جبهه خلق برای آزادی عمان بود. از ژانویه به این طرف مطبوعات شوروی چندین مقاله انتقادی در مورد عمان و دولت سلطان (عمان) انتشار داده‌اند که بر این در اشاره دارد که برخورد ایران و انقلابیون ظفار (حالا که دیگر ایران جهت حمایت از دولت عمان نیرو در اختیار آنها نمی‌گذارد) ممکن است تجدید شود. مسکو به طور اخص از امتناع در حمایت از تحریمهای بغداد و قطع ارتباطات با مصر در جریان صلح خاورمیانه مکدر شد. ۱۰- ما به پاراگراف ۵ تلکس مرجع به طور جداگانه پاسخ خواهیم داد.

سند شماره (۱۸)

از: سفارت آمریکا در اسلام آباد

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه‌بندی: سری

شماره سند: ۵۵۳۱

موضوع: نماینده گیلانی پیشرفت در متحد کردن گروههای مختلف افغانی را گزارش می‌دهد

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- خلاصه: همایون آصفی، وکیل افغانی از پاریس که روز ۲۳ آوریل همراه با سید احمد گیلانی به سفارت مراجعه کرد، از مأمور سفارت در تاریخ ۱۳ ماه مه همراه با گزارش از پیشرفت حاصله در ایجاد وحدت در میان گروههای مستقر در پیشاور دیدن کرد. آصفی همچنین درباره موقعیتها در زد و خورد بین نیروهای مخالف و سربازان، جمهوری دموکراتیک افغانستان اطلاع داد. وی قسمتهایی از یک هواپیمای میگ ۲۱ را که به گفته او به وسیله نیروهای مخالف در اواخر ماه آوریل به دست آمده است نزد ما باقی گذاشت.

۳- آصفی، که پس از دیدار قبلی خود از سفارت در سراسر پاکستان سفر می‌کند تا وحدت نهضتهای مخالف را تحقق بخشد، گفت «اتحاد پر معنای» سه گروه (جبهه آزادی بخش ملی افغانستان، گروه گیلانی، و گروه میان گل جان) اکنون ۹۰ درصد محقق است و باید تا روز ۱۸ می اعلان شود. موافقتنامه حاصله به وسیله رهبران این سه سازمان در پیشاور امضاء خواهد شد و به مطبوعات (در سراسر جهان) اعلان خواهد شد. این اتحاد شامل هماهنگی فرماندهی در عملیات صحرائی و همکاری در سطوح بالا در پیشاور خواهد بود.

۴- آصفی همچنین ترتیبی داده است تا بازرگانان افغانی خارج از کشور یک ایستگاه رادیویی را که از اروپا خریداری شده و تحت رهبری کمیته متحد گروه در وزیرستان نصب خواهد شد، سرپرستی کنند.

آصفی از قرار معلوم به پسر عموی خود، شهنواز که در وزارت امور خارجه پاکستان کار می‌کند، درباره مقاصد خود اطلاع داده و تقاضای اجازه کرده است که تجهیزات رادیو وارد شود. آصفی تصویب وزارت امور خارجه را گزارش نداده است، بلکه گفته است: «شهنواز به من نگفت که فعالیت را در این زمینه متوقف کنم.»

۵- آصفی گفت گروه‌های قبیله‌ای افغانستان اخیراً در پشتیبانی از فعالیتهای شورشیان فعالتر شده‌اند و وزیرهای فعالانه از تاریخ ۱۱ می به زد و خوردها پیوسته و منگالها، تاجیکها، ازبکها و افریدیها همه از لحاظ اصولی موافقت کرده‌اند که به این جنگها پیوندند ولی فاقد تشکل برای هماهنگ کردن کوششهای خلقهای خود می‌باشند. عامل دیگری که باعث تردید این گروههای قومی و قبیله‌ای شده است نبودن رهبری است که دارای موقعیت ملی باشد که آنها خود را به او نسبت دهند. آصفی گویا نامه‌ای دارد که به وسیله همه این گروهها امضاء شده و به عنوان ظاهرشاه است. در این نامه از ظاهر شاه خواسته شده است به افغانستان بازگردد یا اینکه عبدالولی، کانونی به عنوان نقطه تلاقی برای فعالیتهای مخالفان قرار گیرد. طبق اظهار آصفی، در نامه مورد بحث به پادشاه افغانستان، توضیح داده شده است که، مقصود گروهها استقرار مجدد سلطنت نیست و شخص سلطان تنها به عنوان یک شخص تشریفاتی مورد استفاده قرار می‌گیرد نه به عنوان پادشاه حکمروا.

۶- آصفی گفت او از شهنواز مدیر کل وزارت خارجه پاکستان درباره اینکه ظاهرشاه یا عبدالولی اجازه یابد پایگاهی در پاکستان برقرار کند سؤال کرده است. شهنواز در پاسخ گفته است: «شاید کمی بعد، ولی نه اکنون.» شهنواز گویا به آصفی گفته است که شورویها اقداماتی نزد وزارت امور خارجه به عمل آورده و با دادن اجازه به خاندان سلطنتی افغانستان به سکنی گزیدن در اینجا از طرف حکومت پاکستان مخالفت کرده‌اند.

۷- هنگامی که درباره پشتیبانی خارجی از گروههای مخالف سؤال شد آصفی گفت جمهوری خلق چین، امارات متحده عربی و عربستان سعودی همه قول مساعدت داده‌اند ولی هنوز کاری عملی در این مورد انجام نداده‌اند، به محض اینکه اعلامیه اتحاد گروهها صادر شد، آصفی قصد دارد به امارات متحده عربی و عربستان سعودی، برای پیگیری تحقق وعده‌های آنان سفر کند. او آن گاه قصد دارد از طریق، رم برای تسلیم دعوت نامه‌ها به ظاهرشاه و عبدالولی به پاریس بازگردد این امکان وجود دارد که او قادر باشد توقیفی نیز در ایران داشته باشد، زیرا جامعه هزاره در پاکستان اظهار آمادگی کرده است تا تماس او را با آیت الله خمینی برقرار کرده و او بتواند از این محفل نیز استفاده کند.

۸- آصفی می‌گوید گروههای واقع در پیشاور تمایل دارند از اینکه شک کنند شورویها، برای نجات حکومت خلقیها در افغانستان این کشور را تحت هر عنوانی که شده، اشغال می‌کنند. او می‌گوید نخستین اقدام بعد از وحدت بخشیدن به گروههای اصلی، تماس با شورویها در یک سرزمین بیطرف و برقراری مناسبات براساس واقعیات اوضاع خواهد بود، یعنی اینکه هیچ رژیمی در کابل نمی‌تواند بدون مناسبات حسنه با اتحاد شوروی وجود داشته باشد. آصفی مدعی است، که این مقاصد در حال حاضر قابل ذکر نخواهد بود، زیرا در چنین صورتی مذهبیبون افراطی دچار سوء تفاهم شده و وحدت غیر ممکن خواهد بود.

۹- آصفی ظاهراً برای منعکس کردن نظریات سید احمد گیلانی و سایر رهبران در منطقه پیشاور، به

مأمور سفارت هشدار داد که ضیاء ناصری، شهروند آمریکایی (AMCIT) شاید یک مأمور دوجانبه باشد. آصفی مدعی است که ضیاء ناصری سال گذشته با حفیظ الله امین در سازمان ملل متحد ملاقات کرده و اندکی پس از آن از کابل دیدن کرده است. او پس از آن که مجددی، رهبر «جبهه ملی آزادی بخش افغانستان» او را نزد خود رد کرده بود در پیشاور ظاهر شده و خود را به گیلانی ربط داده است. آصفی گفت گیلانی اکنون از دوستی با ضیاء ناصری تأسف می خورد و می خواهد بفهماند که بین او و این آمریکایی مناسباتی وجود ندارد.

۱۰- آصفی گزارش داده است که نیروهای مخالف سه هوایمای میگ متعلق به جمهوری دمکراتیک افغانستان را سرنگون کرده اند. اولی در «وزا» در منطقه «زدان» در ایالت «پکتیا» در تاریخ ۲۵ آوریل دومی در دهکده پچاراگان در پکتیا و آخری در روز نهم ماه می در نزدیکی خوست در پکتیا. او مشخص نکرد که این هوایماها چگونه سرنگون شده اند ولی چند قطعه از بقایای هوایما را، شامل پنج پلاک هوایما که از میگ اولی جدا شده، همچنین عکسهایی از هوایما را نزد مأمور سفارت به امانت سپرد. رونوشت از طریق POUCHED^(۱) به مصرف کنندگان ذیعلاقه توسط اداره کنستایل INR/RNA/SDA^(۲)

سند شماره (۱۹)

از: سفارت آمریکا در کابل

تاریخ: ۱۴ می ۱۹۷۹

به: وزارت امور خارجه

موضوع: سابقه تحصیلاتی وزیران و معاونان وزیر حکومت افغانستان

به پیوست فهرستی از سابقه تحصیلاتی و آموزشهای وزیران و معاونان وزیر در حکومت جمهوری دمکراتیک افغانستان تقدیم می شود. با مقایسه اطلاعاتی که درباره این مقامات با توجه به اطلاعاتی که درباره افرادی در جمهوری دمکراتیک افغانستان در حکومت اولیه ای که پس از انقلاب ۲۷ آوریل ۱۹۷۸ سر کار آمدند، آشکار است که لااقل از لحاظ تحصیلات این گروه آبرومندتر از گروه پیشین است. چهل و دو نفر از مأمورین درجه یک در حکومت کنونی تحصیلات قبل از دانشگاهی یا آموزش حرفه ای را گذرانده اند که ۲۹ نفر آنها در افغانستان و ۱۳ نفر آنها در خارج بوده و ۱۷ نفر آنها از تحصیلات دانشگاهی یا پیشرفته بهره مند شده اند. در عوض در حکومت اول جمهوری دمکراتیک افغانستان تنها ۲۹ بوروکرات در سطح وزیر و معاونت وزیر دارای آموزش قبل از دانشگاهی بوده اند و ۱۲ نفر آنها آموزش پیشرفته داشته اند. معذالک همان طوری که در مورد گروه اول می توان گفت عده کمتری از مقامات کنونی آموزشهایی داشته اند که با مسؤلیتهای کنونی آنها وفق داشته باشد. همچنین این نکته جالب است که یازده وزیر و معاون وزیر در ایالات متحده تحصیل کرده اند. در حالی که فقط شش نفر آنها تحصیلاتشان در اتحاد شوروی بوده است. هیچ کدام از این مقامات تا اندازه ای که ما اطلاع داریم در کشورهای دیگر کمونیستی تحصیل نکرده اند.

پیوست.

۱- AMCIT=AMERICAN CITYZEN شهروند آمریکایی.

۲- POUCHED = کیسه پستی مخصوص سفارت.

- ۱- سابقه تحصیلاتی وزیران و معاونان وزیران کابینه
- ۲- تاریخچه تحصیلات افراد اطلاعات در مورد چند نفر از مقامات به دست نیامده و در مورد دیگران نیز ناقص است و این به علت تغییراتی است که در مورد پرسنل، به طور مداوم، صورت می‌گیرد. معذالک، بالاخره شکافها را در معلومات خود درباره این بوروکراتهای بلند مرتبه پر خواهیم کرد.

ضمیمه شماره ۱

سابقه تحصیلاتی وزیران و معاونان وزیران کابینه افغانستان
 الف: درجه فارغ التحصیل قبل از دانشگاهی و آموزش حرفه‌ای مثلاً نظامی.
 تذکر- این نمودار منعکس‌کننده سابقه تحصیلاتی ۳۳ نفر است. در حال حاضر اطلاعاتی درباره تاریخچه تحصیلات ۸ نفر دیگر نداریم. ۲ پست وزارتی فعلاً خالی است.

تاریخچه تحصیلات رئیس شورای انقلاب

نور محمد تره‌کی، آموزش تا پایان کلاس چهارم (دبیرستان - م) مدرسه شبانه.
 لورایی نخست وزیر و وزیر امور خارجه حفیظ‌الله امین، لیسانس علوم دانشگاه کابل در رشته ریاضیات و فیزیک در سال ۱۹۵۳، فوق لیسانس از دانشکده تربیت معلم دانشگاه کلمبیا ۱۹۵۸- دو سال اضافی در دانشکده تربیت معلم کلمبیا بین سالهای ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۵.

۱- وزارت امور خارجه - شاه محمد دوست - معاون اول وزیر امور خارجه، مسؤل امور سیاسی - فارغ التحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل.

دکتر اسدالله امین معاون دوم وزیر امور خارجه - مسؤل امور سیاسی
 عبدالهادی مکمل - معاون وزیر امور خارجه در امور اداری - فارغ التحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل.
 وزارت کشاورزی و اصلاحات ارضی.

صالح محمد زیری - وزیر، فارغ التحصیل دانشکده پزشکی دانشگاه کابل.
 فاضل رحیم رحیم - معاون وزیر، مسؤل اصلاحات ارضی - آموزش آمار در هند. همچنین مطالعه آمار در دانشگاه ایالت آیوا در ۵۷ - ۱۹۵۶ و ۶۴ - ۱۹۶۱ و ۱۹۷۰ لیسانس علوم در رشته آمار کشاورزی و پژوهشهای دامی دانشگاه ایالت آیوا در سال ۱۹۶۴، همه این مطالعات به سرپرستی مؤسسه عمران بین‌المللی.

عبدالاحد سرسام - مسؤل امور کشاورزی. آموزش دانشگاهی با تأمین مالی در مؤسسه عمران بین‌المللی در ایالات متحده وزارت ارتباطات. محمد گلاب زوی - وزیر، فارغ التحصیل آکادمی نظامی افغانستان آموزش خلبانی رزمی در اتحاد شوروی. خلیل‌الله کوهستانی، معاون وزیر - لیسانس علوم از دانشگاه کابل در رشته ریاضیات و شیمی سال ۱۹۷۴.

وزارت بازرگانی، عبدالقدوس گوربندی - فارغ التحصیل مؤسسه تکنولوژی افغانستان و یک دوره پانزده ماهه در کنترل هوایی اداره هواپیمائی کشوری آمریکا محمد حکیم مالیار - معاون وزیر - خبرگزاری دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل.

وزارت دفاع، سرهنگ دوم محمد اسلام وطنجار - فارغ التحصیل آکادمی نظامی افغانستان در سال ۱۹۵۸.

سرهنگ دوم محمد یعقوب - معاون وزیر (رئیس ستاد).

وزارت آموزش و پرورش، دکتر عبدالرشید جلیلی - وزیر، فارغ التحصیل دانشکده کشاورزی دانشگاه کابل سال ۱۹۶۳، فوق لیسانس در میکروبیولوژی کشاورزی از دانشگاه وایومینگ. دکتر از اتحاد شوروی.

دکتر غلام محمد سهیبی، معاون اول وزیر - از تحصیلات وی اطلاعاتی در دست نیست. فضل حق، معاون دوم وزیر - از تحصیلات وی اطلاعی در دست نیست.

وزارت دارایی، عبدالکریم میثاق - وزیر، تحصیلات مرتبی نداشته است. خیر محمد سلطانی، معاون وزیر، فارغ التحصیل دانشگاه کابل ۲ ماه تحصیل در دانشگاه پیتزبورگ سال ۱۹۷۵.

وزارت امور مرزی، صاحب جان شهبایی، وزیر - اطلاعاتی از تحصیلات وی در دست نیست. معاون وزیر شاغل ندارد.

وزارت آموزش عالی، پروفسور محمود سوما، وزیر - لیسانس دانشگاه آمریکایی بیروت رشته علوم ۱۹۶۰ - فوق لیسانس و دیپلم ابتدایی دانشکده تربیت معلم کلمبیا - ۱۹۶۴.

پیر محمد زرای - معاون وزیر، لیسانس مهندسی از دانشگاه لندن وزارت اطلاعات و فرهنگ، خیال محمد کاتاوازی، وزیر - فارغ التحصیل دانشکده روزنامه نگاری دانشگاه کابل ۱۹۶۸.

علی گل پیوند، معاون وزیر اطلاعات و فرهنگ - فارغ التحصیل دانشکده آموزش و پرورش دانشگاه کابل، مطالعات فوق لیسانس در رشته آموزش و پرورش در دانشکده تربیت معلم کابل. پست معاون وزیر برای رادیو و تلویزیون شاغل ندارد.

وزارت کشور، شرجان مزدوریار، وزیر - فارغ التحصیل آکادمی نظامی افغانستان. فقیر محمد فقیر، معاون وزیر - اطلاعاتی از تحصیلات وی در دست نیست.

وزارت دادگستری، عبدالحکیم شهبایی جوزجانی - وزیر، فارغ التحصیل حقوق اسلامی از دانشگاه کابل ۱۹۶۰، مطالعات روزنامه نگاری در دانشگاه کابل ۱۹۶۲ - مطالعات بیشتر در اتحاد جماهیر شوروی ۱۹۶۳.

محمد اکرم عبقری معاون وزیر - مسؤل امور اداری، اطلاعاتی از تحصیلات وی در دست نیست. محمد عنبر وحیدی - معاون وزیر، مسؤل امور قضایی، فارغ التحصیل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشکده کابل ۱۹۵۳، مطالعات بیشتر در رشته تحقیقات جنائی و حقوق تطبیقی در دانشگاههای آمریکایی و جرج واشنگتن ۵۸ - ۱۹۵۷ (با بورس مؤسسه عمران بین المللی آمریکا).

وزارت معادن و صنایع، محمد اسماعیل دانش - وزیر، در دانشکده کشاورزی و مهندسی کابل در سالهای ۶۰ - ۱۹۵۸ تحصیل کرده و درجه لیسانس در رشته معدن شناسی از دانشگاه ویرجینیای غربی، در ۱۹۶۴ درجه فوق لیسانس در رشته معدن شناسی از دانشگاه ویرجینیای غربی و درجه فوق لیسانس در رشته فیزیک از دانشگاه لنین در اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۱.

غلام محمد رحیمی، معاون نخست وزیر، مسؤول صنایع اطلاعی در دست نیست.
مهندس عبدالکافی رسولی، معاون وزیر، مسؤول معادن - اطلاعی در دست نیست.
وزارت برنامه ریزی، مهندس محمد صدیق عالمیار - وزیر، فارغ التحصیل مؤسسه تکنولوژی
افغانستان همچنین در پلی تکنیک افغانستان تحصیل کرده است. آموزش بیشتر در اتحاد شوروی در
رشته مهندسی زمین شناسی.
فاتح محمد تارین - معاون وزیر، در اتحاد شوروی تحت سرپرستی سازمان ملل متحد آموزش دیده
است. همچنین ۱۸ ماه در فرانسه در رشته مدیریت صنعتی تحصیل کرده است.
عبدالغفور ملک زاده - معاون وزیر در آمار، اطلاعی در دست نیست.
وزارت بهداشتی عمومی، دکتر شاه ولی - وزیر (معاون نخست وزیر). فارغ التحصیل دانشکده پزشکی
دانشگاه کابل.
پست معاون وزیر شاغل ندارد، وزارت ترابری، محمد حسن بارق شافعی - وزیر. هیچ گونه تحصیلات
دانشگاهی یا پیشرفته ندارد.
نور محمد دلیلی، معاون وزیر - ۲ سال برنامه آموزشی در ایالات متحده، نزد اداره هواپیمایی کشوری.
وزارت کارهای عمومی، دستگیر پنج شیری - لیسانس دانشکده ادبیات دانشگاه کابل.
مهندس صالح محمد پیروز، معاون وزیر - اطلاعی در دست نیست.
وزارت آب و برق، منصور هاشمی وزیر - ابتدا در دانشکده تربیت معلم کابل تحصیل کرده و سپس در
دانشکده آمریکایی بیروت از سال ۶۰ - ۱۹۵۵، لیسانس دانشگاه کابل در رشته فیزیک ۱۹۶۰، فوق
لیسانس از دانشگاه آریزونا ۱۹۶۵.
مهندس محمد جمعه برک زوی، معاون وزیر - ۲ سال در دانشگاه آمریکایی بیروت

سند شماره (۲۰)

سری

ایران - تهران

عالیجناب

۱۶ مه ۱۹۷۹

در ملاقات اخیرمان نخست وزیر در مورد دریافت اطلاعاتی که ممکن است از طریق دیگر برای شما
قابل حصول نباشد اظهار علاقه نمود.

به پیوست مطالبی است در مورد افغانستان که قسمت اول در حقیقت گزارش وضعیت از زمان کودتای
آوریل ۱۹۷۸ تا به حال می باشد، ارسال می دارم. قسمت دوم از میان آخرین اطلاعات ما تهیه و تنظیم شده
است. لطفاً مرا مطلع گردانید که آیا اطلاعاتی با این ماهیت مورد علاقه شماست و یا به من توصیه کنید چه
زمینه های به خصوصی مورد نظر شما و همکارانتان می باشد.
منتظر تبادلات آتی با شما هستم.

اراتمند شما - چارلز ناس

مسؤل مطالب

جناب آقای امیرانتظام، معاون نخست وزیر

دفتر نخست وزیری، تهران

سند شماره (۲۱)

تاریخ: ۲۰ می ۷۹

از: سفارت آمریکا - تهران
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.
طبقه‌بندی: سری تهران ۰۵۲۰۸
رونوشت به: سفارت آمریکا در کابل و.....

شماره سند: تهران ۵۲۰۸

موضوع: شورشی غیر وابسته افغانی به سفارت تلفن می‌کند

- ۱- (تمام متن سری، این یک پیام گزارشی است.)
- ۲- خلاصه: ضیا ناصری شهروند آمریکایی افغانی، که برای کسب کمکهای مالی جهت نهضت چریکی افغانستان و دیدار با آیت‌الله خمینی، آیت‌الله خلخالی، و وزیر امور خارجه، یزدی در ایران است، ضعفهای عمده نهضت را اعم از رهبری، مالی و سازماندهی برای کارمند سیاسی سفارت توصیف کرد، اما گفت که نهضت تا نوامبر دولت خلقی را بر خواهد انداخت تا جمهوری دموکراتیک اسلامی را بنا نهد. (پایان خلاصه)
- ۳- ناصری که خود را به عنوان یکی از دوستان ریک شرمین در اسلام‌آباد معرفی می‌کرد، در ۱۷ می به قسمت سیاسی تلفن کرد. ما در خلال صرف قهوه ملاقات کردیم و راجع به دوستانمان و فعالیتهای جاری او صحبت کردیم. ناصری خود را به عنوان «یک میهن پرست آزاد» که برای رهبران مختلف در پاکستان کار می‌کند ولی با هیچ یک همراهی ندارد؛ اگر چه نزدیکترین همکاریها را با پیر سید احمد گیلانی دارد، توصیف کرد.
- او گفت که هم اکنون از نیویورک، جایی که با محمد علی بوکسور ملاقات کرد، و از فرانکفورت، جایی که با حدود سیصد نفر از تجار تبعیدی افغانی ملاقات کرد، می‌آید. (او گفت علی او را رد کرد، ولی افغانیهای فرانکفورت ۵۰۰۰۰ مارک بیعانه دادند.) هدف اصلی او افزایش میزان اعانات است و او از طرف «شورای انقلابی و اسلامی افغانستان» اعتبارنامه‌ای همراه داشت. او با معرفی نامه‌ای برای آیت‌الله خلخالی، رئیس دادگاههای اسلامی (و او گفت، داماد آیت‌الله خمینی) در ایران است. او گفت، خلخالی بعد از ظهر آن روز او را به قم می‌برد، جایی که او برای روز بعد قرار ملاقاتی با خمینی داشت. اگر خمینی موافقت کند، او دوباره با خلخالی و یزدی، وزیر امور خارجه برای بحث در مورد جزئیات کمک مالی برای نهضت و برپایی کمیهای نظامی پناهندگان در مرز ایران و افغان، ملاقات خواهد کرد.
- ۴- ناصری نهضت را بسیار فعال اما «کاملاً بی‌سرمایه» توصیف کرد. او می‌گوید در عین حالی که او برای یافتن پول تلاش می‌کند، رهبران خود را در رابطه با حمایت مورد انتظار از جانب کشورهای عربستان سعودی، مناطق خلیج، و چین فریب می‌دهند. او می‌گوید که گیلانی در ژانویه به عربستان سعودی رفت و به عنوان مهمان شاهزاده فهد دو هفته آنجا ماند، ولی هیچ چیزی دریافت نکرد. در ماه مارس او ناصری، از ابوظبی دیدار کرد، ولی غیر از آرزوهای خوب چیزی دستگیرش نشد. او با خمینی هم در ماه مارس قرار ملاقاتی داشت، اما از او خواسته شد تا وقتی که انقلاب ایران امور خود را سر و سامان دهد، آن را به تعویق اندازد. در همین زمان، او از افغانیها در آمریکا مقدار قابل توجهی وثیقه به دست آورده بود، ولی تمام آنها برای مواد غذایی صرف شده و برای اسلحه و مهمات چیزی باقی نمانده

است او رهبری افغانها را در پاکستان به عنوان غیر متجانس توصیف کرد که از «اخوان المسلمین تا مارکسیستهای اسلامی» را در برمی‌گیرد و در عین حالی که برای کسب برتری تقلا می‌کنند با ترشروی بی‌باکدی دیگر همکاری می‌نمایند و مایل نیستند به هیچ کسی خارج از جمع خود، منجمله خود او اعتماد کنند. او در حالی که می‌گفت، آنها مردان را در مأموریت‌های خودکشی بدون استراتژی عمومی، که متحمل تلفات سنگینی می‌شود (۷۰۰ زخمی در یک اردو) و برای آنها هیچ تسهیلات پزشکی وجود ندارد و از بهره‌برداری از موفقیت آن شکست می‌خورند، تلف می‌کنند، تخصص جنگی آنها را بی‌بها جلوه داد. همگی آنها بر لزوم جمهوری دمکراتیک اسلامی موافقت، ولی بر تعریف آن موافقت ندارند. اگر چه اکثر جنگها (در ۲۳ تا از ۲۸ استان) به طور ناگهانی و بدون رهبری از پاکستان اتفاق می‌افتد و او معتقد است که با همه شکست‌هایش، و با کمبود مواد غذایی مورد انتظار در افغانستان در ماه اکتبر، یک قیام عمومی و شورش از جانب سربازان بیدار وجود خواهد داشت و دولت تره‌کی تا ماه نوامبر به پایان خواهد رسید. او می‌گوید تنها چیزی که می‌تواند در آن برنامه زمانی دخالت کند، مداخله واحدهای نظامی روسی است که مخالفان را با پایان مشابهی ساکت می‌کند، اما یک جنگ طولانی لازم دارد. بهترین حدس او این است که روسیه در حال حاضر از این موقعیت استفاده نخواهد کرد. او قول داد که پس از اینکه با دولتمردان ایران ملاقات کرد، تلفن کند و نتایج درخواست‌هایش را بدهد.

۵- برای اسلام آباد: ناصری در نظر دارد که برای سه هفته در اسلام آباد باشد و امیدوار است که به ریک شرمین سر بزند.

۶- تهران تحت پوشش جداگانه‌ای، اعلامیه‌ای را که ناصری پخش می‌کند به همراه تقاضای او برای اینکه نهضت انقلابی را توضیح دهد، برای وزارت، کابل، و اسلام آباد می‌فرستد.

۷- اظهار نظر: انتقاد شخصی ناصری از گیلانی و سایر رهبران، به علاوه نظر او در مورد حسادت و کمبود اعتماد در خارج از محدوده داخلی، ممکن است نظراتی را که به وسیله آصفی، معاون گیلانی، عنوان می‌شود، توضیح دهد (تلگرام مأخذ). با وجود این، اگر او در کسب وثیقه موفق شود، گیلانی و سایرین ممکن است اهمیت او را برای خود مورد تجدید نظر قرار دهند. پایان نظریه ناس

سند شماره (۲۲)

از: سفارت آمریکا در تهران
به: سفارت آمریکا در اسلام آباد

رونوشت به: وزیر امور خارجه و اشننگتن و سفارت آمریکا در کابل

شماره سند: ۵۲۴۶

موضوع: واکنش محدود ایرانیان در قبال درخواست شورشیان افغانی

۱- تمام متن سری است.

۲- خلاصه: ناصری، مسؤل جمع‌آوری پول برای افغانها درباره کمک ایرانیان گزارش داد، صحبت از کمک‌های «انساندوستانه». گزارش درباره ۳۰ الی ۳۵ هزار نفر پناهنده افغانی در ایران. (پایان خلاصه)

۳- ضیاء ناصری شهروند آمریکایی - افغانی در تاریخ ۲۱ ماه می تلفن کرد تا نتایج مذاکراتش را با مقامات ایرانی گزارش دهد. او اظهار می‌کند که سفری به قم داشته و با آیت الله خمینی ملاقات کرده است.

او گفت که گفتگوهای آیت‌الله دوستانه بود اما آنقدر هم رضایت‌بخش نبود. او از آیت‌الله کمک نظامی خواسته بود و آیت‌الله در عوض با او از کمک «انساندوستانه» صحبت کرده بود. او دوباره با آیت‌الله خلخالی صحبت کرده بود و او گفته بود که این ملاقات «می‌تواند یک شروع» باشد. او با یزدی وزیر امور خارجه ملاقات نکرد ولی در عوض با آقای تقوی رئیس قسمت امور مربوط به افغانستان در وزارت امور خارجه، ملاقات کرد و ملاقات دیگری تقریباً به فاصله ده روز دیگر با او انجام داد.

۴- دیروز، در یک مصاحبه مطبوعاتی، آیت‌الله روحانی، یک شخصیت مذهبی مهم و نزدیک به آیت‌الله خمینی اظهار داشت که: «مردم افغانستان باید علیه دولت خود همانند ملت ایران قیام کنند.» او از دولت ایران تقاضای مداخله نظامی در افغانستان و مساعدت به برادران مسلمان را کرد. این گونه اظهارات بوسیله یک مقام غیر رسمی، شخصیت درجه دوم اهمیت کمی دارد مگر اینکه خمینی یاد دولت آن را تأیید کند.

۵- ناصری اظهار داشت که دولت موقت ایران به او کمک کرده تا با پناهندگان افغانی تماس بگیرد. او به مشهد، جایی که افغانیها یک دفتر دارند، رفت و سپس تا کمپهای پناهندگان اسکورت شده بود. او اظهار می‌دارد که در آنجا ۳۰ الی ۳۵ هزار افغانی در منطقه‌ای به طول بیست مایل در طول مرز از شهر تایباد در جنوب مشهد زندگی می‌کنند. بیشتر آنها کشاورز هستند و با رمه‌هایشان آمده‌اند و به خاطر کمبود علوفه بسیاری از آنها مجبور به بازگشتن به افغانستان شده‌اند. از این تعداد یک صد افسر نظامی افغانی از نیروی زمینی، نیروی هوایی و توپخانه هستند. این نظامیان سعی دارند با تمرین دادن افراد یک گروه چریکی تشکیل دهند (بیشتر پناهندگان مرد شخصاً صاحب تفنگ می‌باشند و ناصری می‌گوید که آنها تعدادی از عملیات را داخل افغانستان رهبری می‌کنند). ناصری امیدوار است که ایرانیان خود سرپرستی پناهندگان افغانی را به جای این افسران افغانی در دست بگیرند و آنها را تمرین و آموزش بیشتری بدهند.

۶- ناصری قصد دارد فردا به پاکستان سفر کند و بعد از تقریباً یک هفته به ایران بازگردد. ناس

سند شماره (۲۳)

از: سفارت آمریکا - مسکو
به: وزارت خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۲۴ می ۱۹۷۹ - سری

طبقه بندی: سری

موضوع افغانستان: پیش‌بینی‌هایی در مورد دخالت روسیه

۱- (محرمانه) خلاصه: ما فکر نمی‌کنیم که اتحاد شوروی تحت شرایط فعلی تمایلاتش در افغانستان را بی‌انتهای بیند. به نظر ما قیاس‌سازی با دخالت سال ۱۹۶۸ شوروی در چکسلواکی اشتباه است. ما فکر می‌کنیم که روسها به افزایش پشتیبانی نظامی و تدارکاتی خود از رژیم طرفدار شوروی در کابل ادامه می‌دهند. ممکن است تعدادی از پرسنل روسی در عملیات نظامی دولت افغانستان شرکت پیدا کنند. در هر صورت تحت شرایط قابل پیش‌بینی، مسکو از به دوش کشیدن قسمت اعظم بار مبارزه ضد شورش در افغانستان اجتناب خواهد ورزید. (پایان خلاصه)

۲- (محرمانه) ما با نظریات اصلی تحلیل کابل (مرجع الف) و به خصوص با این نتیجه‌گیری که روسها احتمالاً تلاش خواهد کرد تا از سقوط به داخل چیزی که می‌تواند یک تله از نوع ویتنام بشود اجتناب ورزند، موافقیم. در حقیقت ما در پایین آوردن ارزش تشبیه چکسلواکی حتی جلوتر می‌رویم. همان

طوری که در مرجع ب اشاره شد، به نظر ما تحت شرایط قابل پیش بینی روسها نسبت به اعزاز واحدهای رزمی در سطح بالا جهت نجات رژیم خلقی از سرنگونی (که در مورد چکسلواکی تعداد ۱۴ لشکر روسی به اضافه ۴ لشکر از دیگر کشورهای پیمان ورشو شرکت داشتند) توجهی جدی مبذول نخواهند نمود.

۳- (سری) نتیجه گیری ما براساس چندین قضیه اثبات شده می باشد.

الف: از نظر استراتژیکی، افغانستان در یک طبقه بندی کاملاً مجزا از چکسلواکی قرار دارد. چکسلواکی به صورت پلی بر روی و یا در نزدیکی راههای تاریخی هجوم به روسیه قرار گرفته است. چکسلواکی عضوی از «جامعه مشترک المنافع سوسیالیستی اروپای شرقی» و «سیستم سوسیالیستی جهانی» و نیز پیمان ورشو می باشد و تغییرات در سیستم داخلی آن می تواند به طور نسبی مستقیماً روی سیستم داخلی اتحاد شوروی اثر بگذارد.

ب: از نقطه نظر مسکو و خصوصاً در ماههای آینده، هجوم شوروی به افغانستان احتمالاً می تواند به زیان منافع استراتژیک جهانی منجر شود. در زمانی که مسکو به طور فزاینده ای با تهدید چینها در شرق درگیر است. این هجوم ضربه ای خطرناک به دتانت (DETANT) با غرب وارد می کند. چنین حرکتی مطمئناً مذاکرات سالت را به سرنوشت بدی دچار می سازد. این کار برای اتهامات چینها و دیگران در مورد اهداف توسعه طلبانه و برتری جویانه روسها در دنیا سودی عالی در برخواهد داشت (مثل مورد چکسلواکی در دراز مدت). این کار روابط با دنیای پراهمیت اسلام را تند و تیره می کند.

ج: در ۱۹۶۸ روسها به طور صحیح حساب کرده بودند که چکها نخواهند جنگید. این در مورد افغانستان اتفاق نخواهد افتاد. از این بالاتر، هدف روسها در چکسلواکی به سادگی با اشغال و آرام کردن مراکز شهری حاصل گردید. کار مسکو در افغانستان که قسمت اعظم جمعیت (و مقاومت) در مناطق روستایی قرار دارد مشکل تر خواهد بود. حتی امکان دارد که شورش در افغانستان به خاطر درگیری مستقیم سربازان روسی نیروی بیشتری بگیرد و بقای رژیم تره کی - امین به طور فزاینده ای به درگیری مستمر جنگی آن سربازان وابسته بماند.

د: فقط بر اساس آمادگی نظامی برای چنین اقدامی، روسها وضعیت افغانستان را به طریقی پیچیده تر از آن در خواهند یافت که در جولای و اوت ۱۹۶۸ رو به رو شدند. تدارک برای هجوم به چکسلواکی تحت پوشش مانورهای وسیع رزمی و تدارکاتی در محدوده پیمان ورشو صورت گرفت. در نتیجه کار اصلی اکتشاف، تدارکات و روشهای کنترل و فرماندهی انجام گرفته بود و از همه مهمتر بسیج مورد لزوم و استقرار نیروها از طریق مانورهای نسبتاً عادی انجام شد. متقاعد شدن نسبت به یک صحنه مؤثر و قابل مقایسه در مورد افغانستان مشکل است. تمرکز نیروهای لازم برای عملیاتی به سبک چکسلواکی احتمالاً بسیج و به خدمت گرفتن وسیع و مجدد نیروها در مناطق مرتبط به هم را ایجاد می نماید؛ هر چند این مشکلات با به خدمت گرفتن لشکرهای هوا برد تا حدی مرتفع خواهد شد. با در نظر گرفتن تمام دو بخش نظامی شوروی که با افغانستان مرز عادی دارند و با قائل شدن استثناء، روسها دارای یازده لشکر می باشند که فقط ۳ لشکر را می توان بدون بسیج آماده برای رزم دانست. هیچ کدام از سه لشکر برای مأموریتی در افغانستان به صورت دلخواه قرار نگرفته اند و آنها هنوز نیاز دارند که مرز چین را که مهمترین موضوع مورد توجه حداقل یکی از بخشهای نظامی است مورد ملاحظه قرار دهند.

۴- (محرمانه) البته برای ما امکان نخواهد داشت و نیز احمقانه است که کاملاً امکان هجوم شوروی به

افغانستان در پاسخ به درخواست از جانب یک رژیم خلقی محاصره شده را رد کنیم. در عین حالی که ما معتقدیم بی رغبتیها بر حسب محاسبات مسکو در مورد بهترین منافعی در این زمان به نظر می آید که شدیداً بر انگیزه‌هایش می‌چربد، عواملی که توسط کابل اقامه شده (در پاراگراف ۱۱ مرجع الف) هنوز دارای قدرت می‌باشند. اگر وضعیت سیاسی - نظامی در افغانستان به بدتر شدن ادامه دهد، رهبری شوروی ممکن است اغوا شده و امکان مداخله به مقیاسی کوچکتر برای حفاظت از سرمایه‌گذاری‌های کلی خود را مورد توجه قرار دهد. به این دلیل به نفع ماست که گاهگاهی یادآوریهایی به روسها در مورد دیدگاه جدی که ما در مقابل چنین اقداماتی اتخاذ می‌کنیم، بنماییم. یادآوریهایی غرب و دولتهای جهان سوم بی‌رغبتیهای را نسبت به مداخله مستقیم در آنها (روسها) به وجود می‌آورد.

۵- (محرمانه) غیر از مداخله نظامی مستقیم و در سطحی وسیع از جانب شوروی ماهیت و حدود همکاری نظامی شوروی با افغانستان چیست؟ قابلیت جذب ارتش افغانستان ممکن است تنها محدودیت در این مورد که روسها تا چه حد متمایلند که به جلو بروند، باشد. ما معتقدیم تعداد مشاورین روسی می‌تواند به طور تصاعدی افزایش یابد و برخی از آنها می‌توانند در عملیات نظامی درگیر شوند. برای مثال برخی پشتیبانیهای توپخانه روسی به شکل هلیکوپترهای توپدار و یا حمایت تاکتیکی هوایی برای عملیات زمینی یا خدمت‌گیری پرسنل روسی جهت اداره کردن تجهیزات نظامی پیچیده می‌تواند فراهم شود. به هر صورت این می‌تواند در زمینه به دوش‌گیری بار سنگین رزم توسط سربازان افغانی و نه روسی در وضعیتی که قابلیت‌های جمهوری افغانستان برای ادامه بقا و توسعه کنترلش و (نه مداخله مستقیم مسکو) تعیین‌کننده‌های اصلی سرنوشت انقلاب افغانستان خواهند بود، قرار می‌گیرد.

۶- (محرمانه) سرانجام، با عطف به پاراگراف ۱۱ مرجع الف، ما آن نگرانی از بابت جمعیت مسلمان جمهوریهای آسیای مرکزی روسیه را مورد توجه قرار نمی‌دهیم که به خودی خود انگیزه‌ای باشند برای رهبری روسیه که یک روش مداخله‌جویانه در افغانستان را اتخاذ نمایند. تمام اطلاعاتی که ما راجع به منطقه جمع‌آوری کرده‌ایم اشاره دارند که مسکو موقعیت را به خوبی تحت کنترل خود دارد. سفرهای مکرر مأموران سفارت در ماههای اخیر به آسیای مرکزی روسیه معدودی علامت نارضایتی را آشکار ساخته‌اند. جمهوریهای آسیای مرکزی پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی مهمی را تحت حکومت شوروی به دست آورده‌اند و از یک سطح زندگی بالاتری نسبت به مناطق همجوار در افغانستان و ایران برخوردارند و اگر با این وجود در ماههای آینده نارضایتی بالا بگیرد، می‌توان روی روسها حساب کرد که سریعاً و به طور مؤثری آن را شکست دهند.

سند شماره (۲۴)

از: سفارت، مسکو
 به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.
 موضوع: انتصاب دیپلمات روسی به عنوان «مشاور دیپلماتیک» در جمهوری دموکراتیک افغانستان
 ۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- در ملاقات چهار جانبه روز ۲۲ می، سفیر انگلیس گزارش داد که واسیلی استفانویچ سافرونچک، معاون سابق نماینده دائمی شوروی در سازمان ملل و مأمور فعلی بخش دوم اروپایی وزارت خارجه به

عنوان مشاور دیپلماتیک دولت افغانستان به کابل اعزام خواهد شد. ما گمان می‌کنیم که عملاً این انتصاب او را مشاور شخصی ح. امین خواهد کرد.

۳- یک دیپلمات پاکستانی روز ۲۴ می به ما گفت که یک دیپلمات چینی به او تذکر داده که سافرونچک احتمالاً به عنوان سفیر به کابل خواهد رفت. منبع پاکستانی گفت، گرچه ظاهراً سافرونچک قبلاً هیچ‌گونه مأموریتی در امور افغان و حتی آسیا ندارد، بایگانی سفارت نشان می‌دهد که او در یک سفر اداری کوتاه پیش از کودتای ۷۸ یا در جریان آن در کابل بوده است. منبع پاکستانی افزود که به اعتقاد ما سافرونچک ارتباطی با ک.گ.ب. دارد.

۴- گزارش خلاصه زندگی وی در سفارت او را یک متخصص در امور انگلیس معرفی می‌کند. او قبل از انتقال به سازمان ملل به عنوان نماینده دائمی شوروی به مدت سه سال به عنوان سفیر شوروی در غنا خدمت کرده است (۶۸-۷۱). او ظاهراً یک بار عضوی از هیئت نمایندگی شوروی در کمیسیون اقتصادی آسیا بوده است و به میزان وسیعی در سراسر خاور دور و خاورمیانه مسافرت کرده است.

۵- سفارت از هر گونه اطلاعات بیوگرافی بیشتری که وزارتخانه قادر به فراهم کردن است قدردانی می‌کند.

سند شماره (۲۵)

تاریخ: ۲ ژوئن ۱۹۷۹

طبقه‌بندی: استفاده محدود اداری

از: سفارت آمریکا کابل

به: وزیر امور خارجه واشنگتن دی سی

شماره: ۴۲۳۶

موضوع: لایحه اصلاحی مجلس سنا درباره کمک به افغانستان

۱- تمام متن برای استفاده اداری محدود
 ۲- خلاصه: در حالی که این سفارت نسبت به احساساتی که باعث شد که ماده اصلاحیه پیشنهادی پل استون درباره قانون مساعدت عمرانی بین‌المللی سال ۱۹۷۹ تصویب شود بسیار مشتاق است؛ برای ما هنوز معلوم نیست که آیا این اصلاحیه به منافع کلی ایالات متحده در این منطقه خدمت خواهد کرد یا نه. (پایان خلاصه)

۳- ما در تمایل کنگره و وزارت امور خارجه برای کسب اطلاع از تمامی حقیقت درباره حوادثی که منجر به ربودن و قتل فجیع سفیر دایز شد، سهیم هستیم و ما جمهوری دمکراتیک افغانستان را تحت فشار قرار داده‌ایم تا در این باره از تمایل ما استقبال کند. معذالک ما بسیار غیر محتمل می‌دانیم که این رژیم به خاطر سروکار داشتن با این حادثه از ما پوزش بطلبد تا چه رسد به اینکه مسؤلیت قتل سفیر را به عهده بگیرد.

۴- سودمند بودن ماده اصلاحیه درباره این خواست که جمهوری دمکراتیک افغانستان همه کارمندان حکومت ایالات متحده در افغانستان را تحت حمایت قرار دهد تا اندازه زیادی به این بستگی دارد که مقصود از «کافی» چیست. جمهوری دمکراتیک افغانستان برای تأسیسات حکومت ایالات متحده در کابل و همچنین برای کاردار و همچنین همان طور که تقاضا شده است برای کارهای رسمی محافظانی گماشته است. جمهوری دمکراتیک افغانستان همچنین یک محافظ برای اتوبوسهای مدرسه آمریکایی

تعیین کرده است. معذالک ما معتقدیم که اگر ما تقاضای محافظانی برای همه کارمندان حکومت ایالات متحده بنماییم، انجام وظایف رسمی ما دچار اختلال خواهد شد. معذالک هیچ راهی برای تضمین اینکه یک حمله تروریستی علیه پرسنل حکومت ایالات متحده که به خوبی طرح ریزی شده باشد موفقیت نداشته باشد، وجود ندارد. صرف نظر از اینکه چند نفر محافظ از سوی جمهوری دموکراتیک افغانستان برای حمایت از چنین اشخاصی تعیین شده باشد.

۵- مسئله اینکه آیا «اوضاع و احوال تغییر یافته محسوسی در افغانستان» از نوعی که در ماده اصلاحیه بخش ب پیش‌بینی شده است به وجود خواهد آمد احتمالاً بستگی به عواملی خواهد داشت که در قلمرو فاجعه قتل دابز نیست. معذالک لازم به تذکر است که یکی از چهره‌های کلیدی در این حادثه به نام سید داود تارون از سمت رئیس پلیس که وی آن را عهده‌دار بود برکنار شده است. ما یقین نداریم که آیا انتقال تارون یک نوع تنزل رتبه است یا ارتقاء رتبه و یا اینکه آیا همه این امور مربوط به رسیدگی به ماجرای ربودن سفیر است یا خیر.

۶- ما درباره نظریات شخص دابز درباره افغانستان توجه خاصی مبذول می‌داریم. او قبول داشت که ایالات متحده منافع ناچیزی در افغانستان دارد و بنابراین احساس می‌کرد که حکومت ایالات متحده در مورد افغانستان باید در درجه اول از لحاظ ثبات منطقه‌ای توجه کند. او شدیداً معتقد بود که افغانستان نباید یک عامل بی‌ثباتی باشد و اینکه ما باید با کشورهای دیگر و از جمله کشورهای آزاد این منطقه در جستجو برای کمک به افغانستان در انتخاب یک راه دیگری برای حضور کشور دیگری غیر از اتحاد شوروی همکاری کنیم.

۷- جمهوری دموکراتیک افغانستان در جریان ۱۳ ماه فرمانروایی خود به نحو فزاینده‌ای به مسکو نزدیک شده است و سه کشور دیگر همسایه خود، یعنی پاکستان، ایران و چین را به مداخله در امور داخلی (به ویژه نارضایتی‌های رشد‌یابنده ضد رژیم و جنگهای چریکی) متهم کرده است. ما در حال حاضر هیچ نشانه‌ای در دست نداریم که دلالت بر آن کند که جمهوری دموکراتیک افغانستان سیاستهای خود را از خط مشی رادیکال و متمایل به شوروی که از آن پیروی می‌کند، تغییر خواهد داد. همچنین هیچ‌گونه نشانه‌ای در دست نیست که فعالیت‌های ضد رژیم کاهش یابد.

۸- با این وجود، ما این امر را به نفع حکومت ایالات متحده و ثبات منطقه‌ای تلقی می‌کنیم که رئیس جمهوری اختیار ادامه پرداختهای کمکی برای لاقط خط لوله را داشته باشد. هر چند رهبران رژیم کنونی افغانستان اغلب طوری رفتار می‌کنند که برخلاف تمایلات و منافع ایالات متحده است، ولی ما می‌دانیم که در خارج از چهارچوب رژیم و گاهی در داخل آن افغانی‌هایی وجود دارند که به ادامه حضور کمکی ایالات متحده در افغانستان، هر چند که محدود باشد، ارجح می‌گذارند. طرحهای محقرانه کمکی ما برای رفع نیازهای اساسی انسانی به کار رفته و نشان دهنده آن است که ایالات متحده همچنان به نگرانیها و غمخواریهای بشر دوستانه خود درباره افغانستان فقیر شده و مردم آن، علیرغم موضع گاه به گاه، خصمانه رژیم ادامه می‌دهد. ما باید همچنین در نظر داشته باشیم که تا اندازه‌ای که برای ما معلوم است هیچ‌کدام از کشورهای این منطقه پیشنهاد نکرده‌اند که حکومت ایالات متحده همه کمکهای خود را به افغانستان قطع کند. بالعکس، این کشورها ظاهراً احساس می‌کنند که به نفع آنهاست که حکومت ایالات متحده لاقط یک حضور کمکی محقرانه در اینجا داشته باشد. حفظ یک چنین حضوری به حکومت ایالات متحده امکان

خواهد داد که به هر گونه تحول مساعدی دربارهٔ صحنهٔ سیاسی داخلی افغانستان عکس العمل سربرتری نشان دهد.

۹- دربارهٔ خط لوله بایستی در نظر داشت که ما پانزده (۱۵) نفر افغانی داریم که در ایالات متحدهٔ آمریکا و ۲۳ نفر دیگر در دانشگاه آمریکایی بیروت در چهار چوب برنامهٔ کمکهای مالی تحصیل می‌کنند و اگر ما ناگزیر شویم هزینهٔ مربوط به خط لوله را قطع کنیم این دانشجویان ممکن است مجبور شوند به تحصیلات خود پایان دهند، در حالی که این امر خطای آنها نبوده است. به عقیدهٔ ما این امر به نفع حکومت ایالات متحده نخواهد بود.

۱۰- نتیجه‌گیری: ما امیدواریم که وزارت امور خارجهٔ آمریکا کنگرهٔ آمریکا را متقاعد کند تا به رئیس‌جمهوری فراتر از اصلاحیه «پل استون» اختیارات دهد تا دربارهٔ منافع کلی ایالات متحده جهت ادامهٔ سطح محقرانه‌ای از کمک به افغانستان مبارزه کند و تصمیم بگیرد. همان طوری که ما بین دو مادهٔ اصلاحی «پل استون» و «دروینسکی» مادهٔ اصلاحی دومی را ترجیح می‌دهیم. آمستوتز

سند شماره (۲۶)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: ملاقات با دیپلمات روسی قسمت اول از سه قسمت
مشاهداتی بر صحنه سیاسی داخلی افغانستان

- ۱- (تمام متن محرمانه است)
- ۲- خلاصه: مقام بلند پایهٔ سفارت شوروی فاش می‌سازد که روسها جمهوری دموکراتیک افغانستان را ترغیب می‌نموده‌اند تا برای وسیع کردن پایگاه دولت، یک جبههٔ ملی ایجاد نماید، ولی تاکنون موفقیتی به بار نیامده است. دیپلمات، طغیان را گنج‌کننده توصیف کرد.
- ۳- واسیلی استفانویچ سافرونچک، وزیر مختار جدید شوروی در ۲۴ ژوئن یک ملاقات رسمی به طول یک ساعت با من داشت. بدون شک او جالبترین دیپلمات روسی بود که من تا آن موقع، ملاقات کرده بودم. من صراحت او را مجذوب کننده یافتم. خصوصاً برای چیزی که وی مجبور بود در مورد صحنهٔ سیاسی داخلی افغانستان و سیاست روسیه - افغانستان (تلکس جداگانه، قسمت دوم) بگوید.
- ۴- از گفته‌هایش، که بعضی در لفافه بودند و برخی دیگر اصلاً سر بسته نبودند، آشکار بود که سفارت شوروی موقعیت شوروی - افغانستان را خیلی مشکل یافته است. برخی از نظریه‌های جالبتر سافرونچک را در زیر ارائه می‌کنیم:
- ۵- پایگاه محدود جمهوری دموکراتیک افغانستان. موقعی که من متذکر شدم گزارشاتی انتشار پیدا کرده که رهبریت جمهوری دموکراتیک افغانستان برای گسترده‌تر کردن پایگاهش مذاکراتی با نخست وزیران سابق، اعتمادی و یوسف، جهت پیوستن آنها به دولت انجام می‌دهد، سافرونچک سرش را تکان داد.

او به طور محرمانه گفت: «چیزی که حقیقت دارد این است که ما رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان را ترغیب نموده‌ایم تا به وسیله وارد کردن افراد جدید به دولت پایگاهش را گسترده‌تر گرداند،

ولی موضوعی که حقیقت ندارد این است که ما مذاکراتی با یوسف یا اعتمادی انجام می‌دهیم». او در ادامه گفت: «ایجاد یک جبهه ملی، مثل کشورهای دیگر که ایجاد کرده‌اند، برای آنها معقول خواهد بود.» با این حال سافرونچک شکوه کرد که «آنها (جمهوری دمکراتیک افغانستان) نه هیچ‌گونه مخالفتی را مجاز خواهند شمرد و نه مایلند که در قدرت با دیگران شریک شوند. ایده آنها راجع به وسعت بخشیدن به پایگاه سیاسی منحصراً برای سازماندهی سازمانهای زنان، کارگران، جوانان و دانشجویان است، اما همه جزئی از یک حزب سیاسی هستند. این پایگاه سیاسی را گسترده‌تر نمی‌نماید.» او گفت: «آنها (جمهوری دمکراتیک افغانستان) در مورد هر گونه پیشنهاد اشتراک در قدرت حساس هستند. آنها افراد لجوجی هستند».

۶- در مورد مشکلاتی که رو در روی جمهوری دمکراتیک افغانستان قرار دارند، او گفت: «که یک ضعف برجسته (و او مکرراً به این مورد رجوع کرد) عدم حضور واقعی روشنفکران در دولت می‌باشد.» او گفت: «این عدم حضور را به صورت‌های زیادی می‌توان مشاهده نمود.» روزنامه‌ها بسیار بد هستند و زندگی فرهنگی تهی است. «سافرونچک گفت که برای دولت مهم است که روشنفکران بیشتری را به خود جلب نماید».

۷- شورش: سافرونچک گفت سفارتخانه وی مسئله شورش را «خیلی گیج کننده» می‌بیند. آنها نمی‌توانند یک رهبر قیام منفرد که بر جبهه مخالفین سلطه داشته باشد، همان طوری که خمینی و هوشی مینه در کشورهایشان داشتند، شناسایی نمایند. سفارتخانه وی معتقد است که دولت‌های ایران و پاکستان شورشیان را ترغیب می‌نمایند. ایرانیها به وسیله بیانیه‌های رسمی و برنامه‌های رادیویی و پاکستانیها به وسیله تدارک تسلیحات به طور مخفیانه و حمایت مادی. او مذهب (اسلام، یک مذهب بسیار بد است) را به عنوان تنها و مهمترین دلیل منفرد برای یاغیگری مورد نکوهش قرار داد. او گفت توده مردم گمان می‌کنند «کمونیستها علیه اسلام هستند»، و او فکر می‌کرد که این موضوع وظیفه جمهوری دمکراتیک افغانستان را خیلی مشکل می‌کند.

۸- در جایی از صحبت وقتی من به او گفتم دولت ایالات متحده به شورشیان کمک نمی‌کند و ما چندین بار این را به جمهوری دمکراتیک افغانستان گفته‌ایم و من متعاقباً از عناوین منعکسه در مطبوعات جمهوری دمکراتیک افغانستان که به طور مکرر در هفته گذشته آمده و به طور ضمنی می‌رساند که تسلیحات ضبط شده که نشان داده شده است از ایالات متحده آمریکا (و چین) سرچشمه گرفته، ناراحت شدم. او مجبور شد که این را بگوید: «در مذاکرات مکرر با وزرا و معاونین عالی‌رتبه جمهوری دمکراتیک افغانستان حتی یک بار نشنیده‌ام که ایالات متحده به همکاری در شورش متهم شده باشد.» موقعی که متذکر شدم که بیشتر تسلیحات نظامی خارجی در پاکستان ساخت ایالات متحده یا چین می‌باشد و بنابراین قابل فهم است که شورشیان در طول مرزهای پاکستان چنین اسلحه‌هایی داشته باشند، او گفت که رهبریت جمهوری دمکراتیک افغانستان این را می‌داند. در مورد روابط افغانستان - ایالات متحده سافرونچک گفت که شکایت اصلی جمهوری دمکراتیک افغانستان در رابطه با ایالات متحده در مورد دادن اسلحه نیست بلکه درباره مطبوعات خیلی انتقادی شماس است.

۹- زمان تخلیه زنان و بچه‌ها هنوز نرسیده است. من به سافرونچک گفتم که یکی از نگرانیهای عمده من این است که وابسته‌های آمریکایی چه موقع باید تخلیه شوند. من گفتم وقایعی نظیر شورش ۲۳ ژوئن

در کابل سفارتخانه ما را وادار کرد تا این سؤال را مطرح کنیم. سافرونچک پاسخ داد در عین حالی که خود وی مجبور نیست تا در این نوع سؤالات نگران باشد (این مسؤولیت سفیر و دیگر وزیر مختارها می باشد) ولی می تواند نگرانی مراد درک کند. او گفت: «کسی چه می داند هفته آینده یا ماه آینده چه به دنبال دارد؟» او گفت کاری که سفارتخانه وی انجام داده این بوده است که تمام زنان و کودکان روسهایی که در خارج از کابل کار می کنند را به شوروی فرستاده است. در مورد آنهایی که در کابل هستند او گفت که تمام وابسته های WXJE هنوز در اینجا هستند.

او گفت، وقتی که مثل دیروز دردسری وجود دارد، ما آنها را به لحاظ امنیتی به داخل محوطه سفارت می آوریم. او فکر می کرد جمهوری دمکراتیک افغانستان، کنترل کابل را در دست دارد و فکر نمی کرد وضعیت امنیتی در شهر مستلزم یک تخلیه باشد.

۱۰- اطلاعات بیوگرافی: نسبت به یک دیپلمات روسی، سافرونچک به طور فوق العاده ای صریح است. او متمایل به دادن پاسخ به سؤالات است و وی، هم به عنوان یک فرد باهوش و هم کسی که می شود منطقی با او صحبت کرد مرا تحت تأثیر قرار داد. وی خود را در سلسله مراتب سازمانی سفارت شوروی از نظر حرفه ای دارای رتبه سفیر توصیف کرد ولی از لحاظ تشریفاتی در اینجا فقط به عنوان فرد شماره ۳ می باشد. این به خاطر دیگر وزیر مختاران نظیر یوری ک. الکسیف است که پس از سفیر پوزانف قرار دارد. (سافرونچک گفت مسؤولیت های وی در رابطه با «مسائل خارجی» است. در حالی که الکسیف مسؤل «مسائل داخلی» می باشد. منظور او از این موضوع روشن نبود ولی بعداً وی دایره فعالیت الکسیف را اداری خواند.

سند شماره (۲۷)

تاریخ: ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: ملاقات با دیپلمات روسی: قسمت دوم از ۳ قسمت روابط روسیه - افغانستان

۱- (تمام متن محرمانه است)

۲- خلاصه: جالب توجه ترین نظریاتی که سافرونچک در طول ملاقاتمان ابراز نمود مربوط به روابط روسیه - افغانستان بودند که به طور ویژه انکار وی در مورد آوردن سربازان روسی برای نجات جمهوری دمکراتیک افغانستان بود. سافرونچک از لنین نقل قول کرد که «هر انقلابی بایستی از خود دفاع کند.» (پایان خلاصه)

۳- در طول بحث ما راجع به شورش و یاغیگری، من به او گفتم که در میان هیئتهای دیپلماتیک این اندیشه وجود دارد که دولت وی (شوروی) اگر لازم باشد برای حمایت از جمهوری دمکراتیک افغانستان سرباز خواهد آورد. سافرونچک چنین قصدی را تکذیب کرد. او به سخنرانی ۱۱ ژوئن برژنف در مسکو اشاره کرد که برژنف در آن گفت «ما دوستانمان را در دردسر رها نخواهیم کرد (مردم افغانستان)».

ولی با این گفته توضیح داد که «برژنف قصد نداشت که مداخله نظامی را هم مورد شمول قرار دهد.» سافرونچک چندین بار تکرار کرد که لنین گفته است «هر انقلابی بایستی از خودش دفاع کند.»

۴- او با دنبال کردن مطالبش گفت که اگر روسها سرباز اعزام کنند، این کار عکس‌العملهای بدی از نظر بین‌المللی خواهد داشت. او توضیح داد: «این کار به مذاکرات سالت و موقعیت اتحاد شوروی در دنیا لطمه خواهد زد.» او سپس اضافه نمود: «جدا از ملاحظات بین‌المللی این عمل از لحاظ امور داخلی افغانستان سیاست کاملاً بدی خواهد بود.»

من گفتم که سربازان روسی در این کشور ناهموار و کوهستانی موقعیت بدی خواهند داشت. او سرش را به علامت توافق کامل تکان داد.

۵- او در تشریح سیاست شوروی گفت: «مثل کشور شما، هدف اصلی ما در اینجا بالا بردن ثبات منطقه‌ای است.» (او بایستی که برخی از بیانیه‌های مربوط به سیاست ما را مطالعه کرده باشد.) او گفت: «چیزی که ما می‌خواهیم ببینیم یک افغانستان موفق و صلحجو است.»

۶- او ادامه داد چیزی که کشور بیش از هر چیز دیگر احتیاج دارد محدود نمودن بیسوادی است. اگر هر فردی بتواند با سواد شود و از یک آموزش ابتدایی برخوردار گردد، بهترین چیزی است که می‌تواند واقع شود. سپس او شکوه نمود: «در عوض افغانها همچنان از ما تقاضای سلاح بیشتر و بیشتری را می‌نمایند. (نه برای کمک بیشتر در آموزش و پرورش.)

۷- من در پاسخ تأیید کردم که سیاست بلند مدت آمریکا در مورد افغانستان بر این بوده است که ثبات را در منطقه بالا ببرد. ما میل داریم که افغانستان را با تمام همسایه‌هایش در صلح ببینیم و نه فقط با اتحاد شوروی بلکه همچنین با ایران پاکستان و چین. ما نیز برای دهه‌ها یک علاقه بشر دوستانه در اینجا داشته‌ایم، که حدوداً سالی ۲۰ میلیون دلار در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور سرمایه‌گذاری کرده‌ایم. ما گمان می‌بردیم تا حدی که افغانها بتوانند سطح زندگی خودشان را از نظر اجتماعی و اقتصادی بالا ببرند، ثبات را ترقی خواهد.

۸- من همچنین به سافرونچک گفتم که به عنوان یک موضوع فرعی در سیاست ما برای تلاش در جهت ثبات، امیدوار بودیم که افغانستان یک منطقه برخورد بین دو کشور ما نخواهد شد. سافرونچک در پاسخ به این موضوع گفت: «من کاملاً با شما موافقم.» در ادامه من به او هشدار دادم که اگر روسها به افغانستان سرباز بیاورند، این کار به میزان زیادی به روابط شوروی و آمریکا لطمه خواهد زد. او سرش را به علامت توافق تکان داد.

۹- نظریه: من نظرات سافرونچک را مهم می‌دانم. احساس می‌کنم هر کسی می‌تواند استدلال کند که تکذیب وی در مورد هر گونه قصد شوروی برای مداخله فیزیکی تنها جوابی است که یک دیپلمات روسی مجاز به ارائه در مقابل سؤال من می‌باشد و دیگر اینکه نقل قوی وی از لنین در مقابل اقدامات شوروی در اروپای شرقی ریاکارانه بود. با این حال فکر می‌کنم وی واقعاً به چیزی که به من می‌گفت معتقد بود. یعنی مداخله فیزیکی شوروی بیشتر برای منافعش زیان‌آور خواهد بود تا سودمند و بنابراین اتفاق نخواهد افتاد.

سند شماره (۲۸)

تاریخ: ۲۵ ژوئن ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: ملاقات با دیپلمات روسی قسمت سوم از سه قسمت - حقوق بشر

۱- (تمام متن محرمانه است)

۲- خلاصه: من وضعیت اسفناک مربوط به دستگیریه‌ها و اعدام‌های زندانیان سیاسی را با سافرونچک مورد بررسی قرار دادم و سفارتخانه وی را ترغیب به کمک نمودم. (پایان خلاصه)

۳- موضوع حقوق بشر در طول بحث ما راجع به شورش و یاغی‌گری به میان کشیده شد. وقتی سافرونچک مذهب را به عنوان دلیل برجسته احساسات مخالفت‌گرایانه ذکر کرد، من به او گفتم با اینکه موافقت دارم که مذهب مهمترین عامل منفرد می‌باشد، اما فکر می‌کنم حداقل یک دلیل عمده دیگر (یعنی، حقوق بشر) وجود دارد که چرا جمهوری دمکراتیک افغانستان به مقدار زیادی حمایت عامه را از دست داده است.

۴- من گفتم که اطلاع پیدا کردیم زندان پل چرخنی زمانی بین ۱۲/۰۰۰ تا ۱۵/۰۰۰ زندانی داشته است. وقتی او پاسخ داد که آن زندان به اندازه کافی بزرگ نیست که آن تعداد زندانی را در خود جای دهد، من گفتم: درست است، ولی توضیحی که به ما داده شده این بود که زندانیان به طور نوبتی برای خوابیدن روی زمین دراز می‌کشیدند.» من ادامه دادم که نه تنها در آنجا هزاران نفر نگاهداشته می‌شد بلکه خیلها شبانه اعدام شدند. من گفتم که ما دلایلی داریم که حداقل ۳۰۰۰ زندانی از سپتامبر گذشته کشته شده‌اند. هنوز یک هفته نشده است ولی ما از دستگیرهای سیاسی بیشتری اطلاع پیدا نکرده‌ایم و من گمان می‌کنم که خانواده‌ای معدودی در کابل پیدا شوند که قوم و خویشی و یا دوستی را که از کارش پاکسازی شده و یا زندانی یا اعدام شده باشد نداشته باشند. به عنوان یک انسان من به او گفتم که من این جنبه از سابقه جمهوری دمکراتیک افغانستان را تفرانگیز یافتیم و ایکاش می‌توانستیم در مورد آن کار بیشتری انجام دهیم.

۵- سافرونچک پاسخ داد که این موضوع تازه‌ای است و وی چیز زیادی درباره این چیزها نمی‌داند، ولی وی می‌دانست که جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد هر گونه مداخله در امور داخلش خیلی حساس است. او به طور ضمنی فهماند که سفارت شوروی در این مورد کار کمی می‌تواند انجام دهد ولی قول داد که درباره این موضوع تحقیق نماید.

۶- نظریه: من هیچ‌گونه خیال باطلی در خود به وجود نمی‌آورم که روش من به فواید خوبی منجر خواهد شد. روسها به ندرت سابقه شایان توجهی در اعمال یا طرفداری از حقوق بشر داشته‌اند. هر چند فکر می‌کنم که ارزیابی کردن روسها در این مورد که ما راجع به شرایط اسفناک پل چرخنی مطلعیم و در مورد آن نگران هستیم، مفید باشد.

سند شماره (۲۹)

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن

تاریخ: ۲۸ ژوئن ۱۹۷۹
طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره: ۴۹۸۱

موضوع: روابط افغانستان و آمریکا - رفتاری که سرهم بندی شده

۱- (تمامی متن محرمانه)

۲- من فکر می‌کنم که وزارت امور خارجه باید از حادثه‌ای که طی آن جمهوری دموکراتیک افغانستان کوشیده بود تا یک رفتار دوستانه نسبت به آمریکا نشان دهد ولی از حد گذرانند، مطلع باشد.

۳- ساعت ۶/۳۰ دقیقه بعد از ظهر دیروز زنگ در خانه من به صدا درآمد در آمدن رفتن دم در و با حیرت بی اندازه‌ای متوجه شدم که سوما وزیر آموزش عالی و جلیلی وزیر آموزش و پرورش در آنجا هستند. پشت سر آنها یک محافظ تفنگ به دست ایستاده بود. من از دیدن آنها اظهار شادمانی کردم و از آنها پرسیدم که چه کار از دست من برمی آید. آنها به یکدیگر نگاه کردند و گفتند برای شرکت در مراسم روز ملی ما آمده‌اند. من از آنها تشکر کردم و در ضمن خاطر نشان ساختم که روز ملی ما تا هفته آینده، ۴ ژوئیه نخواهد آمد و دچار این وسوسه شدم که بیفزایم که آنها به مکان عوضی آمده‌اند (دعوتنامه حاکی از آن بود که مراسم در محل اقامت سفیر انجام می‌گیرد). آنها در وضع نامناسبی قرار گرفتند و پس از اینکه با یکدیگر به گفتگو پرداختند گفتند که از یک نفر خطایی سر زده است.

تاریخ ۴ ژوئیه ما با تاریخ ۴ سرطان که در تقویم افغانستان همان روز بود اشتباه شده بود. آنها از این اشتباه معذرت خواستند و من همراه آنها تا دم اتومبیل رفتن و ما چندین بار به یکدیگر دست دادیم و اظهار پوزش و دوستی کردیم. آنها گفتند که امیدوارند هفته دیگر بار دیگر مرا ببینند.

۴- اظهار نظر: من همه این مطلب را گزارش می‌دهم نه به خاطر اینکه کار کارمندان جمهوری دموکراتیک افغانستان را نشان دهم (خدا به داد کارمند بیچاره‌ای برسد که مسؤل این اشتباه بوده است) بلکه برای ۲ دلیل دیگر که یکی از آنها این است که جمهوری دموکراتیک افغانستان در اینکه چند وزیر و کدام وزیران در مراسم روز ملی شرکت می‌کنند اهمیت می‌دهد، اینکه آنها ۲ وزیر ارشد از جمله یک عضو دفتر سیاسی (سوما) را در زمانی که روابط ما متشنج است به مراسم ملی ما می‌فرستند تنها ممکن است این معنا را داشته باشد که آنها می‌خواهند یک رفتار حاکی از آشتی نسبت به ما داشته باشند و اینکه آیا جمهوری دموکراتیک افغانستان هفته آینده پس از آنکه: (الف) آنها توسط یادداشت دیپلماتیک خبردار شوند که من برای مشورت به واشنگتن احضار شده‌ام که در هفته همان ۴ ژوئیه خواهد بود و (ب) اینکه ما هفته آینده علیه تصاویر قلابی سلاحهای آمریکایی در جراید تحت کنترل دولت اعتراض می‌کنیم، باز هم دو وزیر به مراسم ۴ ژوئیه خواهند فرستاد قابل بحث است.

۵- اهمیت دیگر این حادثه آن است که درباره طرز سروکار داشتن با روابط افغانستان و آمریکا آنها چگونه رفتار می‌کنند و ظرف مدتی حدود دو هفته جمهوری دموکراتیک افغانستان (به نظر خودشان) دو رفتار حاکی از دوستی انجام داده‌اند: (الف) به یک خانواده آمریکایی و افغانی به نام اریکا کینن سیلی اجازه داده‌اند برای رفتن به آمریکا گذرنامه به دست آورند (ب) دو وزیر کابینه را برای شرکت در مراسم روز ملی ما فرستاده‌اند. آنها ممکن است احساس کرده باشند که آمریکا به اندازه کافی ساده است تا معتقد

باشد این رفتارهای اساساً غیر مهم برای ما اهمیت دارد.

من این مطلب را می‌گویم برای آنکه این دور رفتار در مقابل سه رفتار مهم تر دیگر و هم زمان با آن به نظر من انجام گرفته است که عبارت است از: اقدام عمدی درباره نشان دادن «اسلحه‌های آمریکایی» در مطبوعات جمهوری دمکراتیک افغانستان که به هیچ وجه اسلحه ساخته آمریکایی نبوده است با این تلویح که آمریکا اسلحه به شورشیان می‌دهد؛ و تو کردن نمایش فیلم پنجاه هزار دلاری دره رود هیرمند که از سوی آژانس بین‌المللی ارتباطات تأمین مالی شده است آن هم پس از آنکه دولت آمریکا با این نمایش موافقت کرده بود؛ و تو کردن چندین بورس کمک ایالات متحده درست در زمانی که آموزش دیده‌ها قرار بود عازم آمریکا شوند.

۶- نتیجه‌ای را که می‌توان گرفت این است که حکومت از یک سیاست دو گانه به موازات یکدیگر پیروی می‌کند در مواردی که حائز اهمیت است از قبیل نشان دادن چهره‌ای از ایالات متحده به مردم افغانستان یا اجازه دادن به مردم آن به اینکه از ایالات متحده دیدن کنند. حکومت افغانستان مصمم است یک چهره نامساعدی مجسم کند و مانع آن شود که مردم این کشور با چشمان خود ببینند که کشور ما چه شکلی است. در مواردی که اهمیت چندان نداشته باشد و به منظور تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی در داخل کشور از قبیل دادن اجازه به یک خانواده دارای ملیت دوگانه به خروج از افغانستان یا فرستادن ۲ وزیر به ضیافت روز ملی ما حکومت افغانستان روش استقبال را در پیش گرفته است. معلوم نیست که آیا حکومت افغانستان واقعاً تصور می‌کند که ما تا این اندازه کند ذهن هستیم که اقدامات مهمتر آنها را نادیده گرفته و بر روی اقدامات بی‌اهمیت آن وزنه بیشتری قائل شویم؟

سری

سند شماره (۳۰)

قسمت اول: فعالیت‌های اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان

الف: در حالی که هیچ مدرکی موجود نیست که شوروی در پشت سر کودتایی باشد که در ۲۷ آوریل گذشته به رژیم تره‌کی قدرت داد، آنها (شوروی) از این تغییر استقبال کرده و به سرعت کارهایی انجام دادند تا کودتا را به سود خود برگردانند.

در اوایل خرداد ۵۷ شوروی تعداد مستشاران نظامی را از ۳۵۰ به ۶۵۰ افزایش داد؛ عملاً در تمام وزارتخانه‌های افغانستان پرسنل روسی مستقر نمود مقام‌های اصلی در دستگاه‌های امنیتی و دفاعی افغانستان را به کنترل خود در آورد و متجاوز از ۳۰ قرار داد اقتصادی را که در زمان داوود مورد مذاکره قرار گرفته بودند، امضاء کرد.

ب: از آن زمان حضور شوروی در افغانستان به رشدش ادامه داده است:

اینکه یک موافقت نامه جدید تسلیحاتی به امضاء رسید؛ موافقتنامه‌های اقتصادی اضافی، منجمله یک موافقتنامه چند میلیون دلاری در زمان دیدار تره‌کی از مسکو در دسامبر گذشته، منعقد شد.

شمار مستشاران نظامی شوروی به حداقل ۱۰۰۰ نفر افزایش یافت تعداد مستشاران اقتصادی شوروی به بیشتر از ۲۰۰۰ نفر رسید. مستشاران نظامی شوروی در جنگ علیه شورشیان قبایل افغان با واحدهای ارتش افغانستان همکاری کرده و احتمالاً تا به حال تلفاتی را نیز متحمل شده‌اند.

پ: به هر حال شاید مهمترین تحول سال ۱۹۷۸ امضای موافقتنامه دوستی شوروی — افغانستان در

دسامبر می‌باشد که: بر چیزی که بر ژنف شخصیت کیفی جدید روابط افغانستان - شوروی خوانده است تأکید کرد، نقش شوروی در افغانستان را مشروعیت بخشید و اساساً قانونی برای کمک به جمهوری افغانستان جهت ادامه حیات آن به شوروی داد.

وسایل تقویت موقعیت کابل (رژیم حاکم) و دلسرد کردن مخالفین داخلی و خارجی را (هرچند تاکنون بدون موفقیت بوده) در اختیار آن قرار می‌دهد.

ت: بر خلاف دیگر معاهده‌های دوستی که اتحاد شوروی با کشورهای جهان سوم منعقد کرده است ماده‌ی مربوط به مشاوره دفاعی در پیمان با افغانستان نامحدود است که: به شوروی این اجازه را می‌دهد که حضور نیروهایش را در افغانستان توجیه کند، اما لزوماً آنها را ملزم به دفاع از کابل نمی‌کند.

ث: اتحاد جماهیر شوروی در مورد ناآرامیهای قبیله‌ای در افغانستان سکوت اختیار کرده تا اینکه پروادا در ۱۹ مارس، قطعه‌ای معتبر که نوشته الکساندرف بود منتشر کرد. پاکستان، مصر و چین را در پشتیبانی از شورشیان متهم کرد. از شورشیان به نام «مسلمانان مرتجع، محافظه‌کار» نام برد.

ج: از آن موقع تا به حال روسیه، پاکستانیها، ایرانیها، آمریکا و انگلیس را بیشتر مقصر دانسته و اظهار داشتند که امکان دارد عربستان سعودی نیز مداخله داشته باشد.

آنها همچنین: جنبه‌های انقلابی رژیم تره‌کی را ستوده‌اند.

ادعا کرده‌اند که دولت، طغیان مردم را فرونشانده است.

تأکید کرده‌اند که شورشیان عمده‌تأفودالهای ناراضی بوده‌اند که با اصلاحات ارضی تره‌کی مخالفند.

اظهار داشتند که شورش تحریک شده به وسیله مذهب توسط مسلمانان دروغین هدایت می‌شود.

چ: روسها به صورتی واقعی‌تر: کمک نظامی خود را به افغانستان افزایش دادند و امکان دارد که هواپیما

و وسایل زرهی بیشتر تدارک دیده باشند. احتمالاً در عملیات نظامی مستقیماً همکاری نموده و همچنین

اگر که واحدهای ارتش افغان را حمایت رزمی نکرده باشد پشتیبانی تدارکاتی فراهم کرده است و نسبت به

مداخله‌ی ارجی چه صورت علنی و چه غیر علنی اظهار کرده است.

ح: به تازگی شوروی: تأکید بر تبلیغات نظامی را از پاکستان و ایران دور کرده است تأکیداتش را بر

نقش آمریکا و دسیسه‌های سیا متمرکز نموده است. با این حال کاملاً روشن کرده‌اند که نمی‌خواهند ایرانیها

و پاکستانیها در امور افغانستان دخالت کنند.

۱- به طور کلی، احتمالاً قصد بر این است که توجه را از وقایع افغانستان و نقش روسیه در آن منحرف

کرده و در صورت امکان وضعیتی را به وجود آورند که دخالت وسیعتر شوروی را توجیه نمایند.

قسمت دوم - نقش فعلی شوروی در افغانستان

علیرغم بدتر شدن وضعیت امنیتی در سراسر کشور حضور شوروی در افغانستان از نظر کمی در

ماههای اخیر افزایش قابل توجهی پیدا نکرده است. تعداد مستشاران نظامی روسی در حدود کمی بالای

۱۰۰۰ نفر باقی مانده است. احتمالاً هنوز در حدود ۲۵۰۰ نفر مستشار غیر نظامی از شوروی در آن کشور

به سر می‌برند. ما معتقدیم تعداد زیادی از وابسته‌های روسی به شوروی برده شده‌اند، هر چند سفارت

شوروی این را تکذیب می‌کند.

از نظر کیفی به نظر می‌آید که نفوذ مستشاران روسی در هفته‌های اخیر و خصوصاً پس از دیدار ژنرال

روسی «ا.ا. پیشیف»، رئیس اداره سیاسی نیروهای مسلح در اوایل آوریل، مشخص تر شده باشد. اگر چه دلیل اعلان شده برای سفر پیشیف بالا بردن آموزش سیاسی نیروهای افغانستان بود، ولی او به همراه یک گروه بزرگ از کارمندان رسمی روسی به افغانستان آمد که گمان می رود جنبه های مختلف پشتیبانی نظامی از ارتش و نیروی هوایی افغانستان را مورد بررسی قرار داده باشند. ما همچنین از هدایت افزایش یافته وزارتخانه های مختلف شوروی توسط روسها اطلاع داریم.

بهترین لوازم از نظر کیفی که شوروی تاکنون برای افغانستان تهیه دیده است عبارتند از: هواپیماهای جنگنده میگ - ۲۱ و سوخو - ۷ هلی کوپتر MI-24 که نوع قدیمی دارای تیربار است و تانکهای تی - ۶۲. علیرغم شایعات خلاف و مکرر افغانیها هنوز به هواپیمای میگ ۲۳ مجهز نشده اند.

ما از شایعات منتشر شده مطلع شدیم که خلبانان روسی با هواپیماهای افغانی در بعضی مأموریتهای عملیاتی بر علیه چریکها شرکت دارند. ما مدرک مستندی برای رد این احتمال در دست نداریم. به خاطر اینکه برخی از تجهیزات جدید از قبیل هلیکوپترهای توپدار MI-24 از وسایل قدیمی تر افغانستان پیچیده تر است گمان می رود پرسنل روسی در فعالیت آموزشی سنگین شرکت داشته باشند. چندین گزارش وجود دارد که هلیکوپترهای MI-24 در عملیات بر ضد شورشیان به کار گرفته شده است. از آنجایی که سیستم این هلیکوپتر پیچیده است ما مطمئن نیستیم که زمان کافی برای آموزش افغانیها برای اینکه بتوانند به تنهایی با آنها پرواز کنند وجود داشته است. بنابراین کاملاً امکان پذیر است که روسها در پرواز آن هلیکوپترهایی که در عملیات مورد استفاده قرار گرفت کمک کرده باشند و در عین حال خلبانان افغانی را نیز تعلیم داده باشند.

چون مستشاران نظامی روسی در نیروی زمینی افغانستان در تمام سطوح تا گردان و همچنین در چندین واحد تخصصی کوچک حضور دارند، غیر عادی خواهد بود اگر که هر چند وقت یک بار در عملیات نظامی دستگیر نشوند.

مهمترین سؤال این است که: آیا می توانیم انتظار داشته باشیم که ببینیم سربازان روسی به درگیری افغانستان وارد می شوند؟ ما فقط می توانیم ناظر باشیم که از آن احتمال جلوگیری به عمل نمی آید. ماده ۴ از معاهده دوستانه افغانستان - شوروی منعقد در ۵ دسامبر ۱۹۷۸ مقرر می کند که دو طرف دو حالت و قسمت را در نظر می گیرد. با یکدیگر مشورت خواهند نمود و بر اساس توافق اقدامات مناسبی که امنیت، استقلال و تمامیت ارضی دو کشور را تضمین می نماید به عمل خواهند آورد. این ماده بدین صورت پایان می گیرد که «به منظور استحکام بخشیدن به قدرت دفاعی طرفین قرارداد، آنها بایستی به توسعه همکاری در زمینه نظامی بر اساس توافقات مناسبی که بین آنها برقرار شده است ادامه دهند.

سند شماره (۳۲)

طبقه بندی: خیلی

از: سفارت آمریکا در کابل تاریخ: ۵ ژوئیه ۷۹ به: هیئت نمایندگی آمریکایی ناتو - فوری موضوع: دیپلماتهای کمونیست در کابل به احتمال ایجاد یک جبهه ملی در رژیم خلقی اشاره می کنند ۱- تمام مطلب خیلی محرمانه است.

۲- در تلگراف مرجع محرمانه، مأمور آمستوتز، گزارش داد که وزیر مشاور شوروی واسیلی. اس.

سافرونچک به او در تاریخ ۲۴ ژوئیه گفت که روسها در جستجوی راه حلی نظیر تشکیل یک جبهه ملی در کابل هستند.

۳- احتمالاً، در دستورالعملهای شورویها، سفیر آلمان شرقی، هرمن شوسیائو درباره برقراری یک تماس جبهه ملی با دیگر دیپلماتهای در کابل صحبت می‌کند. ما اطلاع داریم که او با سفیر پاکستان در تاریخ بیست و هفتم ژوئن در این مورد صحبت کرده و همچنین با سفیر فرانسه در سوم ژوئیه نیز صحبت کرده است. در خلال این نشستها، شوسیائو درباره شایستگی رهبری خلقی سؤالاتی کرد. در مهمانی روز استقلال آمریکا در تاریخ چهارم ژوئیه، شوسیائو پرسید که آیا می‌تواند مرا (آمستوتز) در تاریخ هشتم یا نهم ژوئیه ملاقات کند. من از او انتظار دارم با من در این زمینه کار کند.

۴- ما تلگرافهای مرجع را تکرار می‌کنیم.

فلسطین

سند شماره (۳۱)

تاریخ: ۲ ژوئیه ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی.

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه کابل ۵۳۰۸

رونوشت به: سفارت آمریکا - تهران

شماره سند: ۵۳۰۸

موضوع: سفیر جدید افغان در ایران یک عضو عالی‌رتبه دیگر پرچم است

۱- مطالب کمی برای افزودن به اطلاعات بیوگرافی دکتر نجیب کم سن و سال: که سابقاً اسم سید نجیب‌الله را به کار می‌برد، و در اعلامیه رسمی انتصاب وی به سفارت تهران وجود داشت، داریم (تلگرام مرجع). از قرار معلوم فقط یک سال است که خارج از مدرسه پزشکی می‌باشد و به دنبال انقلاب ۲۷ آوریل، چند هفته‌ای معاون وزیر کشور بود. در تقسیم بعدی پستها (که به طور وضوح ادامه دارد)، نجیب، عضو سابق جناح پرچم از حزب دمکراتیک خلق افغانستان، «معاون مخصوص» نورمحمد تره‌کی، رئیس شورای انقلاب شد؛ انتصابی که هرگز بر ملا نشد.

۲- انتصاب نجیب در تهران، بدون چون و چرا، بخشی از تصفیه جاری عناصر طرفدار پرچم در سطوح بالای رهبری سیاسی رژیم جدید می‌باشد. از شش سفیر افغانی که پذیرش آنها به طور قطع خواسته شده است، هیچ یک به عنوان خلقی شناخته نشدند، در حالی که پرچمی بودن پنج نفر از آنها تأیید شده است. آینده ببرک معاون نخست وزیر (رهبر سابق پرچم) در بالای لیست شایعات کابل جای دارد. در حال حاضر تعبیر مطلوب این است که او از قبول پستی در خارج خودداری کرده است و در کابل خواهد ماند تا چه پیش آید. در این رابطه، ما نیز هیچ نشانی از اینکه این رویداد فرعی به خصوص منجر به اقدامات امنیتی تشدید شده در پایتخت شده باشد، مشاهده نمی‌کنیم، اما اینکه رژیم در درخواست خود از کشور میزبان برای موافقت با پذیرش این سفر احساس فوریت می‌کند، می‌تواند حاکی از این باشد که تره‌کی و همکارانش ترجیح می‌دهند که رقبایشان بدون معطلی از افغانستان خارج شوند. یک دیپلمات ایرانی به ما گفت، سه روز پس از اینکه اسم نجیب تسلیم دولت ایران شد، سفیر داودی (سفیر ایران در کابل - مترجم) به وزارت امور خارجه احضار شد و پرسیده شد که تأخیر به چه علت است؟ ظاهراً دولت ایران به ناچار

پذیرفت و در طی دو روز پذیرش را اعطا کرد. آمستوتز

سند شماره (۳۳)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت خارجه - واشنگتن

موضوع: رژیم افغانستان در روز استقلال آمریکا نمایش حسن نیت می‌دهد
۱- (محرمانه) نمایندگان دولت افغانستان در مهمانی روز ۴ ژوئیه ما، بر خلاف آنچه که در ضیافت‌های اخیر دیگر سفارتخانه‌های کشورهای آزاد دنیا در کابل دیده شد، بلند مرتبه بودند. کسانی که در ضیافت ما حضور داشتند عبارت بودند از:

پروفسور محمود سوما وزیر آموزش عالی و عضو اداره سیاسی حزب دمکراتیک افغانستان، دکتر عبدالرشید جلیلی، وزیر آموزش آموزش و پرورش و یک خلقی مهم دیگر و مهندس محمد اسماعیل دانش وزیر صنایع و معدن که تقریباً در پایین هرم کابینه قرار دارد. در مقایسه، بلند مرتبه‌ترین خلقی که در ضیافت امسال تولد ملکه انگلیس حضور داشت، دوست معاون وزیر خارجه بود. (نظریه: خلقیها از دست بی‌بی‌سی عصبانی هستند). در هر صورت با مقایسه با سال پیش ما چند درجه‌ای پایین آمده‌ایم. در آن موقع حفیظ‌الله، امین وزیر خارجه در ضیافت ما شرکت کرد.

۲- در ۴ ژوئیه روزنامه کابل تایمز که به وسیله دولت کنترل می‌شود عکس پرزیدنت کارتر را در صفحه اول چاپ کرد و گزارش نمود که تره‌کی یک تلگرام تبریک برای او فرستاده است. این یک عمل عادی دولت افغانستان برای تمام روزهای ملی کشورهای که با کابل روابط دیپلماتیک دارند می‌باشد.
۳- همان روزنامه یک مقاله دوستانه درباره ایالات متحده چاپ کرد که آن نیز یک عمل مرسوم در روزهای ملی می‌باشد. متن مقاله خوشحال کننده بود و اشاره می‌کرد که مردم آمریکا در نتیجه تلاشها و مبارزات سخت از استقلالشان حفاظت کردند.

کابل تایمز به «پیشرفت‌ها و دستاوردهای آمریکا» که برای مردم دنیا آشکار است استناد کرد. روزنامه اشاره کرد که مردم افغانستان و آمریکا حداقل در یک موضوع مهم اشتراک دارند و آن کوشش و تلاششان بر علیه استعمار در ابتدای دست اندازی استعمارگران می‌باشد. هم جمهوری دمکراتیک افغانستان و هم ایالات متحده استعمار را برای اولین مرتبه در منطقه‌ها و قاره‌هایشان رد کردند.

۴- کابل تایمز با اشاره به اینکه افغانستان و ایالات متحده برای سالها روابط عادی داشته‌اند، ارزش همکاریهای اقتصادی و فرهنگی آنان منجمله تجربیات تحصیلی تعداد زیادی از افغانها را به عنوان دلیل اقامه کرد. روزنامه اشاره کرد که رژیم خلقی این روابط دوجانبه را در حالت عادی نگاه می‌دارد.

۵- ما متوجه یک سکوت در تبلیغات ضد آمریکایی از زمان یادداشت اعتراض ۳۰ ژوئن به دوست، معاون وزیر امور خارجه درباره عکسهای تسلیحات ضبط شده آمریکایی در مطبوعات افغانستان شده‌ایم.

سند شماره (۳۴)

طبقه‌بندی: سری

تاریخ: ۵ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشگتن

موضوع: یادداشت اعتراض به سفیر شوروی در کابل در مورد اظهارات
رسانه‌های گروهی شوروی در خصوص مداخله ایالات متحده در افغانستان

۱- تمام متن سری است

۲- همان طور که در پاراگراف ۴ تلکس مرجع دستور داده شده بود، من در ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۵ ژوئیه، یعنی زودترین موقع ممکن که قرار ملاقات امکان پذیر بود با الکساندر ام. پوزانف، سفیر شوروی در کابل ملاقات کردم و نقطه نظرهای وزارت خارجه را با او در میان گذاشتم.

۳- پوزانف پس از گوش دادن به نقطه نظرهای وزارت خارجه گفت رسانه‌های گروهی شوروی فقط آنچه را که مطبوعات دنیا راجع به مداخله خارجی در امور داخلی افغانستان می‌گفته‌اند تکرار کرده است. پوزانف اظهار داشت که او از صحبت‌های پرزیدنت تره‌کی و حفیظ‌الله امین این برداشت را کسب کرده است که رهبران خلقی سندی مبنی بر مداخله خارجی در امور افغانستان به دست آورده‌اند. من پاسخ دادم که ما اغلب به خلقها برای نشان دادن سندی که آنها فکر می‌کنند درگیری دولت ایالات متحده را نشان می‌دهد اعتراض کرده‌ایم. من اضافه کردم تاکنون هیچ‌گونه سندی ارائه نشده است. پوزانف گفت که افغانستان خواهان روابط خوب با ایالات متحده است. به عنوان شاهی بر این مدعا او موضوع شرکت مقامات سطح بالای رژیم خلقی در ضیافت ۴ ژوئیه ما را اقامه کرد. او علاوه بر این گفت با وجود این سند روشن که پاکستان در امور افغانستان مداخله می‌کرده است، رژیم خلقی مسئولانه یک گفتگوی نوید بخش را با اسلام آباد شروع کرد. پوزانف نتیجه‌گیری کرد که اتحاد شوروی از چنین پیشقدمیهای صلح جویانه که از صلح و ثبات در این منطقه حفاظت می‌کند استقبال می‌نماید. من پاسخ دادم که ما در این اهداف اشتراک داریم و با بازگشت به تم اصلی یادداشت اعتراضیه تأکید کردم که تبلیغات غیر مسئولانه از قبیل مورد ۲۷ ژوئن روزنامه تاس، فقط وضعیت را ملتهب‌تر می‌کند و به دست آوردن آن اهداف را به تأخیر می‌اندازد.

سند شماره (۳۵)

تاریخ: ۹ ژوئیه ۱۹۷۹

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت امور خارجه - واشگتن

موضوع: دکتر عبدالحکیم طبیبی به عنوان وزیر مختار هیئت نمایندگی

افغانستان در سازمان ملل منصوب شد

۱- تمام متن محرمانه است

۲- خلاصه: در ۳ ژوئیه جمهوری دمکراتیک افغانستان سفارت را از انتصاب دکتر عبدالحکیم طبیبی به نمایندگی دائمیش در سازمان ملل با رتبه وزیر مختار مطلع نمود.

این انتصاب یکی از بهترین انتخابات جمهوری دمکراتیک افغانستان است ولی ما متوجه شدیم که طبیبی در نظر دارد زمانی که بتواند از افغانستان خارج شود پناهنده شود. (پایان خلاصه)

۳- در ۳ ژوئیه وزارت امور خارجه جمهوری دمکراتیک افغانستان سفارت را از انتصاب دکتر

عبدالحکیم طبیبی در هیئت نمایندگی دائمی در سازمان ملل با رتبه وزیر مختار مطلع ساخت و ویزی لازم را برای ایالات متحده درخواست نمود. برنامه ریزی شده بود که طبیبی در ۴ ژوئیه از کابل عزیمت نماید ولی زمان ورود به نیویورک اعلام نشده بود. در ۳ ژوئیه سفیر کبیر فرانسه (لطفاً محافظت شود) به کاردار گفت که وی بی سروصدا برای طبیبی و خانواده اش ویزی فرانسه صادر کرده است. او فکر می کند طبیبی که یک مقام برجسته و ارشد افغانی است معتقد شده که زمان برای پناهنده شده فرارسیده است. طبیبی فقط موافقت کرد که به منظور خروج مجدد از افغانستان با خانواده اش در نیویورک ظاهر شود. طبیبی، که یک دیپلمات ارشد است، از اینکه مأمور جزء منصوب شده از طرف یک رژیم خلقی باشد منزجر بود. در هر صورت انگیزه اصلی او برای پناهنده شدن تفرز رژیم خلقی است.

۴- اطلاعات بیوگرافی: دکتر طبیبی که در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۴ در کابل متولد شد، در ۱۹۶۴ از دانشکده حقوق دانشگاه کابل فارغ التحصیل شد و در همان سال به وزارت امور خارجه افغانستان پیوست. از ۵۳- ۱۹۴۸ او به عنوان یک وابسته در سفارت افغانستان در واشنگتن خدمت نمود. موقعی که آنجا بود یک فوق لیسانس (۱۹۵۲) از دانشگاه جورج واشنگتن و یک دکترا در حقوق با درجه ممتاز از دانشگاه آمریکن (۱۹۵۴) دریافت نمود. او سپس در هیئت نمایندگی دائمی افغانستان در سازمان ملل منصوب شد (۱۹۵۶-۶۱) و به طور متوالی به عنوان دبیر اول، کنسول و وزیر مختار خدمت نمود. طبیبی در ۱۹۶۱ به عنوان سفیر در یوگسلاوی منصوب شد. در ۱۹۶۵ او به وزارت دادگستری و دادستانی کل منصوب شد و تا زمان استعفایش در ۱۹۶۶ در کابینه باقی ماند. در ۱۹۶۸ او به سفارت ژاپن منصوب شد. از ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۳ او به عنوان نماینده سیاسی افغانستان در هند خدمت نمود. در ماه می سال ۱۹۷۳ او به عنوان نماینده دائمی افغانستان در سازمان ملل منصوب شد که تا کودتای اکتبر ۱۹۷۲ که داودشاه ظاهر را از سلطنت خلع کرد - در این مقام باقی ماند. طبیبی در ۱۹۷۵ به عنوان رئیس کمیسیون بین المللی حقوق انتخاب شد. (او از ۱۹۶۲ عضوی از این هیئت بوده است). در ماه می ۱۹۷۶ طبیبی پیشنهاد انتخاب مجدد به ریاست کمیسیون بین المللی حقوق را از دست داد، ولی در ۱۹۷۷ متعاقباً برای ادامه دوره خاتمه نیافته یک عضو دیگر برگزیده شد. طبیبی انگلیسی را خوب و کمی فرانسه صحبت می کند. او در طول دوره خدمتش با مقامات آمریکایی، به طور ویژه ای خوب بوده است. دکتر طبیبی امیدوار است که در خروج از افغانستان با همسرش نجیبه و دو پسرش عبدالله و نجیب الله و دخترش، دنیا، همراه باشد.

۵- نظریه: انتخاب این دیپلمات قادر و باتجربه به جای دکتر بسم الله ناهک که از نظر دیپلماتیک بدون تجربه است، یکی از انتصابات زیرکانه دیپلماتیکی است که تاکنون به وسیله رژیم خلقی انجام گرفته است. متأسفانه به خاطر سرویس خارجی تهی شده افغانستان، به نظر می آید که یک فرد خوب دیگر از دور خارج می شود.

سند شماره (۳۶)

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن

از: سفارت آمریکا - کابل

طبقه بندی: خیلی محرمانه

تاریخ: ۱۰ ژوئیه ۷۹

موضوع: دانشگاه کابل - آشوب در محوطه دانشگاه

۱- تمام متن محرمانه

۲- خلاصه دستگیری استادان و پذیرفتن دانشجویان در دانشگاه کابل تشنجاتی را در آنجا فراهم کرده است. در محوطه دانشگاه اعمال خشونت گزارش داده شده است. نفوذ شوروی در دانشگاه افزایش یافته است و به طوری که که معلوم شده شورویها با انحطاط کیفیت آموزشی به موازات توسعه سریع تعداد دانشجویان از سوی رژیم به ویژه از سوی مؤمنین به حزب خلق ارتباط داده شده اند. (پایان خلاصه)

۳- چند عامل نزدیک به هم باعث شده است که تشنجاتی در دانشگاه آشکار شود. جمهوری دموکراتیک افغانستان بر تعداد دانشجویان، به ویژه مؤمنین به حزب خلق افزوده است. ولی کارمندان و تأسیسات مادی دانشگاه با این افزایش هماهنگ نیستند. به اظهار بعضی از استادان در ماههای مارس و آوریل چهار هزار نفر بر تعداد دانشجویان افزوده شده است و این رقم به معادل ۵۳٪ افزایش نسبت به هفت هزار و پانصد دانشجویی است که سال گذشته ثبت نام کرده اند. محمد سوما، وزیر آموزش عالی طی گفتگویی در جریان یک ضیافت در تاریخ ۵ ژوئیه گفت که در حال حاضر حدود ده هزار دانشجو در دانشگاه حضور دارند. که این رقم از زمان کودتای آوریل سال ۱۹۷۸، ۳۳٪ افزایش را نشان می دهد. (او به یک مأمور دیگر سفارت گفته بود که یازده هزار و پانصد دانشجو ثبت نام کرده اند.)

سوما اعتراف کرد که این توسعه سریع در چهار زمینه مشکلاتی به وجود آورده است که عبارتند از کمبود تعداد کلاسها و کمبود خوابگاهها و کمبود مدرسان و همچنین تنزل در کیفیت آمادگی دانشجویان تازه وارد به دانشگاهها. او اظهار خوش بینی کرد که عملیات ساختمانی و تحولات «طبق برنامه ۵ ساله» این «مشکلات در دالود» را رفع خواهد کرد. در این حال او چنین برآورد کرد که ظرف ۵ سال آینده تعداد دانشجویان از حدود ۲۰ هزار نفر کنونی دو برابر افزایش خواهد یافت و نیز «مشکلات کوشش به مقابله با توسعه دانشگاهها تا مدت زیادی گریبانگیر ما خواهد بود.» (سیستم آموزش عالی افغانستان شامل دانشگاه کابل و دانشگاه قندهار و پلی تکنیک از قرار معلوم آکادمیهای تربیت معلم که اکنون جزئی از وزارت آموزش و پرورش است، به زودی به صورت جزئی از وزارت آموزش عالی در خواهد آمد.) سوما گفت که یکی از هدفهایی که از اولویت برخوردار است، برقراری مجموعه های وابسته دانشگاهی در سراسر کشور است. او گفت که ۲ مجموعه از این نوع در مزار شریف و قندهار در چهار چوب برنامه ۵ ساله تکمیل خواهد شد.

۴- افزایش جوانان خلقی (که آنها را «آدمهای خودکار» نامگذاری کرده اند) در دانشگاه کابل اصطکاکهای سیاسی در میان دانشجویان، که سابقاً دژ مستحکم احساسات پرچمیستی بوده است، را برانگیخته است. در ماههای بعد از کودتا عده ای از پشتیبانان پرچم چه در میان استادان و چه در میان دانشجویان وفاداری خود را از حزب پرچم و حزب خلق تغییر داده اند. همین شش ماه قبل یک ناظر اظهار نظر کرد که اعتقادات سیاسی دست چپی در دانشگاه با نسبت ۶۰ به ۴۰ به نفع خلقیها نسبت به

پرچمیها می‌باشد. وی گفت که این تناسب اکنون بشدت تغییر کرده است و خلقیها بار دیگر نسبت به پرچمیهای در اقلیت قرار گرفته‌اند.

۵- نفوذ و حضور شوروی در دانشگاه افزایش یافته است و شورویها را با انحطاط کیفیت آموزشی در دانشگاه ارتباط می‌دهند. یک رئیس دانشگاه روسوفیل (دوستدار روس) زبانهای انگلیسی آلمانی و فرانسه را به عنوان زبان تدریس حذف کرد و در نتیجه چندین دانشکده، به ویژه دانشکده‌های مهندسی و علوم فلج شد. تدریس در حال حاضر به زبان روسی انجام می‌گیرد (هر چند این وضع نیز ممکن است بار دیگر تغییر کند زیرا متکلمین به زمان پشتو به تدریج بانفوذتر می‌شوند) در حالی که کتابهای درسی هنوز به زبان انگلیسی است. و هر یک از آنها نسبت به دیگری نامربوط است. این موضوع را یک دانشجوی سال چهارم مهندسی به من گفت. در ضمن مطالعه زبان روسی بشدت تقویت شده است. موافقتنامه‌هایی که اخیراً بین جمهوری دموکراتیک افغانستان و شورویها امضاء شده، شامل رشته‌های زبان و ادبیات روسی در سراسر دانشگاه و وارد کردن مطالبی به آن زبان است در عین حال مبادله دانشجویان و استادان با کشورهای غربی رو به کاهش است و چنین مبادله‌ای با کشورهای سوسیالیستی به ویژه اتحاد شوروی افزایش سریع می‌یابد.

۶- رژیم تصفیة استادان غیر قابل اعتماد از لحاظ سیاسی را آغاز کرده است. به عنوان نمونه دکتر م. حیدر، رئیس سابق دانشکده حقوق و علوم سیاسی (که از فرانسه درجه دکتر دارد)، دکتر غفور عارفی از دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دارای درجه دکتر از دانشگاه ایندیانا)، پروفوسور علی آقا بلخی از دانشکده اقتصاد، پروفوسور حبیب و رحمان هلاح از دانشکده ادبیات (دارای درجه فوق لیسانس از دانشگاه میشیگان)، پروفوسور قائم هاشمی از دانشکده ادبیات، دکتر عبدالرزاق فلول از دانشکده ادبیات (درجه دکتر از دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا). در ضمن یک دکتر از دانشکده پزشکی (و شوهر یک کارمند آژانس بین‌المللی ارتباطات آمریکا) از دفتر خود بیرون کشیده شده و به وزارت کشور برده شده است و از قرار معلوم از آنجا به بعد ناپدید شده است. پس از یک هفته انتظار وحشتناک به یک تحقیق بی سر و صدا از سوی خانواده او چنین پاسخ شدیدی داده شد: «صبور باشید.» پس از پنج هفته خانواده او بار دیگر پرس جو کردند به آنها گفته شد: «چرا شما این قدر بی صبر هستید؟» خویشاوندان نتوانستند اطلاع یابند که این دکتر در کجا بازداشت شده یا چرا بازداشت شده و اینکه آیا او هنوز زنده است یا خیر.

۷- دانشجویان دستگیر می‌شوند و به نظام برده می‌شوند. به ما گفته شده است که دو هزار دانشجوی دستگیر شده و یا «داوطلبانه» برای انجام وظیفه در نیروهای مسلح برده شده‌اند. بعضی از این سربازهای تازه وارد واقعاً ثبت نام می‌کنند و انگیزه آنها وعده عضویت در حزب است. معذالک بسیاری از دیگران برای اجتناب از فشار دست و پا می‌زنند. بیم و هراس آنها موجبات تشنجات زیادی را فراهم می‌کنند.

۸- خشونت جسته و گریخته و مرگبار در محوطه دانشگاه، قسمتی از این تشنچ را نشان می‌دهد. در روز ۲۳ ژوئن یعنی روزی که زد و خوردهای مختصری در جاده میوند درگرفت، از قرار معلوم بمبی در اتومبیل یک عضو حزب خلق (در جلو دانشکده مهندسی منفجر شد که در نتیجه یک دانشجو کشته و دو دانشجوی دیگر شدیداً مجروح شدند. در حدود همان وقت بمب دیگری در نقطه دیگری از محوطه دانشگاه منفجر شد بدون آنکه آسیبی به بار آورد. علاوه بر این منابع می‌گویند که اخیراً دو دانشجوی زن وابسته به حزب خلق در یکی از آزمایشگاههای محوطه دانشگاه به قتل رسیده و جسد‌های آنها متله شده

است. دو دانشجوی دختر نیز از قرار معلوم اخیراً دستگیر شده و به زندان پل چرخی انتقال داده شده و از قرار معلوم سربازان، آنها را مورد تجاوز قرار داده‌اند. این دختران بعداً آزاد شده‌اند و اکنون در بیمارستان بستری هستند.

۹- اظهار نظر: دانشگاه در حالت فعل و انفعال به سر می‌برد. ولی در حال عصیان، هنوز نشانه‌هایی از اینکه رژیم نتواند این تشنجات را مهار کند یا ناراضیتی زاینده را سرکوب کند وجود ندارد. ما نیز نمی‌توانیم احتمال اینکه این ناآرامی و خشونت‌های جسته و گریخته در دانشگاه ممکن است به یک مشکل جدی برای دولت تبدیل شود کنار بگذاریم. ما همچنان مراقب اوضاع و تحولات دانشگاه خواهیم بود. فلاتین

سند شماره (۳۷)

تاریخ: ۱۰ ژوئیه ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزیر امور خارجه در واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: وضع کنونی افغانستان از لحاظ عصیان

۱- یادداشت مقدماتی. (استفاده محدود اداری) به قضاوت این سفارت محتویات این گزارش می‌تواند برای استفاده اعضای کنگره و اعضای برگزیده رسانه‌ها یا نمایندگان حکومت‌های دوست در اختیار آنها گذارده شود. طبقه‌بندی کلی این گزارش خیلی محرمانه تعیین شده است، معذالک اگر مقامات واشنگتن ترجیح بدهند که بعضی از مطالب آن در این مرحله افشاء نشود، همه نتیجه‌گیری‌هایی که در این گزارش ابراز شده می‌تواند به عنوان نتیجه‌گیری‌های حساس تلقی شود. (پایان یادداشت مقدماتی).

۲- خلاصه: (استفاده محدود اداری) در حالی که تابستان داغ پرگرد و غبار بر افغانستان مستولی می‌شود، رژیم خلقی جمهوری دمکراتیک افغانستان همچنان با گسترش کند ولی مداوم فعالیت شورشیان در سراسر قسمت اعظم کشور مواجه است. هر چند خلقیها با کمال کارایی و قدرت تصمیم و سرعت و بی‌رحمی با مبارزه طلبیهای شورشیان مقابله کرده‌اند معذالک رژیم افغانستان هنوز نشان نداده است که قادر است از لحاظ نظامی یا سیاسی با حالت عصیان عمومی که در حال گسترش است و داراییهای حکومت را به فرسایش می‌برد مقابله کند. گروههای مختلف شورشیان هنوز فاقد سازمان یافتگی کافی داخلی و هماهنگی استراتژیک با یکدیگر و رهبریت مرکزی و پشتیبانی معنادار خارجی و تهیه یک محور دیگر ایدئولوژیک و سیاسی که در اطراف آن بتوانند گرد هم آیند، می‌باشند. شورشیان مانند خود خلقیها، دستخوش فرسایش از لحاظ افراد و مصالح هستند. از سوی دیگر قبایل شورشی افغان می‌توانند از سنت دیرینه فعالیت چریکی استفاده کنند و نیازهای ساده لجستیکی آنها باعث می‌شود که آنها بتوانند از زمین و آنچه که از تاراج کاروانهای دولتی به دست می‌آورند ارتزاق کنند. هر چند آینده بسیار نزدیک چشم‌انداز شومی برای خلقیها دارد، معذالک کادر حزبی سرسخت و سازمان یافته خلقیها صفوف وفاداران به خلق را به عنوان اشخاصی محکم و ایثارگر نگه نگه می‌دارد و عناصر کلیدی نیروهای مسلح (مثلاً سپاه زرهی و واحدهای برگزیده کماندویی و نیروی هوایی) همچنان از رژیم حمایت می‌کنند. هر چند اوضاع از نقطه نظر چپ‌گرایان بسیار جدی است معذالک آن قدرها بد نیست که باعث شود خلقیها برای مداخله

مستقیم شوروی استمداد کنند. هنوز زودتر از آن است که رهبری مصمم و سرسخت تره کی و امین را از میدان به در رفته تصور کنیم. (استفاده محدود رسمی).

۳- اوضاع نظامی: فعالیت چریکی همچنان در سراسر اغلب ایالات افغانستان در گسترش است، همچنان که یک ماه پیش بود (تلگراف مرجع). رژیم خلقی در حال حاضر کمتر از نیمی از کشور را در کنترل خود دارد و بیشتر آن نیز تنها در ساعات روز است. (همان طوری که یک رئیس قبیله اخیراً گفته بود «عصیان افغانستان مانند یک معاشقه مطبوع است و بیشتر عملیات شب هنگام انجام می‌گیرد.») نیروهای دولتی برای حفظ نقاط اصلی و پرجمعیت به کار می‌روند و بیشتر جاده‌های اصلی و ارتباطات و بهترین نواحی کشاورزی و بعضی از پاسگاههای دور افتاده کلیدی که به حیثیت و اعتبار دولت وابستگی دارند؛ مانند اسد آباد، حکومت نشین ایالت کنار (که به نام چیغه‌سرای نیز معروف است) که در آنجا سربازان جنگزده خلقی ماهها با منظره پرچمهای پر اهتزاز سبز اسلامی در تپه‌های مجاور مواجه هستند.

۴- (استفاده اداری محدود) هر چند خلقیها مدعی هستند که جاده منطقه جلال آباد به اسدآباد را در کنترل خود دارند، به ندرت اتفاق می‌افتد که یک اتومبیل دست به این سفر خطرناک بزند بدون آن که لااقل یک گلوله به آن اصابت و آن را سوراخ بکند. یک خودروی ویژه متعلق به طرح سازمان ملل متحد اخیراً از اسدآباد برداشته شد و هنگامی که از جاده بیرون آورده می‌شد به شکل یک پنیرو سوئسی در آمده بود که بیش از یکصد گلوله به آن اصابت کرده و با گلوله مشبک شده بود. این جاده به خصوص نشان‌دهنده انتهای دیگر میزان «کنترل دولتی است.» بیشتر جاده‌های اصلی معمولاً در کنترل دولت است، معذالک اگر شورشیان با موفقیت قسمتی از یک شاهراه کلیدی را ببندند نیروهای دولتی معمولاً ظرف سه یا چهار ساعت از آن نقاط دور می‌شوند. چند جاده از قبیل جاده‌هایی که از کوههای پکتیا که پراز شورشیان است عبور می‌کند و به پاسگاه دولتی خست منتهی می‌شود. تنها به ندرت باز است. بنابراین خلقیها برای پشتیبانی از نیروهای خود در چنین مناطقی به پشتیبانی هوایی متوسل می‌شوند.

۵- (استفاده اداری محدود) در حالی که در بعضی از ایالات زد و خوردها در حال حاضر بشدت کمی ادامه دارد، در ایالات شرقی شرقی بدخشان و کنار ننگرهار و پکتیا و پکتیکا، اخیراً زد و خوردهای شدیدی در جریان بوده است. نیروهای خلقی یک شهر و مقداری اسلحه و مهمات و وسائط نقلیه و آذوقه و آنچه که برای دستگاه رهبری کابل بیش از همه ناراحت کننده است، تعدادی سرباز نیز از دست دادند. هر روز سربازان خلقی در جریان عملیات کشته و یا مجروح می‌شوند و یا مفقود می‌شوند و ارتباط آنها با مرکز قطع می‌شود و اغلب نیز آنها جبهه خود را تغییر داده و به شورشیان می‌پیوندند. اخیراً واحدهایی به تعداد یک گروهان از کنترل خلقی خارج شده‌اند. در یک یا دو مورد حتی گردانها ناپدید شده‌اند. این امر رژیم را دچار کمبود نفرت در فرماندهیهای اصلی در سراسر افغانستان نموده است. تصفیه‌های سیاسی، کادر افسران را ناتوان کرده است و در نتیجه کادرهای غیرنظامی یا افسران جزء جوان وفادار به رژیم در رأس واحدهای بزرگ نظامی قرار گرفته‌اند و این امر با مساعدت نزدیک و فعال مستشاران نظامی شوروی صورت گرفته است. این مستشاران همان طوری که قبل از انقلاب خلقیها متداول بود معمولاً اونیفورمهای افغانی به تن می‌کنند.

۶- (استفاده محدود اداری) کفگیر رژیم ظاهراً برای به دست آوردن رزمندگان به ته دیگ رسیده است و به راههایی از قبیل متقاعد کردن دانشجویان جوان دانشگاه و دانش آموزان جوان دبیرستانها به داوطلب

شدن در نیروهای مسلح و تحت تأثیر قرار دادن جمعیت بالغ دهکده‌ها برای ورود در صفوف چریکها و انتخاب کارگران موقتی که برای کار در گوشه‌های خیابانها می‌ایستند و فرستادن آنها به جبهه یا یادآوری کردن آنهايي که خدمت نظام خود را انجام داده‌اند به انجام وظایف نظامی، متوسل می‌شود. این کمبود فزاینده نیروی انسانی نظامی منعکس‌کننده کاهش مداوم کادرهای غیر نظامی در وزارتخانه‌های کابل است، در حالی که دستگاه رهبری حزب خلق به پاکسازیهای بی‌پایان سیاسی خود همچنان ادامه می‌دهد. این کمبود منابع انسانی یکی از موانع حزب خلق برای عملیات است ولی دستگاه رهبری ظاهراً بالاترین اولویت خود را به وفاداری به رژیم تلقی می‌کند. (معدالک ما اخیراً گزارشی را شنیده‌ایم که هنوز تأیید نشده است و حاکی از آن است که روز هشتم ژوئیه ۷۰ نفر از زندان پل چرخي آزاد شده‌اند از میان آنهايي که آزاد شده‌اند از قرار معلوم چند نفر افسران سابق ارتش بوده‌اند که بعضی از آنها به داشتن تمایلات پرچمیستی مظنون بوده‌اند).

۷- (استفاده محدود اداری) مشکلات جدید امنیتی برای خلقها از جمله تحولاتی که جدیداً اتفاق افتاده و قابل توجه است و علامات اولیه‌ای است که حالت عصیان ممکن است به کابل نیز سرایت کرده باشد. روز ۲۳ ژوئن در نقاط مختلف کابل نخستین تیراندازیهای هماهنگ نشده یا بد هماهنگ شده روی داد. مهمترین زد و خورد از سوی گروه شیعه هزاره که از قرار معلوم یک اقلیت مذهبی و قومی در این جامعه اکثرأ پشتو و سنی است روی داد. معدالک شورشیان از قرار معلوم نتوانسته‌اند قصدی را که داشته‌اند عملی سازند و رژیم نظم را مجدداً برقرار کرد ولی این برقراری نظم با خونریزی توأم بود. از آن زمان به بعد سطح عملیات خشونت‌آمیز در کابل اندکی افزایش یافته است. از زمان انقلاب سال ۱۹۷۸ صدای شلیکهای پراکنده شنیده می‌شود ولی بعضی از این تیراندازیها دوام بیشتر داشته است. علاوه بر این شورشیان برای نابود کردن خودروهای نظامی گاه به گاه در امتداد جاده کابل به ترخام کمین می‌کنند و گاهی هم ارتباطات در امتداد این جاده قطع می‌شود. خلقها تاکنون با این اسباب زحمتها با کارایی تمام و به سرعت مقابله کرده‌اند. دستگاه رهبری خلق در کابل همچنان با ظاهری آرام به این مفهوم که بر اوضاع مسلط است به مردم نشان می‌دهد. به جز چند حادثه‌ای که در بالا ذکر شد و این واقعیت که شهر مانند یک اردوگاه مسلح است، کابل از یک آرامش قابل ملاحظه برخوردار بوده و دارای ظاهری آسوده و صلح‌آمیز است. معدالک در زیر این آرامش یک نوع تشنج قابل مشاهده‌ای وجود دارد.

۸- شورشیان تاکنون چه نتایجی به دست آورده‌اند؟ هر چند شورشیان گاه به گاه دستخوش فرسایش سنگینی شده و بدون پشتیبانی معنادار خارجی مبارزه می‌کنند، معدالک اغلب توانسته‌اند بینی رژیم خلق را خون آلود کنند و دعاوی مکرر دستگاه رهبری خلق را مبنی بر اینکه آنها «از پشتیبانی پرشور ۹۸٪ از جمعیت افغانستان برخوردارند» به صورت حرفهای تو خالی در آورند. همچنین این واقعیت که فعالیت شورشیان امور اقتصادی کشور را در هم ریخته و برنامه‌های عمرانی اقتصادی ناشی از خارج را متوقف کرده است بدین ترتیب خلقها را از پرداختهای بسیار مورد لزوم خارجی محروم کرده است، دارای اهمیت فزاینده اقتصادی است.

۹- آیا خلقها دوام خواهند آورد یا اینکه ناگزیر خواهند بود روسها را به کشور خود فراخوانند؟ از اوایل ماه ژوئیه گذشته رژیم خلقی هر چند جنگ زده است چنین به نظر می‌آید که می‌تواند با منابع نظامی و پلیسی خود، بقای خود را حفظ کند. با توجه به اینکه کمکهای شوروی از لحاظ کادر و پشتیبانی

مستشاران به نحو سخاوتمندانه‌ای هم چنان ادامه دارد، خلقیها بدون شک به این نکته پی برده‌اند که دعوت از سربازان رزمنده از کشوری که در اینجا به عنوان یک همسایه گسترش طلب معرفی شده است، آنها را در نظر بیشتر افغانیها (از جمله بیشتر آنهایی که حاضر بوده‌اند به نیروی نوآور خلقیها فرصت بدهند تا این کشور را از غرقاب قرنهای گذشته فوئدالی رهایی دهد) بی اعتبار خواهد ساخت. بنابراین خلقیها به وضوح این خط مشی را به عنوان یک اقدام برای روز مبادا تلقی می‌کنند و آن روز مبادا هنوز فرا نرسیده است.

فلاتین

سند شماره (۳۸)

تاریخ: ۱۱ جولای ۱۹۷۹

از: دفتر وابسته دفاعی ایالات متحده - کابل

به: سازمان اطلاعاتی دفاع - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: مقاصد شوروی در افغانستان و پاکستان

۱- خلاصه بر طبق گفته دو دیپلمات کشور ثالث، روسیه شوروی سه هدف در افغانستان دارد. این هدفها حفاظت سرمایه گذاریهايشان در جهت حمايت از انقلاب، برقراري يك رژيم سوسياليست و توسعه دامنه نفوذشان می‌باشد. اگر چنین به نظر روسها برسد که رژیم فعلی تره‌کی در افغانستان موفق نخواهد بود، آنها برای تعویض این رژیم با رژیمی که در نظر توده مردم افغان قابل قبول تر باشد و به منظور حفظ آبرو و به دست آوردن این سه هدف، تردید به خودشان راه نخواهند داد. این رژیم جدید ظاهراً ناسیونالیست تر خواهد بود و احتمالاً از میان نیروهای مسلح بیرون کشیده می‌شود. روسها برای مطمئن شدن از موفقیت انقلاب از آوردن نیروهای نظامی به افغانستان ابایی نخواهند داشت. تحولی که (به نظر منابع) عکس العمل جدی دولت آمریکا را تسریع خواهد کرد.

۲- منبع الف با پیشقدمی خودش با یک تلفن (اداری) به مأمور گزارش نمود. در طول یک ملاقات نسبتاً طولانی ۲/۵ ساعته منبع و مأمور گزارش گفتگویی داشتند که چندین موضوع را در بر می‌گرفت و موضوع اصلی آن گفتگو نظرات منبع در مورد مقاصد شوروی در افغانستان بود. در جواب سؤال مأمور گزارش منبع اظهار داشت که به نظر او روسیه شوروی سه هدف در افغانستان دارد. اولین آنها حفاظت سرمایه گذاریهای انبوه تسلیحاتی تجهیزاتی و پولی است که آنها برای رژیم تره‌کی مهیا نموده‌اند که انقلاب را با موفقیت به نتیجه برساند. دومی، مطمئن شدن از اینکه یک رژیم سوسیالیست در افغانستان باقی می‌ماند، و آخرین، مطمئن شدن از اینکه ریسک آنها در افغانستان و گسترش دامنه نفوذشان کاهش داده نشود و بلکه وسعت بیشتری پیدا کند. منبع به گفته‌هایش این طور ادامه داد که به نظر او رژیم فعلی به خاطر مشکلات فزاینده‌اش با شورشیان مسلمان که شدیداً با یک دولت سوسیالیست مخالفند و به خاطر عدم محبوبیت در میان توده مسلمان پر حرارت افغانستان مسلمان پر حرارت افغانستان، مدت زیادی دوام نمی‌آورد. بنا به گفته‌ای، روسها نیز شروع به درک این موضوع کرده‌اند. آنها به منظور مطمئن شدن از موفقیت انقلاب و به دست آوردن هدفهایشان از تعویض دولت فعلی با دولتی که بیشتر مورد قبول اکثریت مردم مسلمان باشد و همچنین طرفدار مسکو باشد (ولی با جلوه کمتر)، تردید به خودشان راه نخواهند داد.

مأمور گزارش، از منبع نظراتش را در مورد این که چه کسی رژیم جدید را تشکیل خواهد داد بیرون کشید. منبع اظهار داشت که عمدتاً ترکیبی از افسران ناسیونالیست نظامی که هواخواه آرمان شوروی هستند، خواهد بود. او به اظهاراتش این طور ادامه داد که او چندین افسر را می‌شناسد که در این قالب جای می‌گیرند ولی جزئیات بیشتری را تشریح نکرد. منبع اظهار داشت که روسها از هدف نهایشان برای دستیابی به آبهای گرم بنادر پاکستان در دریای عرب دست برنخواهند داشت. منظور از این کار این خواهد بود که روسها مجهز به پایگاهی شوند که بتوانند قدرت دریایشان را برای کنترل خطوط ارتباطات دریایی که بر روی آن نیازمندیهای سوختی دنیای آزاد در حرکت است، طرح ریزی نمایند. مطابق گفته منبع این دسترسی از طریق همکاری عوامل دوست در استان بلوچستان پاکستان حاصل خواهد شد. حتی امروز هر دو عوامل مخفی و غیر مخفی در بلوچستان وجود دارند که با هزینه روسها از خودمختاری استان دفاع می‌کنند. به موقع خودش و با شرایط لازم سیاسی بلوچستان می‌تواند یک ماهیت جداگانه سیاسی داشته باشد و بعد روسها قادر خواهند بود که به هدف دیرینه (تقرب به دریای عرب) دست پیدا کنند. به نظر منبع ضروری است که دولت ایالات متحده کمک اقتصادی لازم را برای یاری پاکستان در توسعه سریع بلوچستان به منظور تلاش در جهت کند ساختن ابتکارات (پیشقدمی) روسیه در منطقه مهیا کند. منبع به صورت اضافی درخواست مهمی در زمینه همکاری نظامی دولت آمریکا به منظور تجهیز پاکستان به نیروهای قابل اطمینان داشت. در جواب سؤال مأمور گزارش که چگونه این کمک نظامی (اگر مهیا شد) به وسیله هند ارزیابی خواهد شد، منبع اظهار داشت که مضحک خواهد بود که هر ملتی منجمه هند معتقد باشد که پاکستان مقاصد خصمانه‌ای بر علیه داشته باشد.

پاکستان یک کشور کوچک با منابع محدود است و هیچ قصدی برای برداشتن قدم خصمانه‌ای بر علیه یک قدرت بزرگ مثل هند ندارد.

پاکستان تمایل دارد در این مورد که از قابلیت‌های نظامی هرگز بر علیه هند به استثنای دفاع از حاکمیتش استفاده نخواهد کرد، هر نوع ضمانت لازم را بدهد.

منبع گفت که من متقاعد شده‌ام که روسها برای مطمئن شدن از موفقیت انقلاب سوسیالیستی در افغانستان و به دست آوردن هدفهایشان در این منطقه از وارد کردن نیروهای نظامیشان به افغانستان (اگر لازم باشد) ابایی ندارند.

در جواب سؤال مأمور گزارش چگونه این تحول به وسیله ملل دنیا و به ویژه دولت آمریکا با توجه به موافقتنامه اخیر سالت - ۲ ارزیابی خواهد شد. (منبع) جواب داد که این موضوع توجه زیادی را به خود معطوف نمی‌کند، به طوری که در نظر پاکستان و خیلی دیگر از ملل دوست این طور آمده است که دولت ایالات متحده، پاکستان و این منطقه را به عنوان غیر اساسی بودن از نقطه نظر منافع ملی و استراتژیک شما حذف نموده است.

۳- در طول یک مأموریت وابستگی (دفاعی) که مأمور گزارش در همان روز حضور داشت، منبع ب در جواب سؤال مأمور گزارش درباره نظرات او در مورد مقاصد شوروی، عمدتاً همان نظریات را به وسیله منبع الف اظهار شده بود داد. یک نکته که هر دو منبع بر آن تأکید داشتند فقدان آشکار ابراز علاقه به وسیله دولت ایالات متحده در تحولات آشکار این منطقه بود. هر دو منبع بر این نکته که دولت آمریکا باید اقدامات مقتضی را برای متوقف نمودن توسعه طلبی شوروی در این منطقه بنماید تأکید داشتند.

نظر به‌ها: بر اساس مطلب این طور به نظر مأمور گزارش رسید که هر دو منبع خط حزبی دولتهایشان را بیان می‌کردند. به همان اندازه که در این اولین ملاقات که مأمور گزارش اطلاعاتی از هر دو منبع کسب می‌کند یک ارزیابی اف - ۶ تعیین شد.

سند شماره (۳۹)

تاریخ: ۱۱ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی خیلی محرمانه

موضوع: حیرت سفیر کبیر آلمان از تناقضات رژیم خلقی

- ۱- تمام متن محرمانه است
- ۲- همان طور که در تلکس مرجع پیش‌بینی شده بود دکتر هرمن شوسیائو، سفیر کبیر جمهوری دموکراتیک آلمان در کابل در ۹ ژوئیه با من ملاقات نمود تا درباره وضعیت فعلی در افغانستان گفتگو کند. شوسیائو به همان صورت که روش همیشگی او است، سعی کرد که دوستانه و صریح به نظر آید.
- ۳- شوسیائو از این که چگونه به نظر می‌رسد که افغانها در روابطشان با دیگر کشورها بد عمل کرده‌اند و فرصتهای آشکار برای ارائه یک چهره دیپلماتیک بدون اشکال را از دست داده‌اند اظهار حیرت کرد. او با استفاده از رابطه دو جانبه کابل - اسلام آباد به عنوان یک نمونه، اظهار تعجب نمود که چرا افغانستان در آخرین لحظه به طور آشکار علائم خود را تغییر داد و با عضویت پاکستان در جنبش غیر متعهدها در کنفرانس وزرای غیر متعهد در کلمبو مخالفت کرد. شوسیائو یادآوری نمود که به نظر می‌رسید افغانها به طور روشن قبل از آن کنفرانس به پاکستانها قول داده بودند که از پیشنهاد پاکستان برای عضویت در کنفرانس وزرای غیر متعهد حمایت خواهند کرد. شوسیائو فاش ساخت که حتی روسها این طرز عمل را مورد تشویق قرار داده بودند. شوسیائو گفت که او و دیگر ناظران از اینکه افغانها موضعی شدید و ضد پاکستانی در کلمبو اتخاذ نمودند تعجب زده شدند.
- افغانها در عوض اظهار داشتند، هر چند افغانستان مشکلات دو جانبه زیادی با پاکستان دارد ولی این مشکلات می‌توانند به طرق دیگر حل شوند، در نتیجه افغانستان جلو ورود پاکستان به جبهه غیر متعهدها را نمی‌گیرد. او به ویژه موضع افغانستان را احمقانه خواند چون که آنها نمی‌توانند رأی کافی برای سد کردن عضویت پاکستان بیاورند.
- ۴- شوسیائو همچنین از اینکه مقامات پلیس افغانستان درست زمانی که وزارت خارجه افغانستان برای سفر دوست، معاون وزیر خارجه به اسلام آباد آماده می‌شد، یک عضو هیئت پاکستانی را بازداشت می‌کنند، حیرت زده بود. شوسیائو هیچ شکی باقی نگذاشت که وی بر این اعتقاد است که فرد پاکستانی به زور توسط پلیس امنیتی افغانستان دستگیر شده بود و آن طوری که افغانها اظهار می‌کنند به طور داوطلبانه به طرف افغانها نرفته بود. شوسیائو در ضمن در مورد موضوع سفر دوست، اظهار تعجب نمود که چرا خلقها احساس کرده بودند که مجبورند اعلامیه رسمی بعدی پاکستانها در این خصوص که آقای شاهی. در بازگشت سفر دوست، دیداری با حفیظ‌الله امین خواهد داشت را رد کنند.
- جدا از حساسیتهای تشریفاتی که وجود دارد، شوسیائو فکر می‌کند که امین قادر خواهد بود آقا شاهی را با

گرمی بپذیرد و او را به یک مقام پایین‌تر، مثل جلیلی وزیر آموزش و پرورش برای گفتگوهای واقعی بسپارد.

۵- وقتی من از شوسیانو پرسیدم که چرا وی فکر می‌کند رژیم خلقی اغلب به نظر می‌رسد که با اهداف متناقض عمل می‌کند، شوسیانو پاسخ داد این یک راز است. او گفت هر چند ممکن است یک وزارتخانه با روشی مغایر روش وزارتخانه دیگر عمل کند ولی بایستی یک دستورالعمل کلی از بالا وجود داشته باشد. شوسیانو به عنوان نمونه به سخنانی ضد پاکستانی هیئت نمایندگی افغانستان در کلمبو پرداخت که می‌بایستی از پیش به وسیله کسی نه کمتر از امین، نخست‌تأیید می‌شد.

۶- با پرداختن به وضعیت شورش شوسیانو آن را وخیم می‌دانست. او گفت وابستگان یکی از مأموران او، زمانی که وی از مرخصی به کابل باز می‌گردد در برلین پشت سر گذاشته می‌شوند، چون که او فکر می‌کند وضعیت امنیتی در افغانستان خطرناک است. شوسیانو فاش ساخت که چکها تعدادی مشاور فنی به منطقه هرات می‌فرستند، اما بدون همسران و فرزندان.

۷- شوسیانو گفت که او آشفته‌گی همکاری اقتصادی در این کشور را به ویژه ناامید کننده می‌بیند. او اغلب به افغانها گفته است که آنها احق هستند که وسیعترین مشارکت ممکن به وسیله تمام ملل شرق و غرب، را در توسعه‌شان تقویت نمی‌کنند. شوسیانو در این ارتباط اظهار داشت که او به تندرهای خلقی گفته بود وقتی که آنان تلاش می‌کنند تا نمایندگان امپریالیستی را از کابل اخراج کنند، آنها از جنبش مدرن سوسیالیستی فاصله دارند. او اظهار داشت که به آنان گفته بود که چگونه برای تمام ملل لازم است که برای صلح و پیشرفت اقتصادی با یکدیگر همکاری نمایند.

۸- شوسیانو در مورد برنامه‌های آلمان شرقی برای افغانستان خیلی خشن بود. شوسیانو که مدتی طولانی در مورد قدرت جذب افغانستان نسبت به کمکهای خارجی بدبین بوده است گفت که به راهنمایی او جمهوری دموکراتیک آلمان مبلغ اولیه نسبتاً کمی به صورت کمک اعتباری برای آزمایش موفقیت احتمالی برنامه‌ریزی آلمان شرقی در این منطقه به رژیم خلقی پیشنهاد کرده است. در هر صورت شوسیانو با گفتگوهای اولیه تکنیکی با مقامات افغانی دلسرد شده بود. آنها از آلمان شرقی خواسته بودند تا نوعی از تأسیسات صنعت مادر را در افغانستان برپا کنند و تقاضا داشتند که آلمان شرقی تمام پروژه را تقبل کند. شوسیانو گفت که وی افغانها را به پای یک نقشه دنیا برد و متذکر شد که آلمان شرقی چقدر از افغانستان دور است و این سؤال را مطرح کرد که اگر آنها جداً چنین چیزی را پیشنهاد می‌کنند، بایستی که به عنوان نمونه آجرهای آلمان شرقی برای چنین پروژه‌ای از لهستان و اتحاد شوروی بگذرند. او نتیجه‌گیری کرد که تاکنون در متقاعد نمودن افغانها به عملی بودن در مورد چنین پیشنهاداتی ناموفق بوده است.

۹- نظریه: نظراتی که در ۹ ژوئیه از طرف شوسیانو ابراز شد با طرز برخورد انتقادی که وی از زمان ورودش به اینجا یعنی یازده ماه پیش در گفتگوهای خصوصی با دیگر دیپلماتها نسبت به رژیم خلقی نشان داده است، موافق می‌باشد. شوسیانو موضوع مذاکرات تقبل شده از طرف شوروی برای تشکیل یک جبهه ملی جهت جایگزینی با رژیم خلقی را متذکر نشد.

سند شماره (۴۰)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۱۶ ژوئیه ۱۹۷۹
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تبلیغات زیرزمینی افغانستان خواهان
برکناری امین، نخست وزیر می باشد

۱- تمام متن محرمانه است

۲- خلاصه: سیل اخیر اعلامیه‌های زیرزمینی که خواهان برکناری امین، نخست وزیر و همقطاران او (ولی نه پرزیدنت تره کی) می باشد و تشکیل یک جبهه متحد از تمام انقلابیون واقعی می تواند قسمتی از یک تلاش (که بر سر زبانهاست) برای تعدیل ترکیب رهبری این رژیم به منظور درهم ریختن ترکیب آشوب فزاینده داخلی باشد. زمینه اعلامیه‌ها از پرچم که جناح رقیب حزب است می باشد و بنابراین با پایه‌های چپ افراطی و ضد غربی واقعی، آرامش کمی به آنهایی که ممکن است برای یک تعدیل واقعی در سیاستهای دولت خلقی امید داشته باشند می بخشند.

۳- شبنامه‌های زیرزمینی چندین روز پیش شروع به انتشار در سطح کابل نمود. توزیع شبنامه‌ها مخفیانه بوده است ولی به صورت نسبتاً آشکاری (نسخه‌هایی پیدا شد که در کف خیابان افتاده بود و یکی در روز روشن به دیوار (خانه) یک دیپلمات آویزان بود) اشاره می کند که بعضی بخشهای دولت به طرف دیگر می چرخند. ماهیت فشار این اعلامیه‌ها متشابه است و شامل نکات برجسته زیرین می باشد:

-- حفیظ الله امین، نخست وزیر و «باند جانان فاشیست» او هدف اصلی می باشند در حالی که هنوز انتقادی از پرزیدنت تره کی نشده است.

-- هدفهای دیگر اینها هستند: «امپریالیسم ایالات متحده» (که دست نابکار او به مفهوم صحیح پشت تمام وقایع در منطقه است)، اخوان المسلمین، دولت نظامی پاکستان، دولت ایران، و نیروهای ارتجاعی.

-- هدفهای انقلابیون باید همانهایی باشد که به وسیله میراکبر خیبر (روشنفکر پرچی که قتل او در ۱۷ آوریل ۱۹۷۸ یک سری وقایع را شعله‌ور ساخت که منجر به انقلاب خلقی شد) اظهار شد و ایدئولوژی کارگران، با حمایت روسیه شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیست، باید به عنوان چراغ راهنما مورد استفاده قرار گیرد.

-- اعمال رژیم سردسته جنایتکاران حرفه‌ای (امین) شامل دستگیری و شکنجه بدون تبعیض زنان و دختران، بالا بردن منافع امپریالیسم آمریکا، شکنجه‌های حیوانی انقلابیون واقعی، غارت خانه‌های مردم بیگناه که تماماً جنبه‌های حکومت آدولف هیتلر می باشد.

-- پیشرفت انقلاب و دفاع از تمامیت ارضی و استقلال وطن غیر ممکن است مگر با حذف فوری امین و دستیارانش.

-- مرگ بر امین و پارتیزانهای فاشیست او، مرگ بر سیا، مرگ بر اخوانها (اخوان المسلمین)، مرگ بر مائوئیستها و پیش به سوی اتحاد و وحدت نیروهای ناسیونالیست و دموکراتیک.

۴- نظریه: نوشته آشکارا نحوه نویسندگی پرچمیها را منعکس می کند به طوری که بیشتر سخنان تند متوجه رهبری خلقی می شود (ولو منهای تره کی)، این جنبه به خصوص می تواند قسمتی از یک تلاش در شرف وقوع که بر سر زبانهاست باشد، که بعضی اعضای رهبری فعلی را به منظور به هم ریختن ترکیب

آشوب داخلی جابه جا کند، چون که یک حمله عمومی پرچمیها به خلقیها احتمالاً زخم زبانهایی برای تره کی در بر خواهد داشت. در این رابطه درخواست برای پیروی از موعظه‌های خیبر (کسی که قبل از مرگش به طوری که گزارش شده طرفدار اتحاد خلق - پرچم در سال ۱۹۷۷ بود) و این ادعا که «انقلابیون واقعی» در داخل حزب خلق هستند، می‌توانند نمایانگر یک درخواست از تمام چیپها (پرچمیها و خلقیهای که از آنها رفع توهم شده) برای تشکیل یک جبهه متحد برای برکناری امین و همکارانش باشد. به هر حال با سرعت باید اضافه کنیم که انتقادات تلخ بی‌شمار ضد غربی بر این نتیجه‌گیری تأکید دارد که سیاستهای اساسی یک رژیم چپی افغانستان (حتی بدون امین) احتمالاً تا درجه‌ی زیادی تعدیل نخواهد شد.

۵- سرانجام پیدایش تنهای این اعلامیه‌ها در چنان حجمی (فی الواقع هر هیئت دیپلماتیک یک نسخه یا بیشتر را دارا می‌باشد) و روش پخش آنها نشان می‌دهد که به دلایلی پلیس و مقامات امنیتی قادر نبوده‌اند که نشر تبلیغات برای برکناری مردم قوی کشور را سرکوب کنند. باید دید که چه مدتی این وضعیت ادامه پیدا می‌کند، ولی امین به قضاوت ما از آن نوع سیاستمدارانی نیست که به آرامی چادرش را جمع کند و به دیگران اجازه بدهد که انقلابش را از او تحویل بگیرند.

۶- دیگر تبلیغات ضد امین که در اینجا شنیده نشده امین را به عنوان یک جاسوس سیا مجسم می‌کند که مأموریتش این بوده که اعتبار روسیه شوروی در افغانستان را نابود کند.

سند شماره (۴۱)

به: وزیر امور خارجه در واشنگتن
به تاریخ: ۱۸ ژوئیه ۷۹
خیلی محرمانه

موضوع: کوشش شوروی در وادار کردن جمهوری دموکراتیک
افغانستان به یافتن راه حل سیاسی درباره‌ی کشمکشهای داخلی

۱- تمامی متن محرمانه

۲- خلاصه: برخی از تحولات اخیر در افغانستان القاء کننده این مطلب است که انتظار می‌رود اتحاد شوروی مبارزه‌ای را برای «کمک» به دستگاه رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان که دست‌خوش منازعات داخلی است برای یافتن یک راه حل سیاسی به جای راه حل صرفاً نظامی به راه بیندازد و بدین وسیله با رشد مخالفت در داخل و خارج مقابله کند. اقداماتی که تاکنون به عمل آمده در حالی که مجالی برای تنفس به رژیم افغانستان و اتحاد شوروی داده است، احتمالاً برای تضمین آینده انقلاب کافی نباشد و از قرار معلوم تغییرات حساستری لازم خواهد بود. معذالک راههای اختیاری که در این جهت وجود دارد معدود است و اگر مسکو بخواهد از نجات جمهوری دموکراتیک افغانستان به وسیله مداخله نظامی مستقیم اجتناب کند و خلقیها را بر سر کار نگهدارد عزیمت «داوطلبانه» یک یا دو عضو درجه‌ی یک دستگاه رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان اجباری خواهد بود. ما هنوز اطمینان نداریم که «توصیه» اتحاد شوروی از سوی دستگاه رهبری افغانستان مورد توجه قرار خواهد گرفت یا خیر و این امر تا اندازه‌ی زیادی وابسته به دیپلماسی شخصی واسیلی سافرونچک سفیر شوروی خواهد بود. واسیلی سافرونچک، دیپلمات ارشد شوروی اخیراً به منظور رفع بحران افغانستان به این کشور آمده است و ممکن است برای یافتن یک راه خروج مطمئن از اوضاع درهم برهم کنونی مسئولیت کاملی به عهده داشته باشد. البته راههای متعدد و

مجهولات همچنان باقی است، ولی اطمینانهای مداوم شوروی به «مردم» افغانستان و وقایع اخیر درباره افزایش مداخله شوروی در زمینه‌های نظامی در این کشور، دلالت بر آن می‌کند که «ضمانت» انقلاب ممکن است عامل تلقینی برای خلقیها در ازای قربانیهایی باشد که برای دگرگون کردن جریان حوادث جاری لازم است. (پایان خلاصه)

۳- جستجو برای یافتن راه حل سیاسی مشکلات داخلی افغانستان در جریان می‌باشد. ظرف چند هفته گذشته تحولاتی روی داده است که دلالت بر آن می‌کند که حکومت افغانستان شاید به اصرار اتحاد شوروی در جستجوی وسائل سیاسی، به جای راههای صرفاً نظامی، برای مقابله با مخالفان داخلی خود است. رژیم با کمال جسارت هر چند نه چندان با مهارت، برنامه اصلاحات ارضی خود را با موفقیت پایان یافته اعلام داشته است (مرجع الف) و بدین ترتیب از ایجاد مخالف بیشتر در جهت خطوطی که از زمان آغاز این اصلاحات ظاهر شده بود اجتناب کرده است. همچنین بر اساس اشاره‌هایی که حفیظ الله امین نخست وزیر افغانستان به عمل آورده است مبارزه جمهوری دموکراتیک افغانستان برای با سواد کردن مردم که باعث خصومت در این جامعه فوق العاده محافظه کار که بیشتر افغانیها مایل نیستند زنان آنها حتی تا سطوح ابتدایی تحصیل کنند یا در «معرفی معلمان مرد واقع بشوند، به زودی به عنوان یک «موفقیت» اعلام خواهد شد. طبق اعلامیه ۱۱ ژوئیه جمهوری دموکراتیک افغانستان در اجرای چندین فقره «امتیاز به بخش خصوصی اقتصاد از جمله کوششهای دیگری است که برای آرام کردن مخالفان از ترس سیاستهای آینده اقتصادی این رژیم به عمل آمده است. بدین ترتیب به حکومت افغانستان ظاهراً از تعدادی از اصلاحات جاه طلبانه و فرسایش دهنده خود صرف نظر کرده است و این لزوماً نه به دلیل اینکه این اصلاحات غلط بوده یا ضروری نبوده است بلکه بدان دلیل که این اصلاحات در نتیجه شوق خارج از حد آغاز شده و با مقاومت‌های جدی رو به رو شده است.

۴- گزارشهای «مذاکرات» در میان رژیم و شورویها و چندین نفر از رهبران حکومت‌های سابق همچنین نشان دهنده پوششی جهت برقراری نوعی «جبهه ملی» (مرجع ب) است. اظهار نظرهای دیپلمات‌های آگاه اروپای شرقی و شوروی در اینجا این فرضیه را قابل باور می‌سازد. (مرجع ج) بدین مناسبت گزارشهای مربوط به آزادی پرچمیستها از زندان (مرجع د) و چاپ و توزیع وسیع نامه‌های «زیرزمینی» آنها، بعداً در حمله به کسانی از جمله امین و سایر رژیم، این اعتقاد را تقویت می‌کند که بعضی از نیروها برای فراهم کردن نوعی دستگاه رهبری و حزب که پایگاه وسیعتری از حزب دموکراتیک افغانستان دارد، کار می‌کنند.

۵- در جبهه سیاست خارجه نیز نشانه‌هایی هویدا شده است که یک برنامه عمرانی برای اجتناب یا عقب‌کشی از رویارویی در پیش است. دیدار شاه محمد دوست معاون وزیر امور خارجه در اوایل ماه ژوئیه از اسلام آباد مهمترین تحول در جهت این خط مشی است زیرا اخیراً اعتدال خفیفی در مبارزه تبلیغات ضد پاکستانی افغانستان مشاهده شده است. علاوه بر این ما اخیراً نشانه‌های بسیار کوچکی از صلح طلبی مقامات مشاهده کرده‌ایم که عبارتند از حضور نسبتاً در سطح عالی مقامات افغانستان در ضیافت چهارم ژوئیه ما و نخستین ملاقات بین امین و یک مدرس وابسته به اداره ارتباطات بین المللی آمریکا به ابتکار افغانستان.

این ملاقات ممکن است نشان دهنده آن باشد که جمهوری دموکراتیک افغانستان مایل است که سطح مناسبات دوجانبه ما که در ماههای اخیر به پایین ترین مرحله رسیده بود، بالاتر رود.

۶- دیپلمات عالی مقام شوروی ممکن است نقش راسپوتین مانند را در این تحولات ایفا کرده باشد. همه این نشانه‌ها از اوائل ماه ژوئن گذشته با ورود واسیلی سافرونچک سفیر سابق شوروی در غنا و نماینده دائمی سابق شوروی در سازمان ملل متحد و یک دیپلمات ارشد برخوردار از ارتباطات پابرجای سیاسی که ظاهراً صلاحیت حد اعلا را در خدمت به عنوان مرد شماره ۳ در سفارت شوروی در کابل دارد ظاهر شده است (درجه تشریفاتی واسیلی سافرونچک را هیچ‌کس باور نمی‌کند). از قبل از اینکه سافرونچک به افغانستان بیاید داستانهایی در کابل و در مسکو جریان داشت مبنی بر اینکه وی به عنوان نوعی «مشاور» برای عالیترین سطوح افغانستان خدمت خواهد کرد و این داستانه‌ها با حوادث بعدی تأیید می‌شد. با توجه به تجربیات سافرونچک به عقیده ما می‌توان چنین نتیجه گرفت که او با دستوراتی برای کوشش در پیدا کردن یک راه حل سیاسی به جای راه حل صرفاً نظامی این کشور دستخوش منازعات، به کابل آمده است و شاید مهمترین وظیفه او آن باشد که مانع آن شود که جمهوری دمکراتیک افغانستان تقاضای کمک نظامی مستقیم از شوروی برای حفظ خود کند. بدین مناسبت بیشتر ناظران معتقدند که سافرونچک در سفارت شوروی در کابل وظیفه عادی ندارد. هر چند سوءظن‌ها دربارهٔ مأموریت سافرونچک حدسیاتی بیش نیست معذالک ما معتقدیم که انتصاب ناگهانی او برای خدمت در سفارت شوروی در کابل و اوضاع و احوال ویژه‌ای که دربارهٔ این تصمیم وجود داشت و وضع او از زمانی که وارد کابل شد و تحولات سیاسی که در بالا ذکر شد، به روشنی نشان می‌دهد که مسکو جمهوری دمکراتیک افغانستان را وادار می‌کند (اگر نگویم تحت فشار قرار می‌دهد) تا برای معکوس کردن جریان حوادث اقداماتی به عمل آورد و اصالت انقلاب را حفظ کند.

۷- شرایط محلی که ممکن است انگیزه فشار شوروی به جمهوری دمکراتیک افغانستان برای یافتن یک راه حل سیاسی باشد از این قرار است: ناتوانی ظاهری رژیم افغانستان (یا عدم تمایل آن) به اقدام به ابتکار خود که باعث تثبیت و خامت اوضاع امنیتی و سیاسی در خارج از شهرها بشود یا پایگاه پشتیبانی از حکومت را توسعه دهد. این عوامل احتمالاً بزرگترین انگیزه برای هر گونه تصمیم شوروی به واداشتن یا متقاعد کردن یا تحت فشار قرار دادن دستگاه رهبری افغانستان برای جستجوی راه حل سیاسی دربارهٔ مشکلات خود خواهد بود. همچنین مسکو ممکن است بحق خواسته باشد تمایل جمهوری دمکراتیک افغانستان را به تشدید تنش‌جات با همسایگان خود (به ویژه پاکستان) منحرف کند و این گرایش است که ممکن است افغانستان را بر آن دارد تا برای مقابله با «تجاوز» (تلگرام مرجع ف) از شوروی استمداد کند. علاوه بر این سردی روابط افغانستان و ایالات متحده و کاهش شدید برنامهٔ مساعدتهای اقتصادی آمریکا (به ویژه از زمانی که کمیته ویژه مجلس سنا و مجلس نمایندگان آمریکا در تاریخ ۱۳ ژوئیه به کاهش برنامهٔ کمک رأی داد) همچنین از نظر کرملین به عنوان اقدامی علیه منافع وسیعتر شوروی تلقی خواهد شد زیرا مسکو یا کشورهای تابع آن ناگزیر خواهند بود جبران این کندی کمکها را در صورت خارج شدن کمک‌دهندگان دنیای آزاد بنمایند و همچنین اتکاء بیشتر جمهوری دمکراتیک افغانستان به شورویها احتمالاً ناآرامیهای داخلی را تشدید خواهند کرد، به جای آنکه اوضاع را بهبود بخشد. در آخرین تحلیل این نگرانی که احتمال فریاد وانفسای افغانستان بیشتر شود و براساس شرایط موافقتنامهٔ دو جانبهٔ سال ۱۹۷۸ در لحظه‌ای که مسکو منافع وسیعتری دارد، به طوری که مایل نیست این منافع در نتیجهٔ تصمیم به مداخله به خطر افتد، از جمله آخرین انگیزه‌هایی است که باعث اعزام

سافرونچک به مأموریت خود در کابل است.

۸- راه حل سیاسی به احتمال مستلزم «امتیازهای بیشتر» از آنچه تاکنون رو آمده خواهد بود؛ براساس آنچه که ما از انگیزه‌های قیام کنندگان استنباط کرده‌ایم، ما معتقدیم که رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان بایستی برای آنکه بتوانند روند اوضاع را در خارج از شهرها تغییر دهند باید چشم‌انداز جالبتری برای مردم فراهم کنند.

برنامه‌های مختلف اصلاحاتی یقیناً به میزان زیادی به رشد خصومت داخلی نسبت به رژیم کمک کرده است ولی انگیزه اصلی بیشتر دهقانان افغانی که اسلحه به دست گرفتند درک آنها از این است که خلقها ضد خدا و کمونیست و عروسکهای خیمه‌شب‌بازی شورویها هستند. برای رفع کردن این گونه اعتقادات که در میان افغانیها ریشه دوانده است مهارت فوق‌العاده و امتیازات قابل توجه، مافوق آنچه که رژیم تاکنون به مردم داده است لازم خواهد بود. اینکه آیا شورویها و رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان بتوانند اقدامات لازم بعدی خود را با توافق یکدیگر انجام دهند یا خیر در آینده معلوم خواهد شد ولی هیچ‌گونه شکی نیست که آنها وظیفه بسیار سنگینی به عهده دارند.

۹- راههای اختیاری که در دسترس باشد چندان زیاد نیست. اگر در واقع رشد مخالفت در نتیجه اقدامات سرکوبگرانه حکومت افغانستان تاکنون مهار نشده است راههای بیشتری برای ایجاد یک رژیم دیگر که بتواند امکان برگرداندن جریان را داشته باشد و در عین حال اصل انقلاب را تهدید نکند چندان زیاد نخواهد بود.

۱۰- محتمل‌ترین و شاید ضروری‌ترین امری که ممکن است اتفاق بیفتد این است که تغییراتی در عالیترین سطح رهبری جمهوری دمکراتیک روی دهد که در برگیرنده برکنار شدن امین یا تره‌کی یا هر دو باشد. براساس نشانه‌هایی (از قبیل وفور پخش تراکتهای مخفی که در بیشتر آنها به امین حمله شده است) و براساس «احساس» کلی در میان عملاً همه اشخاص افغانی که با ما تماس دارند، می‌توان گفت که تره‌کی به عنوان یک رئیس بدن شخصیت تلقی می‌شود که نباید جدی گرفته شود و شر اصلی همانا امین است که از جمله مسؤل سیاستهای ستمگرانه دستگیری و شکنجه و اعدام شناخته شده و همچنین نیروی محرک در برنامه‌های زجر دهنده اصلاحی و همچنین مرد پر حرارت افغانستان در جانبداری از اتحاد جماهیر شوروی به شمار می‌رود. بنابراین هرگونه کوشش صمیمی برای اینکه نیروهای پراکنده در افغانستان از طریق یک تغییر دستگاه رهبری گرد هم جمع شوند به احتمال باید برکناری یا حتی بهتر از این بگوییم مرگ امین را در بر داشته باشد. (در این سرزمین قصاص، یکی از رهبران خلقی باید بهای سنتی را برای مرگ هزارها نفر بپردازد.) ما می‌توانیم سناریویی را پیش‌بینی کنیم که در آن تره‌کی به عنوان «رهبری بزرگ» ولی فاقد توانایی سیاسی باقی بماند. در این موقع «پرستش فردی» نسبت به تره‌کی که مدام در حال افزایش است (که برگزاری جشن شصت و دومین سال تولد او اخیراً با زرق و برق فراوان در تاریخ ۱۴ ژوئیه انجام گرفت و مظهر چنین پرستش فردی است) بر آن دلالت می‌کند که برکناری تره‌کی برای انقلاب بسیار دردآور خواهد بود و تنها به عنوان آخرین علاج می‌تواند صورت بگیرد. در ضمن باید گفت که تره‌کی هنوز هم در میان عناصر غیر خلقی جامعه افغانستان و به ویژه در میان صفوف اشخاص تحصیلکرده مورد احترام است.

۱۱- البته مهمترین مسئله این است که آیا شورویها وزنه به اندازه کافی دارند که «توصیه» آنها تره‌کی یا

امین را متقاعد کند که خود را به خاطر انقلاب قربانی کنند. همه چیز به این امر بستگی خواهد داشت که این توصیه در چه لطفای عرضه می‌شود. شاید مؤثرترین برداشت در این جهت این فرضیه خواهد بود که وضع امور برای این حکومت به مرحله‌ای رسیده است که صرف موجودی انقلاب ایجاب می‌کند که بعضی از اعضای دستگاه رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان شرافتمندانه و داوطلبانه کنار بروند. در عین حال مسکو آینده انقلاب را از طریق تعهد به پشتیبانی بیشتر نظامی و اقتصادی «تضمین» خواهد کرد اظهارات اخیر از سوی برگزیدگان شوروی که در آن وعده پشتیبانی از «مردم» افغانستان داده شده است و ورود دهها خلبان هلیکوپتر شوروی به افغانستان نشان می‌دهد که مسکو احتمالاً رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان را درباره پشتیبانی مداوم از سوی شوروی علیرغم مبارزه همزمان جهت یک راه حل سیاسی اطمینان می‌دهد.

۱۲- محاسبه‌های غلط شوروی با رفتار ناجور آن یا تصمیم باند تره‌کی و امین درباره آن که آنها راه دیگری جز ادامه همان راهی که در پیش گرفتند ندارند، ممکن است به احتمال قوی هر گونه جستجو را برای یک راه حل غیر نظامی در مقابل عصیانگری منع کند. ما شک داریم از اینکه شورویها میل داشته باشند یا بتوانند برکناری هر کدام از رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان را پیش ببرند؛ هر چند مسکو ممکن است احتمالاً از هر عنصری که تمایل به حل و فصل این کشمکش دارد «پشتیبانی» کند تا کار به استمداد مستقیم نظامی شوروی نکشد. این امر ممکن است شامل یک کودتا از سوی نظامیان افغانستان باشد.

۱۳- عصیانگری تره‌کی با امین با شکست مبارزه شوروی که ممکن است روی دهد، به احتمال علامتی «از همان نوع» از جانب جمهوری دمکراتیک افغانستان باشد. یعنی موضعی که به کشمکشها و خونریزی و بی‌ثباتی بیشتر منجر شود. این آستانه خشونت البته متضمن عواقب جدی امنیتی برای خارجیانی که در این کشور اقامت دارند خواهد بود.

۱۴- نتیجه‌گیرها: ما ممکن است در میان کوششهای شورویها قرار گرفته باشیم که می‌خواهند سیاست افغانستان را در جهت‌هایی که ممکن است رشد مخالفان داخلی را متوقف سازند و خصومت عناصر داخلی و بیگانه را نسبت به این رژیم کاهش دهند تا در آخرین تحلیل مسکو ناگزیر نباشد با استمداد کمک نظامی مستقیم از سوی افغانستان مواجه شود. در این حال اظهارات برگزیدگان شوروی و نشانه‌هایی درباره مداخله‌های فزاینده نظامی شوروی نشان‌دهنده سیاستی به موازات این کوششها از سوی شوروی برای تأمین آینده انقلاب هر چند شاید بدون ترکیب کنونی رهبران افغانستان است.

۱۵- شاید سافرونچک مرد پشت صحنه رهبری کننده این درام ویژه است ولی مشکلات و دامهایی که در مقابل او و رهبران جمهوری دمکراتیک افغانستان قرار گرفته بسیار عظیم است و مجهولات معادله همچنان بیشمار است.

سند شماره (۴۲)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: روسها به طور مکرر عبدالصمد حامد وزیر سابق رژیم
سلطنتی را در گفتگوهای جبهه ملی شرکت داده‌اند

- ۱- تمام متن محرمانه است.
- ۲- بر طبق گفته یک مقام سفارت پاکستان روسها اخیراً در مذاکرات جبهه ملی شان عبدالصمد حامد را که یک بار به عنوان وزیر برنامه‌ریزی و قائم مقام نخست وزیر در زمان ظاهر شاه خدمت می‌کرد شرکت داده‌اند.
- ۳- حامد که به وسیله بعضی افغانها به عنوان یک پرچمی غیر کمونیست توصیف شده است، به طوری که گزارش شده به وسیله خلقیها در ۴ ژانویه امسال دستگیر شده است. آمستوتز

سند شماره (۴۳)

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن
طبقه بندی: سری

شماره: ۵۴۵۹

موضوع: سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان گزارش می‌دهد که شورویها امیدوارند
یک حکومت با پایگاه وسیعتری را جانشین حفیظ‌الله امین نخست وزیر بنمایند.

- ۱- (تمامی متن سری)
- ۲- خلاصه: من همین تازگی یک ملاقات فوق العاده با دکتر هرمن شوسیانو سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان انجام داده‌ام. این ملاقات به علت آنچه که او درباره مقاصد شوروی در اینجا افشاء کرد و از جمله احتمال یک اقدام پشتیبانی شوروی برای از میدان به در بردن حفیظ‌الله امین، یک ملاقات فوق العاده بود. ظرف سه هفته گذشته ما نشانه‌هایی درباره احتمال یک کودتای داخلی به کمک شوروی، هم از سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان (کابل شماره ۵۲۴۶) و قبلاً از واسیلی استفانویچ سافرونچک (کابل ۴۸۸۸) مشاور وزیر شوروی دریافت داشته‌ایم این بار سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان بسیار فراتر رفته و نارضایی شوروی را از جمهوری دمکراتیک افغانستان و دوراهی که شوروی در مقابل آن قرار گرفته و نمی‌داند چه کار کند و احتمال یک کودتای داخلی حزبی برای کنار گذاشتن امین ابراز داشت. او اشاره کرد که این امر ممکن است در ماه اوت صورت بگیرد. (پایان خلاصه)
- ۳- روز هفده ژوئیه من از آقای شوسیانو دیدن کردم. او قبلاً در تاریخ ۹ ژوئیه از فلاتین کاردار دیدن کرده بود و علاوه بر اینکه می‌خواستم دیدار تشریفاتی او را باز پس دهم. وی از بهانه باز پس دادن دیدار تشریفاتی استقبال کرد. ما مدت یک ساعت با یکدیگر صحبت کردیم. در میان سفرای کشورهای کمونیستی طرفدار مسکو شوسیانو سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان شاید از همه زیرکتر و باهوشتر باشد و بدون شک شخصی است که بیش از دیگران می‌توان به او نزدیک شد. در میان دیپلماتهای کمونیست

طرفدار مسکو تنها اوست که به طور منظم از دیپلماتهای غربی و جهان سوم دیدن می‌کند و دوست دارد درباره افغانستان به بحثهای سیاسی صمیمانه بپردازد. او خود را یکی از مهمترین منابع اطلاعات درباره تحولات در جامعه دیپلماتیک کمونیستی و اخیراً طرز فکر شوروی نشان داده است.

۴- عدم رضایت شوروی از جمهوری دمکراتیک افغانستان: دیروز ما گزارشی (تلگراف مرجع) در تجزیه و تحلیل فشارهایی که ظاهراً برای یک دگرگونی داخلی در دستگاه رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان اعمال می‌شود فرستادیم. آنچه شوسیاثو در ملاقاتی که با هم داشتیم به من گفت همه آنها و از جمله وجود مذاکرات پشت پرده از سوی سافرونچک، مشاور وزیر شوروی با رهبران حزب دمکراتیک خلق افغانستان و دیگران، درباره یک دگرگونی داخلی را تأیید می‌کرد. شوسیاثو به کرات گفت که روسها بر سر وخامت اوضاع در افغانستان عمیقاً نگران می‌باشند. او گفت: «آنها می‌دانند که رژیم کمتر از پشتیبانی عموم برخوردار است و کنترل کشور را از دست می‌دهد.» او در ضمن گفتن این موضوع به من همچنین گفت: «ما مصمم هستیم انقلاب را نجات دهیم.»

۵- شوسیاثو به وضوح تقصیر آشوبهای جمهوری دمکراتیک افغانستان را به گردن حفیظ‌الله امین نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه انداخت. او امین را به عنوان «مردی نیرومند» در افغانستان توصیف کرد او گفت: «امین شخصاً تمامی حکومت را اداره می‌کند و ارتش و وزارت کشور را در کنترل خود دارد و همه تصمیمات مهم را او می‌گیرد.» او گفت امین از لحاظ طرز اجرای برنامه‌های اقتصادی و اصلاحاتی دولت مرتکب خطاهایی شده و به ویژه از طرز اقدام «خشن» علیه اشخاصی که بر اساس ظن او ممکن بود با او مخالفت کنند. اشتباه کرده است.

۶- شوسیاثو تره‌کی را به عنوان یک مرد بی‌اثر قلمداد کرد. او تره‌کی را به عنوان یک مربی مهربان و فیلسوف و نویسنده پیر که دارای حسن نیت است و از تمجیدهایی که از او در مطبوعات می‌شود (و به ویژه عکسهایی که از او چاپ می‌شود) بسیار خوشش می‌آید معرفی کرد. شوسیاثو گفت: «ظن ما این است که او اطلاعی درباره آنچه که در کشور می‌گذرد ندارد.»

۷- مانورهای شوروی: شوسیاثو تأیید کرد که سافرونچک مشاور وزیر شوروی از سوی مسکو مأموریت گرفته است تا یک «دگرگونی ریشه‌ای» در حکومت ایجاد کند و شوسیاثو گفت این مأموریت بدان منظور به سافرونچک داده شده است که برای سفیر شوروی چندان خوب نیست که دیده شود سرگرم این مذاکرات حساس است. شوسیاثو آن‌گاه ادامه داد: «اگر این مذاکرات با شکست مواجه شود و یا سافرونچک به عنوان یک عنصر نامطلوب از افغانستان اخراج شود این امر کمتر جلب توجه خواهد کرد و برای اتحاد شوروی کمتر اسباب زحمت خواهد شد تا اینکه پوزانف سفیر شوروی اخراج شود.»

۸- اما اینکه چه چیزی ممکن است اتفاق بیفتد شوسیاثو به روشنی گفت که یک کودتای نظامی داخل حزب از طریق برکنار کردن امین و شاید دیگران چیزی است که روسها قصد آن را دارند. شوسیاثو گفت که اکنون تفرقه‌های عمیقی در داخل حزب دمکراتیک خلق افغانستان وجود دارد و بسیاری از اعضای برجسته آن از جریان کنونی حوادث و رهبری امین ناراضی‌اند و گفت آنچه که ضرورت دارد یک نخست‌وزیر جدید است که «مرد نیرومندی» است و با «سیاستهای کنونی» هیچ‌گونه ارتباطی ندارد.

۹- وقتی که من نام وطن‌نار وزیر دفاع یک کاندیدی احتمالی را ذکر کردم شوسیاثو چنان رفتار کرد که گویی من او را در افشای راز مهمی غافلگیر کرده‌ام. پس از مکث کوتاهی او گفت «وطن‌نار» یک

سیاستمدار نیست ولی البته نظامیان کلید هرگونه تغییر خواهند بود. آن گاه او ادامه داد که وطنجار از آغاز وقوع انقلاب هرگز نطقی ایراد نکرده است که در مطبوعات چاپ شده باشد و اینکه نظریات دقیق سیاسی او برای افکار عمومی روشن نیست و گویی تلویحاً چنین می‌خواست بگوید که وطنجار «پرونده‌اش پاک است.» معذالک شوسیائو چنین اشاره کرد که در حالی که وطنجار ممکن است نقشی در کودتای متقابل داشته باشد احتمال نمی‌رود که نخست وزیر شود «زیرا تجربه کافی ندارد.»

۱۰- شوسیائو چندین بار گفت: «ما اکنون شاهد فصل آخر این حکومت هستیم.» او از قرار معلوم اصطلاح «فصل آخر» را لاقلاً سه بار برای من به کار برده و اما اینکه این تغییر چه زمانی اتفاق خواهد افتاد شوسیائو اشاره کرد که این تغییر ممکن است هر لحظه اتفاق بیفتد ولی به احتمال قوی زمان وقوع آن ماه اوت خواهد بود. او گفت همسر خود را به زودی برای یک «استراحت سه یا چهار هفته» به برلین شرقی می‌فرستد و آن گاه او به من گفت که خود او نمی‌تواند در تابستان جاری کابل را ترک کند زیرا ماه اوت بسیار داغ خواهد بود و مقصود من هوا نیست.» قبلاً در جریان مکالمه او گفته بود که اوضاع در داخل حکومت بسیار بی‌ثبات است و امنیت کابل هر لحظه ممکن است به وخامت بگراید و در واقع با چنان سرعتی که «تخلیه افراد خانواده غیر ممکن خواهد بود.»

۱۱- منافع شوروی: شوسیائو گفت که هیچ‌گونه «تغییر ریشه‌ای» در داخل حزب در اینجا نمی‌تواند بدون پشتیبانی شوروی صورت گیرد و اینکه منافع شوروی بایستی از سوی هر حکومت افغانستان به حساب آورده شود. او گفت: «هر چه باشد مرزهای افغانستان با اتحاد شوروی مشترک است و همان طوری که شما به هر چه در کانادا و مکزیک اتفاق بیفتد علاقه‌مندید، اتحاد شوروی نیز منفعی در افغانستان دارد. او گفت بدین ترتیب در یک راه حل سیاسی باید سه عامل را به حساب بیاوریم: «نجات آبروی شوروی، نجات آبروی حزب افغانستان، حزب دمکراتیک خلق افغانستان و نجات آبروی مسلمانان.»

به مناسبت آبروی شوروی شوسیائو گفت روسها باید مناسبات و حیثیت خود را با «سایر احزاب در سراسر جهان» به حساب بیاورند. او گفت اگر دیده شود که شورویها حزب افغانستان را به حال خود می‌گذارند این امر یک اثر ناهنجاری بر روی احزاب در کشورهای دیگر که با مسکو مناسبات دوستانه دارند خواهند داشت. این اظهار نظر با اظهار نظر قبلی او (در پاراگراف چهار) مبنی بر اینکه «ما باید انقلاب را نجات دهیم» جور در می‌آید.

۱۲- مسئله مداخله نظامی شوروی در افغانستان: در نزدیکیهای پایان مذاکره شوسیائو داوطلبانه این مسئله را به میان گذاشت. او گفت می‌داند که در میان جامعه دیپلماتیک دربارهٔ اینکه شورویها در آخرین تحلیل، مداخله نظامی در افغانستان را در نظر خواهند داشت حدسهایی زده می‌شود شوسیائو گفت: «اگر شورویها چنان کاری بکنند این امر یک مسئله را حل خواهد کرد ولی مسئله دیگری را به وجود خواهد آورد.»

او ادامه داد که مداخله شوروی ممکن است حکومت کنونی را کنار بگذارد و بدین ترتیب یک مسئله را حل کند. معذالک این امر مسئله دیگری را ایجاد خواهد کرد و آن اینکه «تمامی ملت افغانستان علیه شورویها قیام خواهد کرد همان طوری که در قرن نوزدهم افغانیها علیه مهاجمان انگلیسی قیام کردند. او گفت بنابراین برای روسها مداخله نظامی معنایی نخواهد داشت.

۱۳- پرچمها: شوسیاو ضمن بحث دربارهٔ پرچمها اظهار نظر کرد که خود تره کی قابل قبول جناح پرچمها بود در حالی که این امر در مورد حفیظ الله امین صدق نمی‌کند. ببرک کارمل رهبر تبعید شدهٔ پرچمها و «امین» رقیب یکدیگرند شوسیاو گفت برای امین و ببرک کارمل غیر ممکن است که هر دو در یک حکومت باشند. شوسیاو ضمن تفکر دربارهٔ دو جناح حزب در زمان انقلاب این نظر ما را تأیید کرد که پرچمها از پیروان وسیعتری از خلقها در میان حزب و در میان هواخواهان حزب برخوردارند ولی خلقها در دستگاه نظامی کشور نیرومندترند. شوسیاو گفت که نیروی خلقی در میان نظامیان و در جریان پاکسازی پرچمها نقش قطعی داشت من از او پرسیدم که آیا او اطلاع دارد که بسیاری از پرچمها اخیراً از زندان پل چرخی آزاد شده‌اند همان طوری که ما در این باره اطلاع داریم او سر خود را تکان داد؛ ولی همچنین گفت که در چنین مقطعی از زمان این بحران که افغانستان با آن مواجه است بر سرکار آوردن پرچمها در حکومت کافی نیست. او گفت: «لازم است پایگاه حکومت به فراتر از پرچمها توسعه یابد» و علاوه بر این دو کار دیگر نیز باید صورت گیرد یکی آزاد کردن زندانیان متعدد سیاسی («حتی اعضای حزب نیز زندانی شده‌اند») و دیگر اینکه حکومت جدید باید «با کشورهای مسلمان دوست باشد».

۱۴- قطعات: شوسیاو خاطر نشان ساخت که جمهوری دمکراتیک افغانستان «کنترل بسیاری از ایالات را از دست داده است.» هنگامی که از او خواستم تا نمونه‌هایی ذکر کند، او گفت هرات (هر چند ما می‌دانیم که شهر هرات در تحت کنترل جمهوری دمکراتیک افغانستان است) و ایالات واقع در مرکز کشور (منطقه هزاره‌جات).

۱۵- او معتقد بود که نفوذ ایران در افغانستان برای حکومت خطرناکتر از نفوذ پاکستان است. هنگامی که از او پرسیدم، چرا؟ او گفت به دلیل نفوذ مذهبی ایران بر جمعیت شیعه که عنصر مسلط در ایالات هم‌مرز با ایران و ایالاتی که قسمت اعظم منطقهٔ کوهستانی مرکز را تشکیل می‌دهند، می‌باشد.

۱۶- آن‌گاه در اظهاری که با اشارات فوق تضاد داشت، او گفت که پشتوها از لحاظ سیاسی مهمترین عنصر قومی کشور را تشکیل می‌دهند. بنابراین از آنجایی که پشتوها «از لحاظ نظامی با رژیم مخالفت می‌کنند» این نیز مشکل سیاسی جدی دیگری برای حکومت افغانستان است.

۱۷- اظهار نظر: در نتیجهٔ این مکالمه و مکالمات دیگری که قبلاً ذکر شد ما معتقدیم که اکنون کاملاً آشکار است که شورویها از حفیظ الله امین ناراضی‌اند و می‌کوشند تا یک «دگرگونی ناگهانی» را طرح‌ریزی کنند. ما همچنین وسوسهٔ آن را داریم که معتقد باشیم که مکالمات سافرونچک با من در تاریخ ۲۴ ژوئن و دو فقره مکالمه شوسیاو در تاریخ ۹ و ۱۷ ژوئیه، به منظور دادن علامتی از سوی روسها به ما بوده است. این علامت ظاهراً آن است که آنها از رژیم امین خرسند نیستند و می‌کوشند تا ترتیب تغییراتی را بدهند و (به طوری که در اینجا حدس می‌زنیم) امیدوارند که این امر در ما اثر منفی نداشته باشد. می‌توان همچنین این نتیجه را گرفت که با توجه به اینکه جمهوری دمکراتیک افغانستان کنترل خود را در کشور از دست می‌دهد، شورویها امیدوارند که یک تغییری به وجود آورند و پایگاه حکومت را توسعه دهند و امین را احتمالاً سپر بالای خود سازند و بدین ترتیب از اینکه سرمایه‌گذاری خود را در این حزب و حکومت مارکسیستی از دست بدهند، اجتناب کنند و همچنین از اینکه ضربه‌ای به حیثیت و اعتبار بین‌المللی شوروی ممکن است وارد شود پرهیز کنند.

سند شماره (۴۴)

- از: سفارت آمریکا - کابل
 به: وزارت خارجه - واشنگتن
 موضوع: توضیحات بیشتر توسط سفیر کبیر آلمان دربارهٔ تلاشهای شوروی برای اصلاح رژیم افغان
 ۱- تمام متن سری است.
- ۲- خلاصه: شوسیاو سفیر کبیر آلمان برخی از وزرای غیر پشتوی کابینه را به عنوان حامی طرحهای شوروی برای اصلاح رژیم افغان معرفی کرده است. شوسیاو فکر می‌کند که حصول یک راه حل سیاسی برای آشفتگی فعلی در افغانستان ممکن است خیلی دیر باشد. (پایان خلاصه)
- ۳- در خلال گفتگویی با وزیر مختار در یک مهمانی در ۱۸ ژوئیه؛ دکتر هرمن شوسیاو سفیر کبیر جمهوری دمکراتیک آلمان تا حدودی دربارهٔ مطالبی که در ۱۷ ژوئیه برای آمستوتر کاردار در رابطه با تلاشهای فعلی شوروی برای تجدید بنیان رژیم افغان (تلکس مرجع) مطرح کرده بود به تفصیل توضیح داد. شوسیاو دقت زیادی به کار برد تا نظراتش را فقط برای مأمور آمریکایی نقل کند و موضوع صحبت را زمانی که سفرای انگلیس و ژاپن به ما پیوستند عوض کرد.
- ۴- زمانی که از او سؤال شد آیا فکر می‌کند که حفیظ الله امین نخست وزیر از هدف اصلی طرح شوروی و آنچه که می‌گذرد آگاه است یا خیر، شوسیاو تصدیق کرد که امین نسبت به تحولات خیلی هوشیار است ولی احتمالاً از آنچه که در طول هفته گذشته روی داده است و درست از زمانی که تلاش شوروی به یک دوره فعالتر رسید، آگاه نیست. وقتی سؤال شد آیا امین سرنوشتش را به آرامی قبول خواهد نمود و یا خواهد جنگید، شوسیاو پاسخ داد که او نمی‌داند.
- ۵- شوسیاو وزرای زیر را به عنوان اعضای صف مخالفان امین معرفی کرد، با اشاره به اهمیت این حقیقت که تماماً غیر پشتو هستند: عبدالکریم میثاق وزیر دارایی (یک هزاره)، عبدالحکیم شهرایی جوزجانی وزیر دادگستری (یک ازبک)، دستگیر - پنجشیری وزیر کارهای عامه (یک تاجیک)، و بارق شافعی وزیر اطلاعات و فرهنگ (یک تاجیک)، (او به دیگر وزرای غیر پشتو مثل عبدالقدوس قربانندی وزیر بازرگانی (تاجیک) و محمد اسماعیل دانش وزیر صنایع و معادن (قرلباش) اشاره نکرد). شوسیاو به طور ضمنی گفت که قسمت مهمی از مشکل سیاسی فعلی تمایلات افراطی پشتوگرایانه رهبریت فعلی خلقیها می‌باشد.
- ۶- هنگامی که وزیر مختار گفت اکنون برای تلاش جهت رسیدن به یک راه حل سیاسی برای آشفتگی خلقیها کمی دیر به نظر می‌آید، شوسیاو موافقتش را موقرانه و با تکان دادن سر اعلام نمود شوسیاو همچنین توافق داشت که ساختن یک پایگاه وسیعتر ملی و سیاسی مشکل به نظر می‌آید چون که به نظر می‌رسد خلقیها تقریباً تمام عناصر جامعهٔ افغانستان را مسخ (از خود بیگانه) کرده باشند.
- ۷- شوسیاو اعتراض سخت به بی‌کفایتی رهبریت خلقیها که به وضعیت فعلی منتهی شد به صحبت‌هایش ادامه داد. او به عنوان نمونه برنامهٔ اصلاحات ارضی بحث‌انگیز خلقیها که مسؤل بیشتر مخالفتها در این کشور بوده است را عنوان نمود. شوسیاو یادآوری نمود که او سال پیش به خلقیها تذکر داده بود که در مورد برنامه‌های پیچیده‌ای از این قبیل به طور آهسته عمل نمایند و به آنها آگاهی داده بود که جمهوری دمکراتیک آلمان (پیشرفته‌ترین کشور در گروه کشورهای سوسیالیست) برنامه اصلاحات

ارضی خود را به طور مرحله‌ای و در یک دوره ۱۵ ساله انجام داده است. شوسپائو با اوقات تلخی اضافه نمود که خلیقهای بیش از اندازه پرحرارت توصیه او را رد کرده‌اند و این عقیده خود را اظهار نمودند که مردم افغانستان از برنامه شتاب داده شده آنان حمایت خواهد کرد. شوسپائو گفت، پس از شش ماه آشکار شد که اصلاحات ارضی یک فاجعه بود. او یادآوری نمود که چه تعداد از دهقانان بدون زمین و کم زمین خواسته بودند تا به خاطر تردیدها و بیمهای مذهبی یا ترس از مجازاتهای آتی به وسیله مالکان محروم شده از قبول زمین خودداری نمایند. خلیقها آنان را مجبور به قبول زمین نمودند و تهدیدشان کردند که در صورت امتناع، زندانی خواهند شد. طبق گفته شوسپائو چندین نفر از این دهقانان بعداً خودکشی نمودند. ۸- نظریه: به نظر می‌آید که روسها از طریق شوسپائو در تلاش باشند که اطمینان حاصل نمایند ما مطلع نگاه داشته شده‌ایم، به هر دلیلی که در فکرشان هست. (یک نکته جالب این است که شوسپائو پس از جلسه ۱۷ جولای یک دسته گل بزرگ برای آمستوتر کاردار آورد.)

۹- این سفارتخانه هنوز مشکوک است که روسها قادر باشند پایگاه سیاسی رژیم افغان را به اندازه کافی برای ساکت کردن شورش گسترش یافته در افغانستان وسیعتر نمایند. ما به طور مکرر شایعاتی می‌شنویم که روسها هنوز در تلاشند تا رژیم جدیدی در حول یوسف نخست وزیر سلطنت طلب پیشینی که احتمالاً به عنوان یک شخصیت دست‌نشانده خواهد بود، بنا کنند. احتمال آن وجود ندارد که تعداد زیاد افغانیهایی که اکنون تحریک به دشمنی دیرین شده‌اند چهره‌های قدیمی را در ظاهر جدید قبول نمایند. هر گونه جایگزینی پرچمیها به جای خلیقها یک شکست خواهد بود، پرچمیها نیز از طرف افغانها، خدانشناسهای طرفدار مسکو دانسته می‌شوند.

سند شماره (۴۵)

از: سفارت در کابل
به: وزارت خارجه - واشنگتن دی. سی. فوری
تاریخ: ۱۹ ژوئیه ۷۹
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
شماره سند: ۵۴۶۳
موضوع: (محرمانه) گزارشات راجع به «جبهه متحد» که در اینجا تأیید نشده است

- ۱- (تمام متن خیلی محرمانه است.)
- ۲- خلاصه: گرچه می‌توان پیشنهادهایی را که در اینجا برای سازمان دادن به حزب ارائه می‌شود در مصاحبه‌های رهبران مشاهده کرد ولی هنوز اصطلاح «جبهه متحد» آشکارا به کار نرفته است. با دلایلی معتقدیم که خبرگزاری رادیو مسکو قصد دارد که اعلامیه تشکیل دفتر سیاسی را که در ماه ژوئیه انتشار یافته است همراه با دیگر مطالب به عنوان یک سازماندهی ملی برای دفاع از انقلاب مطرح کند. شکل و مسئولیتهای این طرح برای ما شناخته شده نیست، اما حتی اگر این طرح همان شامل سازماندهی کم توسط رادیو مسکو عنوان شد باشد، به اعتقاد ما از شکل یک «جبهه متحد» خالص و اصیل خارج خواهد بود. علیرغم گزارشات این موضوع می‌تواند به شکلی بخشی از تلاشهای وسیعتر شوروی در راه تغییر رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان باشد. (پایان خلاصه)
- ۳- گزارش رادیو مسکو درباره اعلامیه دفتر سیاسی افغانستان که اخیراً انتشار یافته است و مبنی بر

تشکیل نوعی جبهه متحد که در برگیرنده «نیروهای سیاسی، مترقی و میهنی» برای دفاع از انقلاب می باشد (مرجع) تا حدی گمراه کننده است، زیرا اشاره به این دارد که یک «جبهه متحد» می تواند با شرکت فعال عناصری تشکیل شود که لزوماً بخشی و یا گروهی از هیئت مؤسس طبیعی رژیم را تشکیل نمی دهند. تمام گروههایی که اخیراً توسط سرویس اطلاعات و اخبار خارجی نام برده شده اند، مثلاً خود حزب، حزب جوان، سازمانهای زنان اتحادیه روزنامه نگاران، تمام اینها گروههایی هستند که در راه حفظ رژیم فعالیت می کنند و ورود آنها در هر سازمانی به منظور دفاع از انقلاب نمی تواند نشان دهنده جدایی آنها و کناره گیریشان باشد و به طور حتم خود آنها هم نمی خواهند جبهه متحد مجزائی به وجود آورند.

۴- تا آنجا که ما اطلاع داریم، اصطلاح خاص «جبهه متحد» تاکنون در هیچ یک از اعلامیه های رسمی در افغانستان به کار نرفته، هر چند رژیم خلقی پیوسته می کوشد تا تمام اقشار جامعه را ترغیب به همبستگی در مقابل دشمنان مردم نماید. گزارش در مورد اعلامیه اخیر دفتر سیاسی در تاریخ اول ژوئیه در روزنامه ها و مطبوعات تحت کنترل دولت افغانستان این مطلب را فاش ساخته است که دفتر سیاسی روز قبل تصمیم به انجام این امور گرفته است: گسترش فعالیتهای سیاسی در بین توده، تقویت سازمان جوانان مردم افغانستان، ارسال تیمهای مشورتی به وزارتخانه های دولت، تأسیس سازمانی ملی برای دفاع از انقلاب تهیه پرسشنامه ها و تقاضانامه ها برای اعضای آزمایشی حزب و تقویت نقش سازمانهای قدماتی حزب برای پذیرش اعضای جدید.

۵- ما اطلاعات بیشتری راجع به فرم و مسؤلیتهای این «سازمان ملی دفاع از انقلاب» نداریم ولی این را می دانیم که از زمان صدور اعلامیه اول ژوئیه، شورای عالی دفاع از کشور حداقل یک بار، جلسه داشته اند. (به عقیده ما، این سازمان عهده دار وضع استراتژیهای سیاسی و نظامی به منظور مقابله با مخالفین و شورشیان می باشد). به این ترتیب این سازمان جدید احتمالاً وظایف نظامی و یا امنیتی نخواهد داشت بلکه باید به عنوان یک سازمان تبلیغاتی سیاسی که کارش تظاهر و جلب حمایت عمومی دروغی که رژیم از آن برخوردار است، باشد. در این رابطه، کمیته های دفاع از انقلاب در سراسر کشور و در سطوح ملی تشکیل خواهد شد و این سازمان جدید مسؤلیتهای مشابهی در سطح ملی خواهد داشت.

۶- در تاریخ ۱۸ ژوئیه، ما گزارشات سرویس اطلاعات و اخبار خارجی را همراه با متونی راجع به گزارشات رادیو مسکو دریافت کردیم که به نظر می آید فراتر از اعلامیه اول ژوئیه دفتر سیاسی باشد. ظاهراً خبرگزاری شوروی، به هر دلیلی، سعی داشت که (غیر صحیح) «سازمان ملی» را «جبهه متحد ملی» ترجمه کند. بنابراین استفاده از این کلمات شناخته شده و رایج، سبب شد که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان رسماً اعلام کند که اقداماتی در دست انجام دارد تا این طرح را که هنوز قطعی نشده بود توسعه دهد.

۷- هر چند ما اطلاعات دقیقی درباره آنچه تاکنون آمده است نداریم ولی گزارشات رادیو مسکو نشان دهنده تلاش احزابی است که این تصور را پیش می آورد که جمهوری دموکراتیک افغانستان تصمیم به گسترش اصول و پایه های سیاسی خود دارد و همچنین این تصور پیش می آید که شوروی سعی در تغییر و اصلاح رهبری حکومت افغانستان دارد. در حال حاضر به نظر می رسد که چنین تلاشی در حال انجام است (کابل ۵۴۳۳ - (۷) ۵۴۵۹) و از قرار معلوم، هدف از دیاد گروهها و احزاب سیاسی است که موقعیت حکومت را تحکیم می کنند. این مسئله برای ما روشن است که گزارشات این رادیو به شکلی در رابطه با

بازیه‌های بزرگتری است که هم اکنون در جریان است، گذشته از این توجه رادیو مسکو به تلاشهای دولت افغانستان در خصوص سامان دادن به اوضاع حزب، کم و بیش غیر عادی به نظر می‌رسد. آمستوتز

سند شماره (۴۶)

تاریخ: ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - آنکارا
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: تفسیر پروادا در مورد سازمان ملی افغانستان برای دفاع از انقلاب

۱- ستون سرمقاله روزنامه پروادا در ۱۸ ژوئیه ایجاد یک سازمان ملی دفاع از انقلاب توسط اداره سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که قرار است صرف نظر از وابستگیهای حزبی، مذهبی، ملی و اجتماعی در برگیرنده تمام نیروهای مترقی و میهن پرست باشد را مورد بحث قرار داد. طبق گفته پروادا اعضای این سازمان حزب دموکراتیک خلق افغانستان، اتحادیه‌های صنفی، کمیته‌های دهقانان، سازمان ملی جوانان، سازمان ملی زنان، شورای علما و دیگران خواهند بود. پروادا می‌گوید: نیاز بدان هست که سازمان با نیروهای ضد انقلابی مبارزه کند که دقیقاً بدین خاطر فعال می‌شوند که معیارهای اصلاحی دولت تحولی در شرایط تمام سطوح طبقه کارگر و کشاورز به وجود آورده است. هیچ ذکری از جبهه متحد ملی نشده است.

۲- (محرمانه) نظریه: مقاله پروادا روشن می‌سازد که اتحاد شوروی سازمان جدید را تأیید می‌کند و به گزارشات مبنی بر اینکه اتحاد شوروی جمهوری دموکراتیک افغانستان را ترغیب نمود تا پایگاه حمایتی خود را وسیعتر گرداند و در جستجوی یک راه حل سیاسی برای مشکلاتش باشد، اعتبار می‌دهد.

سند شماره (۴۷)

تاریخ ۲۲ ژوئیه ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۵۴۹۳

موضوع: تره‌کی و امین در حضور عموم اشاره کردند که آنها
از آنچه در پشت پرده برای ساقط کردن این رژیم می‌گذرد خبر دارند

۱- تمام متن محرمانه
۲- خلاصه: در بیانات عمومی که در روزهای تعطیلات افغانستان بیان شد، تره‌کی و امین به این موضوع اشاره کردند که آنها از نقشه‌هایی که پشت پرده برای تغییر رهبری رژیم می‌گذرد آگاهی دارند، اما آنها قصد ندارند اجازه دهند که به انقلاب خیانت شود. به خصوص، امین از نقشی که ممکن است شوروی در این مذاکرات داشته باشد اظهار دلشکستگی کرد، و به طور کلی، تأثیر کلی و علنی این جریان این است

که هیچ کدام از رهبران حاضر نخواهند شد بدون مقاومت طرح و سناریوهای دیگران را بپذیرند. (پایان خلاصه)

۳- نخست وزیر حفیظ الله امین، در مصاحبه‌ای که به تاریخ ۱۸ ژوئیه انتشار یافت، به طور تلویحی گفت که از تلاشهایی که در جهت تغییر ترکیب رهبری صورت می‌گیرد مطلع است. امین با اشاره به فلسفه گسترش دولت، ادعا کرد که آن طبقاتی که با انقلاب ۱۹۷۸ سقوط کرده‌اند هیچ حقی برای شرکت در مبارزات سیاسی ندارند و گفت که دو باره بر پاداشتن یک سیستم فئودالی و یا یک رژیم دست‌نشانده امیربالیزم برای انقلاب مفید نخواهد بود و خیانتی نسبت به مردم است.

۴- امین در تشریح روابط دولت افغانستان با اتحاد جماهیر شوروی همچنین اظهار داشت: «ما نسبت به هر کشوری که دست دوستی به طرف ما دراز کند وفادار خواهیم بود و همچنین به هر کشوری که با ما پیمان دوستی امضا کند احترام خواهیم گذاشت. نخستین شرط دوستی ما با کشورها این است که آنها به سرزمین ما احترام بگذارند و برای حاکمیت ملی، استقلال و آزادی کشور عزیز ما ارج قائل شوند.» او همچنین اضافه کرد که: «ما تاکنون با هیچ کشوری پیمان دوستی نبسته‌ایم و این کار هم نخواهیم کرد تا زمانی که آن کشور برای خاک ما، حاکمیت ملی ما، و استقلال ما ارزش قائل شود، و به راستی با ما در نگهداری خاکمان، استقلالمان، سرزمینمان، و حاکمیت ملی مان همکاری کند.» امین اضافه کرد: «به همین دلایل است که دوستی ما با شوروی تا مرحله برادری پیش رفته است.»

۵- امین در فرصت دیگری روی این نکته پافشاری کرد که: «تقاضای ما این است که اگر شخصی همان عقیده ما و همان احساسات ما را دارد، باید بگذارد که ما در مقابل دشمنان کشورمان مبارزه کنیم و کشورمان را بسازیم.»

۶- پرزیدنت تره کی، طی مصاحبه‌ای در تاریخ ۱۹ ژوئیه تفسیر کوتاهی در مورد خطوط مربوط انجام داد و روی این نکته تأکید کرد که: «حزب ما و همچنین دولت طرحهای دیگری برای رفاه و آسایش مردم در دست اجرا دارند» و آنکه «قطع این تلاشها به منزله مرگ انقلاب ماست. ما این مرگ را نخواهیم پذیرفت و به پیش خواهیم رفت.»

۷- نظریه: بنابر متن اخباری که گزارش می‌شود، اقدامات پشت پرده شوروی برای منباست که اساس رژیم افغانستان را به شکلی توسعه دهد، که بتواند سیستم امنیتی خاصی در برابر رشد مخالفین ایجاد کند. این اشارات مختصر که در خبرها توسط سران کشور انجام می‌شود مشخص‌کننده این مسئله است که موضع آنها هیچ‌گونه همراهی با متوقف ساختن طرحهای رفاهی آینده رژیم ندارد و حاضر نخواهند شد به فشار شوروی تسلیم گردند. از این نظر، لحن اظهارات امین درباره روسها، حالتی از خیانت را می‌رساند در حالی که در همان موقع به نقش قاطع روسها در مورد مسائل آینده رژیم اعتراف داشت.

۸- این نخستین نشانه‌هایی است که دلالت بر آگاهی امین - تره کی از مذاکرات سری دارد و نشان می‌دهد که آنها بدون اداره تسلیم آنچه که سناریو برایشان تعیین کرده است نشده‌اند. مقاومت فعال تره کی و امین (یا هر دو) و حامیانشان می‌تواند، نه تنها عواقب جدی سیاسی بلکه عواقب بالقوه امنیتی نیز داشته باشد.

سند شماره (۴۸)

تاریخ: ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹

از سفارت آمریکا در کابل
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: گله های حکومت افغانستان درباره خارج شدن
افراد خانواده های آمریکایی از این کشور

۱- (تمامی متن محرمانه)

۲- خلاصه: روز ۲۴ ژوئیه حکومت جمهوری دمکراتیک افغانستان رنجش رسمی خود را بر سر تصمیم ایالات متحده به خارج کردن افراد خانواده های شهروندان آمریکایی و پرسنلی که کمتر نیاز به آنهاست از افغانستان ابراز داشته است و همچنین درباره ایجاد سروصدای مربوط به این خبر گله کرده است. جمهوری دمکراتیک افغانستان اقدام ایالات متحده را به عنوان یک اقدام «بر خلاف روح و میل جمهوری دمکراتیک افغانستان در حفظ مناسبات دوستانه عادی با ایالات متحده» توصیف کرده است. (پایان خلاصه)

۳- روز ۲۴ ژوئیه من طی اخطار یک ساعته ای از سوی شاه محمد دوست معاون وزارت امور خارجه و مسؤل امور سیاسی به وزارت امور خارجه احضار شدم. فلاتین، وزیر مختار همراه من بود.

۴- شاه محمد دوست مذاکرات را بدین ترتیب آغاز کرد که با تلخی به اطلاع من رساند که علیرغم اطمینانهایی که من روز قبل داده بودم مبنی بر اینکه حکومت ایالات متحده در نظر ندارد تخلیه اعضای خانواده ها و پرسنل غیر لازم را از افغانستان علنی کند (مرجع) هم صدای آمریکا و بی بی سی تنها چند ساعت بعد این خیر را نقل کرده اند. شاه محمد دوست گفت که او قبلاً هم نگران بود که چنین چیزی اتفاق خواهد افتاد ولی معذالک اطمینانهایی را که من داده بودم بلافاصله پس از مکالمات دیروز به حفیظ الله امین، نخست وزیر ابلاغ کرده بود.

۵- شاه محمد دوست بدون اینکه مطالب دیگری را که من روز ۲۳ ژوئیه اطمینان داده بودم مبنی بر اینکه حکومت ایالات متحده در نظر ندارد با تصمیم خود درباره تخلیه اشخاص غیر لازم افغانستان را در وضع ناهنجاری قرار دهد به ویژه اظهار تأسف کرد از اینکه صدای آمریکا داستان تخلیه افراد غیر لازم را با این نسبت ارتباط داد که رژیم افغانستان قادر نیست نظم را در کشور حفظ کند. او گفت: «شما و من هر دو می توانیم ببینیم که در کابل مسئله ای وجود ندارد و سایر سفارتخانه ها چنین تقاضایی نکرده اند.» من توضیح دادم؛ هر چند شاه محمد دوست درباره حوادثی که در راهها اتفاق افتاده و من آن را ذکر کردم اظهار نظری نکرد. ولی او با این مطلب که من بسته شدن فرودگاه کابل را در تاریخ ۹ می ذکر کردم با من به نزاع پرداخت و استدلال کرد که فرودگاه فقط چند ساعت بسته شده است.

۶- دوست همچنین گله کرد از اینکه صدای آمریکا در خیر خود نسبتهایی درباره نقض حقوق بشر عنوان کرده است «از قبیل اعدام ۳۰۰۰ زندانی سیاسی.» او این گونه اظهارات را غیر منصفانه توصیف کرد زیرا تنها کاری که حکومت او می تواند انجام دهد این است که پس از اینکه این گونه خبرها در سراسر جهان پخش شده است تکذیب کند.

۷- در پاسخ من به دوست اطلاع دادم که قصد حکومت ایالات متحده این بوده است که مسئله تخلیه

اشخاص غیر لازم علنی نشود ولی سخنگوی مطبوعاتی وزارت ما آماده بود که در صورتی که در کنفرانس مطبوعاتی روزانه مطرح شود به آن پاسخ دهد. من توضیح دادم که در واقع چنین ترتیبی در جریان گزارش مطبوعاتی او در تاریخ ۲۳ ژوئیه (تلگرام مرجع الف و ب) در میان گذاشته شده بود و بنابراین او ناگزیر بود پاسخ دهد. اما درباره مسائل دیگر از قبیل امنیت و حقوق بشر، صدای آمریکا ظاهراً به دلایل روزنامه‌نگاری تصمیم گرفته بود که این مطالب را به داستان اضافه کند. من به دوست گفتم که حکومت ایالات متحده اوضاع مربوط به حقوق مدنی را در افغانستان بانگرانی فوق‌العاده تلقی می‌کند و لی به او یادآوری کردم که حکومت ایالات متحده مسؤول محتویات برنامه صدای آمریکا نیست. دوست با چهره‌ای عادی خاطر نشان ساخت که سفارت انگلیس نیز در اینجا درباره برنامه‌های بی‌بی‌سی همین استدلال را عنوان می‌کند.

۸- دوست ضمن صحبت درباره برنامه جدید صدای آمریکا به فارسی برای این منطقه به ما گفت که علیرغم این واقعیت که ساعت پخش صدای آمریکا یعنی ساعت ۲۳ برای بیشتر شنوندگان افغانی بسیار دیر است، حکومت افغانستان همه برنامه را ضبط کرده و محتویات آن را تجزیه و تحلیل می‌کند. دوست همچنین گفت که صدای آمریکا اخیراً مطالبی به زبان دری (فارسی افغانی) به برنامه خود اضافه کرده است که به عبارت دیگر همان زبان فارسی است. (فارسی ایرانی)

۹- من به دوست اطمینان دادم که درباره وضع ناهنجاری که از سوی حکومت او ایجاد شده است متأسفم ولی امیدوارم که او اکنون درک کرده باشد که اوضاع چگونه به این صورت در آمده است. من تکرار کردم که درباره مسئله تخلیه، ما تنها طوری رفتار کردیم که لازم تشخیص داده بودیم و گفتم که هیئت نمایندگی سیاسی آمریکا در اینجا از زمان انقلاب به بعد به نحو قابل ملاحظه‌ای محدود شده است. دوست خاطر نشان ساخت «بدون برنامه کمک وجود پرسنل کمک ضروری نیست».

۱۰- دوست به خاطر توضیحاتی که من دادم از من تشکر کرد. او به من گفت که حکومت او امیدوار است که در وضع «عادی» روابط ما بهتر خواهد شد «و افزود: «این روح اقدامات اخیر ماست و این تمایل ما است.» او اظهار نظرهای مورخ ۲۳ ژوئیه خود را درباره اینکه ایمنی آمریکاییها مربوط به خودمان است تکرار کرد ولی از سوی دیگر اظهار شگفتی کرد از اینکه ما چرا باید درباره عزیمت آنها این همه سر و صدا راه بیندازیم. من پاسخ دادم که سرپوش گذاشتن روی عزیمت یکصد نفر کار بسیار دشواری است دوست آن گاه اظهار تعجب کرد از اینکه چرا سخنگوی وزارت امور خارجه (آمریکا) نمی‌توانست تا پایان یافتن این عملیات «حساس» دست نگهدارد او با حزن و اندوه خاطر نشان ساخت: «این تازه اول کار است و من اکنون در انتظار کارهای دیگر هستم.» (تبصره: من قبلاً به دوست اطلاع داده بودم که من درباره تصمیم خودمان به سفارت خانه‌های «دوست» - دوست سیاسی - گزارش می‌دهم).

۱۱- من به دوست بار دیگر اطمینان دادم که حکومت ایالات متحده خواستار روابط دوستانه عادی با جمهوری دموکراتیک افغانستان است و همچنین بار دیگر این مطلب را تکذیب کردم که ما سرگرم کوششهای براندازی ضد خلقی هستیم. در چنین چهارچوبی من اثرات زیان آور «کنایه‌های» غیرمستقیم و گاهی مستقیم رسانه‌های محلی را درباره اینکه سرگرم چنین عملیاتی هستیم ذکر کردم و به ویژه شرح عکس قلابی درباره اینکه سلاحهای آمریکایی به دست آمده است به او دادم. (تبصره: این امر برای دوست یک افتخار است که از زمان اقدام ما نزد او در ماه ژوئن درباره عکسهای قلابی درج شده در روزنامه‌ها

مبنی بر اینکه «سلاحهای آمریکایی» از قرار معلوم از چریکهای ضد جمهوری دموکراتیک افغانستان به دست آمده است. ما دیگر شاهد تکرار چنین دروغهایی در مطبوعات نبوده ایم.)

۱۲- این ملاقات با یک وضع دوستانه تر و آسوده خاطر تر از آنکه در آغاز وجود داشت، پایان یافت. هنگام عزیمت ما دوست یک یادداشت به من تسلیم کرد این یادداشت پس از اینکه در سفارت ترجمه شد از لحاظ لحن شدید بدتر از آنچه او شفاهاً اظهار داشته بود به نظر می آید. متن این یادداشت چنین است:

وزارت امور خارجه ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۹
به: سفارت ایالات متحده آمریکا. کابل
یادداشت

با ارتباط به مذاکرات معاون اول وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک افغانستان با جی. پورسی آمستوتز کاردار سفارت ایالات متحده در کابل در تاریخ ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۹ و یادداشت مربوط به (شخص اخیر) نگرانی مقامات ایالات متحده درباره شهروندان آنها در کابل و محلهای کار آنها در نقاط دیگر (افغانستان) و تخلیه بعضی از آنها از کابل دلیل قابل قبولی ندارد.

اوضاع در کابل و در سایر محلهای کار آنها آرام است و امنیت برقرار شده است. تدابیر لازم امنیتی برای حمایت از هیئتهای نمایندگی خارجی و اتباع آنها مدتی قبل اتخاذ شده است.

هیچ کدام از هیئتهای نمایندگی سیاسی دیگر هنوز چنین نگرانی نشان نداده اند و سفارت آمریکا در این مورد اولین هیئتی است که پیش دستی کرده است. این تدابیر از سوی سفارت ایالات متحده نگرانیهای منفی و تبلیغات بیجا خواهد کرد که به هدفهای دشمنان انقلاب و مردم افغانستان کمک خواهد کرد.

این نقشه می توانست به یک صورت آرام بدون اینکه علنی شود عملی شود ولی قبل از عزیمت تخلیه شوندگان منابع تبلیغات چی از هم اکنون گامهایی برای تبلیغات درباره عزیمت آنها برداشته اند. این اقدام سفارت شما ممکن است چنین تلقی شود که برخلاف روح و تمایل جمهوری دموکراتیک افغانستان جهت مناسبات دوستانه عادی با ایالات متحده است. (پایان متن)

۱۳- اظهار نظر: جمهوری دموکراتیک افغانستان به وضوح کامل از تصمیم ما درباره تخلیه پرسنل غیر لازم سفارت آمریکا منزجر است و آن را به عنوان یک اقدام خصمانه سیاسی تلقی می کند. معذالک ما فعلاً انتظار نداریم که یک اقدام تلافی جویانه ویژه ای صورت گیرد.

۱۴- با توجه به حساس بودن و آسیب پذیر بودن عملیات تخلیه ما سفارت امیدوار است که سخنگویان حکومت ایالات متحده درباره طرز انجام این تصمیم مواظب باشند. ما با نهایت تأسف متوجه شده ایم که گزارش اخیر روزنامه واشنگتن پست درباره افغانستان به نقل قول از منابع رسمی آمریکا که متضمن اظهاراتی از سوی سفارت آمریکا در کابل بود (۱۹۰۶۳۴) تقریباً همزمان با تصمیم تخلیه ما منتشر شد. این همزمان بودن روابط ما را با جمهوری دموکراتیک افغانستان پیچیده تر کرده است زیرا آنها ظاهراً این دو پدیده را با یکدیگر مربوط می دانند.

آمستوتز

سند شماره (۴۹)

از: سفارت آمریکا - کابل
 به: وزارت خارجه - واشنگتن
 تاریخ: ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹
 موضوع: انگیزه‌های احتمالی در پشت تصمیم شوروی برای تبلیغات
 در مورد تلاشهایی جهت مذاکره برای حل کشمکشها داخلی جمهوری دمکراتیک افغانستان
 ۱- تمام متن محرمانه است.

۲- خلاصه: تصمیم شوروی برای مطلع ساختن ایالات متحده و تعدادی از هیئتهای نمایندگی دیگر در اینجا، مستقیماً به وسیله واسیلی سافرونچک، وزیر مختار شوروی و غیر مستقیم به وسیله هرمان شوسیائو، سفیر جمهوری دمکراتیک آلمان، احتمالاً در ابتدا از یک تمایل به متحد کردن منافع مهم شوروی در افغانستان ناشی شده بود و در عین حال به طور همزمان بر تلاشهای مسکو جهت پیدا کردن یک راه حل سیاسی برای مشکلات فزاینده داخلی این رژیم انقلابی تأکید می‌نماید. مسکو احتمالاً فکر می‌کند که با انجام این کار به هرگونه سیاستی که در آینده ممکن است دنبال کند مشروعیت بخشیده است و همچنین موردی برای به انحراف کشیدن هرگونه انتقاد خارجی ایجاد کرده است که از هرگونه اقدامی که روسها ممکن است به تدریج در مورد آن تصمیم بگیرند ناشی می‌شود.

۳- بیشتر ناظران در اینجا فکر می‌کنند که یک تلاش در آخرین لحظه برای ترتیب دادن یک راه حل سیاسی جهت کشاکش مداوم محکوم به شکست است، چون که پایین‌ترین درجه آن که عزیمت عامل اصلی یعنی حفیظ‌الله امین نخست وزیر باشد، ممکن است غیر حصول باشد. با این وجود تلاشهای سافرونچک که هنوز ممکن است در جریان باشند حداقل زمینه را برای ادعای آتی شوروی در اینکه مسکو آنچه در توانش بود برای مذاکره در مورد یک راه حل صلح‌آمیز در مورد کشمکش داخلی افغانستان انجام داده قرار می‌دهد، و قدمهای بعدی که برداشته شوند توسط نیازهای یک قدرت بزرگ برای حفاظت از چیزی که آن را منافع مشروع مهم خود می‌داند توجیه می‌شوند.

۴- ما پیش‌بینی می‌کنیم که هیئت نمایندگی سافرونچک با موفقیت چشمگیر رو به رو شود و در نتیجه آن نقش بالا گرفته شوروی که اکنون ممکن است در اینجا در زمینه نظامی به چشم بخورد، احتمالاً به جنبه برجسته قسمت پایانی این تلاشها منجر می‌شود.

۵- انگیزه اولیه برای تصمیم روسها جهت مطلع ساختن ما و چند سفارتخانه دیگر در اینجا (ما آگاه شده‌ایم که با اطریشها، بنگلادشها، فرانسویها، هندیها و پاکستانیها نیز تماس گرفته شده است)، مستقیماً به وسیله واسیلی سافرونچک و غیرمستقیم توسط شوسیائو سفیر کبیر جمهوری دمکراتیک آلمان از مذاکرات مسکو با افغانها جهت به وجود آوردن یک پایگاه سیاسی وسیعتر برای این رژیم و شاید جرح و تعدیلی ظاهری در ترکیب رهبریت جمهوری دمکراتیک افغانستان، احتمالاً تمایلی به مشروعیت دادن به هرگونه اقدامات و سیاستهای آتی که روسها ممکن است در جهت افغانستان دنبال نمایند بوده است. با تأکید بر نگرانیهای قابل توجیه مسکو در مورد تحولات در کشوری که با جمهوریهای مهم رو به افزایش آسیای مرکزی همسایه است و با تأکید بر نیاز مسکو به حمایت از یک حزب ائتلافی (شاید دیگر احزاب ائتلافی دنیا سؤالاتی درباره عمق تعهد شوروی مطرح نمایند و به جنبش سوسیالیستی پیوندند) روسها این قضیه را مطرح می‌نمایند که منافع آنان در افغانستان شاید خیلی حیاتی نباشند ولی مهم هستند و اینکه

آنان حق یک قدرت بزرگ را دارند که هرگونه اقدامی برای حفاظت از این منافع لازم باشد انجام دهند. (مسائلی که شاید حداقل تاکنون از طرف سافرونچک و شوسیاو گفته نشده باشند، تمایلات کمتر نودوستانه مسکو به حفاظت از سرمایه گذاری قابل ملاحظه منابع در این کشور و یک خواست قابل درک برای اجتناب ورزیدن از نتایج خجالت آور بعدی در صحنه بین المللی می باشند که سقوط جمهوری دمکراتیک افغانستان در بر خواهد داشت.) در عین حال روسها با تبلیغات وسیع از تلاشهای گزارش شده خود برای یافتن یک راه حل سیاسی برای کشاکش داخلی در اینجا، شاید زمینه را نیز برای این ادعا آماده می کنند که مسکو واقعاً طالب یک راه حل صلح آمیز در مورد مشکلات مداوم می باشد و تلاش قابل ملاحظه ای به خرج می دهد (و ریسکهای سیاسی مهمی نیز می کند) تا از بدتر شدن بیشتر وضعیت جمهوری دمکراتیک افغانستان جلوگیری به عمل آورد.

۶- در صورتی که تلاشهای سافرونچک برای رسیدن به یک راه حل سیاسی منجر به شکست شوند، این تماس نسبتاً آشکار شوروی با ما و نمایندگان همسایه های منطقه ای افغانستان می تواند به خوبی بر هرگونه مخالفتی با حضور افزایش یافته شوروی در این کشور پیشی بگیرد. در زمینه ایالات متحده - شوروی ما احتمال می دهیم که کم اهمیت ترین نگرانیهای شوروی تمایل به اجتناب ورزیدن از ایجاد جرقه یک عکس العمل منفی در ایالات متحده در زمان مذاکرات سالت ۲ باشند.

۷- ما شکی نداریم که مسکو واقعاً مایل است وسیله ای سیاسی بیابد که آمیزه ای از یک رژیم در امان مارکسیست و در جریان عمل را در کابل تضمین نماید. در هر حال زمان برای چنین تلاشی کم است و می تواند چنین باشد که سافرونچک به یک مأموریت غیر ممکن اعزام شده که کاری کمی بیش از یک تلاش آخرین لحظه برای متقاعد کردن خلقیها برای انجام کاری به منظور آرام کردن کشورشان انجام می دهد. بیشتر ناظرین، ظاهراً منجمله روسها، معتقد هستند که حداقل کار لازم برای خنثی کردن مخالفین به طور مؤثر، عزیمت حفیظ الله امین نخست وزیر می باشد؛ احتمالی که همین ناظران حصول آن را خیلی مشکل می دانند. بنابراین در غیاب مرگ امین (داوطلبانه یا به صورت دیگر) هدف سافرونچک احتمالاً غیر قابل حصول می باشد.

۸- روسها احتمالاً از بیهودگی واقعی کار سافرونچک آگاه بودند (با این فرض که مسکو به بازگشت به دوران استالینی و محدود نمودن امین به وسیله خودشان میلی ندارد) ولی به دلایلی که در بالا اقامه شد بایستی قبل از برداشتن هر قدم دیگری به وسیله روسها جهت مستحکم نمودن رژیم جمهوری دمکراتیک افغانستان به میزان قابل توجهی روی تلاشهای مذاکراتی او تبلیغات می شد. روسها ممکن است احساس نموده باشند که اگر امکان داشت امین ترغیب به قبول «تبعید محترمانه بشود، شاید در یک خانه بیلاقی خارج از تاشکند، خیلی بهتر می شد؛ در غیر این صورت مسکو به هر ترتیب برای تضمین بقای انقلاب افغانستان با هر گونه حمایتی که لازم باشد به جلو خواهد رفت. در نتیجه هر گونه حمایت افزون شده ای (از طریق زمینه ای که هم اکنون با ما و همسایگان منطقه ای افغانستان مهیا شده است) در صحنه بین المللی مورد قبول خواهد بود، چون که به حفاظت از منافع مهم و مشروع روسیه کمک خواهد کرد، مسؤلیتی که نمی توان انتظار داشت هیچ دولتی در مسکو از زیر بار آن شانه خالی کند.

۹- البته می توان استدلال نمود که روسها چنانچه کمکهایشان از طرف امین رد شود می توانند تصمیم بگیرند که از همکاری بیشتر خودداری نمایند و جمهوری دمکراتیک افغانستان را در مقابل خطر

شورشیان قرار دهند. ما جداً مشکوک هستیم که چنین احتمالی امکان پذیر باشد؛ نه فقط به این خاطر که اتحاد شوروی واقعاً منافعش در افغانستان در خطر است، بلکه همچنین به این خاطر که اطلاعات جدید در اینجا به یک درگیری حرفه ای در انجام واقعی عملیات فزاینده نظامی ضد شورشی شوروی اشاره دارد؛ تحویلی که به رهاسازی قریب الوقوع جمهوری دمکراتیک افغانستان اشاره نمی کند.

۱۰- موقعیت فعلی ما موریت صلح سافرونچک نامعلوم است. خود سافرونچک در چند روز گذشته به خاطر دل درد مریض بوده است ولی گفتن اینکه آیا این جریان اشاره ای به یک دوره انبارگردانی (جمع آوری آرای موافق) دارد یا نه غیر ممکن است. شوسیاثو به توجیه سفارتخانه های خارجی درباره ما موریت سافرونچک ادامه می دهد. براساس اشاراتی در سخنرانیهای عمومی و درخواستهای شوسیاثو از طریق مراجعه بطور دوره ای ما عملاً مطمئن هستیم که اطلاعات درباره فعالیت های سافرونچک مدتها پیش به گوش امین رسیده است و ما نمی توانیم امکان اینکه سافرونچک موضع عزیمت امین را قبلاً با خواست وزیر مطرح کرده است رد کنیم، با این وجود نظارت مستمر تره کی - امین و فعالیت مداوم شوسیاثو اشاره بر این دارد که کار سافرونچک هنوز دوره اش را طی نکرده است و هنوز ممکن است تحولات بیشتری روی دهد. این حقیقت که سافرونچک و شوسیاثو هنوز به وسیله امین مورد حمله قرار نرفته اند اشاره بر این دارد که فشار شوروی ممکن است سخت یا حتی خصمانه نباشد ولی مذاکرات حقیقتاً تلاشهای واقعی برای پیدا کردن پاسخهای مناسب هستند.

۱۱- بنابراین صحنه پایانی این نمایش را احتمالاً بایستی دید. به هر تقدیر ما پیش بینی می کنیم که در نتیجه عدم رضایت امین، نقش بالا گرفته شوروی احتمالاً پدیدار شود و مسکو به این نتیجه می رسد که موارد انتخاب آنان شدیداً محدود است و حتی یک رژیم کنترل شده توسط امین از رژیم می که به وسیله ملاهای عصبانی اداره می شود ارجح تر است.

سند شماره (۵۰)

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشنگتن

تاریخ: ۲۶ ژوئیه ۱۹۷۹

سری

موضوع: اعتراض به سفیر شوروی کابل درباره تخلیه وابسته های آمریکایی

۱- تمام متن سری است.

۲- خلاصه: در خلال ملاقات کاردار با سفیر شوروی در رابطه با تخلیه آمریکاییها از کابل، سفیر پوزانف حساسیت مقامات افغانی در رابطه با تبلیغات دولت ایالات متحده در مورد این عملیات را خاطر نشان ساخت. پوزانف همچنین در مورد تلاشهای افغانیها برای کوچکتر کردن سفارت آمریکا در کابل توضیح داد. (پایان خلاصه)

۳- کاردار در روز چهارشنبه ۲۵ ژوئیه ۱۹۷۹ با الکساندرام پوزانف سفیر شوروی در کابل و رئیس هیئت دیپلماتیک ملاقات کرد. کاردار توسط وزیر مختار همراهی می شد.

۴- کاردار توضیح داد که وی به دستور وزارت خارجه با پوزانف ملاقات می کند. او گفت که قبلاً اعتراض مشابهی از طرف سفارت ما در مسکو به وزارت امور خارجه شوروی صورت گرفته است. (تلکس مرجع

الف) کاردار نکات گفتگو را که در تلکس مرجع ب به آنها اشاره شده بود تکرار که در نسخه‌ای غیر رسمی نزد سفیر شوروی باقی گذاشت.

۵- پوزانف از کاردار به خاطر صحبت‌هایش تشکر کرد ولی اظهار داشت که وی نمی‌تواند نگرانی ما درباره‌ی خطر احتمالی برای شهروندانمان را در اینجا درک کند. وقتی که کاردار پاسخ داد: بر اساس اطلاعاتی که در دست سفارت آمریکا است وضعیت شورش در اطراف شهرهای افغانستان بدتر شده است، پوزانف صحبت او را قطع کرد که بگوید: منظور او این نبود. او در شگفت بود که چرا سفارت آمریکا نگران این است که امکان دارد در خلال عملیات تخلیه‌ی خطری متوجه شهروندانش شود.

۶- کاردار پاسخ داد که ما می‌دوریم جمهوری دموکراتیک افغانستان راه ما را سد نکنند. کاردار توضیح داد که وی با دوست معاون وزیر خارجه در ۲۳ ژوئیه از روی ادب ملاقات کرده بود تا درباره‌ی تصمیم تخلیه ایالات متحده توضیح دهد. او به پوزانف گفت که وی دو موضوع را برای دوست روشن ساخته بود: الف: تصمیم بر تخلیه به خاطر مسائل سیاسی نبوده بلکه منحصراً احتیاطی بوده است و منعکس‌کننده نگرانی ایالات متحده در مورد امنیت وابسته‌های آمریکایی می‌باشد.

ب: دولت ایالات متحده در رابطه با این اقدام به دنبال تبلیغات نیست ولی اگر مورد سؤال قرار گرفت مجبور است که با صداقت ولی با روشنی محتاطانه پاسخ بگوید.

۷- کاردار با تشریح جزئیات برای پوزانف به توضیح در این مورد که چگونه اطلاعات در کنفرانس مطبوعاتی ۲۳ ژوئیه در وزارت خارجه انتشار پیدا کرد پرداخت. او به پوزانف گفت که دوست در ۲۴ ژوئیه او را فراخواند تا درباره‌ی این تبلیغات به او شکایت کند و این نکته را متذکر شد که کاردار روز قبل از آن به وی اطمینان داده بود که ایالات متحده در این کار پیشقدم نخواهد شد. کاردار گفت که دوست در این ملاقات بر دو نکته تأکید کرد:

الف: اینکه در کابل یا جای دیگر در کشور هیچ گونه مشکل امنیتی وجود ندارد، و ب- این حقیقت که آمریکاییها از افغانستان خارج می‌شوند برای دنیا یک برداشت کاذب به وجود می‌آورد.

۸- پوزانف سپس موضوع صحبت را عوض کرد و اشاره کرد که در ۲۴ ژوئیه خبر از رادیوی افغانستان پخش شد که اظهار می‌داشت جمهوری دموکراتیک افغانستان پیشنهاد کاهش در تعداد کارمندان سفارت ایالات متحده را کرده است. کاردار گفت که، هر چند دوست در خلال اولین گفتگو در ۲۳ ژوئیه اشارت مبهمی به تقلیل احتمالی تعداد کارمندان سفارتخانه‌های مختلف در کابل نموده بود؛ اما وی اشاره نکرد که این یادداشت دیپلماتیک در گفتگوی ۲۴ ژوئیه ارائه خواهد شد.

۹- کاردار گفت که متن یادداشت دولت افغانستان بر این اشاره داشت که یک یادداشت عمومی (بخشنامه‌ای) است و در نتیجه آمریکاییها نمی‌دانند که آیا دیگر سفارتخانه‌ها از قبیل سفارت شوروی نیز نسخه‌هایی از این یادداشت را دریافت داشته‌اند یا خیر. پوزانف پاسخ داد که وی فقط آن یادداشت‌هایی را دیده است که تا ظهر روز ۲۴ ژوئیه به سفارتخانه وی وارد شده‌اند و وی هنوز چنین یادداشتی را ندیده است.

۱۰- کاردار اشاره کرد که طرز برخورد رسانه‌های گروهی افغانستان در تعاقب آن یادداشت به طور ضمنی می‌رسانند که این موضوع فقط به هیئت نمایندگی آمریکا مربوط می‌شود. او نسبت به اقدام جمهوری دموکراتیک افغانستان ابراز تأسف کرد و گفت که به نظر می‌رسد جمهوری دموکراتیک افغانستان

نسبت به تصمیم تخلیه بیش از حد عکس العمل نشان می‌دهد. کاردار متذکر شد که مأموران این سفارتخانه اغلب به مقامات افغانی و روسی گفته‌اند که ایالات متحده هیچ کمکی به طرف شورشی نمی‌کند ولی ما پیوسته کنایه‌هایی در رسانه‌های افغانستان درباره درگیری منتسب به آمریکا می‌بینیم.

۱۱- کاردار گفت که مهمترین نگرانی وی در این روزها لحظه غم‌انگیز دیگری در تاریخ اخیر افغانستان بوده است. او یادآوری کرد که دو سال پیش افغانستان روابط دوستانه خوبی با تقریباً تمام کشورهای دنیا داشت. اکنون، پانزده ماه پس از انقلاب خلقی، افغانستان هنوز با اتحاد شوروی روابط خوبی دارد ولی با سه همسایه‌اش یعنی چین، پاکستان و ایران روابط بدی دارد. علاوه بر این رژیم خلقی به خاطر آن موضوع روابطش را با ایالات متحده بدتر می‌کند. وی گفت روابط افغانستان با بقیه کشورهای غربی به نظر نمی‌آید که خیلی خوب باشد. کاردار به پوزانف گفت نمی‌داند اینها به کجا می‌جامد. او در شگفت است که آیا حفیظ‌الله امین نخست وزیر به گونه‌ای در تلاش است تا آمریکا را به مخالفت بکشد. کاردار به طور حتم عکس‌العمل‌های امین را آن قدر معقولانه یا قابل فهم ندید. کاردار توضیح داد که با پوزانف صریح است چون که وی را یک همکار می‌داند و نیز او را در مقامش به عنوان رئیس هیئت دیپلماتیک مورد خطاب قرار می‌دهد. او تأکید کرد نظراتی که وی در مورد مسائلی غیر از وضعیت تخلیه ابراز می‌کند از خود او هستند و به دستور وزارت خارجه ارائه نشده‌اند.

۱۲- در این هنگام پوزانف به طور جالبی تصمیم گرفت که به موضوع تعداد پرسنل سفارت آمریکا در کابل بپردازد. او گفت که تعداد کارمندان ایالات متحده به نظر می‌رسد که از زمان انقلاب افزایش یافته است. کاردار پاسخ داد که این موضوع صحت ندارد و اظهار داشت که در واقع تعداد کارمندان سفارت آمریکا اکنون از آنچه که در ۲۰ سال گذشته بوده است کمتر می‌باشد. او اظهار داشت که افغانها ممکن است برداشت غلط افزایش تعداد را به این خاطر داشته‌اند که اخیراً سفارت تقریباً تمام کارمندان اداری و اعضای هیئت نمایندگی را به منظور حصول مصونیت دیپلماتیک برای آنان در لیست دیپلماتیک قرار داده است، که در غیر این صورت دولت افغانستان برخلاف مسؤلیتهایش تحت «بیمان وین در مورد روابط دیپلماتیک» آن را (مصونیت) رد می‌کرد.

۱۳- پوزانف پاسخ داد که وی کمترین علاقه تعداد کارمندان سفارت آمریکا ندارد. او توضیح داد هر چند تعداد کارمندان خودش از زمان انقلاب به میزان قابل توجهی افزایش یافته تا نیازهای مشورتی تدارکاتی را برآورده کند ولی هیچ‌گونه افزایش در تعداد کارمندان فنی و تدارکاتی سفارت شوروی وجود نداشته است. پوزانف توضیح داد برای مثال، سفارتخانه وی فعلاً به عنوان مشاور در کمک به ساختمان یک مجموعه آپارتمانی در محوطه سفارت شوروی به مهندسین روسی که در شهرداری کابل به کار گمارده شده‌اند در وقت آزادشان متکی می‌باشد. او به عنوان مثالی دیگر اظهار داشت هر چند افزایش در تعداد کودکان روسی در کابل وجود داشته است ولی مدرسه روسها هنوز با تنها یک ناظم و ۲ یا ۳ معلمی که به طور رسمی از مسکو اعزام شده‌اند سر می‌کند و برای بقیه کادر آموزشی خود به همسران پرسنل روسی که در محل استخدام شده‌اند وابسته است. پوزانف گفت که وزرای امور خارجه و دارایی شوروی آنقدر خسیس بودند که حدود یک تن نامه نوشته شد تا چیزی اضافه برای کارهای اداری از آنان گرفته شود، در نتیجه وی به ندرت تلاش می‌کند.

۱۴- با برگشت به مسئله تخلیه، پوزانف دولت ایالات متحده را برای قول دادن در این مورد که هیچ

گونه تبلیغاتی وجود نخواهد داشت سرزنش کرد و اشاره کرد که تبلیغات درست در روز بعد واقع شد. کاردار پاسخ داد که وی قبلاً توضیح داده بود که این جریان چگونه روی داده است.

۱۵- پوزانف سپس به مورد بحث قرار دادن نظرات کاردار در مورد روابط بدتر شده افغانستان با پاکستان، ایران و چین پرداخت. او اشاره کرد که هر سه کشور سیاستهای مداخله و تجاوز علیه افغانستان را که از کشورهایشان حمایت می‌شود دنبال می‌کنند. او متذکر شد علیرغم این تحریکات افغانستان برای بهبود روابطش با همسایه‌هایش قدمهای وسیعی برمی‌دارد. پوزانف سفر اخیر دوست به اسلام‌آباد را به عنوان دلیل اقامه کرد و گفت که افغانیها و پاکستانیها هنوز به نظر می‌رسد که برای سفر مشاور امور خارجه پاکستان به افغانستان آماده می‌شوند.

۱۶- پوزانف با اشاره به ایران یادآوری کرد که پرزیدنت تره‌کی و امین‌نخست‌وزیر اخیراً اظهار داشته بودند که آماده‌اند دوستی خود را با ایران علیرغم سیاستهای مداخله‌جویانه ایران وسعت ببخشند.

۱۷- پوزانف سپس به روابط افغانستان - آمریکا پرداخت و متذکر شد که علیرغم مخالفت آشکار از طرف آمریکاییها از قبیل تصمیم به قطع کمک، افغانها در تلاش بوده‌اند تا این رابطه را بهبود بخشند و متذکر شد که ۳ وزیر افغانی در جشن روز استقلال آمریکا شرکت کردند و گفت که این کار به معنای تمایل قوی افغانستان برای نشان دادن علاقه‌اش برای روابط خوب با آمریکا است. کاردار پاسخ داد که ما از شرکت ۳ وزیر در جشن قدردانی کرده‌ایم ولی دولت ایالات متحده به دنبال علائم واقعی و مهمتری است که افغانستان واقعاً دارای نیت روابط دوستانه با ایالات متحده می‌باشد.

۱۸- کاردار به عنوان نمونه‌ای از زمینه‌هایی که دولت افغانستان به هیچ صورتی در آن همکاری نکرده است به تحقیقات ناامیدانه در مورد مرگ سفیر دابز اشاره کرد کاردار با اشاره به اینکه چندین جنبهٔ مرموز در این واقعه وجود دارد که نیاز بدان دارد تا روشن شوند، از اینکه دولت افغانستان حتی زحمت این را به خود نداد تا به چهار یادداشت دیپلماتیک ما در مورد این موضوع پاسخ بگوید، اظهار تأسف کرد. او توضیح داد که در میان مشکلات اولیه این تحقیقات برخی سؤالات مهم در مورد اسلحه‌هایی که به کار برده شده وجود دارد. سفارت آمریکا درخواست نموده بود تا اسلحه‌ها را ببیند ولی از این کار امتناع شد. سفارت متعاقباً درخواست آزمایش گلوله‌هایی که از اسلحه‌ها شلیک شده بود را کرد ولی آن درخواست نیز رد شد. یک گزارش به اصطلاح رسمی دربارهٔ واقعهٔ چهار اسلحه رالیست کرده بود که توسط مقامات افغانی در صحنه یافت شده بود. هیچ کدام از آنها نمی‌توانست گلوله‌های کالیبر ۲۲ که سفیر دابز را کشته بودند شلیک کند. کاردار به پوزانف گفت که ما از جمهوری دموکراتیک افغانستان درخواست توضیحی در مورد این اختلاف را نموده‌ایم ولی هرگز جوابی دریافت نکرده‌ایم.

۱۹- سفیر پوزانف هیچ توضیحی دربارهٔ قضیه دابز ندارد ولی گفت که از هر دو طرف علائمی بایستی نشان داده شود. او یک بار دیگر در این رابطه از تبلیغات دولت ایالات متحده دربارهٔ تخلیه شکایت کرد و گفت که رفتار آتی افغانستان نسبت به ایالات متحده شایستگی یک چنین عکس‌العملی را ندارد. کاردار پاسخ داد که این موضوعی است که ایالات متحده بایستی در مورد آن تصمیم بگیرد. پوزانف تصدیق کرد که این موضوع واقعاً به دولت ایالات متحده مربوط می‌شود. او به هر صورت به صحبت ادامه داد و اضافه کرد که هر چند وی قصد ندارد که ما را راهنمایی کند ولی برداشت او این است که در کار دیپلماتیک بایستی روشی دو جانبه در جهت روابط خوب وجود داشته باشد. پوزانف جریان سالت - ۲ را در این رابطه به

عنوان دلیل اقامه کرد. او گفت که گزارشی از سخنرانی اخیر ونس در مورد سالت - ۲ در مطبوعات شوروی دیده است و آن را زیرکانه و متقاعدکننده یافته است.

۲۰- سرانجام با برگشت به اساس اصلی خود اعتراض، پوزانف گفت با رجوع به درخواست شما از ما درباره امنیت مسئله تخلیه، این کار به طور اشتباهی انجام شده است. او ابراز اطمینان نمود که افغانها برای کمک همه گونه تلاشی را به عمل خواهند آورد. کاردار ابراز امیدواری کرد که در مسئله تخلیه همکاری و تفاهم افغانستان وجود داشته باشد.

۲۱- با رجوع به نظرات پوزانف درباره مداخله ایران و پاکستان در امور افغانستان، کاردار گفت که چنین تجاوز نسبت داده شده‌ای هنوز ثابت نشده است. او اشاره کرد که اگر جمهوری دمکراتیک افغانستان مشکلی دارد این مشکل از طرف مردم خودش می‌باشد. پوزانف اظهار داشت که سندی قطعی از مداخله خارجی وجود دارد و گفت اگر فقط مشکلی از طرف مردم افغانستان وجود داشت، چرا جمهوری دمکراتیک افغانستان بایستی بگوید که مداخله‌ای وجود داشته است. پوزانف به صحبت ادامه داد و گفت که مداخله پاکستان علی‌الخصوص به طور غیر قابل تکذیبی مشهود است. او گفت در هر صورت آن ملاقاتهای سطح بالا بین افغانستان و پاکستان ایده خوبی است و توضیح داد «به آنها اجازه بدهید تا تصمیم بگیرند.» پوزانف همچنین اظهار امیدواری کرد که افغانها و ایرانیها بتوانند مسائلشان را حل کنند و گفت که این کار کمک خواهد کرد تا صلح را در این منطقه از دنیا برقرار کنند.

۲۲- پوزانف در پایان جزئیات چندی از برنامه همکاری شوروی در افغانستان را متذکر شد. او اظهار داشت که اتحاد شوروی اکنون ۱/۵ میلیارد دلار به صورت اعتبار به برنامه پنج ساله افغانستان اختصاص داده است. او علاوه بر این تصدیق کرد که حدوداً ۱۵۰۰ دانشجوی افغانی در اتحاد شوروی آموزش می‌بینند.

۲۳- نظریه: من این موضوع را که پوزانف برخلاف همکاری در مسکو بی‌جهت اعتراض مرا در خصوص مداخله شوروی در یک موضوع دوجانبه بین ایالات متحده و افغانستان رد نکرد، باارزش یافتیم. در حقیقت به نظر می‌آید که پوزانف به طور قابل توجهی در موضوعاتی که معمولاً ارتباطی به سفارت شوروی ندارد ذی‌علاقه است، مثل تبلیغات ما درباره عملیات تخلیه و تعداد پرسنل سفارتخانه ما. او در همه احوال تلاش نمی‌کند تا نقش خود را به عنوان فرماندار روسیه در اینجا پنهان سازد.

۲۴- من همچنین این را نیز جالب توجه یافتیم که پوزانف نخواست که با من بر سر اینکه تصمیم من مبنی بر اینکه تخلیه اشتباه است بحث کند.

۲۵- سرانجام، مایل هستم اشاره کنم که در پشت کاناپه‌ای که من روی آن نشسته بودم یک بلندگوی ۹ اینچی به طور برجسته‌ای قرار داشت که من آن را در ملاقاتهای قبلم هرگز ندیده بودم. من فقط می‌توانم این طور فکر کنم که آیا این بلندگو نوع ناجوری از یک میکروفن نیست؟

سند شماره (۵۱)

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزارت خارجه - واشنگتن دی. سی. فوری

شماره سند: ۵۶۸۳

موضوع: (محرمانه) امین نقش مستقیم تری در سرکوبی شورشیان به عهده گرفته است
خلاصه:

۱- (کاملاً محرمانه) نخست وزیر، حفیظ الله امین نقش مستقیم تری در سرکوب شورشیان داخلی برای حفظ رژیم به عهده گرفته است. او مسؤولیت کنترل مستقیم امور را در وزارت دفاع هم به عهده دارد. موقعیت مستحکم او نشان می دهد که او در صحنه حضور خواهد داشت. گر چه جایی که باید این توسعه ویژه در تناسب با بازیهای سیاسی آشکاری که اینجا در جریان است باشد هنوز مبهم است.

۲- (محرمانه) رادیو افغانستان، در اخبار عصر روز ۲۷ ژوئیه، حکمی را که طی آن پرزیدنت نور محمد تره کی تأکید بر تحکیم نقش نخست وزیر حفیظ الله امین در مبارزه با شورشیان محلی داشت قرائت کرد. بر طبق این اعلامیه هجوم ممتد نظامیان ایران و پاکستان در مقابل افغانستان این مسئله را ایجاد می کند که تره کی شخصاً رهبری دفاع کشور را به عهده گیرد و بر نیروهای نظامی احاطه و نظارت داشته باشد. گر چه تره کی، امین را دارد که مورد اعتماد اوست و امین گذشته از تمام وظایفش و همچنین اجرای دستورات تره کی، موظف است که به تدریج پیشرفتهای قابل ملاحظه ای در تلاش برای سرکوبی شورشیان را به او گزارش دهد. به علاوه، امین وظیفه دارد که امور مربوط به وزارت دفاع را تحت نظارت و راهنمایی تره کی انجام دهد.

۳- (خیلی محرمانه) تفسیر: جایی که باید این توسعه خاص بازیهای سیاسی آشکاری که در اینجا در جریان است در آن تناسب داشته باشد هنوز روشن نیست. هر چند آنچه که به نظر حتمی می رسد این است که از قدرت و شاید هم از پرستیژ سیاسی وزیر دفاع «محمد اسلام وطنجار» کاسته شده است. بسیاری از صاحب نظران عقیده دارند که وطنجار می تواند در تأسیس یک رژیم کاملاً اساسی نقش مهمی داشته باشد. زیرا او بسیار ملی گراتر از گروه تره کی - امین به نظر می آید و سرنوشت راههایی در مقابل او خواهد گذاشت که ممکن است به جهات مختلف توسعه های سیاسی بینجامد.

۴- (خیلی محرمانه) حداقل این اعلامیه اشاره به این نکته دارد که امین رل مستقیم تری در مبارزه جمهوری دمکراتیک افغانستان بر علیه نیروهای شورشی دارد. موقعیت امین نشان می دهد که او در صحنه خواهد بود و راه را برای ایجاد نوعی رژیم بر مبنای «جبهه ملی» هموار خواهد کرد. تردیدی که نسبت به وفاداری ارتش وجود دارد می توانسته فوراً این حرکت را ایجاد کند. از زمانی که رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان احساس کرده است که امین بیش از «وطنجار» که یک سرباز حرفه ای است، قادر است که شور انقلابی را به نیروهای نظامی القاء کند و از بیزاری و خستگی آنها بکاهد. در زمان انقلاب ۱۹۷۸ امین با بسیاری از افسران ارتش روابط شخصی داشت و بسیاری از آنها توسط امین به حزب آورده شده اند و اکنون پس از گذشت یک سال از تصفیه ها، با وجود شورشها و بی ثباتی، وضع موجود آن رابطه ها مشخص نیست.

سند شماره (۵۲)

تاریخ: ۲۹ ژوئیه ۷۹

از: سفارت آمریکا در تریپولی

به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: سری

شماره سند: ۱۱۸۵

موضوع: (سری) حمایت لیبی از انقلابیون افغانستان

۱- (تمام متن سری است)

۲- مقام وزارت امور خارجه به ما (به طور محرمانه) «اطلاع داد که جماهیریه انقلابیون افغانستان را پشتیبانی می کند. در جواب این سؤال که آیا این پشتیبانی شامل آموزش افراد ضد تره کی نیز می باشد، منبع جواب داد که از نظر مالی لیبی «ربع میلیون» دلار کمک نموده است، ولی از نحوه تسهیلات در رابطه با شورشیان اطلاعی ندارد.

۳- این مقام اطلاع داد که مقامات سیاسی لیبی در کابل با مشاهده بالا رفتن پرچم سرخ و ظهور تمایلات مارکسیستی رژیم جدید «در شگفتی» فرو رفتند. وی معتقد است که کمک لیبی به شورشیان موضوعی حساس در رابطه میان شوروی و تریپولی است. این حساسیت را می توان در توجه لیبی به افغانستان در وسایل ارتباط جمعی مشاهده نمود.

۴- نظریه: درست در زمانی که لیبی حمایت خود را از ساندنیستها و رژیم جدید نیکاراگوئه اعلام می دارد، حمایت آنها از شورشیان افغانی نیز دلیلی بر اثبات فعالیت های انقلابی جماهیریه می باشد. حتی نمایندگان شوروی نیز از حمایت لیبی در قبال گروه های آزادیخواه ملی آگاه هستند.

کوینلان

سند شماره (۵۳)

تاریخ: ۲۹ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اطلاعات اضافی در مورد سازمان ملی دفاع از انقلاب

۱- (محرمانه) خلاصه: اطلاعات تازه در مورد سازمان ملی برای دفاع از انقلاب اشاره بر این دارد که این سازمان جدید مکلف به ایجاد هواداری از رژیم در میان توده ها خواهد بود، ولی ما پیش بینی می کنیم که انطباق قابل ملاحظه ای در میان این سازمان های مختلف وجود داشته باشد. به نظر نمی آید که سازمان جدید هیچ گونه شکلی از یک «جبهه ملی» را به وجود آورد. (پایان خلاصه)

۲- مقاله ای در آخرین شماره روزنامه خلق، ارگان هفتگی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، اطلاعات بیشتری در مورد سازمان ملی جدید التأسیس دفاع از انقلاب در دسترس قرار می دهد (تکس مرجع). طبق گزارش، سازمان در میان دیگر سازمانها برای مبارزه علیه عکس العمل های داخلی و خارجی برای استقرار جامعه ای بدون استثمار بشر به وسیله بشر و برای به وجود آوردن اتحاد در میان نیروهای مترقی اجتماع مناسب تشخیص داده شده بود. به علاوه سازمان فعالیت های سازمان های دیگر از قبیل

PDPA با اتحادیه‌های کارگران و کشاورزان، کمیته‌های محلی برای دفاع از انقلاب، سازمانهای زنان و جوانان حزب و اتحادیه‌های روزنامه‌نگاران و واردات صادرات را به صورت نمایی متحد خواهد کرد. ۳- یک کنگره سازمانی (اطلاعات درباره حدود و تاریخ پیشنهادی اولین جلسه این کنگره هنوز ذکر نشده است) شورای مرکزی حدود ۳۵ تا ۴۵ عضو را انتخاب خواهد نمود. از میان این نمایندگان ۹ تا ۱۱ نفر به عضویت کمیته اجرایی انتخاب خواهند شد که رئیس آن به پیشنهاد PDPA انتخاب خواهد شد. سازمان در برگیرنده سازمانهای دیگر، واحدهایی در سطوح محله، بخش، شهر و استان در تمام کشور تأسیس خواهد کرد که از همتهای کشوری و حزبی خود مستقل خواهند بود ولی با آنان به طور هماهنگ همکاری خواهند کرد.

۴- یک گروه کار مأمور شده تا طرحهایی برای اولین کنگره و عضویت آن تهیه نماید و این طرحها را در ظرف ۲۰ روز به اداره سیاسی PDPA تسلیم نماید (زمانی که این کار شروع شد فاش نشده است). سرپرستی این گروه با عبدالکریم شهبایی جوزجانی (وزیر دادگستری و دادستان کل) است و دارای اعضای زیر می‌باشد: محمد صادق عالمیار (وزیر برنامه ریز)، خیال محمد کاتاوازی (وزیر اطلاعات و فرهنگ)، اسدالله امین (معاون دوم وزیر خارجه برای امور سیاسی)، و صالح محمد پیروز (معاون وزیر فعالیتهای عامه).

۵- (محرمانه) نظریه: گرچه وظایف ویژه سازمان خیلی مبهم باقی می‌ماند اما، ظاهراً سازمان مسؤل توسعه حمایت مردم از برنامه‌های کلی رژیم خصوصاً جنگ علیه شورشیان می‌باشد. در حال سازمان به طور آشکار مسؤل انجام فعالیتهای ضد شورشی رژیم نخواهد بود، چون که به نظر می‌رسد این مسؤولیت به عهده شورای عالی دفاع از سرزمین باقی بماند. ما انتظار داریم که اصطکاک زیادی در بین سازمانهای کشوری، حزبی و سازمان ملی دفاع از انقلاب وجود داشته باشد ولی ظاهراً رژیم با این وجود مجبور بود که سازمانی دیگر برای کار ویژه زندگی بخشیدن به چیزی که ممکن است به نمایش دلگرمی در میان حامیان رژیم خصوصاً در خارج از پایتخت ارزیابی شود، دایر نماید. در عین حالی که این گزارش به خصوص آن نیروهایی که از رژیم حمایت می‌کنند را به اتحاد دعوت می‌کند ولی به نظر ما این کار دعوتی برای هیچ‌گونه «جبهه متحد» که احتمالاً عواملی که حامیان طبیعی جمهوری دمکراتیک افغانستان شناخته نمی‌شوند را در بر بگیرد، نیست.

سند شماره (۵۴)

تاریخ: ۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت خارجه - واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: به نظر نمی‌رسد که ترمیم کابینه مخالفت رو به افزایش را خنثی کند

۱- خلاصه: احتمالاً مهمترین موضوع در رابطه با انتصابات جدید کابینه انصراف حفیظ الله امین از مقام وزارت امور خارجه و نقش مسلم آتی او به عنوان سرپرست وزارت دفاع می‌باشد. دیگر وزرا چهره‌های قدیمی هستند و چنانچه این تغییرات به منظور ارائه چهره‌های جدید و با اهمیت از این رژیم تحت فشار قرار گرفته طرح ریزی شده باشند، به خودی خود برای آرام کردن مخالفت رو به افزایش داخلی ناکافی هستند.

(پایان خلاصه)

۲- انتصابات شورای وزیران که در ۲۸ ژوئیه اعلام شد عبارتند از: دکتر شاه ولی (معاون سابق نخست وزیر بهزیستی عمومی) به عنوان معاون نخست وزیر و وزیر امور خارجه: دکتر صالح محمد زیری (وزیر سابق کشاورزی و اصلاحات ارضی) به عنوان وزیر بهزیستی عمومی: دکتر عبدالرشید جلیلی (وزیر سابق آموزش و پرورش) به عنوان وزیر کشاورزی و اصلاحات ارضی: سرگرد محمد اسلام وطنجار (وزیر سابق دفاع) به عنوان وزیر کشور، شرجان مزدوریار (وزیر سابق دفاع) به عنوان وزیر امور خارجه، صاحب جان صحرايي (وزیر سابق امور خارجه) به عنوان وزیر مشاور، و محمد سالم مسعودی (سفیر در بلغارستان و به مدت خیلی کوتاهی فرانسه) به عنوان وزیر آموزش و پرورش.

۳- نظریه: اعلامیه روز گذشته جمهوری دمکراتیک افغانستان که پرزیدنت نور محمد تره کی شخصاً کنترل نیروهای نظامی افغانستان را به دست می‌گیرد ولی مسؤلیت انجام مبارزه ضد شوروی رژیم و اختیار امور روزانه وزارت دفاع را به حفیظ‌الله امین تفویض می‌کند، آشکارا اشاره بر این داشت که رهبریت فعلی مبارزه بر علیه مخالفین داخلی را به عنوان وظیفه اصلی و اولیه خود تشخیص داده است. اعطای مقام وزارت خارجه به شاه ولی هیچ گونه فرسایشی را در قدرت سیاسی امین نشان نمی‌دهد و نیاز به تقبل هر گونه سفر خارجی از طرف امین در این موقع حساس را رفع می‌کند. بر عکس نقش بااهمیت تر شده امین در مبارزه با تجاوز خارجی که با انتصاب شاه ولی افزایش یافته است اشاره بر این دارد که امین در حال حاضر حتی زمان بیشتری برای اختصاص به مسائل داخلی دارد.

۴- هر چند به طور رسمی اعلام نشده بود که امین عنوان وزیر دفاع را به خود خواهد گرفت لیکن جا به جایی وطنجار به وزارت کشور تردیدی باقی نمی‌گذارد که امین حداقل به عنوان سرپرست وزارت دفاع فعالیت خواهد کرد. در این رابطه برخی از ناظران در اینجا معتقدند که انتقال یک افسر نظامی حرفه‌ای مثل وطنجار به منظور پیشگیری از هرگونه حرکت ارتش افغانستان برای ضبط قدرت سیاسی و به امید خنثی سازی جریان داخلی می‌باشد. (در این رابطه وطنجار در هر دو کودتای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ یک نقش مهم ایفا کرد.) در هر صورت دیگران فکر می‌کنند بدتر شدن وضعیت امنیتی در این جا نمایانگر سندی مشهود از عدم توانایی وطنجار در به دست آوردن نتایج مثبت می‌باشد.

و بر اساس این استدلال چنانچه رژیم می‌خواست شانسی واقعی برای تغییر اوضاع به نفع خودش داشته باشد، امین مجبور بود که قدم به میان گذارد.

۵- اگر این تغییرات به خصوص کابینه برای ادامه چهره‌ای جدید یا پایگاهی وسیعتر از رژیم طرح ریزی شده بودند که در نتیجه مخالفت را به طریقی ساکت نمایند، اینها به خودی خود، به طور اسفناکی ناکافی هستند، و احتمالاً اثر کمی روی جریان وقایع داخلی، خواهند داشت. اعضای فعلی دولت از زمان انقلاب یعنی پانزده ماه پیش در صحنه بوده‌اند و ما پیش‌بینی می‌کنیم هیچ کس از این روش «چهره‌های قدیمی در پستهای جدید» راحتی پیدا نمی‌کند. البته باید دید که آیا شرکت مستقیم امین در دولت پیشرفت مهمی در محدود کردن شورش ایجاد خواهد کرد یا خیر. ولی حداقل مسؤلیتهای جدید وی به نظر می‌رسد که او را در ارتباط نزدیکتر با نیروهای نظامی قرار دهد که پایه محکمی را برای سر پا نگاه داشتن جمهوری دمکراتیک افغانستان تشکیل می‌دهند.

سند شماره (۵۵)

از: سفارت آمریکا در اسلام آباد
به: وزیر خارجه واشنگتن دی. سی.

تاریخ: ۱ اوت ۱۹۷۹
طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۸۶۲۹

موضوع: ضیا ناصری با پروژه‌های جدید بازمی‌گردد

- ۱- تمام متن محرمانه
- ۲- ضیا ناصری افغانی - آمریکایی با مأمور سفارت در اول اوت در زمانی که در بازگشت از آمریکا به اسلام آباد وارد شد، با تلفن تماس گرفت. او گفت که چند هفته اخیر را در نیویورک و واشنگتن گذرانده است اما قادر نبوده است به اندازه لازم با اعضای کنگره به خاطر مسافرت تابستانی اعضای کنگره تماسهای مفیدی بگیرد.
- ۳- ضیا توضیح داد که بازگشت او به پیشاور برای آغاز یک پروژه جدید است که او آن را درمانگاه پشتو - آمریکایی برای آوارگان افغانی می‌نامد. او می‌گوید، درمانگاه در آغاز در شهر پیشاور پایه‌گذاری خواهد شد اما احتمالاً به نواحی نزدیک به جبهه افغانستان - پاکستان حرکت خواهد کرد.
- ۴- ضیا مدعی است که تعهد پشتیبانی شخصیتها و شرکتهای آمریکایی را برای تأمین منابع پزشکی، مواد و پرسنل برای راه انداختن درمانگاه در اختیار دارد. او وانت فولکس واگن خودش را با کشتی از نیویورک حمل کرده تا به عنوان آمبولانس برای طرح به کارگیرد. او در نظر دارد که اطبای بومی پاکستانی را استخدام کند تا درمانگاه را اداره کنند. تا هنگامی که او بتواند حمایت بیشتر به دست آورده و دکترهای آمریکایی را به کار گیرد.
- ۵- با وجود شروع کار یک درمانگاه بیماران سرپایی، ضیا تصور می‌کند که کار پیشرفت کرده به یک بیمارستان منظم می‌رسد. او در مورد جوار دولت پاکستان برای این طرح اطلاعی نداشت.
- ۶- نظریه: ضیا ناصری به مأمور سفارت گفت درمانگاه هدف اصلی او در این دیدار خواهد بود و او تنها به پیشرفتهای میان گروههای مخالف افغانی که با آنها تماس قبلی داشته است، گوش کرده و نگاه خواهد کرد. او پیشرفت کار درمانگاه را هنگامی که تا چند هفته دیگر به اسلام آباد بازگردد، به مأمور سفارتخانه گزارش خواهد داد.
- ۷- در حالی که ما نوع دوستی ضیا را تحسین می‌کنیم (که ما احساس می‌کنیم صمیمانه است)، ما انتظار داریم که او به موانعی که دولت پاکستان در سر راهش می‌نهد برخورد خواهد کرد. هم به علت مشکلات اداری و هم حساسیتهایی که نسبت به اعمال گذشته ضیا وجود دارد.

سند شماره (۵۶)

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.
شماره سند: ۵۸۲۰

تاریخ: ۱ اوت ۷۹
طبقه بندی: سری

موضوع: (سری) حمایت لیبی از شورشیان افغانستان

- ۱- تمام متن سری
- ۲- حمایت لیبی از شورشیان افغان (تلگرام عطف) در رابطه با عکس‌العملی است که سفیر محلی لیبی

در رابطه با رژیم خلقی از آغاز انقلاب ۲۸-۲۷ آوریل، ۱۹۷۸ اتخاذ کرده است. درست پس از این واقعه، رژیم خلقی طی یک حرکت تلاش نمود تا ماهیت مارکسیست لنینیستی خود را با عباراتی چون «ما حامی اسلام هستیم» در ظاهر تغییر دهد. پس از استماع این عبارت، الهادی عمرالحریک سفیر لیبی به سفیر آمریکا گفت: «تفاوت فاحشی بین این سخن که شخص به اسلام احترام می‌گذارد و این گفته که وی مسلمان است وجود دارد.

۳- دیپلماتهای لیبی نسبت به تغییر و تحولات افغانستان بسیار مطلع و واقفگرا هستند. آمستوتز

سند شماره (۵۷)

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزارت امور خارجه خارجه - واشنگتن دی. سی - فوری
شماره سند: ۵۹۶۷

موضوع: ارزیابی ابتدائی از شورش در بالاحصار

- ۱- (تمام متن سری است)
- ۲- خلاصه: به دنبال نبرد روز قبل بین شورشیان افغان و نیروهای وفادار به رژیم خلقی کابل در ۶ اوت آرامش خود را دوباره به دست آورد. پس از برقراری نظم، نیروهای طرفدار رژیم خلقی اعلام کردند که شورش از طرف «عوامل پاکستانی و ارتجاع ایرانی» انجام شده بود. این موضوع یکی از مبارزات شدیدی را که رژیم خلقی با آن درگیر بود نشان داده، ثابت می‌کند که قدرت به دست گرفتن اوضاع را نیز دارد. با این وصف، این واقعه مشکلات دیگری را برای رژیم خلقی و یاران روسیخ فراهم آورده است. (پایان خلاصه)
- ۳- با فرارسیدن سپیده دم در کابل در ۶ اوت، شهر کاملاً آرام بود و تحت کنترل شدید رژیم خلقی قرار داشت. به جز چند خیابان که دائماً بسته بود، آمد و شد در خیابانهایی که روز قبل به وسیله شنی تانکها تخریب شده بود مجاز اعلام گردیده بود.
- ۴- بسیاری از نبردهای ۵ اوت به نظر می‌رسید در بالاحصار، صحنه مبارزات متعدد تاریخی، در نزدیکی کابل متمرکز بوده است. اصولاً، این برخورد بین نیروهای شورشی و نیروهای مسلح و وفادار به رژیم خلقی صورت گرفت. علت آغاز این درگیری هنوز مبهم است. بعضی از منابع مطلع گزارش داده‌اند که عناصر شورشی حمله را آغاز کردند، ولی با عدم ورود نیروهای پشتیبان نتوانستند پیشرفتی بنمایند.
- با وجود اینکه نیروهای شورشی در درون بالاحصار می‌جنگیدند، ولی پرچم سرخ دائماً در بالای بالاحصار در اهتزاز بود این نشان‌دهنده این امر است که آنها نتوانسته‌اند کنترل کامل این مرکز نظامی را به دست گیرند. شورش ۵ اوت نیز، همچون قیام هزاره شیعه در ۲۳ ژوئیه نتوانست نیروهای حمایت‌کننده‌ای را در شهر جلب کند، گرچه در تمام طول شب تیراندازیهای پراکنده در کابل به گوش می‌رسید.
- ۵- به علت اینکه منطقه هنوز در اشغال نیروهای خلقی است نمی‌توان آمار و ارقام دقیقی از تلفات و خسارات به دست آورد، ولی صدای شلیک توپخانه و تانک و تیراندازی از طریق هلیکوپترها به طرف بالاحصار حدود دو ساعت به طول انجامید که خود نمونه کشتار بیرحمانه رژیم خلقی است. یکی از منابع

افغانی که توانسته بود به منطقه نبرد نزدیک شود اطلاع داد که تعداد بسیاری از شورشیان به قتل رسیده‌اند. از شماره تلفات بی اطلاع هستیم، ولی متوجه شدیم که رژیم به روی افرادی که در حال فرار از دروازه شهر به طرف تپه‌های مشرف بر بالا حصار بودند آتش گشوده است. هلیکوپترهای جنگی نیز در اطراف جاده لوگر کابل مشغول تیراندازی و پرواز بودند، که احتمالاً متوجه شورشیان فراری بود.

۶- امروز کابل حالتی خشمگین و نفرت‌بار به خود گرفته است. یکی از افغانها به مقام سفارت اظهار داشت: «اگر آنها تنها این هواپیماها را نداشتند، ما مسلمانها از آنها (شورشیان - مترجم) حمایت می‌کردیم. این اظهار نظر خود نشان‌دهنده مشت کوبنده رژیم خلقی علیه شورشیان است و در دل کسانی که خواهان پیوستن به شورشیان هستند، هراسی عظیم ایجاد می‌کند.

۷- اظهار نظر: یکی از نقاط ضعف اصلی رژیم خلقی در مبارزه بالا حصار در ۵ اوت آشکار گشت: کاهش اعتماد روزافزون، نسبت به سربازان عادی همچنین این حقیقت که رهبری خلقی دارای قدرتی مخوف برای سرکوبی است که عبارت است از حمایت نیروهای اصلی کشور چون واحدهای کماندو، بریگادهای مسلح، و نیروی هوایی. همچون انقلاب ۲۸-۲۷ آوریل ۱۹۷۸، نیروهای سوار زرهی این بار نیز ثابت کردند که یکی از عوامل مهم در کنترل کابل به شمار می‌روند. هلیکوپترهای جنگی نیز همین نقش را بازی می‌کند، البته با میزان کمتری. همانند درگیری یا قیام ۲۳ ژوئن، این بار هم رژیم خلقی دست به یک سری تبلیغات زد، به این ترتیب که توسط هلیکوپتر اعلامیه‌هایی را در اطراف شهر می‌پراکندند، و یا از طریق بلندگو آنها را قرائت می‌کردند، و یا از طریق رادیو و تلویزیون آنها را به صورت تبلیغات تجارتي پخش می‌کردند.

۸- مبارزه بالا حصار بسیار مشکلتر از مبارزه با قیام هزاره شیعه بود. در این درگیری دائماً باید مراقب وسایل و تجهیزات نظامی موجود در بالا حصار می‌بودند که این نگرانی را می‌توانستیم در چهره ناظران خارجی و برگزیدگان افغان مشاهده نماییم. پس از قیام هرات در ماه مارس و شورش جلال آباد در آوریل، دائماً گزارشهایی درباره فرار و پیوستن نیروهای نظامی به شورشیان می‌رسد که بعضی از این نیروها بسیار مهم نیز بوده‌اند. با وجود اینکه نیروهای نظامی کابل هنوز نسبت به رژیم وفادار مانده‌اند. اما فرار نیروی نیروهای انسانی ممکن است برای رژیم و ناظران روسی مشکلات فراوان به بار آورد. شوروی تا به حال کمکهای مادی، تجهیزات نظامی و مستشار در اختیار رژیم قرار داده است. تعداد مستشاران به حدود ۲۰۰۰ نفر رسیده که بسیاری از آنها مستقیماً فرماندهی واحدها را به عهده گرفته‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت که ماهیت درگیری شوروی در افغانستان همانند درگیری آمریکا در ویتنام است (برای مثل: به دست گرفتن کنترل تدریجی پایگاه هوایی باگرام توسط شوروی).

۹- در صورت ادامه وخامت نیروی انسانی، رژیم خلقی احتمالاً از شوروی تقاضای نیروهای رزمنده را خواهد نمود. که در نتیجه آن شوروی ممکن است نیروهای خود را به کابل، جلال آباد و ۳۶ منطقه دیگر برای «حراست نظامیان شوروی» گسیل دارد. (تبصره: محله میکرویان کابل که محل سکونت روسهاست در طول مبارزه پنجم اوت بوسیله نیروهای نظامی به شدت حراست می‌شد.) پایان اظهار نظر.

۱۰- گزارش امنیتی: به هیچ یک از مقامات آمریکایی در پنجم اوت آسیبی وارد نشد نمایندگی آمریکا همچنان به فعالیت عادی خود ادامه می‌دهد.

کتاب سیام

افغانستان (۲)

سند شماره (۱)

تاریخ: ۷ اوت ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزارت خارجه - واشنگتن دی سی - فوری
طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۶۰۱۶

موضوع: ماجرای ملاقات من با وزیر خارجه جدید
افغانستان دکتر شاه ولی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است.)

۲- خلاصه. پیروز من یک ملاقات دوستانه با دکتر شاه ولی، معاون نخست وزیر و وزیر خارجه جدید داشتم. من نامه تیریک وزیر خارجه - ونس - را به او دادم و در پاسخ شاه ولی از من خواست که به جای او تشکر کنم. او همچنین از من خواست تا وزارت را از این مسئله که افغانستان خواهان ایجاد روابط دوستانه ای با آمریکا است آگاه سازم و همچنین این مسئله که افغانستان خود را تهدیدی برای آمریکا به حساب نمی آورد، او اطمینان داشت که دولت آمریکا مانعی در راه اصلاحات اجتماعی و اقتصادی جمهوری دموکراتیک افغانستان نخواهد بود. او در باره تحریفات و رفتار غیردوستانه صدای آمریکا و همچنین مطبوعات آمریکایی در رابطه با مسئله افغانستان گله هایی کرد، اما زیاد در این باره صحبت نکرد. در اثنای مذاکره، ماجرای مرگ «سفیر دابز» به میان آمد و من او را به طور خلاصه به این نحو در جریان گذاشتم که دولت او در تلاش برای یافتن بعضی از اسرار این ماجرا همکاری نکرده است.

در جریان بررسی تقاضای دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان مبنی بر این که ما باید، ابعاد مأموریتمان را کم کنیم، من چنین گفتم که حالا زمان مطرح کردن این موضوع نیست و او هم موضوع را مطرح نکرد. وزیر خارجه امروز به قصد یک دیدار چهار روزه از بلغارستان اینجا را ترک خواهد گفت. پایان خلاصه.

۳- ملاقات من با وزیر خارجه یک روز پس از شورش بی نتیجه ارتش در روز پنجم اوت انجام گرفت. عصبی بودن رژیم از وضع امنیتی وزارت کاملاً مشهود بود.

در جلوی در ورودی دو مسلسل سنگین که روی پایه سوار بودند از میان پنجره های شیشه ای به بیرون نشانه رفته بودند و سربازهای اونیفورم پوش هم در اطراف آن ایستاده بودند. در اطاق جلوی وزیر خارجه، من به سربازی برخوردیم که با یک اسلحه آ-کی ۴۷ روی یک صندلی نشسته بود و به من نشانه رفته بود. وقتی که من به دفتر کار وزیر راهنمایی شدم، سرباز اسلحه اش را برداشت و پشت سر من به طرف درآمد. کابل این روزها اینچنین است.

۴- به نظر می رسید دکتر شاه ولی از دریافت پیام ونس، وزیر خارجه خوشحال است. او پیام را به دقت خواند و از این که وزیر خارجه آن را فرستاده بود خوشحال به نظر می رسید. من فکر می کنم که این ژست و عکس العمل به جا بود گرچه مطمئن نیستم که شاه ولی درباره صلح کوچکترین اختلافی با ما نداشته باشد. احتمالاً مهم ترین مسئله برای شاه ولی این بود که ارسال این پیام برای وزیر خارجه ایجاد درد سر کرده است.

۵- همان گونه که در خلاصه گفتم، شاه ولی از من خواست که تقاضای دولتش را برای ایجاد روابط

نزدیک با آمریکا منعکس کنم. با این فرض که حزب او مورد ستم واقع شده و درباره اش بد قضاوت شده است او دلیل آورد که دولتش هیچ گاه عملی برخلاف منافع ایالات متحده انجام نداده است و به ندرت در موقعیتی قرار گرفته است که بتواند برای آمریکا تهدیدی به حساب آید. او مطمئن بود که مردم آمریکا نمی توانند نسبت به اصلاحات اقتصادی و اجتماعی که رژیم برای ریشه کن کردن فتودالیزم انجام می دهد اعتراضی بکنند. من به او گفتم که این پیامش را خواهم رساند.

۶- ما حدود ۵۰ دقیقه صحبت کردیم. من قصد داشتم که خیلی زودتر از آنجا بروم، اما هر بار که خیال رفتن داشتم او سؤال جدیدی را پیش می کشید. در این موقعیت حساس و بحرانی در روابط ما، من تصور کردم که این خیلی مهم است که علاقه مند و حساس جلوه کنم و سعی کنم تا به میزانی روابط شخصیم را با این مرد گسترش دهم.

۷- شاه ولی خجالتی و در برخورد با اشخاص بیگانه کمروست، اما مانند ملاقات قبلی مان، آوریل گذشته، او به مرور زمان گرم و صمیمی می شود. او به نرمی و تقریباً نجوا مانند حرف می زند. هرگز زیاد صحبت نمی کند و غالباً در جواب دادن طفره می رود. او انگلیسی را به خوبی صحبت می کند. در آغاز ملاقاتمان، ما با هم عکس انداختیم، خواهیم دید که آیا این عکسها در مطبوعات محلی چاپ خواهد شد یا خیر.

او کسی را نداشت که در حال صحبت سخنانش را یادداشت کند.

۸- پس از بیان این نکته که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهان ایجاد روابط دوستانه با آمریکا می باشد، شاه ولی مختصراً درباره دو موضوع گله کرد. اخبار صدای آمریکا و انتقادات مطبوعات آمریکا. او روی این مسئله زیاد تکیه نکرد و من هم برای اینکه مناظره جدیدی شروع نکنیم چیزی نگفتم.

۹- در طول صحبت، جریان مرگ سفیر «دبیز» به میان آمد. من به طور مختصر او را از ناخشنودی خودمان در رابطه با عدم همکاری جمهوری دموکراتیک افغانستان در تحقیق این جریان آگاه کردم. به او گفتم که از آغاز آن ماجرای غم انگیز در ۱۴ فوریه، دولت او هیچ گونه علاقه به همکاری نشان نداده است. وزارتخانه او تاکنون به سه یادداشتی که اخیراً تقاضای اطلاعات خاصی را در مورد مرگ «دبیز» داشته است، هیچ گونه جوابی نداده است. من به شاه ولی گفتم که دلیل این اقدام کنگره مبنی بر رد دادن کمکهای اقتصادی به کشور او نقشی است که دولت وی در این ماجرا داشته است. جواب شاه ولی از روی بغض و کینه نبود. او گفت این مسئله که آمریکا کمکها را متوقف کند یا نه موضوعی است که مربوط به خود آمریکا می شود. در حالی که دولت آمریکا با تمام منابع و امکاناتش هنوز نتوانسته اسرار ترور پرزیدنت کندی را فاش کند، چرا باید انتظار داشته باشیم که دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان در برخورد با مرگ سفیر «دبیز» بهتر از آمریکا عمل کند.

۱۰- من همچنین به شاه ولی گفتم که در زمینه تقاضای آنها برای ایجاد روابط دوستانه با آمریکا، قبلاً هیچ اقدامی در مخالفت با جمهوری دموکراتیک افغانستان انجام نداده ایم، گرچه قبلاً از طریق اظهاراتی که در رادیو و مطبوعات کنترل شده دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان شنیده بودیم، این مسئله برای ما روشن بود که بعضی از اعضای دولت معتقدند که عملی در جهت مخالفت با آنها انجام داده ایم و بدون شک کوشش داشتند که این موضوع را به مردم افغانستان هم القاء کنند. من گفتم که این عمل نمی تواند. کمکی به بهبود روابط میان آمریکا و افغانستان کند. من از شاه ولی خواستم که اگر دلیلی مبنی بر دخالت آمریکا دارد

آن را ابراز کند. شاه ولی در این مورد چیزی نگفت.

۱۱- تفسیر. من قصد دارم که از ابراز تمایل شاه ولی در مورد بهبود روابط به عنوان وسیله‌ای برای حل بعضی از مشکلات فوریمان استفاده کنم. گمان می‌برم که تا چند روز دیگر باید درباره پاسپورت افراد گارد دریایی مان به ملاقات معاون وزیر امور خارجه بروم. او تاکنون از بازگرداندن آنها به آمریکا امتناع ورزیده است. این مسئله در ارتباط با تقاضای جمهوری دموکراتیک افغانستان مبنی بر محدود کردن ابعاد مأموریت ماست. من به «راست» خواهم گفت که اگر تقاضای شاه ولی مبنی بر ایجاد روابط دوستانه بین دولتهای آمریکا و افغانستان خالصانه بوده باشد، من امیدوارم که این صحبت با استرداد فوری پاسپورتها و با تقاضای ویزای ورود و خروج ثابت شود.

۱۲- من نمی‌دانم که نفوذ شاه ولی در وزارت خارجه در مورد این مسئله تا چه حد است. حفیظ الله امین هنوز یکی از قدرتمندترین مردان دولت است و بنا بر اطلاعات ما او نقش مهمی در وزارت خارجه به عهده دارد. من درباره نظریات دکتر شاه ولی راجع به آمریکا هم زیاد مطمئن نیستم، با وجودی که او سعی داشت نسبت به من رفتار دوستانه‌ای داشته باشد. او ادعا می‌کرد که یکی از تحسین‌کنندگان آمریکاست، اما به تصور من او فقط ادعا می‌کرد. در زمان وزارت بهداشت عمومی و همچنین طرحهای اجرائی، او همیشه به شکل مانعی در برخورد با هیئت نمایندگی کمکی آمریکا به چشم می‌خورد. به طور کلی، ما او را یکی از اعضای مصمم و سازناپذیر دفتر سیاسی تشخیص داده‌ایم و به نظر ما به هیچ وجه دوست آمریکا نیست. ۱۳- من ملاقاتی با سفیر بریتانیا - کروک - داشتم. او چند روز قبل با شاه ولی دیدار کرده بود و به من گفت که آنها ملاقات غیردوستانه‌ای داشته‌اند (به خصوص در مورد بی.بی.سی.). آمستوتز

سند شماره (۲)

تاریخ: ۸ اوت ۷۹

از: هیئت نظامی آمریکا در ناتو

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

طبقه‌بندی: سری

رونوشت: سفارت آمریکا تهران

شماره سند: ۵۶۱۵

موضوع: بحث مشاوران سیاسی راجع به افغانستان (سری)

۱- (سری - تمام متن)

۲- در جلسه ۷ اوت کمیته سیاسی، انگلستان، آلمان فدرال، کانادا و ترکیه قطعنامه‌ای در مورد اوضاع افغانستان ارائه دادند. متن قطعنامه در پاراگراف ۶ نقل شده است. نماینده انگلیس که پیشنهاد کرده بود که موضوع افغانستان در جلسه بحث شود از قطعنامه قدردانی نمود و توصیه کرد که به علت تغییر و تحول اوضاع در افغانستان، مدیران سیاسی در جلسه آینده هم راجع به افغانستان صحبت کنند. نسبت به این مطلب هم توافق شد.

۳- نماینده ایالت متحده علاقه واشنگتن را نسبت به یک ارزیابی توافق شده در قبال مداخله شوروی در افغانستان، ابراز نمود (قطعنامه نوشته شده درباره این موضوع به طور مفصل بحث می‌کند.) و گفت که باید راجع به این موضوع به طور مداوم در جلسات بحث شود. نماینده کانادا، در جواب توضیحات نماینده

آمریکا در مورد تخلیه موقت وابسته‌های آمریکا و کارکنان غیر ضروری از کابل، گفت که کاناداییها هم در مورد جریان تخلیه «علاقه‌مند» هستند. او ادامه داد و نظرات اتاوا (پایتخت کانادا) را در مورد اینکه نهضت شورشیان تا هنگامی که یک رهبری ضد ترکی به وجود آید، که تا به حال چنین نبوده است، غیر مؤثر و جزئی باقی خواهد ماند. نماینده کانادا خواهان نظرات و اطلاعات احتمالی سایرین راجع به این، شد.

۴- ایتالیاییها تقاضا کردند که کودتای پنج اوت موضوع بحث در جلسه بعدی مدیران سیاسی باشد. نماینده آلمان فدرال گفت که مقامات آلمانی مطمئن نیستند که آیا تغییرات اخیر کابینه دولت به علت میل به افزایش کارایی بوده است، یا به دلیل ترس از احتمال توطئه داخلی شوروی.

۵- کارهایی که باید انجام شود: جلسه بعدی مشاوران سیاسی در ۲۱ اوت خواهد بود. ما از نظریه NLTOOB واشنگتن تشکر می‌کنیم. نظرات واشنگتن راجع به این قطعنامه و سایر نظرات گوناگون به طور شفاهاً گفته شد.

۶- شروع متن مقاله‌های مربوطه:

شروع متن مقاله نماینده کانادا:

اوضاع در افغانستان

مخالفان داخلی

۱- حرکت قبیله‌ای مخالفان در افغانستان به آرامی ولی مداوماً در حال افزایش است. اگر چه دولت همچنان تسلط خود را بر مراکز عمده شهری و شبکه جاده‌های اصلی، حفظ می‌کند، ولی قدرت و کنترل خود را در مناطق خارج از شهر و روستائی از دست داده است.

۲- اگر چه مخالفت‌های مسلحانه در حال افزایش است، اما هنوز از یکدیگر مجزای می‌باشند و نشانه‌های مشهودی هم برای تبدیل به یک نیروی منسجم وجود ندارد. هنوز ظرفیت لازم برای همکاری کافی در مسائل نظامی به منظور بیرون راندن رژیم ترکی مهیا نشده است. علیرغم عنصر عدم وفاداری در نیروهای مسلح و مشکل اسلحه و کمبود لوازم یدکی، به نظر می‌رسد دولت قادر است خود را در مراکز شهری که برای وجودش حیاتی است، باقی نگهدارد.

روابط افغانستان، پاکستان

۳- پاکستان به پذیرش و کمک به پناهندگان افغانی حمایت شده ادامه می‌دهد، در عین حال که حداکثر تلاشش را برای محدود کردن فعالیت‌های سیاسی - نظامی پناهندگان انجام می‌دهد. تلاش پاکستان در منطقه ممکن است ثمراتی داشته باشد. در اینکه نمایندگان شوروی و تاس در طی دو هفته اخیر در مورد پاکستان و روابط پاکستان - شوروی تعارفات شفاهی اظهار می‌کنند، ما می‌گوئیم «ممکن است» چنین فعالیت‌هایی به وسیله چیزهایی غیر از وقایعی در افغانستان، مثلاً تعدی کردن به مواضع نسبتاً مورد علاقه چین در پاکستان، به وجود آمده باشد.

۴- کاهش اخیر اتهامات شوروی و افغانستان در مورد اینکه پاکستان از طریق حمایت فعال از آشوبگران پناهنده از نیروهای شورشی حمایت می‌کند، ممکن است به کاهش درگیری مرزی کمک کند، معهداً تعداد تقریبی ۱۲۵۰۰۰ پناهنده در اردوگاهها و همچنین هزاران پناهنده دیگر افغانی که به جای

خویشاوندان مرزنشینان زندگی می‌کنند، تحمیلی است بر استطاعت مالی و تحمل پاکستان. مشغله فکری پاکستان از حضور و نفوذ شوروی در افغانستان غیر قابل پیش بینی است و عاملی بالقوه جهت ایجاد عدم ثبات در منطقه می‌باشد. وجود عناصر معقول در سیاست خارجی پاکستان که شامل بعد «اسلامی» نیز می‌شود در این مسئله نقش دارند (منظور از مسئله بی‌ثباتی در منطقه است - مترجم).

نقش شوروی

۵- به نظر می‌رسد که تا آنجایی که به موضع شوروی مربوط می‌شود، تغییر اندکی در طی دو ماه اخیر صورت گرفته است. در حالی که شایعات مبرمی وجود دارد که حاکی از آمادگی شوروی برای برکناری رهبری ترکی به نفع گروهی که قابل قبول تر برای توده‌های افغان باشند، می‌باشد. هیچ دلیل منطقی در حمایت این مدعا وجود ندارد. در حقیقت هدف اصلی شوروی بایستی این باشد که افغانستان را به طور نزدیکی تحت سلطه شوروی نگهدارد و هیچ تغییر قدرتی در افغانستان نباید قادر به مداخله در سطح جدید روابط افغان-شوروی باشد. بنابراین، در حال حاضر به نظر می‌رسد که روسها به طور قطعی تصمیم گرفته‌اند که به حمایت از رژیم فعلی حتی تا مرحله نزدیک دخالت مستقیم ادامه دهند، در حالی که برای یافتن رهبری جدیدی نیز تلاش می‌کنند که، در عین حالی که به آنها اجازه حضور فعال بدهد، دولت مطبوع‌تری را نیز به مردم افغان ارائه کند.

نتیجه

۶- دعوت ملاهای افغان برای جهاد علیه رژیم ترکی - امین به ظهور یک رهبر در بین گروههای چریکی منتهی نشده است. شواهدی هم مبنی بر ایجاد یک چنین رهبری نیز در دست نداریم و تا آن هنگامی که مخالفین سازمان داده نشده باقی بمانند به نظر می‌رسد که مبارزه محدودتر از آن باشد که به درازا بکشد. پایان متن

شروع متن اعلامیه جمهوری فدرال آلمان

یادداشت‌های گفتگو

موضوع: افغانستان: نظراتی در مورد اشغال شوروی

- ۱- وضع امنیت داخلی افغانستان به سرعت به وخامت می‌گراید. رژیم طرفدار مسکوی ترکی ظاهراً با مشکلاتی مواجه شده است. علیرغم حمایت نظامی حجیم شوروی در ارسال مقادیر معتناهی اسلحه و استفاده از سه تا سه هزار و پانصد مستشار نظامی (که برخی از آنها در سمت فرماندهی می‌باشند)، دولت مرکزی افغانستان تا به حال قادر به شکستن مقاومت توده‌های عظیم مردم که شدیداً انگیزه مذهبی دارد، نبوده است. برعکس گروههایی که مقاومت می‌کنند به طور فزاینده‌ای موفقیت‌هایی به دست آورده‌اند، بدون حمایت شوروی احتمالاً رژیم مدتها قبل سقوط کرده بود
- ۲- این بدان معنی است که، تا آنجایی که به شوروی مربوط است، به زودی مجبور خواهد شد در مورد درگیریهای آینده‌اش در افغانستان تصمیمی بگیرد.
- ۳- احتمالاً می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که مسکو رژیم فعلی در افغانستان را ساقط نخواهد کرد.

چون یک منطقه‌ای را که منافعی برای شوروی خواهد داشت از دست خواهند داد و اگر افغانستان را به جنگ بیاورند، فاصله آنها با هدف ژئواستراتژیکشان (جغرافیائی استراتژیک) یعنی اقیانوس آرام به ۵۰۰ کیلومتر تقلیل پیدا خواهد کرد. اگر افغانستان به یک وضعیت کم و بیش اسلامی بازگردد، مسکو به احتمال زیاد، یک همسایه ضد روسی خواهد داشت. جدا از یک چنین عقب نشینی سیاسی گرفتاری در سایر نواحی تحت نفوذ شوروی و عناصر مسلمان جمعیت شوروی را نمی‌توان مستثنی کرد.

۴- تعویض احتمالی حکام فعلی در کابل با دولتی که در نظر دنیای خارج کمتر طرفدار شوروی جلوه کند (این آن چیزی است که در حال حاضر شوروی ظاهراً سعی می‌کند انجام دهد) به سختی می‌تواند نفوذی بر نهضت‌های مقاومت داشته باشد. آنها علیه اعضای رژیم فعلی نمی‌جنگند بلکه علیه ایدئولوژی کمونیستی، که برای آنها، ابتدا به وسیله حضور شوروی در کشور نمایان شده می‌جنگند.

۵- بنابراین، اگر مسکو بخواهد موقعیت فعلیش را حفظ کند، باید تعهدات و تلاش‌های خود را تقویت کند. اخیراً مطبوعات روسی اظهار کرده‌اند که امکان دارد استفاده فعال از واحدهای نظامی شوروی در حمایت از رژیم ترکی، در مد نظر گرفته شود. مطابق ماده چهار پیمان دوستی بین اتحاد شوروی و افغانستان، پس از مشورت دو جانبه اتحاد شوروی محق است که به منظور حفظ امنیت، استقلال و تمامیت ارضی افغانستان وارد عمل شود.

چنین مطلبی می‌تواند به طور سیاسی و روانشناسانه و از طریق انتشار حمایت از «شورشیان» و به وسیله «هجوم» پاکستان در مطبوعات اتحاد شوروی و افغانستان، قبولانده شود، برای اولین بار، افغانستان در مطبوعات شوروی به عنوان یکی از اعضاء جامعه سوسیالیستی که می‌تواند موضوعات خود را مطابق نظریه‌های برژنف انجام دهد، توصیف شده است.

۶- بعید به نظر می‌رسد که اتحاد شوروی درگیری خود را تا سطح دخالت نظامی پیش ببرد، زیرا چنین کاری منجر به یک ریسک خطرناک خواهد شد. اول از همه چنین قدمی باعث تحریک عکس‌العمل‌های منفی خواهد شد. به ویژه در میان عربها و دنیای اسلام. اما هنوز ممکن است که مسکو برای یک چنین ریسکی آماده باشد.

۷- اما مسئله جدی‌تر مقاومتی است که انتظار می‌رود توده افغانی نشان دهد و عواقب حاصله آن برای اتحاد شوروی خواهد بود. ملت افغان به هیچ چیز به اندازه آزادی‌شان اهمیت نمی‌دهند و تا این زمان قادر بوده‌اند که از خود در قبال تمام خارجیانی که ادعای برتری کرده‌اند دفاع کنند و هرگز وادار به پذیرش حاکمیت استعماری از هر نوعی نشده‌اند. در صورت مداخله شوروی، جمعیت افغانها تمامی دعوای قبیله‌ای موجود را ندیده گرفته و علیه هجوم شوروی همچون یک فرد قیام خواهند کرد.

۸- قابل تردید به نظر می‌رسد که اتخاذ شوروی قادر باشد بر این مقاومت غلبه کند. غیر قابل دسترس بودن نواحی (۸۰ درصد نواحی افغانستان با کوهستانهایی که برای چریکها مطلوب است پوشیده شده) روحیه جنگجویی قبایل کوهستان‌نشین و ساخت محتمل می‌سازد. بایستی در نظر گرفته شود که یک مداخله منجر به جنگ چریکی مستمری خواهد شد که نتیجه آن کاملاً نامشخص می‌باشد و برای یک مدت طولانی نیروهای روس را زمین‌گیر خواهد کرد.

۹- هیچ تردیدی نیست که اتحاد شوروی به عمل کردن در جهت حمایت از رژیم کابل ادامه خواهد داد. سلاح‌های بیشتری فرستاده خواهد شد و شمار مستشاران روسی افزوده خواهد شد. همچنین می‌توان

نتیجه گرفت که مسکو احتمالاً از واحدهای نظامی ازبکستان و تاجیکستان که هنگامی که به لباس افغانی ملبس شوند، از نقطه نظر جسمی و لهجه‌ای غیرقابل تشخیص خواهند بود، استفاده کند. در حال حاضر مشکل است بتوان تشخیص داد که آیا مسکو واقعاً آماده پذیرش مخاطره دخالت نظامی هست یا نه؟ پایان متن.

شروع متن مقاله ترکیه

افغانستان

برداشت عمومی بعد از کودتای آوریل ۱۹۷۸ چنین بود که رژیم جدید برای ریشه دواندن، دوران مشکلی در پیش دارد و شخصیت مستقل و محافظه کار مردم افغانستان به آسانی به سمت رژیم طرفدار شوروی با ماهیت کمونیستی نخواهد رفت.

این پیش‌گویی به حقیقت پیوسته است. ابتدا چادرنشینها در حاشیه مرزهای بین‌المللی کشور از پذیرش حاکمیت رژیم سرباز زدند، مقاومت آنها تدریجاً تا آنجا گسترده شد که در مارس ۱۹۷۹ در هرات و سپس در ۲۳ ژوئیه و در طول تعطیلات آخر هفته در کابل جنگ در گرفت. علیرغم تلاش دولت جهت تاویل ناآرامیها به عنوان تحریکات خارجی، به نظر می‌رسد که نیروهای اصلی در پشت آن، همان ناسازگارهای فوق‌الذکر باشد.

بدیهی است که ایران و پاکستان رژیم افغانستان را به دیده صمیمت نمی‌نگرند و آن را به عنوان تضاد با رژیم اسلامی خویش تلقی می‌کنند. با وجود این هیچ کدام از دو کشور در موقعیتی نیستند که بتوانند عملی انجام دهند.

پاکستان: وضعیت اقتصادی و انزوای او در منطقه عوامل مؤثری در موضع وی می‌باشند، این مطلب که چادرنشینانش در طول مرزهای افغانستان عملیاتی بر علیه افغانستان به عهده دارند، با وجود و یا عدم وجود افغانستان این یک مشکل اصلی برای پاکستان است که نظم و حاکمیت دولت را در آن نواحی اعمال کند. او (پاکستان) ناچار است که در طول نواحی مرزی ناهموارش متوسل به عملیات نظامی سنگین شود. ایران: با وجود اعلامیه‌های مختلفی از جانب رهبران مذهبی مبنی بر محکوم کردن ظلمی که بر همنوعانشان در افغانستان می‌رود مشکل است که در شرایط فعلی منتظر حرکت اساسی تری از جانب ایران باشیم.

به همراه مخالفت‌های محلی نسبت به رژیم افغان، گروه‌های مختلفی نیز تشکیل شده‌اند که در بعضی کشورهای اروپایی و هندوستان تظاهراتی به راه انداخته‌اند، خصیصه اصلی گروه‌های مخالف چه داخلی و چه خارجی افغانستان، چه مسلح و چه غیرمسلح، ماهیت مستقل آنها از یکدیگر، فقدان هماهنگی در بین رهبرانشان می‌باشد. این کمبودها از احتمال موفقیت می‌کاهد.

موضع شوروی در قبال مخالفت‌های محلی قویتری در افغانستان اهمیت قابل توجهی خواهد داشت. ژوئن امسال، شایعاتی مبنی بر احتمال مداخله شوروی در محافل دیپلماتیک کابل وجود داشته است. یک سفیر عرب به همتای ترکش گفت که ترکی در هشتم ژوئن به منظور تقاضای واحدهای نظامی شوروی به مسکو رفت و اینکه روسها تقاضای او را رد کردند و فقط رهبران افغان را مطمئن کردند که کمکهای اقتصادی ادامه خواهد یافت. قید معاهده دوستی در کشور مبنی بر تسریع در فراهم آمدن واحدهای نظامی

روسی، به عنوان حاصل یکی از تقاضاهای افغانستان گنجانیده شده بود. واضح است که رهبران شوروی آن را به عنوان آخرین توسل می‌نگرند و حتی بعداً مجبور درگیر شوند، شبیه به ماجرائی که در ویتنام اتفاق افتاد به هر حال در صورت وخیم تر شدن وضع ترکی.

خواهند شد در حالی که فرضیات زیرا در ذهن دارند با وضعیت بسیار محتاطانه مقابله نمایند.

چنین قدمی می‌تواند منجر به نزدیکی چین - پاکستان - ایران و ایالات متحده شود.

بدین قرار روسها می‌توانند عمل به نفع چینها را خاتمه بخشند. روسها ممکن است با مردم افغان مستقیماً درگیر شوند، شبیه به ماجرائی که در ویتنام اتفاق افتاد. به هر حال در صورت وخیم تر شدن وضع ترکی، روسها می‌توانند یک تغییراتی در مارکسیستهای افغانستان ایجاد کنند و بدین ترتیب سعی کنند تا ظاهری مشفقانه را حفظ کنند. به نظر می‌رسد که این طرح از احتمال بیشتری برخوردار است. آنها ممکن است در مورد به قدرت رساندن فرد دیگری از حزب ترکی فکر کنند و یا حتی حزب پرچم را که قبلاً به وسیله حزب خلق از صحنه خارج شده بود، به قدرت برسانند. پیش بینی اینکه این مسئله با خونریزی و یا بدون خونریزی صورت گیرد، مشکل است. اگر در بین مارکسیستها جنگ قدرت پیش آید این می‌تواند شانس خوبی به مخالفان ارائه کند.

قبلاً شواهدی بروز کرده که حاکی از آن است که تمامی کشورهای بلوک شرق از ترکی راضی نیستند. تذکرات زیر که به وسیله سفیر آلمان شرقی و سفیر تازه وارد ویتنام به سفیر ترکیه گفته شده، در این متن توضیح داده می‌شود. (جمهوری دموکراتیک آلمان) علل مشکلات رژیم در سری اشتباهاتی است که مرتکب شده است. در شرایطی که، مقاومت گسترده دفاعی در تمامی کشور علیه رژیم وجود دارد، دیگر جای هیچ گونه اشتباه جدیدی باقی نمانده است. از این به بعد رهبران مجبورند بسیار ملاحظه کار باشند. اولین قدم اشتباه، درست مانند بازی شطرنج، می‌تواند به باختن در این بازی منجر شود. آنهايي که مقاومت می‌کنند بدون استثنا حتی زنان و کودکان، تحت بازداشت قرار می‌گیرند. همه می‌دانند که این کار مؤثر نیست. در مجموع به نظر می‌رسد که حمایت روسها ادامه دارد. شاید در کوتاه مدت و به صورت داخلی و مخصوصاً از خود حزب، جانشینانی ظاهر شوند.

(ویتنامها) علیرغم اینکه تازه وارد شده‌ام، مشکل نیست که بحران داخلی را ببینم، این بحران از فاصله‌ای که بین رهبران و مردم وجود دارد و خط مشی سرسختانه‌ای که در قبال شورشیان در پیش گرفته و بالاخره از اصلاحاتی که بدون مقدمات لازم صورت گرفته است، ناشی می‌شود. اینها همچنین ممکن است که دلیل آخرین تغییرات در کابینه دولت باشد.

روابط افغانستان را با کشورهای بلوک غرب نمی‌توان خوب توصیف نمود تا چندی پیش رهبران تأکید کردند که خواهان روابط حسنه با آمریکا می‌باشند، اما پس از قتل سفیر آمریکا در افغانستان که منجر به سرد شدن روابط بین دو کشور شد، آنها در اعلامیه‌های عمومی‌شان از فرانسه، انگلیس و آمریکا به عنوان اولین کشورها در جرگه کشورهای مخالف رژیم افغانستان یاد کرده‌اند.

روابط ایران و افغانستان هنوز متشنج می‌باشد. در هر موقعیتی افغانها از رهبران مذهبی ایران به عنوان «رهبران متعصب» یاد می‌کنند و در پشت هر شورشی به دنبال رد پای شیعه و یا ایرانیها می‌گردند. در دیدار ماه ژوئیه «دوست» معاون وزیر امور خارجه افغانستان باب مذاکره با پاکستان را باز کرد. مقامات پاکستانی برداشت خود را مبنی بر اینکه «دوست» اختیارات چندانی نداشته و در طی دیدارش کار مهمی

انجام نداده به سفارت ترکیه ابراز کردند. معه‌ذا درست بعد از این دیدار بود که احتمال یک دیدار توسط آقاشاهی مشاور امور خارجی پاکستان به منظور فراهم آوردن ملاقاتی بین ترکی و ژنرال ضیا قوت گرفت. پایان متن.

شروع متن مقاله انگلستان

افغانستان

۱- گزارشات اخیر نشانگر این مطلب است که توانایی رژیم ترکی در کنترل اوضاع به طور فزاینده‌ای متکی به حمایت‌های نظامی شوروی می‌باشد. از نقطه نظر شوروی ابقاء یک دولت دوست و همگام با شوروی به مراتب از ابقاء ترکی یا امین مهمتر است. اما ما نباید بدین طریق نظر شوروی را نسبت به «انقلاب افغانستان» ناچیز بشماریم.

۲- روسها بر این مسئله که یک انقلابی در افغانستان به وقوع پیوسته و اینکه انقلاب نمایانگر سود سرشاری برای مردم افغانستان بوده و از لحاظ کیفی یک خصیصه جدیدی به روابط شوروی - افغانستان بخشیده، سرمایه بسیاری گذاشته‌اند. با وجود اینکه افغانستان در عمل به صورت عمده‌ای به اتحاد شوروی وابسته بماند یا نه، اگر رژیم غالب انقلاب را رد کند، روسها، آن را به عنوان یک عقب گرد می‌نگرند. آنها اگر دلیلی برای هراس از یک عقب گرد ضدروسی داشتند بیشتر نگران می‌شدند.

۳- اگر هیچ جانشینی برای ترکی و امین که احتمالاً ماندنی هستند نباشد که لاقلاً از طریق صحبت و سخنرانی به ادامه انقلاب کمک کند، روسها تا حد قابل ملاحظه‌ای در حفظ رژیم کنونی پیش خواهند رفت.

خسارات مداخله نظامی مستقیم با تعداد زیادی از واحدهای نظامی روسی که به طور مشهود تحت فرماندهی روسها باشد و مستقیماً عمل کند، زیاد است و بعید است که روسها از آن استفاده کنند. عملی که روسها احتمالاً ترجیح می‌دهند و شواهدی هم بر آن وجود دارد این است که به بهانه وخامت اوضاع داخلی که به علت مداخله عوامل خارجی ایجاد شده و امنیت و استقلال و تمامیت ارضی تهدید شده، طبق ماده چهار عهدنامه دوستی بین افغانستان و شوروی، حضور نظامی خود را تقویت کنند.

۴- روسها بیشتر از آنچه که واقعاً لازم دارند در افغانستان مانده‌اند، ولی اکنون در وضعیتی قرار دارند که نمی‌توانند به راحتی و بدون آبروریزی زیاد و خسارات زیاد به منافعشان، عقب نشینی کنند.

۵- در رابطه با موضوع بالا، اگر جانشینی برای ترکی و امین در دسترس باشد روسها مایلند که دست به کار شوند. مشکل اینجاست که اگر جانشینی هم برای ترکی و امین پیدا شود مشکل است که بتواند پایگاه توده‌ای برای خودش کسب کند، مگر اینکه این جانشین نشان دهد که به طور قابل ملاحظه‌ای کمتر از ترکی و امین به شوروی وابسته است. حتی اگر روسها تصمیم بگیرند که موقعی که رژیم جانشین سرکار می‌آید دهنه را شل کنند (منظور دادن اختیارات بیشتر می‌باشد - مترجم)، گروه سیاسی وجود ندارد که این نقش را به عهده بگیرد. یک رژیم نظامی ممکن است یک نوع جانشین باشد. ممکن است در نظر مردم ارتش به اندازه کافی فرق داشته باشد که با حزب خلق به یک چوب رانده نشود. روسها ممکن است به سهم خودشان راضی باشند که اگر تعداد زیادی افسر افغانی در روسیه تربیت شوند، می‌توانند آنها را به ادامه

نفوذشان در افغانستان مطمئن سازند.

به هر حال، هر چند که ترتیب یک کودتا را دادن برای روسها آسان می‌باشد، ولی دلایل خوب و کافی وجود دارد که نسبت به وفاداری و قدرت ارتش برای پذیرفتن مسئولیتهای زیادتیر، شک نمود.

سند شماره (۳)

تاریخ: ۸ اوت ۷۹

از: سفارت آمریکا کابل

به: سفارت آمریکا مسکو

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: مقام بلندپایه شوروی در اکتبر گذشته

از کابل دیدار کرده است.

۱- (تمام متن محرمانه)

۲- یک سفیر آسیای جنوبی در کابل از قول سفیر آلمان شرقی هرمن شوسیائو گفته است که «مرد شماره چهار شوروی در اکتبر گذشته از کابل دیدار نموده است.» سفیر آسیای جنوبی فکر می‌کند که منظور شوسیائو، شخصیت روسی، اکیریلنکو می‌باشد.

۳- آیا سفارت آمریکا در مسکو یا وزارت امور خارجه از هویت شخصی که شوسیائو بدان اشاره می‌کند اطلاع دارند یا خیر؟

آمستوتز

سند شماره (۴)

تاریخ: ۱۹ اوت ۷۹

از: سفارت آمریکا آنکارا

به: وزارت امور خارجه واشنگتن، دی سی. فوری

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: نقطه نظرهای ترکیه در مورد افغانستان

۱- کل مطلب محرمانه است.

۲- این یک گزارش اطلاعاتی است. هیچ گونه اقدامی لازم نیست.

۳- خلاصه: نظریات مقامات (وابسته به وزارت امور خارجه) در روزهای اخیر نشان داده است که برداشتهای دولت ترکیه از اوضاع افغانستان، عموماً شبیه تجزیه و تحلیل‌های آمریکا است. ترکها از بیانات برژینسکی به عنوان شواهد علاقه سخت آمریکا به وضعیت افغانستان استقبال کردند. پایان خلاصه مطلب.

۴- در خلال گفتگوهای جداگانه با مأمورین سفارت در ۷ و ۸ اوت، میتات بایکان رئیس قسمت آسیای جنوبی وزارت امور خارجه و حسین سلم مدیرکل امور سیاسی، از بیانات اخیر برژینسکی در مورد افغانستان استقبال کردند. دولت ترکیه بیانات وی را به عنوان شاهدی بر تمایل ایالات متحده به ایفای نقشی فعال‌تر در افغانستان می‌بیند. در هر صورت سلم فکر می‌کند که بیانیته بتواند روسها را از دست زدن به هر تلاشی برای حفظ رژیم کمونیستی در کابل باز دارد.

۵- به عقیده سلم، شوروی از این «فرصت تاریخی» برای وسعت بخشیدن به نفوذ خود در افغانستان نخواهد گذشت. دولت ترکیه اقدام آشکار واحدهای ارتش شوروی را پیش‌بینی نمی‌کند. با این حال سلم بر این عقیده بود که امکان دارد مداخله شوروی تدریجاً و به شکل همکاری نظامی افزایش یافته و حضور مستشاران نظامی، بالا بگیرد. معذالک ترکها گزارشهای ناقصی، فقط از جنگهای اخیر کابل داشتند، اما آنها بر این عقیده‌اند که دولت ترکی در وضع بسیار بدی است. به عقیده سلم شورویها کار خیلی کمی در جلوگیری از مخالفت صریح خمینی با رژیم کمونیستی کابل می‌توانند انجام دهند، اما آنها (شورویها) سعی خواهند کرد که بر پاکستان فشارهای دیپلماتیک وارد کنند.

۶- دیگر مقامات وزارت امور خارجه ترکیه که تجاربی در افغانستان دارند، اخیراً نظرات مشابهی ابراز نموده‌اند؛ رئیس شاخه خاورمیانه وزارت امور خارجه آلپ‌کار عثمان اغلو اشاره کرد که در زمان کودتای ترکی، دولت ترکیه و دولت داوود در حال برقراری مجدد برنامه‌های آموزش قبلی برای افسران نیروی هوایی افغانستان بودند. ترکها بر این عقیده‌اند که رژیم بیشتر افسرانی را که ترکیه آموزش داده زندانی کرده و یا در خانه تحت نظر قرار داده و جای آنها را به افسران آموزش دیده روسی داده است.

اسپایزر

سند شماره (۵)

تاریخ: ۹ اوت ۱۹۷۹

از: کنسول آمریکا در پیشاور
به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۸۹۵۹

موضوع: فرستنده رادیویی مخالفین افغانی

۱- تمام متن محرمانه

۲- به گفته ضیا ناصری شهروند آمریکایی متولد افغانستان، به زودی یک ایستگاه رادیویی مخالفین افغانی به اضافه رادیو اسمر در این ناحیه به کار خواهد افتاد. ناصری فعلاً در ارتباط با کلینیک پشتو - آمریکایی خود برای آوارگان افغانی، در پیشاور به سر می‌برد. (عطف به تلگراف مرجع الف. همچنین یادداشت جداگانه ارسال خواهد شد.)

ناصری ادعا می‌کند که با خود از آمریکا یک فرستنده رادیویی کوچک با برد ۸۰ کیلومتر آورده است. رادیو، که با یک باطری ماشین کار می‌کند، گفته شد که به اندازه کافی کوچک است که در یک جامه دان جا بگیرد. ناصری در مورد اینکه آن را از کجا فراهم کرده چیزی نگفت، فقط گفت که در آمریکا آن را به دست آورده است. او به من پیشنهاد نکرد که رادیو را ببینم، منم از او نخواستم.

۴- ضیا ناصری در مورد استفاده از این رادیو نیز به ما چیزی نگفت. رادیو در مناطق مرزی در اطراف پاکستان یا در یک ناحیه «آزاد شده» افغانستان کار خواهد کرد. رادیو هم چون در مانگاهی که او مشغول ساختنش است، با هیچ گروه به خصوصی از مخالفین افغانی مربوط نخواهد بود، اما در عوض «بیطرف» خواهد بود. او گفت، رادیو برای مقاصد «انسان دوستانه» خواهد بود.

۵- بر طبق اظهارات ناصری، دولت پاکستان باخبر است که ناصری فرستنده را به داخل کشور آورده

است.

۶- ناصری به من گفت، رادیوی مخالفان «رادیو اسمر» که یک ماه است گاه و بیگاهی کار می‌کند، یک جز از تجهیزات غنیمت گرفته شده است. بنا به گزارش، رادیو یک فرستنده روسی نصب شده روی جیب است که از ارتش افغان غنیمت گرفته شده و برای برنامه‌های عمومی تنظیم شده است. رادیو به وسیله حزب اسلامی گلب الدین حکمتیار کنترل می‌شود.

۷- سفارت در اسلام آباد اضافه می‌کند: این گزارش در پیشاور نوشته شده بود، قبل از آن که کیسه‌های پستی حامل کپی منابع ب و ج به آنجا برسد، بنابراین کنسول از آن تبادل با خبر نبود.

آرچارد

سند شماره (۶)

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی
به: هیئت نمایندگی آمریکا در مقر ناتو فوری
طبقه‌بندی: سری

شماره: ۴۱۶۶

موضوع: سفر نیوسام معاون وزیر
امور خارجه به آسیای جنوبی

هیئت نمایندگی می‌تواند از ملاحظات زیر درباره سفر نیوسام معاون وزارت خارجه در تاریخ ۱۹-۸ ژوئیه به آسیای جنوبی به طور شفاهی استفاده کند.

۱- الف: افغانستان، مقامات افغانی تمایل خود را برای مناسبات دوستانه با ایالات متحده ابراز داشته و بر سیاست خود درباره عدم تعهد تکیه کردند. آنها گفتند که سرگرم بررسی مسائل مختلف از قبیل مسئله مرزها با پاکستان و قرارداد آب ایران هستند و هنوز درباره سیاستهای خود تصمیمی نگرفته‌اند. آنها اظهار داشتند که تصمیم آنها هر چه که باشد امیدوارند با همسایه‌های خود از طریق مذاکرات به حل و فصل برسند.

ب: درباره امور داخلی آنها گفتند که یک نقشه پنج ساله تنظیم خواهند کرد و اولویت اول آنها اصلاحات ارضی خواهد بود، آنها گفتند که اصل تعاونی از نظر آنها بر اصل اقتصاد اشتراکی ارجح است. ج: در حالی که درباره سفارتهای کشورهای غربی در کابل چنین احساسی وجود دارد که تعداد مستشاران شوروی رو به افزایش است، این امر از طرف مقامات افغانی ذکر نشد، هر چند افغانها خاطر نشان ساختند که افغانستان از ۶۰ سال قبل تاکنون مناسبات خوبی با اتحاد جماهیر شوروی داشته و آنها را در انتظار آن هستند که کمکهای اساسی از جانب اتحاد جماهیر شوروی به آنها بشود. آنها همچنین امیدوارند که از دیگران نیز کمکهای اساسی دریافت کنند.

د: ما این امکان را بعید نمی‌دانیم که نفوذ شوروی ممکن است افزایش یابد، ولی معتقدیم که فتح بابایی از جانب حکومت جدید برای مناسبات دوستانه و مساعدت باید از پاسخ گویهای مثبت برخوردار باشد. ایالات متحده برنامه‌های مساعدتی کنونی خود را ادامه خواهد داد.

ه: در عین حال اگر برنامه‌های ایالات متحده و کارمندان سرگرم در انجام این برنامه‌ها از رفتاری

مشابه با رفتاری که نسبت به دیگر کمک دهندگان اعمال می‌شود برخوردار نشود و اگر حکومت افغانستان از روش غیرمتعهد اصیل خود منحرف شود، یا دست به سیاستهایی بزند که اسباب زحمت و مشکلاتی برای پاکستان و ایران فراهم کند، اوضاع باید از طرف آمریکا مورد بررسی و تجدید نظر قرار گیرد.

و: پاکستان، ایران و عربستان سعودی از نفوذ فزاینده شوروی در افغانستان نگرانند، ولی معتقدند که کشورهای غربی باید به حضور خود در آنجا ادامه دهند و اینکه کشورهای منطقه باید از هر گونه اقدام تحریک آمیز که ممکن است افغانستان را به اتکای بیشتر به شوروی سوق دهد اجتناب کنند. هندیها نظریه حاکی از آسودگی بیشتری دارند، هر چند آنها درباره نفوذ فزاینده شوروی در کابل و امکان ثباتی بیشتر در مرز افغانستان و پاکستان آنقدرها هم راضی نیستند.

۲- الف: پاکستان - مکالمات با مقامات پاکستانی حاکی از آن بود که آنها معتقدند که اتحاد شوروی اکنون افغانستان را در کنترل خود دارد و آنها در نتیجه این وضع خود را در معرض (نفوذ شوروی - م) احساس می‌کنند. پاکستانیها نیز نسبت به هند عمیقاً سوءظن دارند و نسبت به ایران روش توأم با قید احتیاط دارند. آنها به تدریج اعتماد خود را نسبت به غرب و سنتو از دست می‌دهند. با توجه به این عوامل پاکستانیها در فرایند تجدید نظر در سیاستهای خود، از جمله چشم انداز سازش با اتحاد شوروی و کسب یک وضع ناظر در نهضت عدم تعهد، قرار گرفته‌اند. آنها گفتند که در شرف مطالعه راههایی از قبیل ترک سنتو برای کاهش فشار اتحاد شوروی می‌باشند، ولی ژنرال ضیاء الحق به نیوسام اطلاع داد که پاکستان دست به اقدام بدون مطالعه و فوری نخواهد زد.

ب: درباره مسئله عمل آوردن مواد هسته‌ای، پاکستانیها برای انصراف از اندیشه کارخانه عمل آوردن مجدد، علیرغم اصرار ما درباره اینکه با توجه به احوال تغییر یافته افغانستان موقع پاکستان دگرگون خواهد شد و اینکه در صورتی که مسئله عمل آوردن مجدد سوخت هسته‌ای حل شود، ما می‌توانیم به اجرای برنامه‌های مساعدتهای اقتصادی قبلی با حکومت ضیاء ادامه دهیم اظهار بی میلی کردند. حکومت ضیاء احساس نمی‌کند که به اندازه کافی نیروی سیاسی داشته باشد تا در تصمیم اولیه بوتو برای به دست آوردن ظرفیت عمل آوردن سوخت هسته‌ای تغییری دهد.

۳- عربستان سعودی و دو یمن: مقامات عربستان سعودی بر سر کودتای اخیر در عدن اظهار نگرانی کرده‌اند، زیرا آنها معتقدند که این کودتا نشانه دیگری از کوشش شوروی برای محاصره شبه جزیره نفت خیز عربستان با رژیمهای خصمانه نسبت به حکومتهای میانه‌رو است.

آنها بر سر آنچه که معتقدند به ویژه اظهار نگرانی کرده‌اند، سرازیر شدن سربازان بیگانه به داخل جمهوری دمکراتیک خلق یمن به دنبال این کودتا است و ما از حکومت عربستان سعودی درباره نقش آن در اجتماع جامعه عرب در تاریخ دوم ژوئیه که منتهی به محکوم شدن نقش جمهوری دمکراتیک خلق یمن در قتل رئیس جمهوری یمن شمالی و منزوی شدن بیشتر سیاسی و اقتصادی رژیم عدن شد تمجید کردیم. ما همچنین با حکومت عربستان سعودی برای تسریع تحویل تجهیزات نظامی به یمن شمالی که قبلاً به تصویب ایالات متحده رسیده کار می‌کنیم و قصد نداریم در مرحله فعلی به فتح با بهای جمهوری دمکراتیک خلق یمن در علاقه به بهبود مناسبات با ایالات متحده پاسخ مثبت دهیم.

سند شماره (۷)

به تاریخ: ۱۴ اوت ۷۹-۲۳/۵/۵۸

از: سفارت آمریکا مسکو

به: سفارت آمریکا کابل

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: به قرار اطلاع، یک بازدید کننده سطح بالای

روسی از کابل دیدن کرد

۱- (متن کاملاً محرمانه)

۲- در طول بحث بر مسئله افغانستان با پروفیسور، یوری گنکوسکی از موسسه خاور شناسی (گزارش تلگرامی سپتامبر)، مقام سفارت درباره شایعه ملاقات یک عضو حزب کمونیست شوروی که در اکتبر گذشته از کابل دیدن کرده است، سؤال کرد، گنکوسکی خندید و جواب داد: «من می توانم به شما اطمینان دهم که از تاریخ آوریل ۱۹۷۸ انقلاب افغانستان تاکنون هیچ عضو حزب کمونیست شوروی از این کشور دیدن نکرده است.»

گاریسون

سند شماره (۸)

تاریخ: ۱۶ اوت ۷۹

از: سفارت آمریکا کابل

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره: ۶۲۵۱

موضوع: - (استفاده اداری محدود)

ماهیت مخالفان رژیم در افغانستان

۱- تمام متن محرمانه است.

۲- خلاصه - مخالفت فزاینده نسبت به رژیم خلقی افغانستان به رهبری نور محمد ترکی رئیس جمهور و حفیظ الله - امین نخست وزیر از سوی عناصر نامتجانس که انگیزه های آنها تظلمات متفاوت است، نشان داده می شود. عناصر تشکیل دهنده اولیه برانگیزنده گروه های مختلف مخالفان که برای یک دگرگونی شدید در این رژیم انقلابی مبارزه می کنند عبارت است از ترس نسبت به سرکوبی اسلام و احساس نفرت نسبت به آنچه آنها فروخته شدن روح ملی افغانستان به مسکو درک می کنند.

رهبری مشترک ترکی و امین امکان کمی برای مانور دادن دارد و راه حلهای چندانی هم که راه را برای احتمال معکوس کردن روند جاری باز گذارند، در اختیار ندارد، غیر از آنکه فقط پاسخگوی مقداری از تقاضاها برای چنین دگرگونی شدیدی است، بنابراین تشدید عملیات ضد شورش همراه با کوشش بزرگتری از جانب شوروی برای نجات خود انقلاب افغانستان نه برای این دستگاه رهبری ویژه، در افق نمایان است. علیرغم موفقیت هایی که تاکنون به دست آمده، مخالفان رژیم همچنان پراکنده و غیر متشکل هستند و به طور عمده فاقد رهبری.

۳- موانع بزرگی در پیش پای کوشش عصیانگران برای سرنگون کردن یک رژیم مصمم و بی امان و به

خوبی مسلح شده قرار دارد و هدفهای مخالفان به طور کلی فاقد شکل مشخص است و مبهم می‌باشد. با وجود این «پیروزی مخالفان» (که به هیچ وجه تأمین نشده است) ممکن است برای علاقه‌بشر دوستانه و عمرانی و سیاسی ایالات متحده در این کشور و در این منطقه خوش یمن باشد. سقوط یک رژیم رادیکال دست چپی و مورد حمایت شوروی به حق می‌تواند انعکاسهای مثبتی برای ایالات متحده در سراسر جهان سوم، از طریق نشان دادن اینکه نظر حریفان ما درباره روند «گریز ناپذیر» تاریخ لزوماً «دقیق نیست، داشته باشد. همچنین علیرغم قلت اطلاعات ویژه، رژیمی که به رهبری مخالفان رژیم کنونی بر سر کار آید می‌تواند به حق به بازگشت حضور ایالات متحده در زمینه عمرانی در این منطقه کمک کند و برعکس، رژیمی که بر شالوده‌تعالیم برخواسته از بنیادگرایی اسلامی استوار باشد، احتمالاً برای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی چندان اولویتی قائل نخواهد شد (مثلاً بیانیۀ حزب اسلامی افغانستان خواستار تحمیل مجدد) پرده (مقصود حجاب است - م) و محکوم کردن زنان به یک زندگی منزوی است) و شاید انتقام‌جوییهای وسیع ناگزیر علیه خلقیها فعل و انفعالات منفی از نظر حقوق بشر داشته باشد، هر قدر هم قصاص علیه بعضی از مقامات خلقی موجه به نظر برسد. معذالک منافع وسیع‌تر ما با توجه به پیوندهای نزدیک جمهوری دموکراتیک افغانستان با مسکو، در معرض قمار قرار گرفته و به احتمال قوی با برکناری رژیم ترکی و امین خدمتی به این منافع انجام خواهد گرفت.

پایان خلاصه

۴- مقدمه: از زمان برقراری جمهوری دموکراتیک افغانستان در شانزده ماه قبل دستگاه رهبری و افراد عادی حزب دموکراتیک خلق افغانستان که عنصر کلیدی کشور را تشکیل می‌دهد و ریشه‌های اصلی آن در یک گروه کوچکی از نظامیان و جزئی از اندیشمندان و جوانان شهر نشین جا گرفته‌اند، می‌کوشند تا مناسبات «ستنی» سیاسی و اجتماعی این کشور را به شکل شدید و ناگهانی تغییر دهند. با توجه به فقر و عقب ماندگی افغانستان هدفهای این رژیم انقلابی به خودی خود شاید از پشتیبانی اغلب محافل علاقه‌مند به بهبود وضع مردم افغانستان برخوردار باشد. معذالک یک سلسله اشتباهات سیاسی و سیاست سرکوبی خشن و بعضی از مفاهیمی که به عقیده و اصرار رژیم سوء تعبیر شده است، باعث به وجود آمدن و تشدید یک نهضت مخالفان گردیده است که عملیات آن ظرفیت حکومت افغانستان را برای کنترل کشور در خارج از مراکز بزرگ جمعیتی کاهش داده است، هر چند که رژیم هنوز هم می‌تواند به سرعت و با قدرت در نزدیکی قلب سیاسی کشور با این نهضتها به مبارزه برخیزد (همچنان که روز پنجم اوت این موضوع نشان داده شد)، با وجود این مخالفت با رژیم علیرغم پراکنده بودن و فاقد رهبر بودنش، تقریباً در همه جا گسترش یافته و ظاهراً تظلمات عمیقی که باعث به میدان آمدن هزاران شورشی، با به خطر انداختن همه چیز خود در کوشش برای سرنگون کردن رژیم که مدعی است که تنها غم و غصه آن رفاه توده‌های افغانستان است، تشدید می‌شود.

۵- عناصر اصلی معادله مخالفت: مخالفت با رژیم جمهوری دموکراتیک افغانستان یک شورش هماهنگ و یکدست نیست، زیرا تعدادی از عناصر نامتجانس، به دلایل مختلف برای به وجود آوردن دگرگونی شدیدی در این رژیم مبارزه می‌کنند، گروههای شورشی که اکنون عملاً سرگرم نبرد علیه ارتش افغانستان هستند، نیروی انسانی خود را از روستاها و قبائل به دست می‌آورند که این عناصر در هر جا از ۸۰ تا ۹۰ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند. این بخشهای به طور کلی بیسواد جامعه افغانستان،

حریفان سنتی هر حکومت مرکزی در کابل هستند، هر چند بیشتر آنها اگر به حال خود گذارده شوند شم و احساس سیاسی ندارند. معذالک بعضی از دهکده‌ها به دلایل مختلفی (مثلاً اقتصادی) از جمهوری دمکراتیک افغانستان بدون شک پشتیبانی می‌کنند، زیرا جمعیت روستایی همچنین منبع نیروی انسانی حکومت برای تشکیل صفوف سربازان خود می‌باشد و بدین ترتیب مقاومت در برابر رژیم افغانستان هر چند گسترش یافته است، هنوز کاملاً در مقابل توانایی رژیم برای رفع نیازهای خود از لحاظ سربازان ساده قرار نگرفته است، هر چند در واقع مشکلاتی پیش آمده است.

۶- تعدادی از عناصری که چندان پایگاهی ندارند نیز به کوششهای مخالفان کمک می‌کنند. خویشاوندان آنهایی که برکنار شده یا از سایر لحاظ در معرض تعقیب و آزار این رژیم قرار گرفته، بدون شک در جستجوی انتقام هستند، چنانچه سنت در این جامعه اشباع شده از احساس انتقام حکومت می‌کند، هر اندازه که این دستگاه رهبری بیشتر برای تعقیب سیاستهای گذشته خودش دوام بیاورد بر تعداد این گروه ویژه افزوده خواهد شد.

دسته چپهای سرخورده و منزوی شده (که بیشتر آنها از حزب پرچم و همچنین بعضی از حزب خلقیهای وامانده هستند) نیز در پی دگرگونی هستند و احساس آنها کمتر از دیگران نیست، زیرا آنها معتقدند که رهبری گروه ترکی و امین به روح اصیل انقلاب خیانت کرده و حسن نیت اولیه‌ای که با پیش آمدن یک حکومت اصلاح طلب در شانزده ماه قبل نشان داده شد، از میان رفته است.

عناصر سرخورده نظامی که در نظر آنها این کشتار و زد و خورد پایانی ندارد، یک بخش بالقوه انتقاد کننده از مخالفان را تشکیل خواهند داد، به ویژه اگر فرار از خدمت نظام و پیوستن به صفوف مخالفان افزایش یابد و یا اگر شورشهایی مانند شورش پنج اوت باز هم اتفاق بیفتند. گروههای مخالفان که ستاد آنها در پیشاور (پاکستان) است، عبارتند از ناراضیان «دستگاه حاکمه» سابق که به طور کلی با تحقیر بر خلقیها نگاه می‌کنند، زیرا بیشتر آنها از لحاظ شجره‌شناسی به طبقات برگزیده افغانستان تعلق ندارند. معذالک این «جبهه‌های آزادی بخش» به خودی خود جمهوری دمکراتیک افغانستان را به مبارزه نمی‌طلبند و جبهه آزادبخش ملی افغانستان و سایر جبهه‌ها اگر بخواهند نقش مهمی در آینده ایفا کنند، شاید ناگزیر باشند اختلافات درونی خود را حل کنند و یک شالوده‌ای را بر اساس حسن نیت برای اجرای عملیات شورشی در نزدیک قلب سیاسی کشور برقرار کنند. گروههایی که هدفهای دائمی ندارند نیز مزاحمتهایی برای حکومت افغانستان ایجاد می‌کنند و در عین حال راهزنها و سایر عناصر جنایتکار عملیات خود را در امتداد شاهراه‌های عمده کشور افزایش می‌دهند و بدین ترتیب به درهم ریختگی نظم و قانون در خارج از شهرها کمک بیشتری می‌کنند.

۷- گروههای عمده‌ای که در داخل افغانستان سرگرم عملیات می‌باشند و مناطق عمده عملیات موفقیت آمیز مخالفان از این قرارند: ایالات شرقی نورستان (که در آن نورستانیها فقط علاقه مند بودند که مانع دسترسی رژیم به موطن پر از زمینهای ناهموار خود شوند، ولی اکنون ممکن است با جنگ در دره پنج شیر که به کابل بیشتر نزدیک است وابستگی پیدا کنند)، ایالت پکتیا در جنوب شرقی پایتخت (که نهضت مخالفت آنها ممکن است بیش از همه به آوارگان در پاکستان و همچنین به گروههای «رسمی» مربوط باشد، به ویژه گروه گلب‌الدین حکمت یار - سیداحمد گیلانی که محل آنها در پیشاور است، و در آنجا کوششهایشان ممکن است به شهرهای گردیز و غزنی برسد.)

ستون فقرات مرکزی هلالی شکل کشور (که جمعیت شیعه هزاره آن که در پائین ترین درجه نردبان اقتصادی و اجتماعی افغانستان قرار دارد، شاید برای آن می‌جنگند که از سرکوبها گذشته که به دست حکومت مرکزی تحت سلطه پشتوها دیده است، انتقام گیری کند). منطقه اطراف شهر هرات (که در آنجا نشانه‌هایی در دست است که «نفوذ» یا «تجربیات» ایرانیان ممکن است به شورشیان فارسی و پشتو کمک بکند) و مناطق کشاورزی ترکمن‌نشین و ازبک‌نشین هندوکش (هر چند در این مناطق ارتش کمتر حضور دارد و زدوخوردها به مقیاسهای زد و خوردهای در امتداد مرز پاکستان و افغانستان نیست). شواهد درباره هماهنگی این کوششها بسیار کم است و لاقلاً تاکنون این عملیات موفق‌آمیز به ابتکار ساکنان محلی که به دفاع از سرزمین زاد و بومی خود می‌پرداختند، انجام گرفته است. اگر عصیانگران عملیات بزرگی را در خارج از این مناطق انفرادی به راه بیندازند (همان طوری که اکنون در مورد نورستان صدق می‌کند)، مشکلات رژیم به طور آشکارا ممکن است دشوارتر شود.

۸- تظلمات اساسی مخالفان ظاهراً برای توجیه زد و خورد دراز مدت کافی به نظر می‌رسد. دو مفهوم بر این «گلایه‌ها» که انگیزه عناصر مخالف است و عصیانگری کلی این کشور را به مقیاسهای بزرگتری از سایر ملاحظات تحریک می‌کند عبارتند از:

اول این مفهوم همگانی که دستگاه رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان از «خدا نشناسهای کمونیست» تشکیل شده و اینکه گروه ترکی و امین روح ملی افغانستان و آینده آن را به مسکو فروخته است. ترس از سرکوبی نهایی حقوق مذهبی آنها به نمونه آسیای مرکزی شوروی (لازم به یادآوری است که بسیاری از مسلمانان از این مناطق در قرن بیستم برای حفظ تمامیت مذهبی خود به افغانستان گریختند) و نفرت سنتی افغانیها نسبت به همسایه شمالی نیرومند (و بنابراین تهدیدکننده)، هنگامی که با سلاحهای مدرن و اراده برای انتقام یکجا شود مشکل بزرگی پیش خواهد آورد. اینها احساسات و عواطفی هستند که کمتر احتمال می‌رود به سرعت کاهش یابد و بنابراین از میان بردن آنها به کمک زور فوق‌العاده دشوار است.

۹- در عوض برنامه‌های عمده اصلاحی رژیم (کاهش بیسوادی، اصلاحات ارضی، برطرف کردن شیربها و ممنوع کردن رباخواری) باعث مخالفت‌های پراکنده‌ای شد ولی عصیانگری مداوم با خصومت با این برنامه‌ها ارتباطی ندارد، هر چند هم این برنامه‌ها از محبوبیت عمومی برخوردار نباشد. آنچه که روشن است این است که برای اینکه حتی افغانها بر علیه سلاحهای جدید یک حکومت مصمم و بی‌امان اسلحه به دست بگیرند، عواطف بسیار عمیقی لازم است و چنین عواطفی در واقع در صحنه سیاسی کنونی افغانستان حکمفرماست.

۱۰- برای اینکه رژیم بتواند روند کنونی را معکوس کند راههای اختیاری معدودی در دسترس می‌باشد. دستگاه رهبری جمهوری دمکراتیک افغانستان ظاهراً راههای اختیاری سیاسی بسیار محدودی دارد که اگر اتخاذ شود بتواند فرصتهایی برای معکوس کردن جریان کنونی داشته باشد. حکومت عده‌ای از برنامه‌های خود را (به ویژه اصلاحات ارضی را) «با موفقیت انجام یافته» اعلام داشته است، ولی این اقدام اثر ملموس ناچیزی بر سطح زد و خوردها داشته است و این تحولی است که این استدلال را که اصلاحات رژیم علل ریشه‌ای رشد نیروهای مخالف نبوده است، تقویت می‌کند.

۱۱- دستگاه رهبری برای سروکار داشتن با مسئله مذهبی یک مبارزه، روابط عمومی دامنه داری را به

راه انداخته است که از جمله این استدلال مکرر از سوی ترکی و امین در نطقهای عمومی آنهاست، مبنی بر اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان مطلقاً با اسلام مخالف نیست. علاوه بر این در اجتماعی در کابل متشکل از بیش از یکصد تن از عالمان اسلامی اعلامیه‌ای در پشتیبانی از «تقوای» رژیم و ادعای اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان عملاً «حامی» اسلام است صادر شد. معذالک این کوشش ویژه به حق ممکن است دیرتر از آن صادر شده باشد که بتواند توده‌ها را متقاعد کند که یکی از هدفهای اساسی رژیم خلقی، تضعیف اسلام در افغانستان نیست.

۱۲- تغییرات جزئی در مناسبات جمهوری دموکراتیک افغانستان با اتحاد شوروی ممکن است مخالفت با رژیم را تا اندازه‌ای ملایم‌تر کند، ولی مشخص کردن راههای پرمعنی که خلقیها بتوانند این هدف را بدون به مخاطره انداختن موجودیت خود تا حد انهدام دنبال کنند، دشوار است، زیرا ارتباط با شورویها پشتیبانی اصلی دستگاه رهبری کنونی است و بدین ترتیب گروه ترکی و امین با این معما مواجه است که جمهوری دموکراتیک افغانستان شاید بدون پشتیبانی وسیع شوروی نتواند به بقاء خود ادامه دهد و در عین حال معمای دیگری پیش می‌آید و آن اینکه همین پشتیبانی باعث دامن زدن احساسات مخالفت ملی گرایانه می‌شود.

۱۳- یک دگرگونی اصیل در ترکیب دستگاه رهبری (نه صرفاً یک ترمیم پستهای وزیران که جنبه آرایشی دارد) ممکن است احتمالاً انقلاب را حفظ کند، ولی یک گروه جدید جمهوری دموکراتیک افغانستان در عین حال ناگزیر خواهد بود عوام‌الناس افغانی را متقاعد کند که برداشتهای جدید نسبت به اسلام و مسکو به مورد اجرا گذاشته خواهد شد. معذالک در این رابطه صرف نظر از مقدار یا منبع فشار خارجی دستگاه رهبری کنونی کمتر متحمل به نظر می‌رسد که داوطلبانه جویای انهدام خود باشد. بنابراین با توجه به اینکه قتل‌های سیاسی انفرادی صورت نمی‌گیرد و این چیزی است که نمی‌توان آن را غیرمحمول دانست، شاید رهبران خلقی به کوششهای خود برای نابود کردن مخالفان با توسل به زور ادامه دهند و این سیاستی است که شاید منجر به زد و خورد بیشتر در خارج از شهرها و سطح بالاتری از پشتیبانی شوروی و بالمال مداخله مستقیم شوروی «برای نجات انقلاب» بشود.

۱۴- مخالفان آن قدر هم یکدست و متحد نیستند: علیرغم مشکلاتی که مخالفان برای رژیم خلقی ایجاد کرده‌اند، با موانعی که ناشی از خود است نیز مواجه هستند و نابودی جمهوری دموکراتیک افغانستان به هیچ وجه گریزناپذیر نیست. مثلاً شورشیان (شاید از لحاظ نقشه و طرح) باید هنوز منطقه‌ای بزرگتر از یک شهر کوچک را به تصرف خود درآورند (هر چند اکنون مناطق بزرگی در خارج از شهرها برای نیروهای دولتی «ممنوع‌الورود» به ویژه پس از فرارسیدن شب اعلام شده است) و چنین به نظر می‌رسد که یک رهبر مخالفان که هویت او شناخته شده باشد و بتواند وفاداری عموم ملت را به خود جلب کند وجود ندارد و کوششهای ضد رژیم فاقد هماهنگی و فاقد نقشه بوده است. تاکنون مخالفین به انگیزه اولیه خطاها و ناآزمودگیهای خود رژیم به فعالیت برخاسته‌اند. اینها عواملی هستند که می‌توان آنها را اساساً منفی قلمداد کرد. اگر خلقیها در آینده مرتکب سوء محاسبه نشوند و یا از خود ترفندهای سیاسی ماهرانه‌ای نشان دهند و اگر شورشیان نتوانند خود را تحت یک رهبری متحد متشکل کنند، معلوم نخواهد بود که تا چه مدت عوامل منفی بتوانند دشواری و رنج لازم برای سرنگون کردن یک رژیم مصمم و به خوبی مسلح شده را تحمل کنند. فشار و فرسایش و تشنج تنها متوجه خلقیها نیست و در اوضاع و احوال کنونی

«پیروزی» به حق نصیب طرفی خواهد شد که بتواند از باختن اجتناب کند.

۱۵- «پیروزی» مخالفان از چند جنبه برای منافع ایالات متحده برخوردار خوش‌یمن خواهد بود، ولی با در نظر گرفتن جنبه‌های منفی و مثبت، احتمالاً برای ایالات متحده مساعدتر خواهد بود. به وسیع‌ترین مفهوم سقوط یک رژیم رادیکال دست چپی مورد حمایت شوروی به حق به منافع ایالات متحده خدمت خواهد کرد و در درجه اول به جهان سوم نشان خواهد داد که دیدگاه حریفان مارکسیست لنینیست ما درباره «روند اجتناب‌ناپذیر تاریخ جهان» لزوماً دقیق نیست.

یک موضع‌گیری حقیقتاً غیر متعهد بین‌المللی حتماً از جانب ما مورد استقبال قرار خواهد گرفت و همچنین مشارکت مجدد ایالات متحده در زمینه عمران اقتصادی در صورت کنار رفتن جمهوری دمکراتیک افغانستان، پیش خواهد آمد. هر چند اطلاعات قاطع درباره هدفهای مخالفان در دسترس نیست. در داخل کشور یک گروه از مخالفان (جبهه ملی انقلاب اسلامی افغانستان) علناً از تشکیل «لویا جرگه» (شورای عالی سنتی افغانستان که برای بحث درباره تصمیمات بزرگ مربوط به کشور تشکیل می‌شود) علناً دفاع کرده است و بدین ترتیب از پشتیبانی ما از فرآیندهای دمکراتیک برخوردار خواهد بود، البته به فرض اینکه یک چنین اجتماعی در واقع صورت گیرد.

۱۶- بالعکس «بیانیه‌های» در دسترس صادر شده به وسیله گروه‌های مخالف خواستار یک نظام اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر تعالیم اسلامی «بنیادگرا» می‌باشد و بنابراین یک رژیم تحت رهبری مخالفان به احتمال اصلاحات اجتماعی و اقتصادی (که تا این اندازه برای این کشور عقب مانده لازم است و در درجه اول اولویت قرار گرفته) نخواهد داشت. هزاران فقره انتقامجوییهای شخصی، به احتمال قوی علیه کارکنان بازمانده حزب خلق صورت خواهد گرفت و بدین ترتیب سابقه دوران بعد از رژیم جمهوری دمکراتیک افغانستان از لحاظ حقوق بشر لکه‌دار خواهد شد؛ صرف نظر از اینکه این انتقامهای شخصی علیه بعضی از مقامات حزب خلق حتی موجه جلوه گر شده باشد. یک موضع غیردوستانه نسبت به اتحاد جماهیر شوروی (که اجتناب‌ناپذیر نیست ولی یقیناً با توجه به نیروهای برانگیزنده مخالفان کنونی بیشتر احتمال دارد) ممکن است نتایج بی‌ثبات‌کننده‌ای برای منطقه داشته باشد، به ویژه با توجه به بلا تکلیفیه‌های حاکم بر کشورهای همسایه افغانستان. در ضمن چنین احتمالی ممکن است در ارزیابی اینکه تا چه حدی می‌توان با این رژیم خلقی مراد شده داشت در محاسبات مسکو در نظر گرفته شود.

۱۷- با محاسبه نکات مثبت و منفی منافع وسیع‌تر ما به ویژه با توجه به پیوندهای فوق‌العاده نزدیک جمهوری دمکراتیک افغانستان با مسکو و خصومت تقریباً آشنای آنها با ایالات متحده و جو ترسی که این رژیم در سراسر این کشور (ایالات متحده آمریکا) ایجاد کرده است، به منافع عمده ما با کنار رفتن رژیم ترکی و امین علی‌رغم ناکامی‌هایی که ممکن است برای اصلاحات آینده اجتماعی و اقتصادی در داخل افغانستان داشته باشد خدمت خواهد کرد.

سند شماره (۹)

از: سفارت آمریکا - مسکو
به: وزارت خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

موضوع: نظرات شوروی در مورد افغانستان

- ۱- تمام متن محرمانه است
- ۲- جاکو دوپانت (محفوظ بماند) کاردار فرانسه در مسکو اخیراً با بالدیرف رئیس اداره کشورهای خاورمیانه وزارت خارجه (شوروی) ملاقات نمود و مطالب زیرین را در ملاقات چهار نفره ۱۴ اوت ارائه کرد:
- ۳- وضعیت سیاسی در افغانستان: بالدیرف قبول داشت که مشکلاتی در کشور وجود دارد، ولی ادعا نمود که این موضوع تعجب‌آور نیست، زیرا که انقلاب افغانستان در یک دوره انتقالی می‌باشد. بالدیرف گفت که دولت افغانستان وقایع ۵ اوت کابل را به دخالت قدرتهای خارجی مرتبط نموده است، ولی اضافه نمود که اکنون وضعیت قابل کنترل است. روسها نسبت به رهبران افغانستان خیلی تمایل دارند؛ روابط بین دو کشور عالی است و روسها در مورد آینده افغانستان خوش بین هستند.
- ۴- مداخله شوروی در افغانستان: از بالدیرف در مورد امکان مداخله روسیه سؤال شد، او پاسخ داد، اتحاد شوروی با هرگونه مداخله در افغانستان از هر طرفی مخالف است. او به گفته مورخه نوامبر ۱۹۷۸ برژنف در مورد ایران به عنوان سیاست اصلی شوروی برای منطقه اشاره کرد و گفت این سیاست در مورد افغانستان قابل اجراست.
- بالدیرف در ضمن اینکه ادعا می‌کرد پیمان ۱۹۷۸ روسیه - افغانستان یک پیمان نظامی نیست. اضافه کرد که چنانچه خطری برای صلح منطقه وجود داشته باشد، اتحاد شوروی نمی‌تواند بیطرف باشد. در هر صورت هر گونه اقدام شوروی؛ با منشور ملل متحد مطابقت خواهد داشت.
- ۵- حضور فعلی شوروی: وقتی در مورد گزارشات مبنی بر حضور ۳۰۰۰ پرسنل نظامی شوروی در افغانستان از بالدیرف سؤال شد، او گفت که در این تعداد به میزان زیادی اغراق شده است.
- ۶- آینده سیاسی جمهوری دموکراتیک افغانستان: دوپانت گفت که بالدیرف به وسیله اظهاراتش که روسها نسبت به دولت فعلی افغانستان اعتماد دارند، این برداشت را به ما داد که روسها در نظر ندارند آن را ترمیم نمایند.

سند شماره (۱۰)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت خارجه - واشنگتن
موضوع: مقام روسی اظهار اطمینان می‌کند که مسکو از شهروندانش در اینجا حفاظت می‌کند.

- ۱- تمام متن محرمانه است.
- ۲- خلاصه: طبق گفته یک مأمور سفارت شوروی، حدود ۱۰ روسی در آشوبهای دوره پس از انقلاب در افغانستان کشته شده‌اند. دیپلمات روسی اظهار اطمینان نمود که مسکو برای حفاظت از نمایندگانش

در اینجا هر اقدام لازمی را انجام خواهد داد و همان‌گونه که به نظر می‌آید هر چه شورشیان ضدروسی فعالیت‌های خودشان را نزدیکتر به کابل انجام می‌دهند، شوروی از خود کم‌حوصلگی نشان می‌دهد که می‌تواند فشارهای فزاینده‌ای که در مورد روسهایی که در این کشور خدمت می‌نمایند وجود دارد را منعکس سازد.

۳- در جریان یک گفتگو در یک میهمانی در ۱۵ اوت الکساندر دی موروزف دیپلمات روسی به مأمور سیاسی سفارت گفت که حدود ۱۰ شهروند روسی از زمان انقلاب آوریل ۱۹۷۸ کشته شده‌اند. موروزف در رابطه با اقدامات احتمالی آتی شوروی در جهت افغانستان اظهار داشت؛ مطمئن می‌باشم که دولت من هر چه را که لازم باشد برای حفاظت از تمام روسهایی که در افغانستان خدمت می‌نمایند انجام خواهد داد. موروزف سیاست خصمانه آمریکا نسبت به جمهوری دموکراتیک افغانستان خصوصاً قطع کمک اقتصادی و ایجاد خیلی از مشکلات داخلی که رژیم ترکی با آنها رو به روست را مورد سرزنش قرار داد. او تأکید کرد که هیچ مخالف مسئولی نمی‌تواند با اتحاد شوروی دشمن باشد، چونکه شوروی برای سالها به درخواست افغانستان انواع کمکها را در اختیار دولتهای گوناگون افغانستان قرار داده است و اکنون مسکو فقط سیاستهای گذشته را ادامه می‌دهد. موروزف نتیجه‌گیری نمود که مخالفت فعلی با رژیم کاملاً غیرمسئولانه و محکوم به شکست است، زیرا که بر اساس یک اصل ضد روسی غیر قابل توجیه قرار داده شده است.

۴- نظریه: موروزف که در اینجا یکی از روسهای قابل تحسین است، در خلال این گفتگو به طور مشخص از همیشه کج خلق تر بود. او به مقدار زیادی برای تشریح وضعیت اینجا روی اصلاحات کنایه آمیز تکیه می‌کرد، ولی به صورت بارزی به نظر می‌رسید متقاعد شده باشد که سیاستهای آمریکا تعمداً وضعیتی به وجود آورده است که برای منافع اقتصادی و سیاسی روسیه مخاطره‌آمیز و برای نماینده‌های شوروی در این کشور بسیار خطرناک می‌باشد. کم حوصلگی موروزف می‌تواند به فشارهای سنگینی که روی او و همقطاران‌ش هست، نسبت داده شود.

۵- نظریه موروزف درباره تعهد دولت شوروی برای امنیت روسها در افغانستان در زمینه احتمال مداخله مستقیم نظامی ابراز شد و وی مطمئن به نظر می‌رسید که چنانچه لازم باشد دستگاه رهبری شوروی برای حفاظت از مشاورین بی‌شمار و دیگر مقامات در اینجا سربازان را به کابل خواهد فرستاد. البته ما نمی‌دانیم که آیا موروزف با گفتن این موضوع خود را دلگرم می‌نمود، یا اینکه وی حقیقتاً به نوعی از برنامه‌ریزی احتمالی شوروی آگاهی دارد. در این رابطه قابل ذکر است که در هنگام آشوب در کابل (۲۳ ژوئن و ۱۵ اوت) محوطه سفارت شوروی و همچنین منطقه مسکونی که خیلی از خانواده‌های روسی در آن منطقه سکنی دارند، فوراً توسط نیروهای نظامی افغانستان منجمله تانکها و دیگر تجهیزات سنگین احاطه شد، حرکتی که قویاً اشاره بر این دارد که رژیم به تهدید نهانی که توسط شورشیان برای شهروندان روسی مطرح شده است آگاهی دارد.

۶- سرانجام تا جایی که ما اطلاع داریم رقم «حدود ۱۰ نفر» که موروزف اظهار داشته بالاترین تعداد تلفات است که تاکنون توسط یک مقام روسی در گفتگو با یک مقام آمریکایی به کار برده شده است. ما معتقدیم رقم واقعی تلفات احتمالاً به طور قابل توجهی بالاتر است.

سند شماره (۱۱)

تاریخ: ۱۹ اوت ۱۹۷۹
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

از: کنسول آمریکا در پيشاور
به: وزير خارجه واشنگتن دی سی

شماره سند: ۹۳۲۴

موضوع: شورشیان شایعات «دولت تبعیدی» را رد می‌کنند.

۱- تمام متن محرمانه

۲- سه نفر از نمایندگان شورشیان افغانی که من با آنها صحبت کرده‌ام، تشکیل یک «دولت پنهانی» شورشی متشکل از سران مخالفان را تکذیب کرده‌اند. این تکذیبها با شایعاتی که از منابع کابل براساس گفته‌های رادیو شورشیان رسیده، تناقض دارد.

۳- من با حسن گیلانی، برادرزاده و معتمد سیداحمد گیلانی در تاریخ دهم اوت، شهروند آمریکایی ضیا ناصری در یازدهم اوت، و با رهبر شماره ۲ حزب اسلامی افغانستان، امین‌الله در چهاردهم همان ماه ملاقات کردم. همه آنها هرگونه دولت موقت مخالفان یا دولت پنهانی را که عمدتاً از رهبران مستقر در پيشاور تشکیل شده، بی‌ثمر می‌دانند. ناصری چنان دولتی را به «انداختن پنج حیوان مختلف در یک قفس» تشبیه کرد، افکار گیلانی هم در خطوط مشابه دور می‌زد. امین‌الله، روش معمول حزب، بدنام کردن گروه‌های دیگر، را دنبال کرد و گفت که حزب به چنان ائتلافی نخواهد پیوست.

۴- به طور وضوح، خصوصتهای دیرپای بین گروه‌های مختلف شورشی فروکش نکرده است. هر زمان که من با مخالفان گفتگو می‌کنم، یک قسمت از گفتگوها در فحاشی به رقیب می‌گذرد. چندی پیش، خصوصتهای درون گروهی کاملاً برای من آشکار شد، در استخر شنای هتل خیبر اینترکننتینانتال در حالی که خانواده‌ام شنا می‌کردند، من نشستم و با ناصری و یک شخصیت قبیله‌ای افغانی، حسن گیلانی، و یک دوست قدیمی، و همشاگردی ناصری و آروبی ساربلند دیپلمات سابق افغانی که حالا در گروه گیلانی است، گپ زدم. کلمات غیردوستانه بین دو طرف به زبان پشتو رد و بدل می‌شد. گیلانی به شخص قبیله‌ای دستور داد که دور شود. تشنج‌ها زیاد بود. من احساس کردم که گویی در آغل هستم.

۵- ناصری بعداً توضیح داد که شخص قبیله‌ای، (این شخص از قبیله) و زیری از ایالت پکتیا، می‌خواست که دسته گیلانی را ترک کند و از او - ناصری - خواسته که فرماندهی یک گروه جدید را به عهده بگیرد.

ناگفته پیداست که، گیلانی از ترک عقیده و تعویض گروه بسیار منزجر شده است. من به ناصری به عنوان یک شهروند آمریکایی توجه دادم که او می‌توانست به آسانی گرفتار و درگیر مسئولان منطقه‌ای بشود، اگر او یک نقش رهبری میان شورشیان به عهده بگیرد. من گفتم که امیدوارم او مسئله را به دقت مطالعه کند، به هر صورت، او منصرف به نظر نمی‌آید.

۶- «رادیو اسمر» هیچ کدام از شورشیانی که من اخیراً با آنها ملاقات کرده‌ام نتوانسته‌اند که رادیو اسمر را از پيشاور بگیرند. دستیار من، مسعود اکرم، نیز در دوباری که کوشیده است موفق نبوده است.

همچنین شخص قبیله‌ای وزیري گفت که او نتوانسته ایستگاه رادیویی را در دهکده‌اش نزدیک ماتون (کست) در پکتیا، بگیرد. مخالفان از وجود رادیو اطلاع دارند. آنها آن را به حزب اسلامی گلب‌الدین نسبت می‌دهند و می‌گویند که آن یک جز از تجهیزات فتح شده و تغییر یافته است. امین‌الله از حزب تأکید می‌کند

که سازمان او تنها برای فرستنده مسئول است. آن روی امواج ۴/۲ مگاهرتز، ۶۵ و ۷۰ متر، بین ساعات ۹-۸ بعد از ظهر به وقت پاکستان برنامه پخش می‌کند، به گفته او پارازیت‌های شدید فرستنده‌های کابل، جلال آباد، و تاشکند، گرفتن رادیو را در اینجا مشکل می‌کند. هر گونه گزارشی ناشی از رادیویی که شورشیان از آن خبر دارند به طور دست دوم از کابل دریافت می‌شود. در محور گزارش «دولت پنهانی»، مردی که با او صحبت کرده‌ام، چنین گزارش رادیویی را نشنیده بود.

سند شماره (۱۲)

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.
به: سفارت آمریکا کابل
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه - گزارشگر (رابرت. لی. باری)
موضوع: (محرمانه) گزارش دیدار مقام عالی‌رتبه شوروی به افغانستان در اکتبر سال گذشته

۱- (محرمانه - تمام متن)

۲- وزارت خارجه هیچ اطلاعی برای تأیید گزارش مندرج در تلگرام مرجع الف ندارد. سوابق ما حاکی از آن است که در سه هفته اول ماه اکتبر برای گذراندن تعطیلات در شهر کریمه بوده و در ۲۵ اکتبر به مسکو بازگشته است.

سند شماره (۱۳)

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزیر امور خارجه - واشنگتن
سری
تاریخ: ۲۰ اوت ۱۹۷۹

شماره: ۶۳۰۹

موضوع: سفیر آلمان شرقی از صحنه کابل دور می‌شود.

۱- (استفاده محدود اداری) روز ۱۶ اوت دکتر هرمان شوسیائو سفیر آلمان شرقی برای عمل جراحی اضطراری که مأمورین سفارت آلمان شرقی آن را سه فقره شکستگی در ساق چپ او توصیف کردند، از کابل به مقصد برلین شرقی پرواز کرد. شوسیائو با آمبولانس به فرودگاه آورده شده و داخل یک هواپیمای پرواز آیروفلوت قرار گرفت، بدین ترتیب همکاران دیپلماتیک او فرصت نیافتند با او خداحافظی کنند. به ما گفته شده است که معالجه او در جمهوری دمکراتیک آلمان لااقل شش ماه به طول خواهد انجامید.

۲- (سری) شب دوازده اوت در حالی که شوسیائو و وزیر مختار سفارت به اتفاق از یک میهمانی خارج می‌شدند، اندکی قبل از برقراری ساعات مقررات منع عبور و مرور سفیر آلمان شرقی گفت که او می‌خواهد شخص اخیر را هر چه زودتر در مورد یک موضوع اضطراری ببیند. وزیر مختار پاسخ گفت که او روز دیگر به سفیر زنگ زده و یک زمانی که برای هر دو متناسب باشد تعیین خواهد کرد. هنگامی که وزیر مختار روز ۱۳ اوت به او تلفن کرد، به او گفتند که شوسیائو ساق پایش در یک حادثه خانگی شب قبل شکسته است و نمی‌تواند دیدار کنندگان را ببیند.

۳- (سری) اظهار نظر: جای شوسیائو در جامعه دیپلماتیک کابل خالی خواهد بود. او اعم از اینکه به

ابتکار خود عمل می‌کرد یا اینکه به احتمال قوی به دستور شورویها، همتهای غربی و جهان سومی خود را درباره کوششهای شوروی برای ترتیب دادن یک راه حل در مورد شورش افغانستان «مطلع» نگه می‌داشت.

سند شماره (۱۴)

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن
 به: هیئت نمایندگی ایالات متحده - ناتو (فوری)
 تاریخ: ۲۰ اوت ۱۹۷۹
 موضوع: بحث مشاورین سیاسی در مورد افغانستان

۱- تمام متن سری است

۲- مطالب زیر نظرات ما در مورد برخی از نکات است که به طور شفاهی در بحث مشاوران سیاسی در ۷ اوت و در گزارشات کشورهای متحد ناتو در مورد افغانستان مطرح شده است:

- ما با نظرات نماینده کانادایی که جنبش شورشیان افغانستان پراکنده است و فاقد یک رهبر مورد قبول همه می‌باشد موافق هستیم. این نقطه ضعفها به همراه پشتیبانی لجستیکی اولیه و فقدان تسلیحات سنگین، شورشیان را از قادر بودن به هماهنگ نمودن حملات بر علیه رژیم یا تحت اختیار گرفتن شهرها یا تأسیسات اصلی برای هر مدت زمانی بازداشته است. با این حال شورش نمی‌تواند بی‌اثر خوانده شود؛ شورش کنترل جمهوری دمکراتیک افغانستان بر حومه شهرها را به طور تدریجی کاهش داده و اکنون مرکز قدرت جمهوری دمکراتیک افغانستان یعنی؛ ارتش، جاده‌های اصلی و مناطق شهری را مورد تهدید قرار داده است. جمهوری دمکراتیک افغانستان هنوز تا زمانی که نیروهای مسلح (خصوصاً واحدهای اصلی زرهی و نیروی هوایی در کابل) به جنگیدن علیه شورشیان و مخالفان ارتشی تمایل دارند، برتری نظامی را حفظ می‌کند.

- با عطف به علاقه نماینده دولت فرانسه به ترمیم کابینه در مواردی، نظر ما همچنان این است که ترمیم کابینه اصولاً برای دادن زمان بیشتری به امین و ترکی برای مسائل دفاعی و امنیتی و کنترل مستقیم شخصی بر ارتش طرح ریزی شده بود. روحیه ضعیف و گزارشات مبنی بر پناهندگی و فرار، زمینه‌های کافی برای به صدا در آوردن زنگ خطر در افکار آنها می‌باشد و آنها ممکن است نتیجه‌گیری کرده باشند که وطن‌نجات وزیر سابق دفاع قادر به شکست دادن مخالفین نبوده است.

ما هیچ‌گونه مدرکی نداریم که تغییرات کابینه در پاسخ به هر نوع دسیسه داخلی اتحاد شوروی بوده است. - گزارش کانادا: عطف به پاراگراف ۴، ما متوجه شده‌ایم که رسانه‌های افغانستان و شوروی یک بار دیگر اتهامات درگیری پاکستان در فعالیتهای شورشیان افغانستان را افزایش داده‌اند.

- گزارش فرانسه: الف - ما از تشریح رقم ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ مشاور نظامی روس استقبال می‌کنیم. ما از ارقام حدوداً ۲۰۰۰ مشاور نظامی و ۳۰۰۰ مشاور غیر نظامی استفاده می‌کرده‌ایم.

(ب) ما از هیچ‌گونه مدرک مستندی برای این اظهارات که مطبوعات شوروی به این موضوع اشاره کرده باشند که ممکن است استفاده فعال از سربازان روسی در حمایت از رژیم ترکی مورد توجه قرار گیرد و یا این مطبوعات به طور مرتب افغانستان را به عنوان یک کشور سوسیالیست توصیف نمایند، اطلاعی نداریم.

گزارش ترکیه: ما در این گفته که ماده مربوط به مشاوره دفاعی در پیمان دوستی شوروی - افغانستان به درخواست افغانها در این پیمان گنجانده شده بود ذی علاقه هستیم. آیا نماینده ترکیه می تواند توضیح بیشتری در این مورد ارائه دهد.

۳- نظرات اضافی

شما می توانید از تلکس ۶۲۵۱ کابل که تحلیلی است از مخالفین رژیم ترکی و همچنین بحثی است در مورد تحولات احتمالی در افغانستان، این نظرات را استنتاج کنید. شما نایستی نتیجه گیریهای کابل درباره اثرات از بین رفتن رژیم ترکی - امین بر روی منافع آمریکا و یا تمایل بدان را به دیگران انتقال دهید. - ما همچنان در مورد مقاصد شوروی در افغانستان و اثرات درگیری شوروی برای منطقه نگران هستیم. نشانه‌هایی وجود دارد که روسها به حمایت اساسی از رژیم فعلی ادامه خواهند داد. این حمایت می تواند شکل یک درگیری مستقیم تر و بر یک اساس تدریجی را به خود بگیرد.

- عوامل ایجادکننده درگیری ۵ اوت در کابل و همچنین درگیری که در ۱۵ اوت در آنجا روی داد همچنان مبهم هستند. این طور به نظر می رسد که برخی عناصر نظامی و شاید شورشیان غیرنظامی در درگیری بالا حصار (۵ اوت) مداخله داشته اند، ولی جزئیات برای بیان دقیق ماجرا خیلی ناقص هستند. چیزی که روشن است این است که جمهوری دمکراتیک افغانستان هنوز روی واحدهای اصلیش حساب می کند (زرهی و هوایی) که زمانی که مورد نیاز هستند به حمایت از او بشتابند.

- آقا شاهی مشاور امور خارجی پاکستان سفرش به کابل را در ۳۰ اوت لغو کرد. دولت پاکستان تبلیغات تجدید شده ضد پاکستانی، تجاوز هوایی به آسمان پاکستان، تصمیم جمهوری دمکراتیک افغانستان به تبلیغ در مورد پناهندگی (پاکستانی‌ها می گویند: آدم ربانی) یک دیپلمات پاکستانی در کابل را به عنوان دلایل متوقف کردن (حداقل برای حال حاضر) گفتگوی کابل - اسلام آباد در مورد بهبود بخشیدن به روابط که با سفر دوست معاون وزیر خارجه به اسلام آباد در اوایل ژوئیه شروع شد، اقامه کرده است.

۴- برای کنبرا: شما می توانید این نظرات را با DFA در میان بگذارید.

سند شماره (۱۵)

تاریخ: ۲۲ اوت ۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزیر امور خارجه - واشنگتن، دی. سی.

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۶۳۸۵

موضوع: برخلاف تبلیغات جمهوری دمکراتیک افغانستان راه پیمایی وسیع در کابل صورت نمی گیرد.

۱- تمام متن محرمانه

۲- خلاصه: به رغم مبارزات تبلیغاتی جمهوری دمکراتیک افغانستان «راه پیماییها و تظاهرات وسیع» در پشتیبانی از رژیم صورت نمی گیرد و همچنین تصور نمی کنیم که جای دیگری در کشور (صورت گرفته باشد)، اجتماعاتی در داخل وزارتخانه‌ها یکی از طرق مطلوبی است که دستگاه رهبری خط خود را عنوان می کند. قطع راه پیماییهای عمومی که قبلاً متداول بوده است، به احتمال قوی نتیجه عصبانیت فزاینده‌ای

است از اینکه گروههای راه‌پیمای در خیابانهای پایتخت ممکن است از کنترل خارج شوند. پایان خلاصه.

۳- یکی از موضوعاتی که از سوی ماشین تبلیغاتی رژیم خلقی عنوان شده این است که «راه‌پیمایها و تظاهرات وسیع» در سراسر افغانستان به پشتیبانی از مبارزه رژیم علیه «دشمنان کشور» به ویژه پاکستان و ایران صورت می‌گیرد. چنین داستانهایی معمولاً شامل فهرستهای طولانی از شهرها و شهرکها و دهکده‌هایی است که راه‌پیمایها و تظاهرات به آن نسبت داده شده است.

۴- در کابل که قلب سیاسی کشور است، اگر چنین راه‌پیمایی و تظاهراتی عملاً صورت گرفته است بایستی یک موضوع مشخص باشد، زیرا هفته‌هاست ما هیچ‌گونه اجتماع عمومی که ماهیت سیاسی داشته باشد ندیده‌ایم و یقیناً از زمان قبل از ۲۳ ژوئن که آشوبهای شدیدی در بخش قدیمی کابل صورت گرفت، چنین چیزی به وقوع نپیوسته است. قبل از آن شورش، راه‌پیمایهای خودجوشی از روستاییان خمود تحت فشار زور و بوروکراتها به رهبری وفاداران حزب، یک واقعه عادی بود. ولی ظرف دو ماه گذشته، این دوز و کلک تبلیغاتی به کنار گذاشته شده است. شاید بدان علت که رژیم درباره دادن اجازه به گروههای تظاهرکننده خسته و بیزار برای اجتماع در نزدیکی نقاط حساس در پایتخت، خشمگین گردیده است. هر چند محدودیتهای مسافرتی که بر ما تحمیل شده مانع از آن است که ما اظهار نظر مستند درباره اوضاع در شهرهای بزرگ دیگر یا در دهکده‌ها بنماییم، ولی ما گمان داریم که وقوع چنین حوادثی اکنون در آنجاها نیز نادر است.

۵- معذالک ما نیک می‌دانیم که رژیم خط تبلیغاتی خود را در داخل بوروکراسی از طریق اجتماعات منظم کارمندان و وزارتخانه‌های مختلف که از سوی یک نماینده مجاز حزب «تریبیت شده است» ارائه می‌دهد. تأثیر کلی بر اجتماعات دانسته نیست (برما)، ولی این اشخاص مردم را از خیابانها دور نگه می‌دارند و ظاهراً این کار در این مرحله هدف اولیه رژیم است.

آمستوتز

سند شماره (۱۶)

از: هیئت نمایندگی آمریکا در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)
خیلی محرمانه
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن
تاریخ: ۲۳ اوت ۱۹۷۹

شماره: ۵۸۶۳

موضوع: بحث درباره افغانستان و ایران از سوی رایزنهای سیاسی

۱- تمامی متن محرمانه

۲- روز ۲۱ اوت در بحث رایزن سیاسی آمریکا از رهنمودهای مربوط به افغانستان گنجانده شده در مرجع و همچنین اطلاعات گنجانده در شماره ۶۲۵ کابل و ۸۸۲۸ تهران استفاده شد. رایزن سیاسی پرسشهایی در مورد بخش چهارم و پنجم و پاراگراف دوم مرجع، از نمایندگان جمهوری فدرال آلمان و ترکیه مطرح کرد که آنها در پاسخ گفتند که درباره این موضوع از پایتختهای خود کسب اطلاع خواهند کرد. درباره سؤال آمریکا از جمهوری فدرال آلمان مربوط به تعداد مستشاران شوروی در افغانستان، نماینده بریتانیا گفت برآورد لندن این است که سه هزار مستشار شوروی در افغانستان وجود دارند که از این رقم هزار و پانصد مستشار نظامی هستند. بدین معنی که پائین تر از رقم برآوردی است که از طرف ایالات

متحده انجام گرفته و بدون شک به اندازه کافی کمتر از برآورد جمهوری آلمان فدرال است که سه هزار مستشار نظامی شوروی در افغانستان وجود دارند.

۳- نماینده کانادا مسئله تخلیه افراد متعلق به خانواده‌ها را در میان گذارد (مرجع ب). اتاوا هنوز معتقد نیست که اوضاع افغانستان انجام تخلیه اعضا خانواده‌ها را الزامی کند، ولی اگر زد و خورد‌هایی اتفاق بیفتد این نظریه تغییر خواهد کرد.

نماینده بریتانیا گفت در حالی که امکان پیش آمدن مشکلاتی پیش بینی نشده برای بیگانگان وجود دارد، در حال حاضر بیگانگانی که در معرض خطر قرار می‌گیرند بیشتر خود شورویها هستند.

۴- نماینده کانادا خاطر نشان ساخت که هنوز شواهدی درباره رهبری منسجم شوروش وجود ندارد، ولی موفقیت‌هایی از سوی شورشیان به دست آمده است و دلیل آن ممکن است طبق اظهار نظر کاناداییها این باشد که تفرقه‌های قبیله‌ای از سوی شورشیان فعلاً کنار گذارده شده تا به اتفاق یکدیگر علیه رژیم ترکی بجنگند، نماینده هلند از این نظریه پشتیبانی کرد.

۵- نماینده کانادا درباره مکالمه بین سفیر جدید ایران در شوروی و سفیر کانادا گزارش داد. سفیر جدید ایران قبل از بازگشت به ایران با آیت‌الله خمینی که مدت ۲۵ سال در تبعید به سر برده است، ضمن بحث درباره عدم رضایت شورویها از ایران به علت قطع تحویل گاز به شوروی صحبت کرد. سفیر جدید ایران به طور مبهم به انواع مختلف قراردادهای اشاره کرد، ولی افزود که این قراردادها توافقی‌هایی که با شاه حاصل شده است و اتحاد جماهیر شوروی مانند سایرین باید تاوان سروکار داشتن خود را با شاه و مشارکت داشتن در ترتیباتی که برای ایران مساعد نبوده است بپردازد. موضوع دیگری که سفیر جدید ایران گفت این بود که او شک دارد از این که اتحاد شوروی درباره اثرات بنیادگرایی اسلامی ایران بر روی اتحاد جماهیر شوروی نگران باشد. فورد سفیر کانادا در تجزیه و تحلیل این مکالمه چنین احساس کرد که سفیر ایران می‌کوشد روابط ایران و شوروی را به نحو احسن جلوه‌گر سازد، ولی فورد احساس می‌کند که «آشفتگی در شرف تکوین است».

۶- بریتانیا و هلند درباره افغانستان مطالبی کتبی بیشتری در این جلسه توزیع کردند که در پاراگراف ۷ در زیر گنجانده شده است.

۷- آغاز متن مقاله انگلیس

اتحاد شوروی و افغانستان

۱- در ادامه تبادلات کمیته سیاسی درباره تحولات اخیر در افغانستان، شما و همکاران من در کمیته ممکن است مایل باشید خلاصه زیر را که مربوط به نظرهای شوروی است و از سوی سفارت ما در مسکو تهیه شده داشته باشید.

۲- مطبوعات شوروی همچنان درباره ترکی و امین مطالب کافی می‌نویسند تا این تأثیر را ایجاد کنند که رژیم کنونی در افغانستان همچنان مسلط بر امور بوده و عملکرد خوبی دارد. سکوت در تبلیغات علیه پاکستان به وسیله مقاله‌ای از سوی پتروف در روزنامه پراودا در تاریخ ۲۸ ژوئیه شکسته شد. در این مقاله بار دیگر موضوع استدلال استاندارد درباره اینکه مشکلات افغانستان در نتیجه مداخله خارجیان است پیش کشیده شده است.

۳- یک مقام شوروی وزارت امور خارجه اخیراً شرح زیر را درباره سیاست شوروی به سفارت ما در

مسکو داده است. استدلال اولیه او این بوده است که سیاست شوروی همان است که در اعلامیه مشترک امضاء شده از سوی آقای برژنف و آقای دسایبی (نخست‌وزیر وقت هند) در جریان دیدار دسایبی از شوروی اعلام شده است. این مقام شوروی انکار نکرد که آشوبهای افغانستان نشانه بیان ناخشنودی بعضی از افغانیها نسبت به رژیم کنونی است، ولی مدعی است که در یک اوضاع انقلابی چنین عدم خرسندی یک پدیده عادی است و اعلام کرد که این مسئله به این زودبها حل نخواهد شد. معذالک این مقام شوروی مشخص نکرد که آیا اوضاع در آینده بسیار نزدیک رو به بهبود خواهد رفت یا بدتر خواهد شد. این مقام آشوبهای کنونی را ناشی از روحانیون مرتجع در افغانستان دانست (برخلاف اظهار نظرهای سازشکارانه درباره اسلام، مبنی بر اینکه «قرآن نخستین اثر سوسیالیستی است» که وی در فرصتهای قبلی عنوان کرده بود).

۴- درباره تغییرات اخیر در کابینه (مقصود کابینه افغانستان است - م) مقام شوروی اهمیت به دست گرفتن وزارت دفاع را از سوی ترکی و امین مورد تأکید قرار نداد و به ویژه این استدلال را رد کرد که وطنجار مشمول تنزل رتبه قرار گرفته است، یا اینکه از وزارت دفاع برای رفع تهدید سازمان دادن یک دستگاه رهبری دیگر بر اساس قدرت ارتش کنار گذاشته شده است. او گفت که در یک اوضاع دشوار امنیتی کاملاً طبیعی است که مسئولیت دفاع از سوی رئیس جمهوری و یا نخست‌وزیر به عهده گرفته شود و افزود که مسئولیتهای جدید وطنجار در وزارت کشور نیز مهم است.

۵- مقام شوروی تصمیم ایالات متحده را برای بیرون بردن افراد خانواده‌های آمریکایی مقیم افغانستان مورد طعن شدید قرار داد. وی گفت تنها آمریکاییها یک چنین اقدامی به عمل آورده‌اند و یک جو ناخوشایند و تشنج فزاینده‌ای را ایجاد کردند.

۶- سرانجام مقام شوروی به مذاکرات (شاه محمد) دوست وزیر امور خارجه در اسلام آباد اشاره کرد. هر چند او این تأثیر را به جای نگذاشت که امید زیادی به بهبود مناسبات پاکستان و افغانستان دارد، معذالک این نظر شوروی را تکرار کرد که همه کشورها در این منطقه باید روابط حسنه‌ای با یکدیگر داشته باشند. وی درباره روابط ایران و افغانستان و در پاسخ به یک پرسش ویژه درباره مصاحبه اخیر بین خمینی و سفیر شوروی در قم، مبنی بر اینکه از خمینی انتظار نمی‌رود که از اقدامات شوروی در افغانستان انتقاد کند گفت، هر چه باشد افغانیها که در جیب شورویها نیستند.

۷- نظر عمومی که در مطبوعات شوروی و در وزارت امور خارجه منعکس شده است، ظاهراً از این قرار است که ترکی و امین بر اوضاع مسلط می‌باشند و اتحاد شوروی خرسند است از اینکه آنها همچنان بر اوضاع مسلط باشند. نه در این سطح و نه از طریق منابع درجه ۲ در مسکو که ممکن است دسترس‌های رضایت‌بخشی داشته باشند. ما نشانه‌هایی درباره اینکه نقشه‌هایی برای جایگزین کردن ترکی و امین وجود دارد، در دست نداریم، ولی این بدان معنی نیست که چنین نقشه‌هایی وجود نداشته باشد. هر اندازه که شورویها نگران باشند و هر اندازه که آنها ممکن است در پشت صحنه‌ها توطئه بچینند، به همان اندازه کمتر احتمال می‌رود که آنها دست خود را برای ناظران خارجی در مسکو رو کنند. پایان متن

آغاز متن مقاله هلند

رابطهای سفارت ما در تهران که در کابل مستقر هستند، گزارشهایی را تأیید کرده‌اند که یک تیپ از

ارتش افغانستان همراه با همه تجهیزات خود به سوی شورشیان تغییر جبهه داده است. اوضاع در کابل، همان طور که گزارش شده است، بسیار متشنج است و چنین به نظر می‌رسد که رژیم کابل حتی درباره احتمال یک حمله منظم علیه پایتخت حساب می‌کند. مقررات منع عبور و مرور شبانه همچنان پابرجاست در حالی که تانکها در همه چهار راههای شهر موضع گرفته‌اند. روزنامه تهران تایمز در شماره شانزده اوت گزارش داده است که باز هم ۳۰ شهروند شوروی در قندهار در جنوب افغانستان کشته شده‌اند. روزنامه تهران تایمز گزارش داد که از شش گروه شورشی چهار گروه، یعنی جبهه آزادیبخش ملی و جمعیت اسلامی و نهضت برای انقلاب و جناحی از حزب اسلامی تصمیم گرفته‌اند تحت نام مجاهدین اسلام متحد شوند.

اوضاع عمومی ظاهراً بار دیگر برای رژیم ترکی و امین رو به وخامت گراییده و حکومت فقط اندکی بیش از کابل و مراکز ایالات را تحت کنترل عملی خود دارد. از سوی دیگر قیام‌کنندگان فاقد رهبری و هماهنگی و یک سیاست روشن و کمکهای خارجی به مقیاس قابل ملاحظه هستند، این امر از جمله بدان معنی است که شورشیان آن طور که انتظار می‌رود قادر نخواهند بود که یک حمله موفقیت‌آمیز علیه مناطق شهری که اکنون تحت کنترل رژیم است به راه بیندازند و بنابراین بدین معنی نیز می‌باشد که خطر بلافاصله قریب‌الوقوعی برای رژیم در از دست دادن موقع خود، وجود ندارد. هر چند هم ممکن است رژیم در وضع ناراحتی قرار گرفته باشد. شاید بزرگترین تهدید بلافاصله آن باشد که ارتش یا بخش بزرگی از آن (رجوع شود به فوق) علیه رژیم قیام کنند.

اتحاد شوروی که متفق رژیم افغانستان است و خیلی از عوامل را در این قمار گذاشته است (به گفته یادداشتهای نوشته شده به زبان آلمانی «با فتح افغانستان فاصله بین شورویها و هدفهای ژئواستراتژیک آن یعنی اقیانوس هند به پانصد کیلومتر تقلیل یافته است»). باید در وضع بسیار ناراحتی باشد. معذالک بالا بردن سطح آلودگیهای نظامی شوروی به مقیاس زیاد برای این کشور عواقب جدی و ناخوشایندی خواهد داشت.

- حتی با حضور نظامی به مقیاس بیشتر شوروی کمتر احتمال می‌رود که آرام کردن افغانستان آسان باشد.

- آلودگی نظامی تمام عیار شوروی به احتمال قوی پیامدهای جدی برای مناسبات مسکو با ایران و شاید عواقب جدی مهمتری با پاکستان داشته باشد.

- مداخله ممکن است اثر منفی در کشورهای غیر متعهد به ویژه در آسیا داشته باشد.

- مداخله ممکن است به موضع مسکو در جهان عرب لطمه بزند.

- مداخله ممکن است در موضع چین درباره قاره آسیا اثر داشته باشد.

- مداخله ممکن است انعکاسهای معینی در واشنگتن داشته باشد که با توجه به اینکه پیمان سالت دو مذاکرات مربوط به محدود کردن سلاحهای استراتژیک بین شوروی و آمریکا) تصویب نشده است، ممکن است بسیار جدی تلقی شود.

چنان که عملاً همه اسناد توزیع شده نشان می‌دهد، بهترین راه حل برای مسکو ممکن است یک راه حل سیاسی باشد، تغییر رژیم و تبدیل آن به رژیمی که پایگاه (مردمی) وسیع‌تری دارد، ولی هنوز هم «انقلابی» و وفادار به مسکو است.» در اینجا مسئله از این قرار است که مشکل است بتوان در نظر داشت که چگونه هر

حکومتی که کمونیستی و ضداسلام و بالاتر از همه طرفدار شوروی است، می‌تواند پایگاه وسیع تری از مردم برای پشتیبانی داشته باشد، سفارت ما در مسکو گزارش داده است که بعضی نشانه‌ها حاکی از این است که دستگاه رهبری شوروی از هم اکنون افکار عمومی را برای تحولات سیاسی و نظامی که ممکن است نفوذ شوروی را در افغانستان کاهش بدهد آماده می‌کند.

روزنامه پراودا در یک مقاله در تاریخ ۲۸ ژوئیه بر خلاف سابق هیچ گونه اشاره‌ای به این واقعیت که افغانستان و اتحاد شوروی کشورهای همسایه یکدیگرند نکرده است، در صورتی که این روزنامه در تاریخ ۷ اوت گزارشهای مفصلی درباره زдохوردها در کابل درج کرده است.

نتیجه‌ای که سفارت ما در مسکو گرفته است این است که با توجه به راه‌های دشواری که در پیش مسکو است ممکن است شاهد آن باشد که رژیم ترکی و امین بدون مداخله آن سقوط کند.

نتیجه هر چه باشد ظاهراً مسکو به یک مرحله چهارراهی رسیده است که درباره آن باید تصمیم بگیرد. یا حدود مداخله خود را کاهش دهد و تا آنجایی که مربوط به کاهش نفوذ خود در افغانستان می‌باشد احتمال خطرهایی را بپذیرد و یا اینکه «راه ویتنام» را انتخاب کند. اهمیت افغانستان برای مسکو نیاز به توضیحات بیشتری ندارد. واقعیت هم مرز بودن افغانستان با شوروی نیاز به تأکید بیشتری ندارد. گزارشهایی که از سفارت ما در اسلام آباد می‌رسد نیز درباره این واقعیت تأکید می‌کند که مقامات پاکستان بدون استثنا همه فلسفه‌های غریبها را که طی آن امکان اینکه مسکو احتمالاً در فکر تضعیف سلطه خود در افغان می‌باشد را به عنوان خیال خام محکوم می‌کنند.

اما درباره مقایسه کلی درگیری ایالات متحده در ویتنام تفاوت‌های متعددی آشکارا به چشم می‌خورد که عبارتند از:

- موقع جغرافیایی افغانستان و شرایط و اوضاع و احوالی که این موقعیت برای تسهیلات لجستیکی دارد.

- این واقعیت که شورش افغانستان تاکنون فاقد رهبری و انسجام و سیاست بوده است.

- این واقعیت که شورش از پشتیبانی مهم خارجی محروم بوده است.

پایان متن

سند شماره (۱۷)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۳ اوت ۱۹۷۹

از: وزارت خارجه - واشنگتن

به: سفارت آمریکا - اسلام آباد

موضوع: وضعیت پناهندگان افغانی در پاکستان

۱- تمام متن خیلی محرمانه است

۲- با تشکر از گزارشات جامع سفارت و کنسولگری پیشاور، وزارت خارجه از مشکلات فزاینده‌ای که رودروری دولت پاکستان در مراقبت از تعداد رو به افزایش پناهندگان افغانی وجود دارد کاملاً آگاه است. ما همچنین متوجه هستیم که دولت پاکستان و کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل در جستجوی راههایی بوده‌اند که بتوان به وسیله آن کمک بین‌المللی را برای آن پناهندگانی که اکنون با توجه به بعضی گزارشات به ۱۵۰۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰۰ نفر می‌رسند، فراهم نماید. ما تشخیص می‌دهیم که حساسیتهای سیاسی برای تمام طرفهای درگیر خصوصاً پاکستانیها، افغانها و روسها وجود دارد.

۳- ما معتقد هستیم که به سهم خود یک ملاحظه انسانی در مشاهده اینکه مساعدت کافی برای آن پناهندگان فراهم می‌آید را دارا می‌باشیم و فکر می‌کنیم این تلاش بایستی به صورت بین‌المللی باشد. ما علاقه‌مند هستیم که کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل در جهت شروع یک برنامه همکاری سریعتر عمل نماید. طبیعتاً هر چه انجام می‌شود بایستی با تأیید دولت پاکستان باشد.

۴- ران دیویدسون مأمور سفارت در هفته ۳ سپتامبر در ژنو خواهد بود و در نظر دارد تا در مورد مسئله پناهندگان افغانی با کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل مشاوره نماید. سفر او به منظور تحقیق خواهد بود و تلاش خواهد کرد تا اطلاعات بیشتری درباره تخمین کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل از احتیاجات پناهندگان به دست آورد. چونکه از آنجایی که دولت ایالات متحده محدودیتهای تهیه وجوه کمکی دارد، وی قادر نخواهد بود که تعهدات ویژه‌ای بنماید. قبلاً به ما گفته شده بود که احتمال می‌رود درخواستی به وسیله کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل از طرف پناهندگان افغانی صورت پذیرد.

۵- به این منظور که دیویدسون تا جایی که امکان پذیر است در مورد موضوع سابقه ذهنی داشته باشد، ما از خلاصه کردن اطلاعاتی که در دسترس شماست و نظرات شما درباره چندین سؤال قدردانی می‌نمائیم از جمله:

الف: شرایط برای پناهندگان واقعاً به چه صورتی است؟

ب: چه تعداد در کمپهایی هستند که مغایر با دهات قبیله‌ای یا کمپهای چادری است؟

ج: پناهندگان با چه سختی‌هایی در زمینه زندگیهای ابتدایی که به طور سنتی با آن خو کرده‌اند مواجه هستند.

د: شروع هوای زمستانی چگونه بر شرایط زندگی آنان تأثیر می‌گذارد؟

ه: مراقبت از پناهندگان برای دولت پاکستان تا چه اندازه‌ای مشکل مالی دارد؟

و: برخوردهای احتمالی دولت پاکستان نسبت به مداخله سازمان خصوصی داوطلبان در کمک به پناهندگان از جمله شرکت آمریکاییها در فعالیتهايشان چیست؟

ز: آیا ما این سؤال را از دولت پاکستان که می‌توانیم نقش سودمندی در متمرکز نمودن توجه بین‌المللی روی مسئله پناهندگان ایفا نمائیم را بایستی مورد توجه قرار دهیم؟ و آیا پرسنل ایالات متحده در پاکستان بایستی به اجتناب ورزیدن از مسافرت به مناطق پناهندگان که ما فکر کردیم به خاطر امکان برداشت غلط انگیزه‌های ما غیر عاقلانه است، ادامه دهند؟

سند شماره (۱۸)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۲۵ اوت ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت خارجه - واشنگتن

موضوع: وضعیت پناهندگان افغانی در پاکستان

۱- تمام متن محرمانه است

۲- عطف به سؤال هفت تلکس مرجع، ما می‌توانیم از رژیم خلقی انتظار داشته باشیم که با کمک کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، به پناهندگان افغانی در پاکستان مخالفت نماید. از زمان

انقضای برنامه بخشودگی که چند ماه پیش کابل در مورد پناهندگان اعلام کرد، جمهوری دموکراتیک افغانستان مکرراً اظهار داشته است که این تبعیدها را به عنوان پناهنده نمی‌شناسد و در عوض از آنها به عنوان جنایتکارانی یاد می‌کند که توسط نیروهای ارتجاعی در پاکستان مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند تا از مأمتهای بی‌خطری که در ورای این خط دور قرار دارند به افغانستان حمله کنند.

۳- هنگامی که چند ماه پیش فکر کمک کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، به پناهندگان به طور آزمایشی عنوان شد، جمهوری دموکراتیک افغانستان شدیداً علیه امکان توهین به یک عضو سازمان ملل از طرف خود سازمان عکس‌العمل نشان داد. در آن زمان مقامات محلی سفارت پاکستان خاطر نشان ساختند، پاکستان که میل ندارد بیش از این افغانهای حساس را برنجاند تصمیم گرفته تا دیگر برای کمک کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، فشار نیاورد.

۴- در خلال مذاکره اخیر با کاردار سفارت آمریکا، واسیلی سافرونچک وزیر مختار شوروی اشاره کرد که وی شنیده است که کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل، کمک به پناهندگان افغانی در پاکستان را مد نظر قرار داده است. سافرونچک اظهار داشت که جمهوری دموکراتیک افغانستان این مداخله سازمان ملل را غیر قابل قبول می‌داند.

۵- نظریه: هر چند این سفارتخانه ایده حمایت کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل از برنامه امکان‌پذیر می‌باشد، دولت ایالات متحده به عنوان ایفاکننده نقشی فعال در تشویق مداخله کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل دیده نشود. این کار فقط مدرک دیگری از چیزی که جمهوری دموکراتیک افغانستان به عنوان قصد خصومت ایالات متحده بر علیه رژیم خلقی می‌داند، تشکیل خواهد داد. جمهوری دموکراتیک افغانستان ستیزه با کشورهای مسلمان یا غیر متعهد را (مثل عربستان یا هند) مشکل‌تر خواهد یافت که به فراهم آوردن کمک انسانی کمیسیون حمایت از پناهندگان سازمان ملل اصرار می‌ورزند.

سند شماره (۱۹)

تاریخ: ۲ سپتامبر ۷۹

از: سفارت آمریکا کابل

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

طبقه‌بندی: سری

موضوع: (سری) مأموریت پاولوسکی در کابل

۱- تمام متن سری است

۲- ژنرال پاولوسکی، فرمانده نیروی زمینی اتحاد جماهیر شوروی و دوازده نفر دیگر از ژنرالهای روسی، از ۱۷ اوت تا به حال در میان حفاظت امنیتی شدید و پنهان کاری بسیار زیاد در کابل به سر می‌برند. مقامات مسئول افغانی اظهار می‌دارند که مأموریت هیئت روسی به منظور «یافتن حقایق» می‌باشد. نخست‌وزیر و وزیر دفاع حفیظ‌الله امین به مقامات رسمی رتبه پائین‌تر وزارت دفاع وکالت داده است که قراردادهای معمولیشان را با هیئت روسی به امضاء برسانند.

۳- نظریه: سفارت ترجیح می‌دهد که برای جمع کردن اطلاعات بیشتر و ارزیابی قبل از تحقیقات بیشتر درباره مأموریت ابتدائی هیئت روسی صبر نماید. به هر حال، مسئولیتهای مخصوص و مهم نظامی

رهبر آن و دیداری که هم اکنون طولانی شده و این حقیقت که چندین نوع گلوله‌های درخواستی «مورد مذاکره» قرار گرفته است، حدس زده می‌شود که یک دلیل محتمل برای حضور پاولوسکی در اینجا می‌تواند این باشد که شوروی برای دخالت نیروهایش در افغانستان دارد به طور ضمنی مواضع زمینی خودش را ایجاد می‌کند، چون بالاخره ممکن است مسکو تصمیم بگیرد که چنین قدمی و کاری لازم است. از طرف دیگر، می‌توان تصور نمود که پاولوسکی اینجا در اصل برای توسعه کارشناسی، در سطوح بالای هدایت و رهبری برای عملیات ضد امنیتی در وزارت دفاع افغانستان باشد.

سند شماره (۲۰)

تاریخ: سوم سپتامبر ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزیر امور خارجه - واشنگتن
طبقه‌بندی: سری

شماره سند: ۶۶۷۲

موضوع: ارزیابی نفوذ شوروی در افغانستان و
درگیری آن در این کشور

۱- تمامی متن سری.

۲- خلاصه: در حالی که قیام مردم افغانستان در حال گسترش و تشدید است، رژیم خلقی بیشتر و بیشتر متکی به پشتیبانی مادی و اقتصادی و مشورتی شوروی شده است. اینکه اتحاد جماهیر شوروی با المال ناگزیر خواهد بود نیروهای رزمی خود را مأمور افغانستان کند، هنوز یک مسئله‌ای است که صورت حل نهایی نیافته است. در حالی که اتحاد جماهیر شوروی حضور نمایشی خود را در افغانستان افزایش داده، وزنه سیاسی آن نیز بر دستگاه رهبری حزب خلق نیز رشد یافته است. اعم از اینکه این امر بهتر باشد یا بدتر، دو طرف، لاقلاً در حال حاضر، ظاهراً تصمیم گرفته‌اند به اتفاق یکدیگر از طوفان جاری بگذرند. «پایان خلاصه».

۳- حضور نظامی شوروی در افغانستان: در حالی که کوشش حزب خلقی افغانستان علیه عصیانگری افغانیها به طور مداوم رو به وخامت می‌رود، تعداد کادرهای نظامی شوروی در افغانستان به طور مداوم رو به افزایش است، هنگامی که حزب خلق افغانستان قدرت را در تاریخ ۲۷ و ۲۸ آوریل ۱۹۷۸ به دست گرفت، در سراسر افغانستان ۸۰۰ مستشار نظامی حضور داشتند. اگر واحد بزرگ نظامی شوروی را در پایگاه هوایی باگرام نیز به این عده بیفزاییم تعداد نظامیان شوروی در افغانستان امروز بین ۳۰۰۰ تا ۳۵۰۰ نفر خواهد شد. مقامات حزب خلق و شوروی اغلب خاطر نشان می‌سازند که این رقم به مراتب کمتر از رقم مستشاران نظامی است که حکومت ایالات متحده در ویتنام یا ایران داشته است.

۴- مستشاران نظامی شوروی (که تعداد کل آنها به غیر از آنهایی که در پایگاه هوایی باگرام مستقر هستند بیش از می‌باشند) ظاهراً با هر واحد افغانی تا سطح گردان وابسته هستند. مستشاران نظامی شوروی همچنین ممکن است در واحدهای کوچک تخصصی از قبیل تأسیسات رادار و مخابرات وجود داشته باشند. خلبانان شوروی که مأمور پایگاههای نیروی هوایی افغانستان می‌باشند گاه به گاه برای مأموریتهای رزمی پرواز می‌کنند. به ویژه آنهایی که وابسته به هلیکوپترهای توپدار پیچیده MI - ۲۴

هستند. معذالک هنوز این امر تاکنون ثابت نشده است (مثلاً کادر کشته شده شوروی در نتیجه سقوط یک هلیکوپتر) و هدایت گاه به گاه ناشیانه هلیکوپترهای ۲۴- MI که کارشناسان دفتر وابسته دفاعی آمریکا (مثلاً در جریان شورش پنجم اوت در «بالاحصار کابل» مشاهده کرده‌اند) نشان می‌دهد که خلبانان افغانی به احتمال بسیار قوی هلیکوپترها را هدایت می‌کردند.

۵- از قرار معلوم شورویها اکنون مسئول پایگاه نیروی هوایی افغان در باگرام در شمال کابل هستند. تعداد آنها را بین ۵۰۰ و ۱۵۰۰ نفر برآورد کرده‌ایم. این اوضاع ظاهراً طوری تحول یافته که به یادآورنده الگوی افزایش درگیری حکومت آمریکا در ویتنام است.

ابتدا کادرهای شوروی برای آموزش دادن افغانیها در به کار بردن سلاحهای هوایی آنها به باگرام آورده شدند، همراه با آنها پرسنل سرویس نیز مورد لزوم بود، به علت تهدید فعالیت عصیانگرانه در آن نزدیکی نیروهای شوروی برای حفاظت از مناطق آموزشی و سرویس آورده شدند، این نیز منجر به آن شد که شورویها مسئولیت دفاع از حوزه این پایگاه را به عهده بگیرند.

۶- همان طور که در جریان دوران حکومت داوودخان که قبل از این دوران بود اتفاق افتاد، پرسنل نظامی شوروی که در افغانستان انجام وظیفه می‌کند لباسهای متحدالشکل ارتش و نیروی هوایی افغانستان را به تن می‌کنند. علیرغم داستانهایی که در بعضی روزنامه‌ها نقل شده بیشتر مستشاران شوروی در افغانستان از ملیتهای اروپایی اتحاد جماهیر شوروی هستند و کمتر به چشم می‌خورد که کادرهایی از جمهوریهای آسیای مرکزی اتحاد جماهیر شوروی مثلاً ازبکها یا ترکمنها یا تاجیکها در میان آنها باشند، هر چند تشخیص هویت این نوع مستشاران بسیار دشوار خواهد بود.

۷- پرسنل نظامی شوروی در کمینگاهها و عملیات رزمی با شورشیان به قتل می‌رسند، ولی ارقام تلفات آنها به دست ما نیفتاده است. هر چند شورشیان سربازان افغانی را که به اسارت گرفته‌اند یا آزاد می‌کنند و یا آنها را به اردوگاههای ویژه (که بعضی از آنها در پاکستان واقع شده است) منتقل می‌کنند، شورشیان افغانستان از قرار معلوم از رویه کشتن همه افراد شوروی که به چنگ می‌آورند پیروی می‌کنند.

۸- در حال حاضر اندازه‌گیری مؤثر بودن حضور نظامی شوروی در افغانستان دشوار است، هر چند جریان مصالح نظامی بدون شک دارای اهمیت بسیاری در حفظ ادامه فعالیت رژیم خلقی و فراهم کردن دستگاه رهبری «ترکی - امین» با وقت مورد لزوم است. این مصالح تاکنون نتوانسته است از فرسایش نیروهای منتجه از عصیانگری اژدها مانندی که این دستگاه رهبری با آن مواجه است جلوگیری کند. در مرحله معینی تحلیل مداوم نیروی انسانی حزب خلق افغانستان (از طریق مرگ و فرار از جبهه‌ها و تغییر جبهه‌ها از سوی افراد) ممکن است اتحاد جماهیر شوروی را وادار کند تا تصمیم قاطعی درباره بالا بردن حضور نمایشی در این مبارزه از طریق وارد کردن سربازان رزمی شوروی اتخاذ کند. مثلاً در حال حاضر پرسنل آموزش دیده به اندازه کافی تانک افغانی برای پر کردن تانکهایی که به وسیله شوروی تحویل شده وجود ندارد.

۹- حضور غیرنظامی شوروی در افغانستان: تصور می‌رود که مستشاران غیرنظامی شوروی متعددی در این کشور حضور دارند که در طرحهای مختلف عمرانی و تقریباً همه وزارتخانه‌های افغانستان خدمت می‌کنند. هر چند تهیه یک رقم مشخصی که به دقت انجام گرفته باشد بسیار دشوار است، زیرا عصیانگری در افغانستان به مقیاسهایی رسیده است که توجه اولیه رهبران درجه یک افغانستان و شوروی را به خود

جذب کرده است و فعالیتهای مستشاران غیر نظامی شوروی در ماههای اخیر تا اندازه‌ای تحت الشعاع قرار گرفته است. به ویژه در وزارتخانه‌های امور اقتصادی، به دلایل امنیتی مستشاران غیر نظامی شوروی از مناطق خطرناکتر فعالیت شورشیان برکنار شده‌اند. معذالک اتحاد جماهیر شوروی می‌کوشد که بعضی از طرحها را به ویژه برای مقاصد تبلیغاتی همچنان در جریان نگهدارد. این عملیات مساعدت اقتصادی ایالتی از حمایت سنگین نظامی و پلیسی افغانستان برخوردار است. از آنجایی که بیشتر وزارتخانه‌ها در کابل به علت اینکه کارمندان ارشد آنها به امور «دفاع از انقلاب» می‌پردازند در حال درجا زدن هستند و از آنجایی که چند نفر وزیر و معاون وزیر در عمل وقت خود را «در جبهه» می‌گذرانند، فعالیتهای مستشاران شوروی در این وزارتخانه‌ها به نحو قابل ملاحظه‌ای نظیر زمان بلافاصله بعد از انقلاب چشمگیر نیست. معذالک یک استثنا وجود دارد و آن وزارت اطلاعات و فرهنگ است که در آنجا کارشناسان تبلیغاتی شوروی تمامی وزنه خود را به کار می‌برند و دستورات مستقیم به شکل «دستورات مشورتی» صادر می‌کنند و بدین ترتیب از قرار معلوم همتاهای افغانی خود را می‌رنجانند.

۱۰- سرمایه‌گذاری شوروی در افغانستان: از تاریخ دیدار خروشچف و بولگانین از کابل در سال ۱۹۵۵، اتحاد شوروی در حدود یک میلیارد دلار به افغانستان سرازیر کرده است که قسمت اعظم آن به شکل طرحهایی با وامهای با نرخ بهره نازل تأمین مالی شده است. بازپرداخت این وامها قسمتی از طریق تحویل کالای افغانی از قبیل مرکبات حاصل از طرحهای آبیاری شوروی در جلال آباد یا گاز طبیعی از منطقه رود سیحون و جیحون صورت می‌گیرد. مقامات افغانی تأکید می‌کنند که اتحاد جماهیر شوروی با تقاضاهای حزب خلق برای سبک کردن بار سنگین بدهی افغانستان به شوروی موافقت کرده است. شرایط دقیق این سازش هنوز به طور مشخصی معلوم نشده است، هر چند یک مأمور مساعدت شوروی، اخیراً به سفارت آمریکا در مسکو (تلگراف ۲۰۱۵۲ مسکو) گفته است که اتحاد شوروی بازپرداخت بدهیهای اقتصادی افغانستان را برای مدت ۱۰ سال به عقب انداخته است. تحویل ساز و برگ نظامی شوروی به افغانستان از زمانی که «انقلاب بزرگ صورت» به وقوع پیوست به مقیاس بزرگی افزایش یافته است ولی کل مبلغ این مصالح و تعهدات جدید بازپرداخت بدهیهای بابت این مصالح هنوز نامعلوم است. اخیراً سفیر شوروی در افغانستان به کارمند سفارت آمریکا در این کشور گفته است که اتحاد جماهیر شوروی در حدود یک و نیم میلیارد دلار برای پشتیبانی از برنامه پنج ساله رژیم خلقی در اختیار آن گذارده است و قسمت بزرگی از این مبلغ از قرار معلوم شامل رشته اعتبارهایی بوده است که به توسط رژیم سابق داوود خان به مصرف نرسیده است. شورویها نیز مانند سایر وام دهندگان با سرخوردگی ناشی از توانایی محدود افغانیها در جذب این کوششهای کمکی مواجه هستند. پولهایی که به افغانستان اختصاص داده می‌شود به مصرف می‌رسد اما نه همیشه.

۱۱- قمار سیاسی اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان: - اینکه مسکو در واقع در برانگیختن انقلاب صورت شرکت داشته است یا خیر در حالی که هم (حزب) خلقیها و هم شورویها همچنان اصرار دارند که یک چنین هماهنگی وجود نداشته است، اتحاد جماهیر شوروی به سرعت برای این رژیم نوپای دست چپی پس از آن حادثه، مسئولیتهای بزرگی از لحاظ پشتیبانی به عهده گرفت. به مرور زمان که دستگاه رهبری حزب خلق مواجه با عصیانگری فزاینده مردم افغانستان شد اعتماد خود را تماماً و علناً در گرو پشتیبانی و حمایت اتحاد جماهیر شوروی گذارد.

مثلاً حفیظ الله امین نخست‌وزیر، اخیراً به یک خبرنگار گفت: که اگر افغانستان از لحاظ نظامی در معرض حمله قرار گیرد اتحاد شوروی «یقیناً» همه گونه مساعدت مورد نیاز را فراهم خواهد کرد. (تلگراف شماره ۶۵۶۳ کابل) بسیاری از ناظران دیپلماتیک محل معتقدند که مسکو به خود اجازه داده است که کاملاً و علناً در این مبارزه متعهد شود.

بنابراین اتحاد شوروی استطاعت آن را ندارد که اردوی سوسیالیستی جهان، شاهد کوتاهی آن در حفاظت از یک حزب مارکسیستی لنینیستی برادر یعنی؛ حزب دمکراتیک خلق افغانستان و یک «انقلاب ترقی خواهانه» باشد. البته ماهیت تعهد شوروی احتمالاً از نظر مسکو دارای انعطاف‌هایی می‌باشد.

۱۲- همچنین ممکن است که شورویها حتی خود را به طور برگشت‌ناپذیری نسبت به جمهوری دمکراتیک خلق افغانستان متعهد شمارند.

دیپلماتهای محلی شوروی با زحمت زیاد این نکته را روشن می‌سازند که تعهد حکومت مطبوع آنها محدود به «نجات انقلاب» و حفظ دست‌آوردهای اجتماعی و اقتصادی آن است (از قبیل مبارزه علیه بی‌سوادی، برطرف کردن کنترل‌های فتودالی بر زنان و ازدواج، لغو رباخواری برای اعتبارهای کشاورزی و اصلاحات ارضی). همان طوری که مقامات شوروی در مناسبتهای مختلف اعلام داشته‌اند: «عقربه ساعت را نمی‌توان به عقب بازگرداند.»

این فرمول‌بندی نظریات شوروی از سوی بعضی از ناظران بدین معنی تلقی شده است که اتحاد جماهیر شوروی می‌تواند با یک رژیم جانشین غیرحزب خلقی که متعهد به حفظ این دست‌آوردهای «ترقی خواهانه» باشد زندگی کند. شورویها احتمالاً پی می‌برند که در صورتی که مسکو بالمآل به این نتیجه برسد که هزینه تمام شده برای حفظ رژیم خلقی از لحاظ سیاسی و نظامی به نحو ناپذیرفتنی بالاست، تقریباً هر نوع حکومت دیگری در کابل، در نتیجه واقعه‌های ژئوپلیتیک، ناگزیر خواهد بود مناسبات صلح‌طلبانه و پایداری با همسایه بزرگ شمالی خود داشته باشد و تعهدهایی از جانب یک رژیم جدید افغانی برای «حفظ ثمره‌های انقلاب صور» نیز لازم خواهد شد.

۱۳- چشم‌انداز آینده بسیار نزدیک: هر چند در هفته‌های اخیر روشن شد که شورویها ترجیح می‌دهند یک نوع سازش سیاسی که ضدیت گسترش یافته داخلی را نسبت به رژیم خلق کاهش دهد، حاصل شود، دیگر به نظر نمی‌رسد که چشم‌انداز قریب‌الوقوعی برای چنین موفقیتی در این زمینه پیدا شود. «دامنه‌دارتر کردن پایگاه سیاسی» رژیم افغانستان تا زمانیکه خلقیها در تصفیه همه عناصر ممکن رقیب مداومت می‌کنند و حتی از فرقه‌های ناراضی خلقی هم نمی‌گذرند، دیگر ممکن نیست. به هر صورت ترمیم پستهای کابینه در میان همان «سربازان» «طرفدار روسیه» مارکسیست لنینیستی در کابل دیگر نمی‌تواند بر روی هزاران نفر از مجاهدین که در کوهستانها مستقر شده و ماههاست برای برقراری مجدد یک هویت ملی اسلامی در افغانستان می‌جنگند تأثیری داشته باشد.

۱۴- شورویها اکنون چنین به نظر می‌رسد که تسلیم قضا و قدر برای ادامه پشتیبانی از دستگاه رهبری ترکی و امین شده‌اند، ولی با شرایطی که خود تعیین می‌کنند، به خلقیها ظاهراً از سوی روسها دستور داده شده است که لحن آن جنبه‌هایی از انقلاب خود را که مخالف برانگیز است ملایم‌تر کنند. لفاظیهای مارکسیستی لنینیستی در اینجا به مرحله گنگی رسیده است. برنامه جنجال برانگیز اصلاحات ارضی «تکمیل شده» اعلام شده است. رهبران حزب خلق بر یکسانی برنامه‌های خود با اسلام تأکید کرده‌اند.

شورویها و خلقیها نومیدانه می‌کوشند دفع وقت کنند. در کشوری که طول متوسط عمر از چهل سال تجاوز نمی‌کند، کمونیستها می‌دانند که عناصر مسن تر مخالف، بالمآل از صحنه ناپدید خواهند شد. آنها امیدهای خود را بر روی جوانان استوار کرده‌اند. از طریق شست و شوی مغزی تحت راهنماییهای شوروی در رسانه‌های گروهی و در مدارس، متوجه شده‌ایم که خلقیها ممکن است عده‌ای از جوانان افغانی را در صفوف خود گردآورند. علاوه بر این فارغ‌التحصیل‌های دبیرستانهای افغانستان برای تحصیلات پیشرفته‌تر و آموزش بیشتر به اتحاد شوروی و سایر کشورهای کمونیست فرستاده می‌شوند (مثلاً اخیراً هزار و پانصد نفر به اتحاد شوروی فرستاده شدند). بسیاری از اینها پس از دریافت شستشوی مغزی به عنوان کادر با ارزش باز خواهند گشت و عده‌ای نیز ممکن است به عنوان ضدشورویهای تند و تیز بازگردند.

۱۵- فوری‌ترین مسئله در این استراتژی دفع وقت: رژیم حزب خلق تا چه مدتی می‌تواند در مقابل این رویه تحلیل رفتگی نیروی انسانی ایستادگی کند؟ هر ماه از طریق تلفات میدانهای جنگ و فرار از میدانهای جنگ و تغییر جبهه، تعداد زیادی از سربازان افغانی از دست می‌روند. اشخاصی که تغییر جبهه داده‌اند یا از جبهه فرار کرده‌اند. شامل واحدهایی تا سطح تیپ هستند که همراه با سلاحهای روسی خود و مهارت‌های حرفه‌ای که برای کاربرد آنها به دست آورده‌اند به صفوف شورشیان پیوسته‌اند. همان طوری که قبلاً گفته شد اتحاد جماهیر شوروی ساز و برگ نظامی سخاوتمندانه‌ای برای افغانستان فراهم می‌کند، ولی کمبود نیروی انسانی، اکنون به چنان مرحله بحرانی رسیده است که سربازان آموزش دیده کافی برای مجهز کردن آنها با این سلاحها وجود ندارد. و در سرتاسر افغانستان تانک‌هایی که بدون سرنشین هستند به فراوانی به چشم می‌خورند.

۱۶- در مرحله معینی قابل تصور است که دستگاه رهبری ترکی و امین ممکن است خود را ناگزیر احساس کند تا تقاضای سربازان رزمی شوروی را برای حفظ بقای خود بنماید. تصور می‌شود که رهبران افغانستان به ماده چهار پیمان دوستی شوروی و افغانستان که در پنج سپتامبر ۱۹۷۸ به امضاء رسیده استناد کنند. معذالک عقیده ما این است که این ماده که به وسیله قانون‌دانان تردست شوروی تنظیم شده است، شوروی را به طور خود به خود متعهد به مداخله نظامی در صورتی که بخواهد اقدام کند، نمی‌نماید. (از سوی دیگر چنین به نظر می‌رسد که این ماده شوروی را مجاز می‌کند که حتی در زمان صلح مداخله کند). بیشتر ناظران دیپلماتیک در محل تصور می‌کنند که شورویها می‌خواهند از یک چنین درگیری تا زمانی که یک خط مشی خفیف تری قابل عمل باشد اجتناب کنند، ولی این امکان را منسوخ نمی‌کند که اتحاد شوروی ممکن است خود را ناگزیر احساس کند که تصمیم بگیرد تا «برای نجات انقلاب» و «یک حزب برادر» لازم شده است نیرو به افغانستان بفرستد و در چنین صورتی درگیری شوروی محدود خواهد بود؛ مثل نیروهای ویژه هواپرد که برای حفاظت از تأسیساتی که شهروندان شوروی در آن کار می‌کنند حضور دارند، معذالک بالمآل حضور نظامی اتحاد شوروی ممکن است گسترش یابد.

۱۷- سایر ناظران دیپلماتیک در محل تصور می‌کنند که شورویها در آخرین تحلیل، از پشتیبانی رزمی از رژیم خلقی در افغانستان خودداری خواهند کرد و چنین قضاوت خواهند کرد که احتمالات به نفع آن است که مسکو بتواند با تقریباً هر نوع از رژیم جانشین رژیم کنونی مرآده و معامله داشته باشد. مسکو احتمالاً متوجه اظهارات رهبران شورشی افغان در پیشاور (پاکستان) مانند سید احمد گیلانی شده است که

گفته است شورشیان حاضرند درباره روابط آینده با مسکو از «روش عملی» پیروی کنند. شورویها ممکن است احساس کنند که آنها وزنه کافی را برای تحمیل یک رژیم جانشین که بتواند «پیشرفتهای قابل ملاحظه» انقلاب ثور را محترم بشمارد دارند و بدین ترتیب آبروی شورویها حفظ بشود.

۱۸- بنا به قضاوت این سفارت زمان آن هنوز فرا نرسیده است که حزب خلق تقاضای کمک بکند و هنوز هیچ گونه شواهد محکمی درباره اینکه اتحاد شوروی خود را برای مداخله مسلحانه در آینده بسیار نزدیک آماده می کند وجود ندارد. معذالک بدون شک اتحاد جماهیر شوروی احتمالاً طرح ریزی هایی برای وقایع آینده می نماید.

سند شماره (۲۱)

از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۹

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی با حق تقدم

شماره سند: ۶۷۸۹ طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: نخست وزیر امین تأکید می کند که او خواستار «روابط دوستانه ای با آمریکا» است.

۱- در مصاحبه اخیر با چند تن از خبرنگاران خارجی که در شش سپتامبر در اینجا منتشر شده نخست وزیر حفیظ الله امین بیانات زیر را در مورد روابط افغانستان با آمریکا بیان داشت.

- ما از ایالات متحده و چین (به خاطر حمایت مستقیم از شورشیان) شکایت نمی کنیم. ما می خواهیم که روابطی دوستانه با چین و ایالات متحده داشته باشیم. در عین حال، احساسات این دو کشور را علیه انقلابمان نادیده نمی گیریم، این احساسات در سخن پراکنها و تبلیغات رادیو پکن و صدای آمریکا منعکس شده است.

۲- نظریه: این اعتراض علنی به وسیله امین و رئیس جمهور ترکی که آنها خواهان روابط خوبی با آمریکا هستند، یک روش نسبتاً استاندارد است، ولی همان طور که امین در این مصاحبه نشان داد، بیانات آنها با گله هایی مبنی بر حالت خصومت صدای آمریکا و سایر تبلیغات آمریکاییها علیه رژیم آنها توأم است. سخنرانیها و مصاحبه های علنی آنها هر طور که باشد، برداشت و رفتار عمده این است که موضعگیری دولت نسبت به برنامه های ما در این جا چنان نبوده است که بگویم روابط «دوستانه» دوطرفه اشاره شده، به وسیله رهبریت افغانستان ترویج داده می شود. آمستوتز

سند شماره (۲۲)

از: سفارت آمریکا - کابل تاریخ: ۱۱ سپتامبر ۷۹

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن

شماره سند: ۶۷۸۸ طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: اطلاعات جسته و گریخته در مورد بیوگرافی نخست وزیر امین (استفاده اداری محدود)
۱- (استفاده اداری محدود) حفیظ الله امین نخست وزیر در یک مصاحبه ای که اخیراً با چند خبرنگار خارجی انجام داد و در تاریخ شش سپتامبر در جراید محلی منتشر شد، اطلاعات زیر را درباره زندگی

خودش آشکار کرد:

- او پنجاه ساله می‌باشد.

- تبصره، ما تصور می‌کنیم که او پنجاه و دو ساله باشد.

- او آگاهی سیاسی خود را هنگامی که در دانشگاه ویسکونسین آمریکا در تابستان سال ۱۹۵۸ دانشجو بود، به دست آورده است. در آن زمان او در چندین رشته در زمینه علوم سیاسی و اقتصاد تحصیل می‌کرده «به باشگاه ترقی خواهانه سوسیالیستی سر می‌زد» و «از نزدیک ناظر شرایط سرمایه‌داری بود.» - او قبل از اینکه امتحانات شفاهی خود را برای اخذ درجه دکتری بدهد یا از سوی حکومت ایالات متحده «بیرون رانده شده بود» یا اینکه از سوی رژیم افغانستان «به موطن احضار شده بود». مقامات ایالات متحده به او گفتند که او به خانه احضار شده است، ولی هنگامی که او به کابل رسید، به او گفتند که ایالات متحده او را «بیرون کرده است». هر چند او «تقاضا کرد» فرصتی به او داده شود تا مطالعات خود را با هزینه خود به پایان برساند این تقاضا رد شد.

- پس از اینکه چهار سال در پارلمانی که در دوران سلطنت وجود داشت خدمت کرد، توجه خود را به سازمان دادن و به خدمت فرا خواندن کادرهای حزبی در میان نظامیان در سال ۱۹۷۳ متمرکز کرد.

۲- (محرمانه) اظهار نظر: در این مصاحبه ویژه، امین تنها به طور جنبی ایالات متحده را به خاطر (بیرون راندن) خودش به علت فعالیت‌های ظاهراً سیاسی مورد سرزنش قرار داد. در فرصتهای قبلی او با این نزاکت صحبت نمی‌کرد. عذاب دریافت نکردن یک دکتری واقعی هنوز هم او را رنج می‌دهد و بعضی از ناظران در اینجا حتی فراتر رفته و مدعی‌اند که خروج قبل از موعد او از دانشگاه کلمبیا (به هر علت که باشد) علت‌العلل احساسات ضد آمریکایی امین است. نقش امین به عنوان اولین پیش برنده حزب و به حرت درآورنده آن در ارتش افغانستان (ظاهراً برای دوران حساس ۷۸-۱۹۷۳) تا اندازه زیادی تشریح کننده این موضوع است که چرا اعضا خلقی نظامیان لاقول تاکنون وفاداری خود را به رژیم علیرغم تشنجات فزاینده و خشونت‌ها حفظ کرده‌اند. اطلاعات قبلی حاکی از آن بوده است که امین به نحو فعالی قبل از سال ۱۹۷۳ برای حزب عضوگیری می‌کرده است، ولی اشاره او در اینجا ممکن است این اندیشه را القاء کند که این امر پنج سال قبل از انقلاب مسئولیت اولیه او بوده است، سرانجام کاهش چند سالی از سن خود از سوی امین می‌تواند جبران چند اینچی را بکند که او به کمرش از زمان انقلاب به بعد اضافه کرده است، هر چند در این جامعه اطلاعات ویژه درباره مسائل بی‌اهمیتی مانند تاریخ تولد به طور کلی وجود ندارد.

سند شماره (۲۳)

شرکت‌کنندگان: ننگوی تارزی - پناهنده افغانی، کارمند قبلی سفارت افغانستان در واشنگتن و وزارت خارجه افغانستان و جرج بی‌گریفین.

تاریخ: ۱۹ و ۲۰ سپتامبر ۱۹۷۹

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

یادداشت مذاکرات

محل و زمان: ۱۲ سپتامبر ۷۹ در منزل گریفین در واشنگتن

موضوع: فعالیت‌های ناراضیان افغانی

تارزی به دیدن من آمد که درباره سفر اخیرش به اروپا حرف بزند. او برنامه ریخته بود که خانواده‌اش را به انگلستان ببرد، ولی خبر از تشکیل ائتلاف انقلابی در آلمان رسید. برادرزانش «سیداحمد گیلانی»

تلفن زد و از او خواست که پیغامی را برای اعضای ائتلاف که در هامبورگ ملاقات می‌کنند ببرد. در این پیغام گیلانی شرح داده که گروه او یک دعوتنامه به آن گروه را با کمال میل مورد قبول قرار خواهد داد. وقتی که تارزی به آلمان رفت متوجه شد که این ملاقات به توسط ژنرال «عبدالولی» پسرخوانده ظاهر شاه ترتیب داده شده و در آنجا ژنرال قبلی بنام «مستغنی» و سفیر قبلی افغانستان در آمریکا آقای «کریم» حضور دارند. آقای تارزی دوبار عبدالولی را در هتلش ملاقات کرد، ولی او دعوت را برای حضور در جلسه گروه قبول نکرد، چونکه او هیچ اجازه‌ای از گیلانی برای این کار نداشت.

تارزی آشکار کرد که ائتلاف تصمیم گرفته که در مورد این که آیا رهبران جنگجویان در پاکستان دخالت عبدالولی را در فعالیتهایشان قبول خواهند کرد یا نه، مطالعاتی انجام دهد. (برای او مشخص نبود که «عبدالولی» از طرف خودش عمل می‌کند یا اینکه نماینده ظاهر شاه است، حتی بعد از اینکه او پسرعموی شاه را مورد سؤال قرار داد).

پسرعموی شاه گفت که ظاهر شاه تا این اواخر میل نداشت که در فعالیتهای ناراضیان دخالت کند، ولی عبدالولی می‌خواست که فعالیتهای خودش را بکند. او نمایان کرد که ظاهر می‌خواست کمک کند، ولی می‌خواست عکس‌العملها را بررسی کند، قبل از اینکه خودش را داخل کند. گروهها در آلمان از تارزی خواستند که از طرف مردم افغانستان از شاه پشتیبانی کند، ولی او این کار را نکرد.

او به ظاهر در رم تلفن کرد، ولی از روی ادب درباره این مطلب با او هیچ حرفی نزد. در این میان سفیر «کریم» داشت کوشش می‌کرد که عبدالولی به پیشاور برود.

تارزی درخواست کرد که ائتلاف یک طرح را برای یک سری سیاستهای گسترده مورد بررسی قرار دهد. آنها قبول کردند که چنین عملی برای جلوگیری از تمایل افغانستان به کشورهای نظیر ایران لازم است. آنها از این می‌ترسیدند که خلقیها بیرون رانده شوند، ولی به علت داد و بیداد جانشینهای آنها بر روی شخصیتها، قوی تر برگردند. آنها همچنین موافقت کردند که آنها احتیاج به یک پایه برای تشکیل دولت دارند، به طوری که افراد مختلف بیایند و بروند بدون اینکه ثبات دولت را به هم بریزند. هر چند به تارزی گفته‌اند که اولین هدف آنها بر کنار کردن خلقیهاست.

تارزی متذکر شد که چند عضو ائتلاف وقتی که شنیدند که شوروی یک تماس آزمایشی با ظاهر شاه گرفته است عصبانی شدند. او با ذکر اینکه این مطلب در روزنامه نیویورک تایمز چاپ شده است، قویاً سعی می‌کرد که ببیند من در این مورد چه می‌دانم. من به او گفتم که هیچ چیز درباره اعتبار این مطلب نمی‌دانم، ولی گفتم که این باورکردنی است. اگر این حقیقت داشته باشد که شوروی سعی می‌کند که جنگ را فرو نشاند یا ناراضیان افغانی را کم کرده و آنها را به رژیم ملحق کند، تارزی ظاهراً تماس با شوروی را خطرناکتر می‌دید.

به هر حال تارزی متذکر شد که سفیر کریم قرار است که از پیشاور دیدن کند برای آنکه بفهمد نظر عبدالولی در مورد جنگجویان در آنجا چیست، اعضاء دیگر ائتلاف از جمله ژنرال سابق مستغنی و (عارف پسرخوانده دیگر شاه) قرار بود که برای به دست آوردن پشتیبانی از روشنفکران تبعیدی افغانی برای یک شورای ۱۰ تا ۱۲ نفره، برای راهنمایی گروههای مختلف جنگجویان از جمله گروههایی که در پاکستان هستند، به اروپا و آمریکا مسافرت کند.

به گفته تارزی بعضی از ائتلافیون پیشنهاد کردند که از آن جنگجویانی که ماهرانه در کابل می‌جنگند

پشتیبانی کنیم. او اصرار داشت که اول باید این مسئله مورد بررسی قرار بگیرد که آیا اخوان المسلمین، بین جنگجویان نفوذ پیدا کرده است یا نه؟ چون اخوان المسلمین هیچ گاه در مصر یا سوریه یا عراق از هم نپاشید و «ناصر»، «هارون مجددی» را به خاطر نقشش در اخوان المسلمین ۸ سال زندانی کرد. او گفت که اگر اعضای این گروهها (اخوان المسلمین) در کابل به قدرت برسند، چپها در عرض دو سال سرنگون خواهند شد.

او خاطر نشان کرد که رهبران مذهبی در نقش دادن آینده افغانها سهمی داشته‌اند، ولی تأکید کرد که در شورا فقط میانه‌روها باید نقش داشته باشند.

او به گروهی که گیلانی اصرار داشت اطلاع داد که هر نوع از میانه‌روهای دولتی باید نقش داشته باشند. برای توضیح اطلاع او، او برای غربال، پیروانش را دقیقاً بسیج کرد با ذکر اینکه آنها زیر سلطه کامل رهبران مذهبی محل خودشان بودند.

تارزی گفت که تبعیدیان افغانی اطلاعات کمی درباره وضع افغانستان دارند و شک دارد که ملحق شدن به مجاهدین بتواند آینده آنها را تضمین کند.

تارزی ادعا کرد که جنگجویان در حدود ۱ تا ۲ میلیون دلار از عربستان سعودی دریافت کرده‌اند. او ادعا کرد که اکثر این مبلغ به گلب‌الدین و ربانی از طریق جماعت مسلمین پاکستان داده شده است. او اضافه کرد که رهبران مذهبی ایران یک سری پشتیبانی از شیعیان افغانی کرده‌اند، ولی آنها از سنیها که در اکثریت هستند پشتیبانی نمی‌نمایند و یا با جنگجویان در پیشاور همکاری نمی‌کنند.

او گفت که «ربانی» و گلب‌الدین برای گرفتن پول به عربستان سعودی کلک زده‌اند، ظاهراً کمپانی نفتی عربستان قبول نکرده بود که به آنها کمک کند مگر وقتی که چهار گروه از جنگجویان در پیشاور تشکیل یک جبهه بدهند. برای این کار ربانی گروه خودش را به سه یا چهار گروه تقسیم کرد و سپس یک موافقتنامه ائتلاف بین خود و مردانش امضاء کرد، بعد عربستان سعودی پول را فرستاد. او درباره منابع دیگری که امکان دارد به جنگجویان کمک کنند چنین گفت: از آنجایی که خمینی با شاهنشاهی مخالف است، من شک دارم که اگر رهبران ایرانی بدانند که ظاهر شاه در این کار نقشی دارد، کمکی کنند و از آنجایی که پاکستان مشغول برگزاری انتخابات است، او هم نمی‌تواند کمکی کند و عربستان سعودی نیز از آنجایی که از عکس‌العمل شوروی می‌ترسد، هرگز به طور واضح پشتیبانی نمی‌کند.

تارزی گفت که احتیاجات ضروری جنگجویان سلاح و مواد سوختنی است، ولی گفت که این احتیاجات را آمریکا باید تأمین کند.

او اظهار امیدواری کرد که بتوانند قبل از زمستان خلیقها را سرنگون کنند. و اگر این طور نشد، آنها به جنگ ادامه خواهند داد. ولی در این مورد اظهار نگرانی کرد که آنها بتوانند بعد از زمستان در دید عموم محبوبیت کسب کنند.

تارزی هرگز مثل بقیه از کمبود مالی و یا کمبودهای دیگر شکایت نمی‌کند و همچنان به شیک پوشی ادامه داده و خیلی مسافرت می‌کند. هر چند که او اقرار کرد که دنبال کار می‌گردد. او گفت که او را به خاطره رأی و تو در کابل از سازمان ملل متحد بیرون کرده‌اند. او گفت که برادرش در اواخر ژوئیه در صندوق عقب یک ماشین از طریق پاکستان از افغانستان فرار کرده و هم اکنون در پاریس است.

سند شماره (۲۴)

از: سفارت آمریکا در مسکو
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی با حق تقدم
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: بازدید ترکی از مسکو

۱- با توجه به توقف کاملاً مشهود ترکی در مسکو در روزهای ۱۱-۹ سپتامبر که در مورد آن نسبتاً مقدار کمی گزارش شده، می توان گفت که رهبر افغانی تأکید رسمی مجددی در رابطه با نظریات شوروی برای کمک به «مردم افغانستان» به دست آورده باشد، ولی دلایلی وجود دارد که عدم توافقی در مسائل دو جانبه موجود بوده است.

۲- تنها ملاقات اعلام شده با برژنف و گرومیکو روز ۱۰ سپتامبر بود. «تاس» ملاقات را چنین گزارش داد:

الف: با توجه به معاهده دوستی، افغان-روس (ولی نه به طور خاص در مورد شرایط کمکهای نظامی) برای گسترش روابط دو جانبه در تمام زمینه ها تعهد کردند.

ب: گفته شد که برژنف به ترکی اطمینان داده که در مبارزه با امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی، مردم کشور دوست افغان می توانند روی استمرار کمکهای مثبت و غیر خودخواهانه روسها حساب کنند.

ج: گفته شد که ملاقات در یک جو صمیمی و دوستانه برگزار شد.

د: گفته شد که «یگانگی کاملی در نظرگاهها» در جریان گفتگوهای مربوط به مشکلات بین الملل وجود داشته (ولی این اصطلاح را در مورد گفتگوهای مربوط به روابط دو جانبه به کار نبرد).

۳- گزارش «تاس» درباره عزیمت روز ۱۱ سپتامبر ترکی این احساس را تأیید می کند که برخی عدم توافقیها وجود داشته است. ترکی گفته که ملاقات او با برژنف «بسیار مفید» بوده و آنها در مورد مسائل مورد علاقه طرفین در «جوی صریح و برادرانه» گفتگو کرده اند.

۴- نظریه: بر اساس اظهاریه برژنف در مورد افغانستان در روز ۱۱ ژوئن، موضوع تعهد کمک شوروی مهم بوده و به جای دولت دمکراتیک مستقیماً خطاب «به مردم افغانستان» است. پوشش کامل ترکی و برژنف در تلویزیون شوروی و در مطبوعات عمده که حاکی از گفتگوی دوستانه بود، ممکن است حداقل نشان دهنده این امر باشد که خود ترکی هنوز از حمایت شوروی برخوردار است.

سند شماره (۲۵)

از: وزیر خارجه واشنگتن دی سی
به: هیئت نمایندگی آمریکا در ژنو
طبقه بندی: محرمانه

شماره سند: ۰۶۸۰

موضوع: آوارگان افغانی در پاکستان

۱- تمام متن محرمانه
۲- داویدسن مأمور وزارت امور خارجه به تاریخ ۱۱ سپتامبر با NEA/PAB ملاقات کرد، تا گفتگوی اخیرش با کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل در ژنو در مورد وضعیت آوارگان افغانی در پاکستان

را گزارش کند.

داویدسن نتیجه گرفت که کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل قصد دارد که تلاش سختی برای کمک به این آوارگان آغاز کند.

او معتقد است نمایندگان کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل که در ماه می به پاکستان سفر کرده اساساً و طبیعتاً سیاسی بود و هدفش این بود که تعیین کند آیا کمیسیون می‌توانست در ناحیه کار کند یا نه. گروه دوم که بعداً در ماه اوت وارد شد، برای تعیین احتیاجات طرح‌ریزی شده بود.

۳- داویدسن معتقد است که کمیسیون در تعیین اینکه چه کسی قانوناً یک آواره است و چه کسی نیست دچار اشکال خواهد شد. خصوصاً با وجود قبایل مهاجر ناحیه که به طور سنتی از مرز رفت و آمد می‌کنند و این واقعیت که فقط درصد کمی از پناهندگان در اردوگاهها سکونت دارند (بیشتر با خویشاوندانشان زندگی می‌کنند یا برای خودشان همراه گله‌هایشان اردو می‌زنند). کمیسیون مایل است که تأکید کند که اردوگاهها و فعالیتهای کمیسیون حداقل باید ۲۰ کیلومتر از مرز پاکستان - افغانستان فاصله داشته باشد.

۴- داویدسن در مورد مسائل زمانی با کمیسیون گفتگو کرد، او پیشنهاد کرد که زمستان آتی برای شروع یک برنامه، هر چه زودتر در نظر گرفته شود. کمیسیون در نظر دارد که برنامه را اواسط اکتبر شروع کند تا با اجلاس هیئت مدیره اجرایی که در آن زمان صورت می‌گیرد تلاقی کند. داویدسن اصرار کرد و کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل بالاخره پذیرفت، که ببینند آیا ممکن است قبل از آن اجلاس به توافقیایی برسند.

۵- داویدسن فهمید که کمیسیون حمایت از آوارگان سازمان ملل در فکر این است که برنامه تقریباً ۱۰ تا ۱۳ میلیون دلاری را اجرا کند. کمیسیون از آمریکا متوقع خواهد بود که به طور اساسی در پرداخت هزینه سهم شود (در فعالیتهای مشابه گذشته، سهم آمریکا به طور متوسط حدود یک چهارم تا یک سوم از کل هزینه بوده است).

۶- داویدسن از کمیسیون پرسید چه کسانی در انجام یک فعالیت امدادی شرکت خواهند جست. بیشتر فعالیتهای از طریق دولت پاکستان انجام خواهد شد و ممکن است که رهبران قبیله‌ای در ترتیبات اجرایی ویژه، در نواحی مرزی دخالت داده شوند. بخش بین‌المللی کمکهای اضطراری به کودکان سازمان ملل نیز ممکن است شرکت کند.

۷- برای اسلام آباد: در مورد پیشنهاد شما در پاراگراف ۱۲ مرجع الف، ما در نگرانیهای سفارت در کابل با یک سیاست بسیار فعال دیدار مقامات رسمی آمریکا از اردوگاههای آوارگان در پاکستان با آنها موافقیم. ما معتقدیم که شما باید محتاط باشید، اما قبول کنید که وضعیتهایی ممکن است پیش آید که فرصتهای مناسبی برای دیدار از اردوگاهها فراهم آورد. در دیدگاه ما این شامل دیدارهای ترتیب داده شده به وسیله دولت پاکستان یا کمیسیون برای دیپلماتهای خارجی که بوسیله پاکستان معتبر شناخته می‌شود می‌باشد

۸- برای ژنو: ما دریافته‌ایم که گروه دوم کمیسیون از پاکستان به ژنو بازگشته است. شما باید یک درخواست ملاقات سریع با مقامات مناسب کمیسیون را بررسی کنید تا به اطلاعات جدید از طرحهای کمیسیون بر مبنای یافته‌های گروه اعزامی دست یابید.

سند شماره (۲۶)

تاریخ: ۱۴ سپتامبر ۷۹

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی سی

به: سفارت آمریکا در تهران - فوری

طبقه بندی: سری

موضوع: گفتگو با دولت موقت ایران درباره افغانستان

- ۱- تمام متن سری.
- ۲- مدتی است که ما مبادله وسیع اطلاعاتی و ارزیابی در مورد موقعیت افغانستان و درگیری شوروی را در آنجا، با پاکستانیها داشته ایم. ما فکر می کنیم که مفید باشد که گفتگوی مشابهی با ایرانیها، با توجه مخصوص به نقش شوروی در افغانستان، داشته باشیم. این گفتگو باید به طور عادی از مباحثات قبلی که سفارت با دولت موقت ایران داشته است، جریان یابد.
- ۳- از دو جمع بندی اخیر (تلگرام کابل ۶۶۷۲ در مورد نفوذ شوروی و دخالت در افغانستان و تلگرام کابل ۶۶۹۷ در مورد وضعیت ناآرامیها) مطالبی به دست می آید که شما ممکن است در مذاکره با دولت موقت ایران در باره افغانستان از آن استفاده نمایید. به علاوه باید نکات زیر را بگویید:
ما از رنجهای مردم افغانستان و از دست رفتن زندگی (آنها) در اثر ادامه جنگ در افغانستان شدیداً نگران هستیم. در مورد افزایش دخالتهای شوروی در افغانستان شدیداً نگران هستیم.
در مورد افزایش دخالتهای شوروی در افغانستان بسیار نگرانیم. اخیراً تعداد مشاوران نظامی روسی و تحویل وسایل و تجهیزات افزایش یافته است. می توانید از ارقام تلگرام کابل ۶۶۹۷ استفاده کنید ولی باید این ارقام کاملاً عینی باشد. ما به استفاده گروههای رزمی شوروی در افغانستان به عنوان یک موضوع بسیار جدی که می تواند انعکاس زبانباری در سراسر منطقه و برای روابط شرق و غرب داشته باشد توجه خواهیم نمود.
- ۴- لطفاً ما را در جریان نقطه نظرهای دولت موقت ایران در باره این موضوع قرار دهید. ونس

سند شماره (۲۷)

تاریخ: ۱۵ سپتامبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۶۸۷۴

موضوع: رژیم خلقی در کابل آماده باش شدید

امنیتی برقرار می کند

- ۱- تمام متن محرمانه
- ۲- خلاصه: کابل در آرامشی قبل از طوفان به سر می برد، در حالی که به نظر می رسد که رهبری خلقی منتظر یک عکس العمل نظامی محتمل نسبت به تصفیه سه عضو نظامی باقیمانده از کابینه هستند، واحدهای مهم مسلح در کابل ظاهراً به نخست وزیر حفیظ الله امین وفادار مانده اند. تاکنون هیچ فعالیتی از نیروی هوایی در طول بحران مشاهده نشده است. شورویها ممکن است در این مانور تاکتیکی سیاسی

شرکت نداشته باشند. پایان خلاصه.

۳- به هنگام ظهر، به وقت کابل، شهر کابل در آرامش نسبی قبل از طوفان بسرمی برد. اقدامات امنیتی نظامی شدید در ناحیه کاخ ارگ (خانه خلق) و مجتمع رادیو افغانستان نزدیک سفارت اجرامی شود (رفت و آمد به سفارت از دروازه پشت حالا مجاز است).

نواری که به وسیله تانکها کنترل می شود، شامل خیابان اصلی از طرف شمال شرق میدان پشتونستان به سوی فرودگاه می شود. هنوز روشن نیست که فرودگاه برای ترافیک باز است یا نه. در نقاط دیگر شهر، فعالیت تجاری معمولی مجاز است و ترافیک معمولی است. اما تمام چهار راهها به وسیله خودروهای مسلح حفاظت می شوند.

۴- سفارت هنوز تلاش می کند که با کنار هم گذاشتن جزئیات، طرح کلی حوادثی را به دست آورد که منجر به اطلاعیه ۱۴ سپتامبر مبنی بر کنار گذاشتن مقامات نظامی باقیمانده کابینه (تلگراف کابل ۶۸۵۱) و برقراری حداکثر اقدامات تأمینی حول رهبری باقیمانده خلقی، شد. اینکه کارهایی در پیش بود در سه یا چهار روز گذشته تذکر داده شده بود. کنسول هند در جلال آباد، حوالی ۱۲ سپتامبر یادآور شد که فرماندار محمد ظریف علیرغم جنگ فزاینده در آن منطقه، آنجا نبود او دچار تردید شده بود که آیا ظریف کشته شده یا دستگیر شده بود. اما برعکس آن طور از کار درمی آید که ظریف ظاهراً به کابل بازگشته بود تا در تصفیه اعضای نظامی کابینه، شرکت کند. وزیر جدید ارتباطات، قبل از انتقال چند ماه پیش به قندهار به عنوان فرماندار، معاون وزیر در همان وزارت خانه بوده است. او در گذشته با مقامات آمریکایی روابط دوستانه داشته است و شخصی باهوش، شایسته و واقع بین انگاشته می شود. در مورد سرنوشت وزیر سابق وزارتخانه او، سید محمد گلایزوی چیزی معلوم نیست.

۵- سفارتخانه انگلستان در سیزدهم سپتامبر، شایعاتی شنیده بود که وزیر سابق داخلی محمد اسلام وطنجار، و وزیر سرحدات شرجان مزدوریار، به وسیله شورشیان ربوده شده بودند. مزدوریار آخرین بار به وسیله دیپلماتهای خارجی در جشن روز ملی بلغارستان در ۹ سپتامبر دیده شد و وطنجار آخرین بار وقتی پریزدنت ترکی از هاوانا در ۱۱ سپتامبر بازگشت، دیده شده بود (در آن زمان، او در سلسله مراتب در حزب، پس از امین قرار داشت). سرنوشت وزیران عوض شده، به وسیله رادیو افغانستان اطلاع داده نشد. هر چند آنها می توانند احتمالاً آزاد باشند که یک دلیل برای آماده باش کامل نظامی ممکن است باشد، این محتمل تر است که رهبری خلقی قادر بوده که آنها را دستگیر کند. یک مرد بالقوه خطرناک چون وطنجار به خوبی می توانست بعد از یک جلسه بازجویی سریع اعدام شده باشد (دیپلماتهای هندی فعالیتهای شدیدی را در مرکز بازجویی مخصوص پلیس مخفی در طول خیابان محل سفارتشان به هنگام پیش از ظهر ۱۴ سپتامبر، شاهد بوده اند).

۶- اعتقاد بر این است که اسدالله، فرمانده عوض شده (پلیس مخفی)، با وطنجار در رابطه بوده است. گفته می شود فرمانده کل جدید پلیس مخفی، محمد عزیز، یکی از معاونین اسدالله بوده است.

اطلاعیه رادیویی در مورد انتصاب عزیز بیان کرد که پلیس مخفی یک بخش از وزارت دفاع است، و نه آن چنان که قبلاً گمان می رفت یک بخش از وزارت داخله است. یا یک سازمان مستقل که تحت کنترل هیچ وزارتخانه ای نیست. امین به عنوان کفیل وزارت دفاع، کنترل مستقیم روی این نیروی پلیس مخفی گسترش یابنده به دست می آورد.

۷- انفجار ساعت ۱۷/۵۰ در ارگ به تاریخ ۱۴ سپتامبر، به گفته چندین ناظر، به طور آشکار یک انفجار هوایی بود. آن می توانسته است یک گلوله توپ یا خمپاره باشد که به ارگ شلیک شده، شاید برای نوعی از مفاهیم ابلاغ علامت و خبر. پس از آن شلیکهای متعاقبی صورت نگرفت. شلیک سلاحهای کوچک پراکنده در نقاط مختلف شهر، بعد از ظهر آن روز و نیز دوباره در صبح پانزدهم سپتامبر شنیده شد. معنی و مقصود این عمل، اگر مقصودی باشد، هنوز معلوم نیست.

۸- نشانه‌هایی وجود دارد که شورویها ممکن است از حوادث ۱۴ سپتامبر قبل از وقوع آن خبری نداشته‌اند. مأمورین سفارت که نزدیک نواحی میکرویان - که تعداد زیادی از شورویها آنجا زندگی می‌کنند، رفت و آمد کرده‌اند، کمی قبل از انفجار ساعت ۱۷/۵۰ دیروز، زنان روسی و بچه‌هایشان را مشغول بازی و قدم زدن بدون هیچ گونه پیشگیری امنیتی واضح دیده‌اند. اما امروز پیش از آن، به وسیله مأمورین هندی (وزیر مختار) گزارش شده بود که ناحیه به وسیله سربازان روسی که یونیفورم افغانی پوشیده بودند محافظت می‌شده است. اما مأمورین سفارت که ناحیه را در ساعت ۱۰ گذشته‌اند، اثری از این موضوع ندیده‌اند. سفارت شوروی در ناحیه کارتیزه اکنون به وسیله دو تانک حفاظت می‌شود. سه لیموزین وزارتخانه خلقی، با نگهبانها، به وسیله یک دیپلمات انگلیسی دیده شدند که بیرون آن سفارت منتظر بوده‌اند. ما تصور می‌کنیم این نشان می‌دهد که شورویها اکنون در صحنه هستند.

۹- عدم حضور هر گونه فعالیت هوایی در طول بیش از ۲۴ ساعت به نظر ما قابل ذکر می‌رسد. نیروی هوایی ممکن است به عنوان غیر قابل اعتماد بر زمین گذاشته شده باشد. مانند موردی که وزیر دفاع، عبدالقادر تصفیه شد.

۱۰- نظریه: امین، که در موقعیتی است که به طور نزدیک از نیروهای مسلح مطلع است، ممکن است یک توطئه در شرف تکوین به رهبری وطنجار را کشف کرده و تصمیم گرفته در مرحله اولیه رشد با یک برخورد پیشدستانه، آن را خنثی کند. این عمل به طور کامل ارتش را از شورای وزیران و نیز احتمالاً از شورای انقلاب حذف کرده است. اینکه رهبری باقیمانده ارتش چگونه عکس‌العمل نشان خواهد داد - اگر اصلاً عکس‌العملی داشته باشد - می‌ماند تا دیده شود. نیروی‌های KDY ناحیه کابل، به نظر می‌رسد که تاکنون به طور قاطع از امین حمایت کرده‌اند.

۱۱- هنوز واضح نیست که آیا شورویها قبلاً درباره حرکت امین آگاهی داشتند یا ناگهان با یک عمل انجام شده رو به رو شدند. مسکو حتماً نمی‌تواند راضی باشد که خلقیها، علیرغم توصیه شوروی پایگاه قدرت سیاسی شان را بیش از پیش محدودتر کرده‌اند که نتیجتاً مبارزه جاری برای بقای رژیم را مشکل‌تر می‌کند. اکنون برای شورویها این مطرح می‌شود که یک کودتای نظامی سریع می‌توانست وضع آشفته سیاسی جاری را به حال متوازی درآورد و این می‌توانست به یک گروه کاملاً جدید اجازه دهد که کنترل را به دست گیرد، از آن جمله افسران ارتشی سابقاً گمنام که می‌توانستند تمایلات سیاسی شان را پنهان کنند و جنبه‌های فتنه‌انگیزتر از انقلاب کبیر ثور را تعدیل کنند. در روزهای آینده ما کوشش خواهیم کرد که چند نفر از این افسرها بشناسیم.

آمستوتز

سند شماره (۲۸)

تاریخ: ۱۷ سپتامبر ۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: همزمان با کاهش تشنجات در کابل

رئیس جمهور امین استفاده های سیاسی اخیر را از این جریان می کند

۱- (تمام متن محرمانه).

۲- خلاصه: کابل ظاهراً برخی از کشمکشهای روزهای اخیر را از دست داده است، به طوری که رئیس جمهور جدید حفیظ الله امین کنترلش را بر دستگاه حزب و دولت محکم کرده است. پایان خلاصه.

۳- ساعت ۱۶ (به زمان کابل) در ۱۷ سپتامبر است، کشمکشهای سیاسی روزهای اخیر ظاهراً در کابل کاهش یافته است. اگر چه تانکها هنوز محل های مهم اطراف کاخ ارگ (خانه خلق) و ساختمان رادیو افغانستان را حفاظت می کنند، ولی سرنشینان تانکها زیر سایه وسایل خود در حال استراحت به سر می برند.

ادارات دولتی ظاهراً به کار روزمره خود بازمی گردند، اگر چه رئیس جمهور حفیظ الله امین و پیروانش به نظر می رسد که هنوز احتیاط را در این می بینند که جاده را از نظر نوعی واکنش نظامی علیه حکومت و حزب خود، با دقت زیر نظر بگیرند (مخصوصاً سمت پایگاه زرهی پل چرخی را)، اما به نظر می آید که همزمان با گذشت ساعاتی بدون درگیری اعتماد بیشتری پیدا می کنند.

۴- برای امین برنامه ریزی شده که ساعت ۱۲ شب (به زبان پشتو) و ساعت ۲۰/۳۰ (به زبان دری) برای ملت صحبت کند، مردم افغان منتظرند ببینند چه نشانه هایی دریافت می دارند، مثلاً آیا امین هم چنان با لحن احترام آمیزش در مورد رفع بیماری از رهبر بزرگ «نور محمد ترکی» که در ۱۶ سپتامبر به وسیله اطلاعیه تغییر رهبریت مشخص شد یاد خواهد کرد، یا شروع به بی اعتبار کردن «آموزگار بزرگ» خواهد کرد. آموزگاری که یک بار او را به عنوان «شاگرد قهرمان» خواند؟

ترکی در ۱۵ سپتامبر توسط مطبوعات به عنوان چهره مقدس معرفی شد، ولی از ۱۶ سپتامبر به بعد نام او در وسایل ارتباط جمعی بدون عنوان یا عبارات افتخارآمیز ذکر شد. منابع موثق گزارش دادند که دختر امین تصویر ترکی را در ۱۶ سپتامبر در مدرسه اش پاره و او را «مردی بدسرت» توصیف کرده است.

۵- آیا این تغییرات بیشتر کابینه را به اطلاع خواهد رساند؟ در بین آنهایی که در این رابطه شایع شده که امشب یا در هفته آینده خاطر تمایلات مخالف امین اخراج می شوند عبارتند از:

وزیر امور مالی عبدالکریم میثاق، وزیر کار و امور اجتماعی دستگیر پنج شیری، وزیر معادن و صنایع محمد اسماعیل دانش، وزیر حمل و نقل محمد حسن بارق شافعی (که ضمناً دست راست امین بود و وزیر امور داخلی محمد اسلام وطنجار را که در معیت هیئتی در فرودگاه از ترکی در بازگشت از سفرش به هاوانا و مسکو در ۱۱ سپتامبر استقبال کرده بود، خلع کرد).

۶- برای ترکی چه اتفاقی افتاد؟ اکثر کابلیهایی که کارمندان سفارت از زمان اطلاعیه عصر دیروز با آنها صحبت کرده اند فکر می کنند که ترکی در خلال جنگ مسلحانه ای که در قصر روی داد و باعث قتل محافظ بدسابقه اش «سیدداود تارون» گردید، بر اثر جراحات وارده از تیراندازی مرده باشد و این امر در تاریخ ۱۴

یا ۱۵ سپتامبر اتفاق افتاد (تاریخ دقیق هنوز روشن نیست). به خوبی می‌توان گفت که ترکی و تارون خواه ناخواه در حوادث خشونت آمیز تصفیهٔ اخیر اعضای نظامی کابینه گیر افتاده باشند و در آن وقت هنوز «امین» برای از بین بردن ترکی طرح نریخته و امین توجه به آنها را در جدول زمانی خود دیرتر قرار داده بود. اما وقتی فرصت پیش آمد امین فوراً آن را مغتنم شمرد.

عده‌ای دیگر می‌پرسند که چگونه امین برای مرگ «تارون» مراسم تشییع جنازه یک شهید را در ۱۶ سپتامبر برپا می‌کند، ولی دربارهٔ مرگ ترکی سکوت می‌نماید؟ باز هم عده‌ای معتقدند که ترکی هنوز زنده و در حال مردن است و مرگش توسط رژیم اعلام می‌شود.

۷- در ۱۷ سپتامبر وقتی با عبدالمجید منگال، یک مقام رسمی وزارت خارجه که ترکی را در سفر به هاوانا و مسکو همراهی کرد، تماس گرفته شد، وزیر مختار اظهار داشت که دیپلماتهای غربی ترکی را هنگام بازگشتش از کابل در ۱۱ سپتامبر شاد و ظاهراً سرحال دیده بودند. منگال اظهار نمود که ممکن است ترکی ظاهراً سالم به نظر می‌رسید، اما هنگام سفر دچار نوعی بیماری شده بود. او همچنین افشا کرد که ترکی به وسیله یک پزشک متخصص همراهی شده است.

منگال اضافه کرد که راجع به مسئله سلامتی ترکی به موقع خود اطلاع بیشتری خواهیم یافت، حتی شاید در طول صحبت‌های امشب امین این مسئله به سرعت در حال مطرح شدن است و در عین حال هزاران تصویر ترکی که کابل را پر کرده بود همه ناپدید شده‌اند. رهبریت در حزب و حکومتی که امین از زمان انقلاب بالفعل نشان داده عملاً محقق گردیده است. مردم نمی‌دانند که آیا امین - استالین - افغانستان اجازه می‌دهد که حتی خاطرهٔ رهبر بزرگ نابغه (ترکی) باقی بماند یا خیر.

۸- واکنش شوروی در کابل: چنان که در گزارش قبلی سفارت اشاره شده (کابل ۶۸۷۴)، هنوز روشن نیست که آیا سفارت شوروی در کابل مخفیانه از جنبش ضد وطن‌نجا «امین» قبل از شروع عملیات اطلاع داشته یا نه. شورویها در کوتاه مدت در مقابل یک امر انجام شده (چنانچه چنین فرضی درست باشد) راهی جز همراهی با جریان حوادث نداشتند. مطبوعات کابل گزارش دادند که سفیر روسیه الکساندرام پوزانف ساعت ۱۰ صبح ۱۵ سپتامبر با امین ملاقات کرد. یکی از منابع به ما گفت که آن ملاقات تا ظهر ادامه داشت و در این جلسه به نظر می‌رسد که یک تفاهم کلی میان رهبر در حال ظهور و حامیان اصلی شوروی روی داده است.

۹- برداشت کلی در محافل دیپلماتیک و مابین افغانهای مطلع این است که روسها راضی نیستند. اما احتمالاً دریافته‌اند که آنها هیچ انتخاب دیگری در این زمان ندارند جز حمایت از امین مغرور و بی‌رحم. طبق گزارش، شورویها که زمانی در صدد توسعهٔ پایگاه سیاسی رژیم کابل برآمده بودند تا بدین وسیله اغتشاشات را سرکوب نمایند، اکنون این پایگاه را بسیار محدود و حتی به باریکی نوک مداد یافته‌اند. همچنین زمانی به روسها گفته شده بود که امین خونخوار مشکل اصلی رژیم حزب خلقی است (اما «عموترکی» حتی در محافل غیر خلقی نیز از حامیانی برخوردار بود) و بنا به گزارش قصد از بین بردن او را داشتند. اما حالا امین تنها فردی است که برایشان باقی مانده تا اینکه انتخاب قابل اطمینان بیشتری پیدا کنند. او تنها وسیله‌ای است که مسکو می‌تواند از طریق وی از یک «حزب اخوت» دفاع کند و یک «انقلاب مترقی» را نجات دهد، زیرا اینها از جمله مسئولیتهای ایدئولوژیکی است که شورویهای محلی شدیداً از آن دم می‌زنند.

۱۰- اما بدین معنا نیست که روسها این موقعیت را با خوش بینی قبول می‌کند. در ۱۷ سپتامبر یک دیپلمات جزء روسی با غرولند به یکی از کارکنان سفارت گفت خلقیها در اینکه می‌خواستند خیلی از چیزها را بسیار سریع انجام دهند مرتکب خطا شده‌اند. او فکر می‌کرد که رژیم باید چهار یا پنج سال برای آنچه که در عرض چند ماه انجام دادند وقت می‌گذاشت و این فرد روسی می‌گفت که فکر می‌کند که حزب خلق «شکست خورده است».

آمستوتز

سند شماره (۲۹)

تاریخ: ۱۸ سپتامبر ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی سی

طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: برخی از انعکاسات در مورد

بحرانهای سیاسی افغانستان

۱- محرمانه - تمام متن.

۲- من فکر می‌کنم که بایستی برای وزارت خارجه و مقامات سفارتخانه‌ها روشن باشد که ما شاهد یک بحران سیاسی بسیار مهم در افغانستان هستیم. در این باره، من مایلم چندین مورد را متذکر شده و نظرات شخصی خود را ابراز دارم.

- بحران تمام نشده است. فعلاً وفاداری واحدهای نظامی جمهوری دمکراتیک افغانستان در مناطقی مانند قندی، قندهار و کوندوز واضح نیست و گزارشهای گسترده‌ای (و چند سند) وجود دارد که سه عضو نظامی مخلوع در کابینه (وطنجار، گلابزوی و مزدوریار) توانسته‌اند از شهر فرار کنند و مخفی شوند. ممکن است که جنگ داخلی بین واحدهای ارتش جمهوری دمکراتیک افغانستان به طور کامل دنبال شود و به وسیله طرفداران ترکی یا عوامل مخالف امین رهبری شوند. او در کابل است و ما کاملاً متوجه هستیم که موقعیت سیاسی وخیم است و خیابانهای اصلی که در مجاورت وزارتخانه‌های مهم است به روی ترافیک عمومی بسته است و در محوطه سفارت ما تانکهای مجهز ساخت شوروی در دو طرف سه خیابان زمین سفارت خانه مستقر گشته‌اند. ما نمی‌توانیم از طریق در اصلی وارد یا خارج شویم زیرا خیابان بسته است، بلکه از در عقبی اضطراری استفاده می‌کنیم، ولی این کار رازیر دهانه توپ یک تانک بزرگ تی - ۶۲ انجام می‌دهیم. این وضع کمی دلهره آور است، ولی چیز جالبی است که بدرد نوشتن در نامه‌هایی که به وطن فرستاده می‌شود می‌خورد.

اینک ۱۸ ماه است که ما شاهد خودآفت زدگی این حزب مارکسیست (حزب جمهوری دمکراتیک افغانستان) هستیم. دیشب یک مقام افغانی آهسته به یک کارمند سفارت در مورد رهبریت می‌گفت که «آنها مثل یک دسته عقرب هستند که همدیگر را تا سرحد مرگ نیش می‌زنند» به عنوان مثال تاکنون ۲۵ تغییر کابینه از لیست اصلی منتشر شده در آوریل ۱۹۷۸ وجود داشته است. تعداد تغییرات معاونان وزرا حتی بیش از این یعنی ۳۴ نفر بوده است، تصفیه پشت سر هم انجام شد و انسان نمی‌تواند متعجب نباشد که چگونه این رژیم دوام می‌آورد. البته، قسمتی از پاسخ در سرکوبی بی‌رحمانه هر نوع مخالفت قابل تصور

است. تعداد زندانیان سیاسی مقتول ممکن است به ۶۰۰۰ رسیده باشد و شاید بیش از چهار برابر آن تعداد تاکنون به زندانهای سیاسی کشیده شده و یا آزاد شده‌اند.

- اغتشاش در طول این دوره بحرانی متوقف و یا خاموش بوده است و برای اخذ امتیاز از موقعیت بحران سیاسی مورد استفاده واقع نشده است.

- من نمی‌دانم آینده چه خواهد شد. امین به طور شگفت‌آوری از توطئه‌های پشت سر هم جان به در برده است اما قطعاً روزی دچار اصل میانگینها خواهد شد، اما از طرفی این قانون شامل استالین نشده و او در رختخواب مرد. به نظر من شانس او برای در قدرت ماندن در طول امسال بیش از ۵۰ درصد نیست و هیچ امکان برای مردن در رختخواب ندارد، اما امکان بقای حزب را در منصفه قدرت بیشتر می‌دانم.

۳- این زمان در کابل بودن هیجان‌انگیز است، امیدوار باشیم کسی آسیبی نبیند. آمستوتز

سند شماره (۳۰)

سفارت آمریکا، اسلام آباد، پاکستان
یادداشت مذاکرات
شرکت‌کنندگان: ولی بیگ رهبر اتحاد مسلمانان جنگجو در افغانستان ریک شرم، کفیل مشاور سیاسی
سفارت

زمان و مکان: ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۹ سفارت آمریکا، اسلام آباد

موضوع: فعالیتهای ناراضیان هزاره

صدر محمد آصف خان، رئیس سابق (قبیله) هزاره در بلوچستان و در حال حاضر نایب رئیس وزارت امور خارجه در کوئتا (اسم یک شهر) در ۱۷ سپتامبر به من تلفن زد و درخواست یک وقت ملاقات برای ولی بیگ کرد.

من موافقت کردم که رئیس هزاره را ببینم. به شرطی که او به اسلام آباد بیاید. او در ۱۹ سپتامبر با یک مترجم و دو همراه ساکت آمد.

ولی بیگ شرح داد که رئیس اولین سازمان هزاره ناراضیان افغان است که در پاکستان شکل گرفت. گروه از کوئتا رهبری می‌شود. از جایی که آنها عملیات را به راه می‌اندازند. برخلاف محل استقرار رهبران ناراضیان در پیشاور، ولی بیگ قویاً اعتقاد دارد که او باید حداقل قوا را دوروبر خود جمع کند. و حداکثر را به جبهه جنگ با دشمن بفرستد.

در رابطه‌اش با گروه پیشاور او گفت که با تمام گروهها به جز (حزب اسلامی) همکاری و تماس دارد. ولی بیگ در پیشاور محمد نبی را از همه بهتر می‌شناسد، محمد نبی در زمان ظاهرشاه در پارلمان بود، بیگ به نظر می‌آید که به جز افراد هزاره به کسی دیگر اعتماد نمی‌کند.

در افغانستان ۶ میلیون هزاره هستند که همه آنها فعالانه بر علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان می‌جنگند. هزاره‌ها در جمهوری دمکراتیک افغانستان بر علیه سرهنگها قیام کرده‌اند و صدها تن از آنها به نیروهای بیگ پیوسته‌اند. ۱۶۰۰ افسر و سرباز هم از جمهوری دمکراتیک افغانستان اخراج شده‌اند.

بیگ از مردم آمریکا به خاطر حمایت از حقوق بشر، قدردانی کرد بیگ فکر نمی‌کند که سرنگونی ترکی اهمیت داشته. او می‌گوید که امین از او نیز بهتر نیست.

او گفت که در زمستان نیروهای او بر نیروهای امین برتری خواهند جست و ضربه‌های مهلکی به دشمن خواهند زد.

بیوگرافی: ولی بیگ می‌گوید که او دو نوبت در پارلمان بوده (در دوره ظاهر شاه). او عضو هیئت موکلان بود که در ناوا از ایالت غزنی قرار گرفته است. او به نظر می‌آید که ۴۰ ساله باشد با بدنی سالم همراهانش نیز همان طور خشن به نظر می‌آیند. آنها خیلی زیرک و متفکر به نظر می‌رسند.

سند شماره (۳۱)

از: سفارت آمریکا- کابل
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

شماره سند: ۷۰۲۵

موضوع: نظریاتی از دو سفیر از کشورهای اروپای شرقی

۱- (تمام متن محرمانه)

۲- فکر می‌کنم ممکن است جالب باشد که از نظریات کاردار جمهوری دمکراتیک آلمان «کلاوس ماسر» و سفیر لهستان «ادوارد بارادزیچ» اطلاع داشته باشید. در خلال دو روز گذشته با آنها تماس گرفتم و از نقطه نظرهایشان در مورد اوضاع داخلی مطلع شدم. من مخصوصاً به دیدار آن دو رفتم زیرا آنها نسبت به دیگر رؤسای سفارتخانه‌های اقماری مسکو صریح‌تر و صمیمی‌تر می‌باشند.

۳- مهمترین مطالب در یافتی به قرار زیر است.

- ترکی رئیس جمهور پیشین زنده است و با خانواده‌اش در ویلایی دولتی در حوالی کابل بازداشت می‌باشد. محل اقامت او از جانب سربازان حفاظت می‌شود.

- هر دو سفیر تأکید کردند که قبل از تصفیه اخیر در حزب پرچم ناراحتیهایی وجود داشت. آنان این عقیده شایع در میان سفارتخانه‌های غربی را که «ترکی» نسبت به حفیظ‌الله پیروان بیشتری در حزب دارد قبول نداشتند. سفیر لهستان افزود که «جاذبه شخصی» ترکی برای اکثر اعضای حزب ناخوش آیند بود، و این امر کمک به عدم حمایت از او می‌کند. او گفت که ترکی حتی قدمهای اولیه برای ساختن پشتوانه مردمی، مانند بازدید از کارخانجات، مدارس و دیگر کارهای اساسی را بر نداشته بود. در موقعیتی من اشاره کردم که حفیظ‌الله امین هم هرگز به این مسائل نپرداخته، سفیر لهستان جواب داد که این کار را رهبر حزب باید برای برپا نمودن انجام می‌داد. سفیر لهستان همچنین ترکی را به عدم مشاوره با کادر حزب mce از نوامبر ۱۹۷۸ تا زمان سقوطش متهم نمود. در خلال این دو ماه کمیته مرکزی حزب گردهمایی نداشته است (ولی دفتر سیاسی به طور متناوب تماسهایی داشتند).

- هر دو دیپلمات تأکید کردند که روسها برای مدتی از شکاف در حزب خشنود نبودند. سفیر لهستان صراحتاً گفت که سال پیش روسها از تصفیه حزب پرچمیها ناراحت بودند. او گفت که روسیه از ابتدا «وحدت کلیه عناصر پیشرو» را تشویق کرده است. اگر چه هر دو نفر در ابراز نظراتشان احتیاط می‌کردند، اما روشن ساختند که روسها در مورد مشاجرات و تصفیه‌های اخیر در مقامات بالای حزب که منجر به کنار گذاشتن ترکی و سه عضو نظامی کابینه گردید خوشحال نبودند.

- سفیر لهستان گفت که این سوء تفاهم بین ترکی و امین به درازا نخواهد کشید و به نظر او یکی از این دو ناگزیر مسلط خواهد شد.

- هیچ کدام از این دو نفر دست مستقیم روسها را در کنار گذاشتن ترکی نمی دیدند. در حقیقت سفیر لهستان مطمئن بود که مسکو در این باره ناراحت است. زیرا چند روز پیش بود که برژنف در مسکو ترکی را در آغوش گرفته بود. این بایستی برای مسکو بسیار نگران کننده باشد.

- کاردار جمهوری آلمان شرقی گفت که سه عضو نظامی کنار گذاشته کابینه به نحوی آزادند، ولی سفیر لهستان از ابراز عقیده در باره این مطلب خودداری کرد.

- نظریه: این مطالب اهمیت زیادی ندارد، ولی با شما در میان گذاشته شد. آمستوتز

سند شماره (۳۲)

از: سفارت آمریکا - اسلام آباد
به: وزیر خارجه واشنگتن دی سی

تاریخ: ۲۰ سپتامبر ۷۹

طبقه بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۰۷۴۵

موضوع: ارزیابی ژاپنی ها راجع به سقوط ترکی

- ۱- تمام متن محرمانه.
- ۲- معاون رئیس هیئت و دستیار سیاسی او در تاریخ بیستم سپتامبر، کارشناس سیاسی را از جریان دیدار سه روزه هیئت ژاپنی بین شانزدهم تا نوزدهم سپتامبر، آگاه کردند. شخص دستیار که ملاقاتها را انجام می داد، مدت زیادی را در سفارت ژاپن در کابل به سر برد، اما فقط توانست با تعداد محدودی افغانی و روسی ملاقات و گفتگو کند. او این مسئله را روش ساخت که نظر شخصیش را بیان می کند، ولی نظرات مقامات ژاپنی از سفارت در کابل صادر می شود.
- ۳- ژاپنیها راجع به سقوط ترکی اطلاعاتی از منابع گوناگون جمع آوری کرده اند که به قرار زیر است: ترکی از هاوانا به مسکو فرا خوانده شده که در آنجا نقشه هایی برای اصلاح رژیم که شامل خلع امین، وطنجار و دیگر «رادیکالها» می شد، در جریان بود. قبل از اینکه ترکی مسکو را ترک کند، روسها به خاطر اینکه او با نقشه هایشان موافقت کرد به او لقب «پدر انقلاب» را دادند.
- ۴- امین از نقشه های ترکی با خبر شد و کمیته ای به منظور خلع او فراهم کرد. این دو نفر در چهاردهم سپتامبر در ملاقاتی که منجر به خشونت شد حضور یافتند. شخص ناشناسی از اطرافیان ترکی سعی کرد به امین تیراندازی کند اما تارون در مقابل نخست وزیر قرار گرفت و کشته شد. بنا به گزارش، حمایت او از امین سبب کشته شدنش شد.
- ۵- بنا به گزارش ژاپنیها، سپس اوضاع با شلیک چندین گلوله دیگر به وخامت گرایید که در این میان امین فرار کرد. در این گزارش، سرنوشت وطنجار و دیگران روشن نیست. جالب اینجاست، که ژاپنیها خبر تیراندازی به ترکی را که تقریباً در همه جا پیچیده است مخابره نکرده اند. به نظر می رسد که این جریان بر اساس همان ماجرای لمونیر است که در شانزدهم سپتامبر از کابل فرستاده شده است. هیومل

سند شماره (۳۳)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی - فوری
شماره سند: ۷۰۳۹
طبقه بندی: سری
موضوع: علاقه ایرانیان به موضوع مداخله کوبا در افغانستان

- ۱- تمام مطلب سری
- ۲- هیئت کابل در حال حاضر از حضور پرسنل کوبایی در افغانستان بی خبر است و تنها از حضور کارمندان رسمی در سفارت کوبا در این شهر مطلع است. حتی حرفی هم از شایعات جاری در افغانستان مبنی بر دخالت کوبا نیست.
- ۳- در مورد سؤال یزدی وزیر امور خارجه در مورد گروه امداد کوبا، باید گفت این اطلاعات ممکن است برگردد به سال ۱۹۷۸، زمانی که حکومت‌های غربی ابتدا سعی داشتند که اطلاعات ما را در مورد حضور نظامیان کوبایی در افغانستان کنترل کنند، در آن زمان هم قطاران پاکستانی ما گفتند که شنیده‌اند بعضی از پزشکان نظامی کوبایی از واحدهای مهم افغانستان بازدید کرده‌اند. ما هیچ وقت نتوانسته‌ایم صحت یا سقم این موضوع را بفهمیم اما سفارت ایران در کابل احتمالاً باید این موضوع را گزارش داده باشد.
- ۴- این سفارتخانه هیچ اعتراضی و مخالفتی ندارد که اطلاعات ذکر شده در اختیار یزدی قرار بگیرد و به او گزارش شود.

سند شماره (۳۴)

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی. با حق تقدم
شماره سند: ۷۰۶۲
طبقه بندی: خیلی محرمانه
موضوع: (خیلی محرمانه) خلیقه‌ها ممکن است به واشنگتن چراغ سبز نشان بدهند

- ۱- خیلی محرمانه - تمامی مطلب.
- ۲- در تاریخ ۲۰ سپتامبر دو مقام رسمی افغانی یکی از وزارت امور خارجه و دیگری از سازمان برنامه به یک تکنسین آمریکایی گفتند که دولت جدید حفیظ الله امین می خواهد روابط متقابل خود را با آمریکا بهبود بخشد.
- طبق اظهار نظر این دو مقام، از جمله اقداماتی که امین در این مورد می خواهد انجام دهد، ارسال یک نامه عذرخواهی در مورد قتل سفیر آمریکا «دایز» در تاریخ ۱۴ فوریه است.
- ۳- نظریه: این دو افغانی ممکن است منظورشان رساندن این پیام به گوش دولت آمریکا باشد. اگر چه در حال حاضر ما اطلاعات موثقی در مورد طرز برخورد فعلی امین با آمریکا داریم، اما سفارت شوروی در محل به خوبی مطلع است که موضوع «دایز» (سفیر) یک مانع اصلی برای روابط بین آمریکا و افغانستان است.
- اگر روسها علاقه مند به ترسیم چهره خوبی از امین باشند که به اعتقاد ما چنین است، ممکن است او را به

بهرتر نمودن رابطه‌اش با کشورهای غیر سوسیالیستی تشویق کنند. آمستوتز

سند شماره (۳۵)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی فوری
طبقه بندی: خیلی محرمانه

موضوع: نظرات روسهای مقیم شوروی در مورد رژیم جدید امین

- ۱- تمام متن، خیلی محرمانه
- ۲- خلاصه: یک دیپلمات برجسته شوروی منکر هر نوع اطلاع قبلی راجع به کودتای اخیر حفیظ الله امین شده است، همچنین شوروی فرصتی می بیند که اینک افغانستان را وارد یک مرحله مثبت «حکومت تحت قانون» بنماید. پایان خلاصه.
- ۳- در یک میهمانی دیپلماتیک در ۲۰ سپتامبر وزیر مختار سفارت موقعیتی داشت تا در مورد تحولات سیاسی اخیر کابل با کنسول روس «واسیلی سافرونچک» که طبق گزارش، شخصیت مهم شوروی در یافتن مشکلات سیاسی در افغانستان است، صحبت کند. سافرونچک توضیحات زیر را راجع به کودتای اواسط سپتامبر حفیظ الله امین داد:
الف: سفارت شوروی مطلقاً هیچ نوع اطلاعات قبلی راجع به حرکت امین بر علیه افسران نظامی در کابینه یا بر علیه رئیس جمهور پیشین ترکی نداشته است.
- ب: نخستین نطق امین در ۱۷ سپتامبر «بسیار مهم» بود و باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. امین قصد داشت تا یک قانون اساسی را به وجود آورد. زیرا کشورهای خارجی توقع دارند که هر کشوری در دنیا قانون اساسی داشته باشد.
- ج: امین قول داده بود که «بنابراین هیچ‌گونه توقیف غیر قانونی در افغانستان نخواهد بود.» به علاوه، امین یک کمیسیون مخصوص از افراد پلیس مخفی افغانستان تشکیل داده است، تا موضوعات زندانیان سیاسی اخیر و آزادی آنها را که بدون دلیل دستگیر شده‌اند بررسی کند. هنگامی که وزیر مختار اظهار داشت که ترکی و امین همیشه در مصاحبه‌های خود با خبرنگاران خارجی گفته‌اند که هیچ‌کس در این کشور بدون دلیل دستگیر نشده است. سافرونچک لیخندی زد و پاسخ داد، این یک قضاوت ذهنی است (توضیح: او به روشنی اشاره کرد که دلیل دیروز ممکن است لزوماً علتی برای امروز نباشد).
- د: تمام برنامه‌ای که به وسیله امین مطرح شد می‌تواند به عنوان قرار دادن افغانستان تحت حکومت قانون تلقی شود.

ه: باید به امین شانس کافی داده شود تا ثابت کند که او منظورش همان است که ابراز می‌دارد.

- ۴- سافرونچک راجع به اظهارات اخیر دولت آمریکا درباره نقل و انتقال نظامیان روسی به شمال اکسوس و حضور سربازان شوروی در پایگاه هوایی باگرام در شمال کابل اظهار ناراحتی کرد و گفت که این نوع اظهارات را غیر مفید می‌داند. مأمور ما به وی خاطر نشان کرد که دولت آمریکا همچنین نظریات ایالات متحده را در مورد عدم مداخله خارجی در امور داخلی افغانستان تکرار کرده است. سافرونچک جوابی نداد.

۵- سافرونچک ضمناً در مورد اینکه در مطبوعات بین‌المللی توجه زیادی به وی می‌شود گله می‌کرد و گفت که مایل نیست به عنوان مشکل‌یاب اصلی شوروی در اینجا معرفی شود و می‌خواست بداند که آیا سفارت آمریکا نقشی در این تبلیغات داشته است یا خیر. مأمور ما اظهار نمود که به عنوان یک دوست دیپلمات، ناراحتی سافرونچک را در خصوص ذکر نامش به کرات در روزنامه‌ها می‌فهمد و همدردی می‌کند و اطمینان داد که سفارت آمریکا (چنین مزاحمتی ایجاد نمی‌کند و) خلوت حرفه‌ای او را رعایت می‌نماید.

۶- توضیح: سافرونچک تقریباً این استنباط را به دست داد که او خودش نطق ۱۷ سپتامبر امین را نوشته است. زیرا با جزئیات بسیار کوچک خیلی آشنا بود.

۷- اگر این درست باشد که روسها ناگهان گرفتار تب عمل انجام شده پر در دسر شده‌اند، باید حداکثر کوششان را در مورد رهبری حزب خلق انجام دهند تا چهره بسیار زشت او را حداقل در کوتاه مدت بپوشاند. استراتژی حکومت قانون ممکن است یکی از چندین حق باقیمانده در کیسه گشاد سافرونچک باشد، تا قبولیت عمومی این رژیم را افزایش دهد، اما پیاده کردن آن کار مشکلی است، مخصوصاً اگر امین به وسیله مسکو قابل کنترل نباشد و به صورت دیکتاتور بی‌رحم عمل کند. آمستوتز

سند شماره (۳۶)

از: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.
به: سفارت آمریکا در اسلام آباد - فوری
مرجع: اسلام آباد ۱۰۷۰۲

شماره سند: ۳۷۳

موضوع: (خیلی محرمانه) دولت پاکستان موقعیت افغانستان را ارزیابی می‌کند

۱- (سری - تمام متن سری است)

۲- شما باید به سؤالات عثمان بر طبق مطالبی که در زیر می‌آید پاسخ دهید:

ما اخیراً اقداماتی غیرعادی در شمال اکسوس مشاهده کرده‌ایم. این اقدامات دلیل تدارک برای خارج شدن از پادگانها با حمایت نیروهای هوایی است. این مسئله می‌تواند در ارتباط با وقوع پیشامدها در افغانستان باشد، ولی در عین حال هیچ مدرک مستقیمی در دست نیست. ما هنوز هیچ اقدامی از طرف شوروی در مرز شمالی مشاهده نکرده‌ایم. ما تصور نمی‌کنیم که شوروی فعلاً قصد داشته باشد نیروهای بیشتری را به افغانستان بفرستد. اما با این وجود به نظر ما افزایش اقدامات برای افغانستان دشوار است.

تفسیر اخیر شوروی در مورد مسائل افغانستان که شامل پیام تبریک برژنف برای امین بود پخش نشد. اگر چه به اعتقاد ما شوروی چاره‌ای جز اینکه در کوتاه مدت از امین حمایت کند ندارد.

ما در گذشته نظراتمان را در مورد مداخله با شوروی در میان گذاشتیم. در رابطه با مشاهده آثاری که مبنی بر افزایش اقدامات نظامی شوروی در مرز شمالی با افغانستان می‌باشد، ما هنوز مشغول بررسی این هستیم که چه اقداماتی غیر از اطلاعیه عمومی نوزدهم سپتامبر می‌تواند مؤثر باشد.

در مذاکرات گذشته، روسها همان بیانیه عمومی مسکو را که مبنی بر عدم دخالت آنان در افغانستان و

همچنین عدم شرکت آنها در جنگ بود ارائه دادند. کمک شوروی به افغانستان در مطبوعات شوروی به عنوان جواب برادرانه‌ای به تقاضاها و نیازهای افغانها تصویر شده است.

۳- برای اسلام آباد: شما مخاطب تلکسی هستید که در آن به تعدادی از مقامات دستور داده شده که نظراتشان را در رابطه با دخالت‌های شوروی در افغانستان بیان کنند.

ونس

سند شماره (۳۷)

از: سفارت آمریکا، دهلی نو تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۷۹

به: وزارت امور خارجه، واشنگتن - فوری

طبقه‌بندی: سری

موضوع: مقاصد روسیه در افغانستان

۱- (سری - تمام متن)

۲- کنسول سیاسی روز ۲۷ سپتامبر در قسمتهایی از مذاکرات با دبیر وابسته امور خارجی از وزارتخانه ا. ر. دئو (اروپای شرقی و یوگسلاوی) شرکت داشت. ما با توجه به اینکه اطلاع از مذاکرات سودمند شوروی درباره افغانستان در این زمینه کمک خواهد کرد، خواستار نظرات دولت هند درباره مقاصد روسیه در افغانستان شدیم.

۳- دئو گفت که دولت شوروی اطلاعاتی با اطمینانی درباره فعالیت‌هایش در رابطه با افغانستان نداده است، ولی این موضوع در بحث، مورد توجه بوده و در مورد مسائل زیر صحبت‌هایی شده است.

۴- به روسها گفته شد که هند خواستار افغانستان کاملاً مستقلی است، روسها گفتند که مداخله‌ای در استقلال افغانها انجام نداده‌اند.

دئو با احتیاط تمام گفت که پس از این اظهار روسها، وی به آنها گفت که باور می‌کند و بر این اساس خواستار اجتناب از فعالیت‌هایی که منجر به هر گونه اشتباه برداشت دیگری گردد شده است. دئو افزود که جوابی در این مورد داده نشد.

۵- دئو اظهار داشت مطلب دومی که به روسها گفته شد، این بود که تعریف دولت هند از استقلال افغانستان شامل اجازه انتخاب رهبری آزاد مردم افغان بدون کمک خارجی است. روسها جواب دادند که آنها مانند ایران، پاکستان، چین و آمریکا در امور داخلی افغانها آن قدر دخالت نمی‌کنند. دئو به روسها گفته که دولت هند این اتهامات را جدی تلقی می‌کند و مایل است دلایل متقن تایید آنها را بررسی کند، اما روسها اصلاً به این موضوع توجه نکردند.

۶- در رابطه با نظر کنسول مبنی بر علائم فزاینده‌ای از فعالیت‌های نظامی روسها در مرز شمالی افغانستان و شوروی، دئو گفت که دولت هند شیوه مستقلی برای تایید این معنا در دست ندارد. «ما ممنون خواهیم شد که اگر شواهد متقنی مانند تصاویر ماهواره‌ای یا علائم الکترونیکی ضبط شده که مایلیم در ادامه سیاست خود مبنی بر حمایت از استقلال افغانستان مورد نظر قرار دهیم، دریافت بداریم.

۷- نظریه: خوشبین نیستیم که دولت هند با این وضع ضعیف تا هنگام انتخابات در پایان سال بتواند موفق به درخواست قاطع از شوروی مبنی بر خودداری از مداخله در افغانستان بشود.

حتی اگر هندیها موضوع را مطرح کرده باشند، ممکن است ما را در جریان قرار ندهند. به هر حال دئو راه را برای ما در این مورد که ظاهراً مورد توجه دولت هند نیز می‌باشد باز گذاشت. تهیه مدارک فعالیت‌های نظامی

شوروی بسیار مؤثرتر از اظهار نگرانیهای تکراری خواهد بود.

سند شماره (۳۸)

تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزیر امور خارجه در واشنگتن
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره: ۷۲۱۸

موضوع: ملاقات کاردار با امین رئیس جمهور

- ۱- تمامی متن محرمانه.
- ۲- خلاصه: من بامداد امروز ملاقات دوستانه و فارغ‌البالی با امین رئیس جمهوری داشتم، او با اشاره‌ای که به مناسبات بهتر با ایالات متحده کرد، جذابیت تمام و روش بسیار دوستانه‌ای داشت. هیچ گونه مسائل ویژه‌ای در این ملاقات مورد بحث قرار نگرفت. پایان خلاصه.
- ۳- در چند روز اخیر سفیران و کارداران برای ادای احترامات به رئیس جمهوری امین، به مناسبت «انتخاب» او به عنوان رئیس جمهوری افغانستان و دبیر کل حزب صف کشیده بودند. من پنجمین فرستاده برای دیدار او در بامداد امروز بودم و به من گفته شد که ششمین نفر بعد از ظهر امروز ملاقات خواهد کرد.
- ۴- امین فارغ‌البال و مسلط بر خود و از لحاظ ظاهری بسیار دوستانه بود. هیچ گونه نشانه‌ای از اینکه وی به طوری که گزارش شده در جریان تیراندازی در کاخ در تاریخ ۱۴ سپتامبر مجروح شده است وجود نداشت مشکل بتوان با مشاهده این مرد خوش خلق باور کرد که او بوده است که از این همه توطئه‌ها جان سالم به در برده و بالاخره در راس قرار گرفته است. در حالی که من به او نگاه می‌کردم نمی‌توانستم بیاد نیاورم که تنها در سال قبل یعنی در سال ۱۹۷۷ هنگامی که ما سرگرم یکی از تمرینهای عادی مورد لزوم برای تشخیص هویت رهبران بودیم، ما امین را در فهرست مربوطه نگنجانده بودیم. همچنین بی بردن به این مطلب در جریان صحبت با این مرد دوستانه، بسیار دشوار است که تصور کنیم که او نیز به طور مستقیم در اعدام حدود ۶۰۰۰ مخالف سیاسی مسئولیت داشته است. در هر چیزی که او می‌گفت معقول جلوه‌گر می‌شد و چهره مردی را نشان می‌داد که می‌توان با او بحث منطقی کرد که به تفاهم رسید.
- ۵- همان طوری که وزارت می‌داند من دو دستور فوری داشتم: یکی، درباره این ملاقات باید کوتاه مدت باشد و دومی اینکه به غیر از اظهار این مطلب که حکومت ایالات متحده مایل است با تقاضای مکرر امین جهت مناسبات دوستانه هم عقیده باشد، هیچ مطلب پر معنای دیگری را نگویم. همان طور که شما می‌دانید اقدامات عادی صرف چای برای چند دقیقه‌ای آغاز نخواهد شد و اینکه یک خروج پرشتاب به عنوان یک اهانت تلقی خواهد شد. کارمندان من و من مغزهای خود را قبلاً در این باره تحت فشار قرار داده بودیم که برای گذراندن وقت به چه نوع گفتگویی می‌توانستیم متوسل شوم، ولی همه اینها کمتر از آنچه که من نگران آن بودم برای من مشکل ایجاد کرد. امین یک حالت روحی متمایل به وراچی داشت و من به او مجال دادم که بیشتر صحبتها را او انجام دهد. عکسهایی از ما گرفته شد که روی هم چهار دقیقه به طول انجامید و آنچه که مورد شگفتی من بود این بود که عکاسان که دو نفر بودند ۹ قطعه عکس گرفتند. از آنجایی که همتهای دیپلماتیک من عکسهایشان به اتفاق امین در جراید محلی چاپ شده است من تصور

می‌کنم که عکس من نیز به نوبه خود در مطبوعات چاپ خواهد شد.

۶- بلافاصله پس از آنکه عکاسان رفتند امین گفت که او می‌خواهد برای واشنگتن روشن کند که او مایل است «مناسبات بهتر و دوستانه‌تر» داشته باشد. خدا را شکر که من قادر بودم که در پاسخ بگویم که واشنگتن نیز در این احساس برای مناسبات دوستانه با او سهیم است.

او آن‌گاه مطلبی را که تاکنون بارها با دیدارکنندگان در گذشته عنوان کرده بود بار دیگر عنوان کرد و آن اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان هیچ‌گونه سوء نیتی نسبت به هیچ یک از کشورهای جهان ندارد و در واقع او می‌خواهد با همه کشورهای مناسبات خوبی داشته باشد و اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان صمیمانه مایل به صلح است. او همچنین مطلب آشنای قبلی خود را درباره اینکه افغانستان یک کشور عقب مانده‌ایست که شدیداً نیاز به پیشرفت اقتصادی و اجتماعی دارد و تنها به کمک کشورهای بیگانه می‌تواند به این پیشرفت برسد. تکرار کرد.

هر چند او از کمک ایالات متحده ذکری نکرد، ولی از فحوای اظهارات او روشن بود که او امید داشت ما روزی از عمران و پیشرفت اجتماعی جمهوری دموکراتیک افغانستان پشتیبانی کنیم.

۷- او همچنین از حدود عادی خود فراتر رفته و پوزش طلبید از اینکه افغانستان در کشورهای متعددی (از جمله ایالات متحده آمریکا) سفیر ندارد و توضیح داد که خوب از لحاظ اشخاص واجد شرایط که بتوانند به نحو رسایی نماینده رژیم باشند دچار کمبود است و لذا او انتظار دارد که من نخستین مجرا برای مناسبات دو جانبه بین ایالات متحده و افغانستان باشم. ضمن ادامه این موضوع او دوباره اظهار داشت که در دفتر او برای پذیرایی از من هر گاه من بخواهم با او مشورت کنم باز است. من با توجه به تقاضای وزارت امور خارجه افغانستان مبنی بر اینکه ما تعداد اعضاء نمایندگی سیاسی خود را در افغانستان کاهش دهیم، کوشیدیم تا چند مطلب مثبت برای ایجاد یک اثر بیان کنیم. من او را متوجه کردم که هوایم‌دی سی - ۷ برای شرکت هوایی افغانستانی آریانا قرار است روز ۷ اکتبر به کابل برسد و من گفتم امیدوارم اتفاقی برای جلوگیری از ورود این هواپیما نیفتد. من آن‌گاه خاطر نشان ساختم که حکومت ایالات متحده اخیراً سطح تعرفه خود را درباره هفت قلم که افغانستان به ایالات متحده صادر می‌کند کاهش داده است (این کاهشها در نتیجه کنفرانس توکیو بوده است) و اینکه هر چند این امر زیانناهی برای خزانه‌داری ما در بر دارد، من امیدوارم که با افزایش صادرات افغانستان برای این کشور اثر سودمندی داشته باشد. سرانجام من به علاقه او به انرژی خورشیدی و ملاقات او با یک کارشناس آمریکایی در این زمینه که در ماه ژوئیه گذشته از کابل دیدن کرده بود اشاره کردم و گفتم آژانس بین‌المللی مخابرات آمریکا در نظر دارد یک نمایشگاه به مقیاس بزرگی در سال آینده در این باره ترتیب دهد، پاسخ او درباره این مطلب پرشور و شوق بود و او گفت امیدوار است این نمایشگاه عالی باشد.

۸- همه‌اش این بود. من تصور می‌کنم دیداری که از او انجام داده‌ام یک حرکت عاقلانه‌ای بود. من فکر می‌کنم که او از فرصت ارسال پیامی به وزارت امور خارجه آمریکا درباره اینکه او خواستار روابط بهتری است استقبال کرد و او منتهای کوشش را انجام داد تا از هر گونه مطلب ضد و نقیضی اجتناب کند. هنگامی که من بعداً با شاه محمد دوست معاون وزارت امور خارجه ملاقات کنم، در صورت لزوم در نظر دارم که به تمایل امین جهت مناسبات بهتر به عنوان استدلالی برای اینکه وزارت امور خارجه افغانستان فشارهای خود را بر آمریکا و تعداد کارمندان آمریکا در کابل کم کند، اشاره کنم.

۹- با در نظر گرفتن توصیه‌ی شدید وزارت امور خارجه درباره‌ی اینکه ملاقات بسیار کوتاه مدت باشد، من هنگامی که امین را ترک کردم به ساعت خود نگاه کردم و با شمردن چهار دقیقه‌ای که عکاسان در اتاق بودند من ۱۹ دقیقه در حضور امین بودم و تصور می‌کنم که این مدت درست و کافی بوده است.

سند شماره (۳۹)

از: سفارت آمریکا کابل
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

تاریخ: ۲۷ سپتامبر ۷۹

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۷۲۰۸

موضوع: تماس با وزیر اطلاعات و فرهنگ، کاتاوازی

۱- (تمام متن خیلی محرمانه است)

۲- طی تماسی با خیال محمد کاتاوازی، وزیر اطلاعات و فرهنگ در ۲۵ سپتامبر توسط کاردار و منشی دفتر آژانس بین‌المللی ارتباطات خانم مارلین مکافی و وابسته‌ی دفاعی، وزیر خواستار «افزایش همکاری» بین افغانستان و ایالات متحده شد. این نظریه وزیر با آنچه که یک ماه پیش گفته شد مبنی بر اینکه «خصوصت صدای آمریکا و کشور آمریکا با انقلاب، همکاری را در این زمان غیر ممکن می‌سازد، متناقض بود. او طبق گزارش این اظهارات را هنگامی ادا می‌کرد که دستور داد ۳۴ عضو کارمند وزارتخانه‌اش از آموزش زبان انگلیسی آژانس بین‌المللی ارتباطات خارج شوند. این دستور فعلاً لغو شده و کارمندان وزارتخانه آموزششان را از سر خواهند گرفت.

۳- وزیر اظهاراتش را با توصیف «تغییرات عظیمی» که در افغانستان در حال اتفاق افتادن است آغاز کرد. او کشورش را «آزاد و مستقل» خواند و گفت کشورش «خواستار» همکاری با تمام کشورهایی که مایل به کمک به ما هستند می‌باشد. او به «اهمیت ویژه همکاری فرهنگی» اشاره کرد و گفت «اکنون موقعیت آنچنان است که باید همکاری ممکن شود.» کاتاوازی مخصوصاً به احتیاج افغانستان برای همکاری «کشورهای پیشرفته‌ای مثل شما» در زمینه تعلیم و تربیت و آموزش فنی و زبان انگلیسی برای کارمندان دولت اشاره کرد.

۴- نظریه: اظهارات صمیمانه کاتاوازی با لحن نظرات وی راجع به آمریکا در ماههای آخر رژیم ترکی متناقض بود. ما مایلیم فکر کنیم که تغییرات طرز فکری وی نشانه‌های تغییر کلی در سیاست نسبت به ما باشد، ولی هنوز نشانه‌های برعکس این نظریه را در سایر مواضع می‌بینیم که ما را مطمئن می‌سازد. نحوه قرار ملاقات نیز قابل ملاحظه است. ابتدا هنگامی که موسسه بین‌المللی ارتباطات با تواضع خواستار قرار ملاقاتی برای خانم مکافی با تعدادی از کارکنان رسمی جمهوری دموکراتیک افغانستان می‌شود، همه امتناع می‌ورزند به استثناء ملاقاتی که با رئیس دایره‌ی عهدنامه‌های وزارت امور خارجه ارائه گردید، ولی سپس با یک عقب‌گرد کامل و ناگهانی، تمام لیست قرار ملاقاتها مورد تصویب قرار گرفت و ترتیب آنها داد شد.

آمستوتز

سند شماره (۴۰)

از: سفارت آمریکا بلگراد
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

تاریخ: ۲۸ سپتامبر ۷۹
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۷۳۲۸

موضوع: (بدون طبقه‌بندی) مقاصد شوروی در افغانستان

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- روز ۲۶ سپتامبر سفارت اظهاراتی در رابطه با نگرانیهای آمریکا نسبت به مقاصد شوروی در افغانستان به FSFA به عمل آورده و خواستار اظهار نظر یوگسلاوها شد. روز ۲۸ سپتامبر کنسول سیاسی ما در مورد اوضاع با آقای دراگسلاویزیک رئیس اداره فوق‌الذکر در امور جنوب شرق آسیا گفتگو کرده و نسخه‌ای از بیانیته ساندرز معاون وزارت امور خارجه را در رابطه با این موضوع که از بولتن تلگرافی در ۲۶ سپتامبر دریافت کرده بود به ایشان داد.

پزیک از ما برای اطلاعات تشکر کرد و صراحتاً عقیده خود را بیان کرد، اما گفت که اطلاعات دریافتی دولت یوگسلاوی سطحی و متضاد است. حوادثی که منجر به سلطه‌آمین و اوضاع جاری و سرنوشت ترکی گردیده «همچنان مبهم» است.

۳- در بررسی مجمل تاریخچه حکومت ترکی و امین از آوریل ۷۸، پزیک گفت که «وحدت» نسبی رژیم فقط ۲ ماه دوام داشت و منجر به شکاف غیرمنتظره در حزب پرچم گردید. دولت یوگسلاوی در مورد حوادث اخیر متعجب بود، به خصوص جایگزینی خشونت‌آمیز ترکی که به نظر بلگراد از وحدت گروه خلقیها بیش از اینها انتظار می‌رفت. پزیک گمان داشت که روسها نیز شگفت‌زده شده باشند، زیرا ترکی درست قبل از برکنارایش در مسکو بود. دولت یوگسلاوی افرادی را برای بررسی حوادث در منطقه ندارد، مخصوصاً داخل اتحاد شوروی، لکن نگرانی زیادی متوجه حرکت شوروی برای افزایش حضورش به ویژه از نظر نظامی در افغانستان، می‌باشد.

۴- پزیک اعتراف کرد که دولت یوگسلاوی جهت اتفاقات در افغانستان را نمی‌داند، ولی با اظهارات کنسول در این مورد که اساس دولت افغانستان متزلزل و ضعیف گردیده مخالفتی نداشت. او گفت که سفارت یوگسلاوی در کابل، از نقش نظامیان در حوادث اخیر مطمئن نیست که آیا متحد باقی مانده است و یا اینکه چه روشی در آینده در پیش خواهند گرفت، ولی گفت که «مطمئناً» نظامیان کلید اصلی آینده‌اند.

سند شماره (۴۱)

از: وزارت امور خارجه، واشنگتن دی. سی.
به: سفارت آمریکا کابل - فوری

تاریخ: ۲۹ سپتامبر ۷۹
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۶۸۰۹

موضوع: ملاقات نیوسام با وزیر خارجه افغانی

۱- خیلی محرمانه - تمام متن

۲- خلاصه: در جریان یک جلسه طولانی شبه‌تجاری در نیویورک، نیوسام معاون وزارت خارجه

آمریکا و شاه‌ولی وزیر خارجه افغانستان بیاناتی در زمینه منافع و بهبود روابط دو جانبه ابراز کرده‌اند و در مسائل دیگر توافق کمتری داشته‌اند. بحث درباره قتل دابز و پیشرفت حاصله در قبول کمک خارجی دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان است. شاه‌ولی داشتن روابط خوب با پاکستان را تأیید کرد، ولی در مورد آموزش «فراریان» در آنجا شکایتی داشت. او حضور روسها را در افغانستان بسیار دست کم گرفت و از استقلال و غیرمتعهد بودن دولت خود دفاع کرد، از توجه به کنترل مواد مخدر توسط دولت افغانستان قدردانی کرد. پایان خلاصه.

۳- به ابتکار دولت آمریکا، معاون وزیر خارجه نیوسام درخواست ملاقاتی جهت تبادل نظر کلی یک ساعته با وزیر خارجه افغان شاه‌ولی در نیویورک نمود. دستیار معاون ساندرز و مدیر امور خاور نزدیک «پک» نیز حضور داشت. شاه‌ولی فقط یک یادداشت نویس به همراه داشت.

۴- نیوسام گفتگو را با این مطلب آغاز کرد که آخرین باری که در افغانستان بود، با رئیس جمهور وقت ترکی و وزیر امور خارجه امین ملاقاتی داشته بود. وی از این فرصت ابراز خوشحالی و آرزوی موفقیت برای تصدی مسئولیتهای جدید شاه‌ولی و امین نمود. نیوسام گفت که کاردار آمستونز گزارش کرده که در همان روز، گفتگوی صمیمانه‌ای با رئیس جمهور امین داشته است.

۵- در مقابل، شاه‌ولی گفت که دولت جمهوری از آغاز خواستار روابط خوب با تمام کشورها بدون استثنا بوده و افغانستان به طور سنتی روابط دوستانه‌ای با آمریکا داشته و دولت جمهوری نیز در حصول این روابط جدی بوده است. درباره قتل دابز، شاه‌ولی گفت که وقایع رخ داده، به هیچ وجه خواست دولت افغانستان نبوده است. جمهوری دمکراتیک افغانستان ثابت کرده که وقایع در اختیارش نبوده است.

۶- نیوسام گفت که عکس العمل سوء قصد مذکور در آمریکا بسیار قوی بوده و منجر به اقدام کنگره شده که به طریقی همکاریهای ما را تقلیل داده است، سعی کرده‌ایم کمکهای برنامه‌ای خود را تحت ضابطه قانونی انجام داده و یا به شکل منظمی آنها را خارج سازیم. آمریکا همواره برای بحث جهت اقداماتی که بایستی به منظور بازگرداندن روابط عادی صورت گیرد آمادگی دارد. از این بیان که رئیس جمهور امین خواهان روابط بهتر است استقبال می‌کنیم. هر وقت زمان بحث برای داشتن روابط بهتر فرا برسد، ما در جستجوی راههای خواهیم بود که از عهده شرایط مقرر توسط کنگره برآییم.

۷- در پاسخ به این مطلب شاه‌ولی که «تبلیغات نادرست» در این مورد در رهبران سیاسی آمریکا نفوذ کرده، نیوسام گفت که وقایع مربوط به قتل باعث این عکس العمل شده نه گزارشات روزنامه‌ها. همچنین احساس می‌شود که همکاری زیادی در زمینه تحقیقات طبق انتظار به عمل نیامده است. در مقام دفاع شاه‌ولی به نکات مشکوک مهمی که هنوز در مسئله قتل کندی وجود دارد اشاره کرد و تکرار کرد که دولت جمهوری افغانستان معتقد است که سعی خود را نموده است.

۸- وقتی که درباره کمکهای قبلی دولت آمریکا توسط افغانستان مثل دره هیرمند یادآوری شد، شاه‌ولی گفت که به دلیل همین روابط دوستانه قبلی بین دو کشور بوده که جمهوری دمکراتیک افغانستان این وضع را «غیرعادی» تلقی می‌کند و او مشکلی یا مانعی در حل اینها نمی‌بیند. او انکار کرد که دولت افغانستان از روش قبلی خود در رابطه با کمک منابع چندگانه برای اجرای همکاری در طرحها عدول کرده است. شاه‌ولی به استمرار پروژه‌های بانک جهانی، آلمان و دیگر طرحها اشاره کرده و گفت عملیات افغانستان در برخی «موارد خاص» (یعنی آمریکا) از این احساس که بعضی از افراد شایستگی لازم را

ندارند سرچشمه گرفته است. او افزود که افغانستان درخواست پرسنل بیشتری در موارد معین کرده و تقاضای کمکهای بیشتر تیم بهداشت (که کارکنان آمریکایی زیادی دارد) را ذکر نمود. او با افسوس آشکاری افزود که تیم بهداشتی و پزشکی آمریکا همکاری نموده و اینکه او پیش از عزیمت از کابل فهمید که می‌خواهند تمام افراد تیم را از افغانستان خارج کنند.

۹- در مورد انتظار تغییراتی در خط مشی اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان در پی تغییرات اخیر در رهبری، شاه‌ولی پاسخ منفی داده و گفت که انتظار استمرار همان روشها می‌رود، چون حزب خط مشی‌ها را می‌دهد و حزب هنوز وجود دارد. نیوسام با توجه به موضع تمایل پرزیدنت امین برای روابط خوب بین افغانستان و همسایگانش پاکستان و ایران باین مطلب اشاره کرد، شاه‌ولی گفت این عکس‌العمل تمایل صمیمانه مردم افغانستان و حزب است و افزود که در بازدید معاونت وزارت خارجه شاه محمد دوست از پاکستان «گفتگوهای مفیدی» وجود داشته و اینکه او با آقا شاهی در هاوانا ملاقات کرده و رئیس‌جمهور پیشین «ترکی» نیز با ژنرال ضیاء در آنجا مذاکره کرده‌اند او با احتیاط در مورد ملاقات اخیر گفت که این «انعکاس تمایل دولت» بوده است و اشاره کرد که ژنرال ضیاء و آقا شاهی هر دو به کابل دعوت شده‌اند، ولی قرار شد بازدید رئیس‌جمهور پاکستان پس از بازدید مقدماتی آقا شاهی به عمل آید.

۱۰- در قسمت دیگری از گفتگو، شاه‌ولی در جریان بحث راجع به شورشیان، نسبتاً از پاکستان گله کرد و گفت که شورشیان اکثر ائتلاف‌های قبلی هستند که منافع خود را از دست داده‌اند، ولی افزود که قسمتی از این مشکل توسط همسایگان افغانستان به وجود آمده است. او به اردوهای اشاره کرده که فراریان افغانی در پاکستان، در آنجا آموزش می‌بینند و افزود که پاکستان چند چریک (میلیشیا) نیز به افغانستان اعزام کرده است. در پاسخ سؤال مربوط به وضعیت پناهندگان، شاه‌ولی استدلال کرد که مرزهای افغانستان باز بوده و ۲/۵ میلیون چادر نشین همه ساله از مرز عبور می‌کنند. او گفت که آنها «چادر نشینان ما را محبوس کرده‌اند»

۱۱- در مورد موضوع رابطه با شوروی، شاه‌ولی گفت که روابط خوب سنتی افغانها با همسایه شمالی در جریان تغییرات حکومت کمتر تغییر کرده است. در مورد سؤال عدم تطابق وضع عدم تعهد افغانستان و حضور گروههای روسی در کشور، شاه‌ولی پاسخ داد که وجود مشاورین روسی، بزرگ شده و کوهی از یک کاه درست شده است. او اشاره کرد که در افغانستان مشاورین روسی، قبل از انقلاب هم بوده‌اند و تعدادشان زیاد تغییر نکرده است، ولی متأسفانه عدد دقیق آنها را نمی‌داند و ضمناً مشاورین سایر کشورها مثل هند نیز هستند. در توضیح تناقض با نظر قبلیش، توضیح داد که تغییر وضعیت کیفی نبوده و فقط کمی بوده است.

۱۲- شاه‌ولی همچنین انکار کرد که حزب دموکراتیک خلق افغانستان، یک حزب مارکسیست - لنینیست است و گفت که ما می‌توانیم از برنامه‌های حزبی، قضاوت خودمان را به عمل آوریم. او افزود که حزب دموکراتیک خلق افغانستان اساس سوسیالیستی کشور است. نیوسام اشاره به مذاکراتش با وزیر اسبق امور خارجه «امین» در مورد طبیعت حزب از نظر قوانین آمریکایی در زمینه روابط با ملل تحت نظر یا کنترل جنبش بین‌المللی کمونیستی نموده و تلقی شاه‌ولی را از این بابت که حزب جزئی از جنبش بین‌المللی سوسیالیستی بوده یا صرفاً وجود افغانی دارد، سؤال نمود؟ شاه‌ولی گفت که حزب خواستار روابط با تمام احزاب و نه، تنها با آنهایی که در کشورهای سوسیالیست هستند، می‌باشد. او به نیوسام

اطمینان داد که حکومت آنها مستقل است و تحت نفوذ حکومت یا حزب دیگری قرار ندارد. افغانستان به جنبش غیرمتعهد و وفادار بوده و خواستار خط مشی مستقل خویش است. نیوسام توضیح داد که توجه آمریکا نیز به «غیرمتعهد واقعی» است، ولی بین ما اختلافاتی فلسفی با تعاریف برخی از کشورها در مورد عدم تعهد (به خصوص کوبا) وجود دارد.

۱۳- ساندرز گفت از توجه دولت جمهوری افغانستان در زمینه کنترل مواد مخدر سپاسگزاریم و توضیح داد که مواد مخدر مشکل بزرگ ملت آمریکا بوده و آمادگی کار با مقامات افغانی داشته و از هر گونه همکاری پیشنهادی با دولت جمهوری افغانستان قدردانی می‌کنیم. شاه ولی آشکارا پس از تشکر ما در این مورد مسرور گردید و گفت که دولت در سال گذشته مقداری حشیش به ارزش ۲۵ میلیون دلار را آتش زده، ولی مطبوعات غربی توجهی به آن نکرده‌اند. نیوسام از نقصان آگاهی اظهار تاسف کرده و گفت دولت آمریکا متوجه این کار بوده است و مشکلات کشورها را در مواجهه و مداخله با فرهنگ سنتی مواد مخدر، حمل و نقل و به خصوص اهمیت منبع درآمد بودن آن برای زارعین فقیر درک می‌نماید. این یک عمل شجاعانه دولتی است که مثل افغانستان استقامت داشته و مورد قدردانی ماست. وی سپس افزود که این یک عامل مثبت در روابط ما می‌باشد.

۱۴- در خاتمه نیوسام گفت که خواستار مفتوح بودن روابط مخابراتی بین دو کشور بوده و اینکه سؤالات زیادی داشته که بر اساس توجه به محیط مساعد برای بهبود روابط بوده است. او از پذیرش کار دار توسط پرزیدنت امین در همان روز اظهار خوشحالی کرد و گفت که امیدوار است که علامت استمرار بهبودی در روابط ما باشد.

سند شماره (۴۲)

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.
موضوع: پرسش رئیس اطلاعات وزارت امور خارجه در مورد احتمال روابط بهتر با دولت آمریکا
۱- (تمامی متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: اسدالله متین سرپرست بخش اطلاعات وزارت امور خارجه در صحبت تلفنی با مارلین مکافی سرپرست کارهای دفتری آژانس بین‌المللی ارتباطات در ۲۷ سپتامبر، گفت که «آنها از من خواسته‌اند که جو یا شوم آیا آمریکا حاضر است که روابطش را با افغانستان بهبود بخشد. متین نگفت که منظورش از «آنها» چیست، ولی او رابطه بسیار نزدیکی با پرزیدنت حفیظ‌الله امین دارد. در حین صحبت سرپرست بخش اطلاعات متذکر گردید که امین «شخصاً» بشدت مایل است که روابطش را با آمریکا بهبود بخشد. متین اضافه کرد: حالا لحظه مناسب فرا رسیده. پایان خلاصه.

۳- بعد از خوش آمدگویی، متین فوراً مسئله اصلی صحبت را مطرح نمود: «می‌خواهم جویای چگونگی بهتر شدن روابط افغانستان و آمریکا بشوم.» او گفت: «آنها از من خواسته‌اند که بیرسم با جانشین شدن امین به جای ترکی، ما بسیار علاقه‌مند هستیم که روابطمان را با آمریکا بهبود بخشیم، آمریکا چه کاری می‌تواند بکند که نشانگر علاقه‌مندی او به این مسئله باشد.»

۴- مکافی گفت که «مانع» سابقه رژیم در مورد مسئله حقوق بشر است. متین سیاست جاری دولتش را

این طور مطرح نمود. او ترکی را به خاطر افراط و زیاده‌روی در انقلاب سرزنش نمود، او گفت تا زمانی که ترکی رئیس جمهور بود تمام تصمیمات را خودش اتخاذ می‌کرد و آقای امین هیچ نقضی نداشت ولی الآن که آقای امین به جای ترکی نشسته است زیاده‌رویها و افراط کاریها اصلاح خواهند گردید. و اشاره به آزادی زندانیان نمود گفت که تا به حال ۴۰۰ نفر آزاد شده‌اند، من جمله داماد خود متین که از پل چرخ آزادی شده. او راجع به «اقدام سریع» حقیقت‌الله امین در مورد آزادی زندانیانی که «گناهکار نبودند» به عنوان خواست شخصی رئیس جمهوری برای اجرای عدالت در مورد زندانیان سیاسی صحبت نمود. انتخاب برادرزاده رئیس جمهور، اسدالله امین معاون دوم وزارت امور خارجه بخش کارهای سیاسی (و رئیس KAM پلیس سیاسی) در راس کمیته‌ای برای بررسی پرونده زندانیان و عفو عمومی برای کسانی که کشور را به خاطر «گمراه شدن» ترک کرده بودند را متذکر گردید و همچنین ایجاد کمیته‌ای برای طرح یک قانون اساسی.

۵- بالاخره متین گفت که طرح سؤال راجع به مسائل حقوق بشر در افغانستان ممکن است «دخالت» تلقی شود.

۶- در پایان صحبت او به موضوع اصلی بازگشت و گفت در حال حاضر ما خواهان رابطه‌ای صمیمانه تر و دوستانه‌تر با آمریکا هستیم و جویای عکس‌العمل آمریکا در مقابل این بهبود روابط می‌باشیم.
۷- نظریه: تذکرات ساده و رک و صریح متین نشانگر تضمین مطالب بود و این مسئله با گفتار چند روز پیش وزیر فرهنگ و اطلاعات خیال محمد کاتاوازی وفق می‌دهد، همان طوری که در تلگراف مرجع گزارش شد. جمهوری دموکراتیک افغانستان ظاهراً تصمیم گرفته که پیامی مودت‌آمیز آمیخته با علائمی که آمادگی آنها را برای بهبود روابط آمریکا و افغانستان تحت رژیم امین نشان دهد بفرستد.

سند شماره (۴۳)

از: سفارت آمریکا در کابل
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی با حق تقدم
تاریخ: اول اکتبر ۷۹
طبقه‌بندی: خیلی محرمانه
شماره سند: ۷۲۵۸

موضوع: نشانه‌هایی درباره اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان در پی مناسبات بهتری با حکومت ایالات متحده است

۱- (تمامی متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: در جریان هفت روز اخیر نشانه‌هایی حاکی از اینکه جمهوری دموکراتیک افغانستان در پی مناسبات بهتری با ایالات متحده است دریافت کرده‌ایم. من تصور می‌کنم که این موضوع اهمیت دارد که چنین نشانه‌ها را قدر نهیم، ولی همچنین معتقدم که زمان زودتر از آن است که بگوییم آن نشانه‌ها در زمینه‌هایی که برای ما اهمیت دارد عمیق تر می‌شود یا خیر. هفته گذشته هنگامی که من با شاه محمد دوست معاون وزارت خارجه درباره کاهش تعداد کارمندان ملاقات کردم، او به هیچ وجه اشاره‌ای به آن نکرد که بهبودی در روابط ما به این موضوع بستگی داشته باشد. علاوه بر این اطلاع یافتیم که در زمینه حساس ورود کارشناسان آمریکایی به افغانستان، وزارت اطلاعات و فرهنگ این کشور اخیراً تقاضای خود را به بنیاد آسیا برای یک رایزن کوتاه مدت آمریکایی حذف کرده است. امید بسیاری می‌رود که

هنگامی که شاه محمد دوست معاون وزارت خارجه مرا برای بحث بیشتر درباره تقلیل کارمندان سفارت دعوت کند، عقیده روشن تری خواهیم داشت که آیا در سیاست جمهوری دموکراتیک افغانستان تغییر مهمی حاصل شده است یا خیر. پایان خلاصه.

۳- همان طوری که قبلاً به وزارت، خاطر نشان ساختیم جمهوری دموکراتیک افغانستان سیاست خود را نسبت به ایالات متحده در دو زمینه ادامه می دهد. در یک زمینه به کرات به ما اطلاع می دهند که جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهان روابط بهتر با آمریکا است و اینکه اوضاع کنونی در این روابط «طبیعی نیست.» علاوه بر این در همین زمینه آنها کارهایی می کنند از قبیل فرستادن تعداد زیادی از وزیران به ضیافت چهارم ژوئیه و همین اواخر حفیظ الله امین رئیس جمهوری و نخست وزیر از من در کاخ ریاست جمهوری به گرمی استقبال کرد. از سوی دیگر در سطح دیگری و در زمینه هایی که برای ما بیشتر اهمیت دارد، از قبیل تحقیق درباره مرگ دابز سفیر آمریکا و اجرای برنامه های سپاه صلح و کمک های آمریکا و آژانس بین المللی ارتباطات آمریکا، ما با موانع متعددی برخورد کرده ایم و علاوه بر این حکومت در طول دو ماه گذشته خواستار تقلیل تعداد کارمندان سفارت آمریکا شده است. به نظر من اینکه سرانجام درباره این مسئله، به چه وضعی خواهیم رسید محک واقعی مقاصد آنها نسبت به ما خواهد بود.

۴- نشانه های دلگرم کننده ای که آنها در هفته گذشته برای ما فرستاده اند از این قرار است:
- آنها پس از اینکه به مارلین مکافی عضو آژانس بین المللی ارتباطات اجازه ندادند با مقامات مختلف جمهوری دموکراتیک افغانستان ملاقات کند، این تصمیم را اخیراً لغو کردند و همه دیدارهای مورد تقاضا، از جمله دیداری از کاتاوازی وزیر اطلاعات و فرهنگ مجاز اعلام شد.

- در جریان دیدار از کاتاوازی وزیر اطلاعات و فرهنگ (مرجع ب) وزیر بسیار صمیمی بود و خواستار همکاری بیشتر در زمینه فرهنگی و اطلاعاتی شد، موضع او در این مورد با موضعی که چند ماه قبل از آن دفاع می کرد تفاوت داشت.

- همچنین این نکته بسیار اهمیت دارد که هنگامی که مکافی عضو آژانس بین المللی ارتباطات روز بعد با مدیر کل اطلاعات وزارت خارجه بنام اسدالله متین ملاقات کرد، مدیر کل اطلاعات اعلام داشت که جمهوری دموکراتیک افغانستان خواهان روابط بهتری است (مرجع الف).

- هفته گذشته وزارت اطلاعات و فرهنگ دستور یک ماه قبل خود را درباره حذف برنامه آموزش زبان انگلیسی برای سی و اندی کارمندان وزارت اطلاعات و فرهنگ در مرکز فرهنگی آموزش زبان انگلیسی لغو کرد.

- چند روز پس از اینکه حفیظ الله امین رئیس جمهور شد، کتابدار مرکز فرهنگی آمریکا گزارش داد که دو گروه از کارمندان و دانشجویان دانشگاه اعلام داشته اند که اکنون آنها «مجاز هستند که» از کتابخانه حمایت کنند.

(حفیظ الله امین رئیس جمهور و نخست وزیر روز بیست و هفتم سپتامبر مرا به گرمی پذیرفت و در جریان ملاقات او بار دیگر درباره مناسبات اظهار نظر کرد. جریان این ملاقات در رسانه های گروهی منعکس شد از جمله چند عکس در این زمینه منتشر شد (همچنان که دیدارهای سایر رؤسای هیئتهای نمایندگی دیپلماتیک نیز در رسانه های گروهی منعکس شد).

- در همان روز در شهر نیویورک شاه ولی وزیر امور خارجه ضمن گفتگو با نیوسام معاون وزارت امور

خارجه و ساندروز دستیار وزارت امور خارجه درباره بهبود مناسبات ابراز تمایل کرد. جریان این ملاقات در مطبوعات محلی به طور مفصل منعکس شد.

۵- در حالی که مراتب فوق نشانه‌های دلگرم‌کننده‌ای هستند، نشانه‌های دیگری نیز وجود دارند مبنی بر اینکه هیچ تغییر محسوسی در سیاست داده نشده است، به قرار ذیل:

- عکس‌العمل خونسردانه شاه محمد دوست وزیر امور خارجه در جریان ملاقات من با او در تاریخ ۲۵ سپتامبر به مناسبت تقلیل کارمندان سفارت آمریکا.

- فشار مداوم (اگر گفته نشود فزاینده) در مورد اتباع خارج سفارت ما از سوی پلیس مخفی افغانستان (کام)، از جمله دخالت اسدالله امین برادرزاده و داماد رئیس جمهوری، معاون وزارت امور خارجه و رئیس «کام» (رئیس هیئت، علیه با اهمیت تلقی کردن این موضوع هشدار داده است که از چنین کوششهای رخنه‌گری می‌توان انتظار داشت که بدون وقفه - صرف نظر از جو مناسبات بین ما و افغانستان - ادامه یابد). - اقدامی که احتمالاً با کاهش دادن تعداد کارمندان سفارت ارتباط دارد این است که وزارت امور خارجه همچنان از دادن گواهینامه رانندگی به کارمندان ما خودداری می‌کند.

- بنیاد آسیا به تازگی کسب اطلاع کرده است که وزارت اطلاعات تقاضای خود را برای یک مشاور آمریکایی جهت کمک به سازمان دادن آرشیو این وزارتخانه حذف کرده است.

۶- نتیجه‌گیری - دلیل اینکه ثابت شود جمهوری دموکراتیک افغانستان چه موضعی نسبت به ما دارد، هنگامی معلوم خواهد شد که آنها درباره موضوع کارمندان سفارت عکس‌العمل نشان دهند. شاه محمد دوست معاون وزارت خارجه قرار است مرا در یکی از این روزهای آینده دعوت کند. بگذار امیدوار باشیم که او خبرهای خوشی برای ما دارد.

سند شماره (۴۴)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی

تاریخ: ۱ اکتبر ۷۹

طبقه‌بندی: سری

موضوع: گزارشاتی راجع به نیروهای نظامی روسی در افغانستان

۲- به انضمام گزارش سفارت از کانالهای اطلاعاتی (جاسوسی - م) راجع به حضور نیروهای نظامی روسی در افغانستان، مشاهدات زیر از دیپلماتهای خارجی در کابل ضمیمه خواهد بود.

۳- در تاریخ ۳۰ سپتامبر سفیر یوگسلاوی بوگدان مالباسیک (لطفاً محفوظ بماند) از وزیر مختار پرسید که آیا گزارش جدید «اخبار گزارش» در مورد فعالیت نیروها در آسیای مرکزی، شامل واحدهای هوابرد است. مالباسیک، ژنرال سابق ارتش، گفت، شنیده است که روسیه قبلاً به اندازه کافی وسیله و قطعات لازم برای یک واحد هوابرد در پایگاه هوایی باگرام، در شمال کابل تهیه دیده است. او تقریباً از این مسئله مطمئن بود.

۴- سفیر یوگسلاوی فکر می‌کرد که واحدهای روسی موجود به عنوان آخرین وسیله و راه حل نهایی به کار برده خواهند شد. به نظر او هنوز راه‌حلهای دیگر به جای به کار بردن این راه حل باز می‌باشد، مثلاً گسترش پایگاههای سیاسی و خواسته‌های مردمی از رژیم خلقی - یک کودتای نظامی که رهبری خلقی را با گروهی تازه و در ابتدا با شخصیت‌های غیرسیاسی تعویض نماید.

۵- همین طور در تاریخ ۳۰ سپتامبر ج-دالات سینگ وزیر مختار سفارت هند (لطفاً محفوظ بماند) به وزیر مختار سفارت گفت که یکی از منابعش و یک افسر سابق ارتش افغانستان که الان در پل چرخ در زندان به سر می‌برد، قبل از دستگیری در «خانه مردم» - دفتر مرکزی رهبری خلقی - در مورد حضور نیروهای نظامی روسی بحث نمودند. افسر افغانی گفته بوده که زمان سرکار بودنش که به اطلاعات حساس دسترسی داشته است حدود ۹۰۰۰ نفر نیروی روسی در افغانستان یافت می‌شده. وزیر مختار هندی تاریخ دقیق اطلاعاتش را نمی‌داند، ولی فکر می‌کرد کاملاً جدید است. سینگ خودش گمان می‌کرد که آمار کنونی در حدود ۱۰/۰۰۰ تا ۲۰/۰۰۰ می‌باشد (او بیشتر به حد بالای این آمار تمایل داشت).

- و گفت که او.... قبلاً گزارش داده و این در دهلی نو شایع هم شده.

۶- در تاریخ ۳۰ سپتامبر یک مأمور سفارت آلمان غربی به وزیر مختار گفت که راندگان کامیون آلمانی که از جاده هرات به قندهار که مملو از افراد شورشی سربازان فراری ارتش و راهزن بود، به تازگی عبور کرده‌اند، سربازانی از اقلیتهای روسی که ارابه‌های جنگی را هدایت می‌نمودند دیده‌اند. مأمور آلمانی می‌گفت که روزنامه‌های غربی پول خوبی برای این عکسها می‌پردازند.

۷- تفسیر: نظریات بالا با مقداری شرط و استثناء گزارش شده، نظر سفیر یوگسلاوی راجع به تجهیز وسایل و قطعات در باگرام را می‌توان در نقاط دیگر افغانستان نیز مشاهده نمود مثلاً در پادگان زرهی پل چرخ که تعدادی زیاد هاورکرافت و تانک و سایر اقلام نظامی پارک شده‌اند، مجموعه زیادی از وسایل که خیلی بیشتر از این است که ارتش افغانستان خودش بتواند در آینده نزدیک استفاده کند، ما هیچ‌گونه اطلاعاتی برای تأیید گزارشات سفیر یوگسلاوی نداریم.

۸- برای نظریات سینک یک دیپلمات معتبر که البته گاهی بدون دقت شایعات موجود در کابل را قبول می‌کند، این قابل توجه است که اگر واقعاً ارقام ۲۰/۰۰۰-۱۰/۰۰۰ را به مقامات مربوطه در دهلی نو داده باشد، ما از هیچ منبع دیگری تاکنون چنین ارقام بالایی را شنیده‌ایم و ما هم آن را به هیچ وجه قبول نمی‌کنیم.

۹- اگر چه مأموران آمریکایی گاه گاهی سربازان روسی را در اطراف کابل ملاحظه نموده‌اند که یونیفورم افغانیها را پوشیده‌اند (یک عادت که از زمان داود باقی مانده)، هنوز هیچ یک از افسران و مأموران آمریکایی نتوانسته‌اند نکته‌ای را مشخص سازند که بتوان آن را به عنوان «نیروی نظامی روسی» بر اساس دلایل موجود، عنوان کرد، ولی به هر حال بدون شک یک نیروی نظامی روسی که به خوبی استتار شده‌اند در داخل کشور وجود دارد. ما حدس می‌زنیم حدود ۴۰۰۰ نفر از نظامیان روسی من جمله افرادی که در پایگاه هوایی باگرام هستند و حدود ۳۰۰۰ مستشار نظامی در افغانستان وجود دارد.

۱۰- راجع به داستان آلمانی، احتمالاً می‌توان گفت که چطور مستشاران نظامی روسی که برای هدایت و تنظیم ارتش افغانستان هستند در زمان لازم مستقیماً به کار گرفته می‌شوند. آمستوتز

سند شماره (۴۵)

خیلی محرمانه

تاریخ: ۱ اکتبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در آنکارا

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی - سی

شماره سند: ۷۲۴۸

موضوع: نظرهای ترکیه درباره اتحاد جماهیر شوروی و افغانستان

۱- (تمامی متن خیلی محرمانه)

۲- این پیام برای صورت گرفتن اقدامات لازمه است (به پاراگراف ۷ مراجعه کنید).

۳- خلاصه: مأمور سیاسی سفارت اقدام مرجع (ج) را با یکی از کارمندان وزارت امور خارجه که در جریان انقلاب ترکی در افغانستان خدمت می کرده است دنبال کرد. این مأمور اظهار داشت که در وزارت امور خارجه از اقدام ترکیه در قبال شورویها در مورد افغانستان پشتیبانی وجود دارد. ولی کمتر احتمال می رود که یک اعلامیه عمومی منتشر شود. ترکها درباره نظریات کشورهای دیگر و واکنشهای آنها درباره اوضاع در افغانستان علاقه نشان می دهند. مأمور وزارت امور خارجه در باره علاقه احتمالی روسها نسبت به اعتمادی سفیر سابق افغانستان در پاکستان و اتحاد شوروی به عنوان جانشین امین حدسیاتی زد. پایان خلاصه.

۴- اقدام حکومت ترکیه در قبال اتحاد شوروی: آلپ قره عثمان اوغلو رئیس بخش خاورمیانه در وزارت امور خارجه ترکیه به (ریچاردونه) مأمور سفارت در تاریخ بیست و هشت سپتامبر گفت که در محافل وزارت امور خارجه ترکیه در مورد اقدام سیاسی ترکیه در قبال شورویها درباره افغانستان بدون آنکه جنبه علنی داشته باشد پشتیبانی وجود دارد. معذالک از آنجایی که وزیر امور خارجه اکنون در ترکیه است، مدتی طول خواهد کشید تا تصمیم نهایی در این مورد گرفته شود، بسیار غیرمحمول است که حکومت ترکیه درباره افغانستان اعلامیه رسمی صادر کند. حکومت ترکیه درباره اقدامات سایر کشورها در قبال شورویها درباره موضوع افغانستان (در صورتی که چنین اقداماتی صورت بگیرد) بسیار علاقه مند است. قره عثمان اوغلو درباره اعلامیه وزارت امور خارجه آمریکا به مطبوعات به عنوان نشانه ای از علاقه ایالات متحده درباره اوضاع افغانستان واکنش مثبتی نشان داد. (اظهار نظر: در سراسر جریان گفتگو قره عثمان اوغلو روشن ساخت که حکومت ترکیه درباره افزایش علاقه و نفوذ ایالت متحده در سراسر منطقه سنتو نظر مساعد دارد، رجوع شود به آنکارا ۷۲۰۱).

۵- مداخله اتحاد جماهیر شوروی: قره عثمان اوغلو عقیده حکومت ترکیه را مبنی بر اینکه روسها نیروی نظامی به افغانستان نخواهند فرستاد مگر اینکه بحرانی در این کشور صورت گرفته و زندگی اتباع روسی در معرض تهدید قرار گیرد را بار دیگر تکرار کرد. معذالک او معتقد بود که روسها در پی اسب دیگری در افغانستان هستند که سوار آن بشوند، زیرا پایگاه امین در افغانستان بسیار ضعیف است. ترکها معتقدند که اعتمادی، سفیر افغانستان در مسکو و بعداً در اسلام آباد یکی از کاندیداها خواهد بود و اینکه روسها در حال حاضر می کوشند با او تماس بگیرند. قره عثمان اوغلو گفت اعتمادی روز قبل از کودتای ترکی از پاکستان به کابل آمده و از آن به بعد مدت کمی در زندان بوده است. او اضافه کرد که اعتمادی مناسبات عالی با روسها داشته است و ممکن است تماسهایی در میان گروههای افراطی پرچمی که در مسکو به حال تبعید به سر می برند برقرار کرده باشد، قره عثمان اوغلو نظر ما را درباره موضوع اعتمادی به

عنوان جانشین امین جو یا شد.

۶- حادثه عصیانگری نظامیان: ترکها شنیده‌اند که یک عده بیست نفری از خلبانان افغانی ابتدا مأموریت داشتند شهر هرات را در جریان آشوبی که در آنجا چند ماه قبل رخ داده بود بمباران کنند. خلبانان بمبهای خود را دورتر از هدفها پرتاب کردند و به پایگاه خود بازگشتند. آن گاه خلبانان روسی جای آنها را گرفته و آماجهای تعیین شده را در مرکز هرات بمباران کردند. خلبانان افغانی به خاطر عصیانگری خود به محاکمه صحرائی کشانده شده و اعدام شدند.

۷- تقاضای اقدام: با اشاره به پاراگراف ۵، سفارت قدردانی خواهد کرد اگر نظریه وزارت امور خارجه آمریکا درباره اظهار نظر سفارت کابل مربوط به نظر ترکیه مبنی بر اینکه شوریها اعتمادی را به عنوان یک جانشین احتمالی امین می‌دانند را دریافت کنند.

سند شماره (۴۶)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی دارای حق تقدم
موضوع: گروه امین در افغانستان: و نقطه نظرهای
سفرای یوگسلاوی و شوروی

۱- (خیلی محرمانه - تمام متن)

۲- خلاصه: طبق گفته سفیر یوگسلاوی در کابل، شورویها چندین ماه قبل از جریان بحران نیمه سپتامبر که منجر به اقتدار خشونت بار و کامل امین شد، از ازدیاد اضطراب و ناراحتیهای علیه نور محمد ترکی رئیس جمهور افغانستان و حفیظ الله امین نخست وزیر، آگاه بودند. اما روسها هر گونه اطلاع از کودتا را توسط خودشان رد می‌کنند. به نظر می‌رسد که مسکو مایل است با امین کار کند، چرا که او شوروی را در مقابل یک عمل انجام شده قرار داده است. «پایان خلاصه».

۳- بوگدان مالباسیک سفیر یوگسلاوی در افغانستان با درخواست اینکه منبع این خبر را به کلی محفوظ نگهدارد، مأمور ما را در جریان مذاکره اخیر خود با سفیر شوروی، به نام الکساندر م. پوزانف در رابطه با کودتای اواسط سپتامبر امین قرار داد (مالباسیک توضیح داد که او گاه گاهی صحبت‌های طولانی با پوزانف داشته و متوجه شده که پوزانف به این جلسات نسبتاً علاقه مند است. پوزانف اظهار داشته که همچنان علاقه صمیمانه‌ای نسبت به یوگسلاوی، یعنی جایی که وی سالها در آنجا خدمت کرده است دارد).

۴- بنا به گفته مالباسیک، پوزانف اطلاعات ذیل را در مورد کشمکش حاد قدرت در سلسله مراتب «حزب خلقی» در اختیار قرار داده است. سفیر شوروی که اعتراف کرد تا میزان معینی در این ماجرا دخالت داشته، گفت که هنوز درباره کلیه اتفاقاتی که منجر به پیروزی امین شده است «مطمئن نیست». او هر نوع اطلاع قبلی از درگیری خشونت آمیز ۱۴ سپتامبر را تکذیب می‌نماید (توجه: افسران آمریکایی که در آن روز در گوشه و کنار کابل گشت می‌زدند. متذکر شدند که در همان روز تعداد سربازان افغانی و افراد شهربانی در خیابانها افزایش یافته و وابستگان روسی به طور عادی رفت و آمد می‌کردند و محل اقامت افراد شوروی از برنامه حفاظتی آشکار خوبی برخوردار نبود).

۵- پوزانف به مالباسیک گفت که روابط تیره بین رئیس جمهور ترکی و امین از ماه‌ها قبل افزایش یافته بود و پوزانف از تصمیم شخص ترکی انتقاد کرد و می‌گفت ترکی موافق نبود که قدرت کامل نخست‌وزیری به امین که به عنوان وزیر اول انتخاب شده بود برسد. پوزانف اظهار داشت که برای مثال ترکی می‌خواست ریاست تمام جلسات شورای وزرا را داشته باشد و این امر امین را شدیداً ناراحت می‌کرد.

۶- پوزانف اظهار داشت که بحران جاری بعد از زمانی که ترکی در یازده سپتامبر از هاوانا و مسکو برگشت شروع شد. در جلسه کابینه‌ای که در ۱۲ سپتامبر تشکیل شد، امین لزوم تغییرات کابینه را خواستار شد و گفت که هر چه زودتر باید محمد اسلام و طنجار وزیر کشور و شرجان مزدوریار وزیر امور مرزی و سیدمحمد گلابزوی وزیر ارتباطات عوض شوند. ترکی اعتراض کرد و رودرویی امین ایستاد.

۷- مطابق گزارشات پوزانف، «اختلاف و دعوا تا ۱۳ سپتامبر ادامه داشت» و در ۱۴ سپتامبر زمانیکه امین تغییرات کابینه را اعلام کرد، این اختلاف به اوج خود رسید. ترکی «امین را احضار کرد تا درباره آن عمل توضیح دهد و در نتیجه تیراندازی رخ داد. پوزانف گفت که در این روزهای بحرانی دو ملاقات با رهبران حزب خلق داشته است. در رابطه با ملاقات اول چیز زیادی نگفت، ولی درباره ملاقات دوم گفت که جلسه‌ای صبح روز ۱۵ سپتامبر یعنی روز قبل از اینکه امین به جانشینی ترکی معرفی شود، با امین داشته است (توجه: خبر این ملاقات توسط مطبوعات پخش شد).

۸- مالباسیک از صحبتی که با پوزانف داشته عقیده دارد که شوروی مجبور است سیاست خود را در افغانستان با عمل انجام شده امین تطبیق دهد، هر چند که اشتیاق زیادی در این امر نشان نمی‌دهد. زمانی که او نقاط ضعف امین را از قبیل تصویر بدی که در جامعه دارد، به پوزانف متذکر شد، سفیر شوروی جواب داد: «که امین قوی و متشکل است، البته او اشتباهاتی دارد، اما کدام رهبر است که اشتباه نداشته باشد.»

۹- جالب توجه اینکه پوزانف، و طنجار خلع شده را یک مرد خوب توصیف کرد (توجه: کراراً شایعاتی که پس از کودتا شنیده شده نشان می‌دهد که و طنجار تقاضای پناهندگی از سفارت شوروی کرده است و سفارت هندوستان اعتقاد دارد که پوزانف سعی کرده که از و طنجار و دیگر وزرای نظامی که در ۱۴ سپتامبر اخراج شده‌اند وساطت و جانبداری کند).

۱۰- مالباسیک عقیده‌ی راسخی دارد که روسها امتیازات خاصی از امین برای حمایت کردن از او بعد از کودتا گرفته‌اند. برای مثال او فکر می‌کند که روسها پافشاری می‌کنند برای اینکه ترکی باید زنده بماند. مالباسیک اظهار داشت که در حال حاضر امین کاملاً به شوروی متکی است و «باید مزد این حمایت را بدهد.»

۱۱- مالباسیک معتقد است که روسها در حال حاضر کوشش خواهند کرد که امین را یک رهبر پسندیده و دلخواه بسازند و اگر در چنین کاری کوتاهی کنند امکان دارد که غیر از دخالت مستقیم نظامی، راهی مثل یک کودتای سریع توسط نیروهای مسلح افغانی را برگزینند. لکن او احتمال دخالت نیروهای نظامی شوروی را رد نکرد، اما فکر می‌کند که هر چند این اقدام بعید است، ولی سرانجام این عمل حاد الزامی می‌شود.

۱۲- نظریه: گزارش مالباسیک با مطالب دیگر منابع مورد اطمینان تطبیق می‌کند همان طوری که انتظار می‌رود ماشین شایعه‌سازی کابل مطالب یک نوع زیادی را تولید کرده است. بیشتر این شایعات از زمانی که ترکی در ۹ و ۱۰ سپتامبر با برژنف در مسکو صحبت کرده به وجود آمد. بعضیها می‌گویند که

رهبران شوروی به او گفته‌اند که کار تو تمام شده است، ولی با مقایسه با برخورد بشاش امین هنگام بازگشت ترکی به کابل در ۱۱ سپتامبر، قبول چنین خبرنگاران کننده‌ای بعید است. بعضیها می‌گویند که برژنف به او گفته است که کلک امین را بکند، اما او از عهده برنیامده است. این سفارت مایل است که بگوید که معتقد است که رهبری آینده افغانستان به هیچ وجه در مسکو مورد بحث واقع نشده است. (ضمناً باید توجه داشت که هنگام استقبال در فرودگاه، وطنجار، نفر دوم بعد از امین ایستاده بود).

۱۳- بنا به گفته سفارت هندوستان که در پاراگراف قبلی نیز از آن ذکر شد، نقش پوزانف این بود که در ۱۴ سپتامبر در تیر اندازی کاخ خلق دخالت مسلحانه داشته است، هر چند که ما نسبت به این موضوع شک داریم، ولی فکر می‌کنیم که احتمالاً در مقطعی پوزانف برای طرفداری از وطنجار دخالتی کرده باشد، همان طور که اظهارات بعد از کودتای او برای مالباسیک نشان می‌دهد.

۱۴- هر چند بعضی از ناظران محلی فکر می‌کنند که هر وقت مشکل حاد می‌شود مشت آهنین شورویها (در این مرحله امین) پیدا می‌شود (مانند جریان شورش افغانستان)، ولی ما بر این عقیده‌ایم که وقتی اعضاء سرسخت و غیرقابل کنترل حزب خلق مثل عقربها در یک کوزه به جان هم افتاده‌اند، نقش شوروی به طور کامل در این خشونت دیده نمی‌شود. حضور مستمر زنان و کودکان روسی در مناطق عمومی کابل در خلال بحران ۱۴ سپتامبر و همچنین اخبار وسایل ارتباط جمعی شوروی در مورد ملاقات ترکی در مسکو و بعد از آن که امین در ۱۶ سپتامبر به جای او نشست، نشان می‌دهد که سفارت مسکو اطلاعی نداشته و چنین واقعه‌ای برایش غیر مترقبه بوده است.

۱۵- به نظر می‌رسد که پوزانف نتوانسته برنامه سیاسی با ثباتی را در این جا فراهم سازد. به دلیل اینکه پوزانف در خلال سال گذشته اغلب اختلافهای جدی، با امین داشته در محافل دیپلماتیک اینجا راجع به عدم تمدید مأموریتش شایعاتی بگوش می‌رسد. یک منبع خبری افغانی که معمولاً در گذشته مورد اعتماد بوده گفته است که شوروی در ۲۷ سپتامبر برای جانشینی پوزانف در خواست موافقت کرده است. منبع اسم جانشین را نمی‌دانت.

پایان نظریه

آمستوتز

سند شماره (۴۷)

تاریخ: ۳ اکتبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

طبقه‌بندی: سری

موضوع: نیروهای نظامی روسی در افغانستان

۱- (تمام متن سری).

۲- تعریف افراد نظامی روسی: هنگامی که سفارت در کابل لغت «نیروهای نظامی» را به کار می‌برد منظورش پرسنل نظامی روسی در افغانستان است که شامل گروهای زیر است:
الف: نیرو و سربازان نظامی حدود ۶۰۰ نفر که در حال حاضر دفاع قسمت داخلی پایگاه هوایی باگرام را به عهده دارند که به «نیروهای ویژه واکنش» معروفند.

ب: نیروهای نظامی متخصص حدود ۱۰۰۰ - ۵۰۰ نفر از سربازان گردان زرهی که در حال حاضر در

پادگان پل چرخی که پادگانی زرهی است مستقر می‌باشند.

ج: تعدادی سرباز جوان در اطراف کابل که به حفاظت تأسیسات و خانه‌های روسها مشغولند (بسیاری از آنها کاملاً قیافه اسلاوی دارند و یونیفورمهای افغانیشان خیلی تمیزتر از یونیفورم سربازان معمولی افغان است).

د: هر نظامی روسی که کار عملیش و نقشش بیشتر از یک مستشار نظامی است، مثل تکنسینهای روسی که کارشان تعمیر هلیکوپترهای توپدار و ارابه‌های مسلح جنگی که امروزه در عملیات علیه شورشیان به کار گرفته می‌شود، می‌باشد.

۳- تعداد پرسنل نظامی روسی: بر اساس دقیقترین اطلاعاتی که در دسترس ما قرار دارد منجمله اطلاعاتی که به وسیله سایر منابع حساس دولت آمریکا تأیید می‌شود، احتمالاً ۴۲۰۰ نفر نیروی نظامی در افغانستان در حال حاضر به سر می‌برند. این تعداد را می‌توان محافظه کارانه تلقی نمود. همان طوری که در بالا ذکر شد، حداقل ۶۰ نفر از سربازان روسی از پایگاه هوایی باگرام حفاظت می‌نمایند. تعداد واقعی این افراد می‌تواند بیشتر از این باشد. گروه دیگر که در پاراگراف قبلی ۶۰۰ نفر ذکر شده بسیار دست پائین گرفته شده. در بعضی موارد دقیق بودن، کار سختی است، به همین دلیل تعداد سربازان گردان زرهی در پادگان زرهی پل چرخی ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر ذکر شده. اگر این ارقام دوباره بازدید و بررسی شود تعداد کل بالاتر هم خواهد رفت.

برای جزئیات بیشتر لطفاً تلگرامهای ۴۰۰۸ NHK مورخه ۸ سپتامبر ۴۴۰۷ - NHK مورخه ۲۲ سپتامبر و ۴۰۵۶ - NHK مورخه ۲۷ سپتامبر ۱۹۷۹ بررسی شود.

۴- تعریف مستشاران نظامی روسی: این عبارت فقط در مورد آن دسته از پرسنل نظامی روسی به کار برده می‌شود که کار اصلی و اولیه آنها تقسیم نیروهای افغانی و توصیه‌های تکنیکی است. از آنجایی که تعداد مستشاران مأمور این کار بسیار زیاد می‌باشند، به نظر می‌رسد که در طول برخورد با نیروهای شورشی نقش عملی‌تر و فعالتری به عهده می‌گیرند.

به هر حال در چندین مورد فرماندهی مستقیم و مسئولیت ارتباطات کمی تداخل بین «مستشاران نظامی» و «نیروی نظامی» به وجود می‌آید. بعضی از این افسران روسی هنگامی که منطقه آنها آرام می‌شود، نقش مستشاری را به عهده می‌گیرند و گروهی همچنان در مقام فرماندهی ابقا می‌شوند. حداقل سه نفر از فرماندهان روسی در درجات ژنرالی هستند.

۵- تعداد مستشاران نظامی: ما حدس می‌زنیم حدود ۳۰۰۰ نفر عنوان مستشاری دارند. اما بنا به دلایل فوق‌الذکر چند صد نفر از این افراد احتمالاً به قسمت گروههای جنگی منتقل شده‌اند. متأسفانه ما اطلاعات کاملاً دقیقی از این تقسیم‌بندیها و انتقالات نداریم. فهمیدن نقش و کار گروههای بزرگی مثل آنهايي که در باگرام و پل چرخی مستقر هستند، خیلی راحت‌تر از مستشاران نظامی است که به طور انفرادی در واحدهای افغانی در سرتاسر مملکت کار می‌کنند.

۶- تعداد کل پرسنل نظامی روسی در افغانستان ۴۲۰۰ نفر نیروی جنگی و نظامی در حال حاضر کاملاً قابل تعیین و تشخیص است. این تعداد به اضافه حدود ۳۰۰۰ نفر که رل اصلی آنها به نظر می‌رسد که آموزش و مشاوره باشد، تعداد کل ۷۲۰۰ نفر پرسنل نظامی روسیه را در افغانستان تشکیل می‌دهند. اکثر آنها رانیروی جنگی تشکیل می‌دهند و در حال حاضر عکس‌العمل سریعی از طرف روسیه انتظار می‌رود.

همان طوری که در بالا گفته شد ارقام مادر بالا محافظه کارانه است و به همین جهت از موضوعاتی است که باید بررسی شود. مشخصات و اطلاعات در صورت تغییرات عمده در آمار و ارقام بالا به اطلاع خواهد رسید.

آمستوتز

سند شماره (۴۸)

از: سفارت آمریکا - کابل
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی. سی.

شماره سند: ۷۳۱۸

موضوع: مقام شوروی درباره موقعیت ترکی و اخراج
وزرای کابینه که مقامات نظامی بوده‌اند به اظهار نظر می‌پردازد

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- خلاصه: بنا به اظهار یک مقام شوروی، ترکی به تنهایی در قصر خلق زندانی است و دیگر اینکه ترکی به همراه سه وزیر برکنار شده (وطنجار، گلابزوی و مزدوریار) از حزب اخراج شده‌اند. پایان خلاصه.

۳- در فرودگاه، امروز با ویلیور جی. اوزادچی، که در اتاق انتظار اشخاص مهم (امتیاز خاص) منتظر پرواز به مسکو بود برخورد نمودم (استفاده وی از اتاق انتظار اشخاص مهم در حالی که وی عازم شوروی برای گذراندن تعطیلات است، نمایانگر اهمیت اوزادچی و سفارت شوروی است، زیرا سفرها تنها زمانی قادر به استفاده از این بخش هستند که یا برای اولین بار وارد می‌شوند و یا برای همیشه آنجا را ترک می‌کنند.)

۴- اوزادچی یکی از صمیمی‌ترین و صریح‌ترین مقامات شوروی بوده است و من از موقعیت استفاده کرده از او چند سؤال کردم. فکر می‌کنم که جوابهایش قابل ضبط باشد.

- ترکی «به تنهایی» در قصر خلق زندانی شده است (پرزیدنت حفیظ‌الله امین نیز در همین محل زندگی می‌کند)؛ فکر می‌کنم که منظور این باشد که خانواده‌اش از وی جداست. او زنده است و توسط هیچ‌گونه سلاحی به وی آسیبی وارد نشده است. درباره این شایعه که ترکی احتمالاً برای معالجات پزشکی به مسکو خواهد رفت، از اوزادچی پرسیدم، وی گفت: «حالا نه ولی بعداً این امکان وجود دارد».

در مورد وضع جسمانی ترکی با صراحت به من جواب نداد.

- وزرای پیشین وطنجار، گلابزوی و مزدویار سالم هستند، ولی درباره موقعیت مکانی آنها اوزادچی اطلاعاتی در اختیار من قرار نداد. وی گفت که بنا به شایعات آنها به یکی از کشورهای همسایه گریخته‌اند. وقتی از او پرسیدم که شاید منظورش شوروی است، با خنده گفت: «نه این طور نیست. فرار آنها به شوروی نمی‌تواند برای ما موضوعی محرمانه باشد. مگر نه این است که ما اعلام کرده‌ایم که ببرک کارمل در پراگ به سر می‌برد.»

- وقتی که درباره اخراج ترکی و سه وزیر پیشین از حزب از اوزادچی سؤال کردم، وی گفت، که «این موضوع کاملاً صحت دارد.»

- اوزادچی گفت که وی به منظور امور مشورتی ابتدا به مسکو می رود و پس از آن یک ماه را در کریمیا به عنوان تعطیلات خواهد گذراند. وی گفت که دیگر خسته شده است و موقعیت سیاسی محلی اشکالاتی را در کار وی ایجاد کرده است. در حین جدا شدن به آرامی گفت: «هیچ کس نمی داند فردا چه اتفاقی خواهد افتاد.»

سند شماره (۴۹)

تاریخ: ۱۶ اکتبر ۷۹

از: سفارت آمریکا - جده

به: وزارت امور خارجه - واشنگتن - دی. سی.

شماره سند: ۷۵۴۸

۱- تمام متن خیلی محرمانه

۲- در طول ملاقات روز ۲۳ اکتبر با مسئول امور وزارت خارجه عربستان سعودی اسماعیل الشوری مأمور سیاسی مدرکی غیر رسمی از شرح تلگرامی از نقطه نظرهای آمریکا درباره موقعیت داخلی در افغانستان و جریان موقعیت ارتباطات روس - افغانستان تحویل داد. الشوری از آمریکا برای این اطلاعات تشکر کرد. او نگرانی دولت عربستان سعودی را از تحولات در افغانستان تکرار کرد و گفت دولتش از بحثی که با آمریکا روی این مسئله داشته سود برده است.

۳- در مورد تفاسیر دولت عربستان سعودی درباره موقعیت افغانستان سؤال شد، الشوری کوششهای گذشته عربستان سعودی را در ایجاد نوعی وحدت بین دو گروه مقاوم که توسط سبقت الله مجددی و سید احمد گیلانی رهبری می شدند، را مرور کرد. او گفت دولت عربستان سعودی در آغاز از کمک مالی به هر دو این گروهها به امید اینکه آنها می توانستند نسبت به آن به طرف نوعی ترتیب مشترک رانده شوند خودداری کرده بود. اخیراً به هر حال دولت عربستان سعودی نظرش را تغییر داد. گرچه الشوری با دقت کامل سعی داشت تا کمک عربستان سعودی را «خیلی معتدل» وصف کند، ولی گفت دولت عربستان سعودی تصمیم گرفته از تلاشهای مقاومانه علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان حمایت نماید. حتی اگر گیلانی و مجددی و دیگران نتوانند این شرایط را قبول نمایند (گرچه او نقشی نداشت، شاید دولت عربستان سعودی خودش سعی و کوشش را ننگه دارد). الشوری گفت هدف دولت عربستان سعودی این بوده که اوضاع را مشوش نگه دارد و از اینکه رژیم ضعیف شده خلقی تعادل خود را بازیابد جلوگیری نماید. پلاکه

سند شماره (۵۰)

سری

تاریخ: ۱۰ اکتبر ۷۹

از: هیئت نمایندگی ایالات متحده در ناتو

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی فوری

موضوع: (سری) مقاصد شوروی در افغانستان

۱- (کل مطلب سری است).

۲- در خلال ملاقات کمیته سیاسی در نهم اکتبر، نماینده کانادا نکاتی را که شامل پاراگراف پنجم تلگراف مرجع ب می شود بیان کرد (برای اتاوا دوباره فرستاده می شود) و در آن تمایل کنونی کانادا نسبت

به مورد توجه قرار دادن بی‌ثباتی افغانستان و اثر این بی‌ثباتی روی پاکستان که احتمالاً اثرش بیشتر است تا تحریک شدن شوروی به دخالت مستقیم نظامی در افغانستان، بیان شد. ما قبلاً نقطه نظرهایی برای نماینده کانادا تهیه کرده بودیم که به وسیله تلگرام مرجع الف فرستاده شد و آنها را در جواب مداخلات (پادرمیانی) کانادا در مشورت‌های سیاسی تکرار کردیم. در هر دو مورد نماینده کانادا، علاقه کانادا را برای دریافت اطلاعات بیشتر تأیید کرد. مخصوصاً در رابطه با فعالیتهای نظامی شوروی در شمال مرز افغانستان و شوروی که امکان دارد در ارزیابی و تشخیص مجدد موضع کانادا در قبال نزدیک شدن احتمالی به شوروی به کار آید و ما اشاره کردیم که درخواست کرده‌ایم که واشنگتن ما را در این مورد از آخرین وقایع مطلع گرداند (تلگرام مرجع ج).

۳- نماینده هلند در کمیته، در مورد مذاکرات اخیر بین سفیر هلند در اسلام آباد و نماینده محلی تاس، گزارش داد که نماینده محلی تاس شکایت کرده که امین هم مانند ترکی که قبلاً دست‌اندرکار حکومت بود آماده قبول نصایح (مشورت) نیست و اصلاحات را در شکل نپخته و شتاب‌آلودی اعمال می‌کند که باعث تشدید شکافها در بین جامعه قبایل افغان می‌شود. سفیر و نماینده هلند اضافه کرد که برداشتش از این نقطه نظرها این است که این احتمالاً نشانگر کنار کشیدن شوروی در حمایت از امین می‌باشد. گیلتمن

سند شماره (۵۱)

از: سفارت آمریکا - در مسکو
تاریخ: ۱۱ اکتبر ۷۹
به: وزارت امور خارجه - واشنگتن دی.سی
طبقه‌بندی: (خیلی محرمانه) (استفاده محدود اداری مسکو ۲۳۶۲۷)
شماره سند: ۳۶۲۷

موضوع: رسانه‌های شوروی مرگ ترکی را گزارش می‌نمایند

- ۱- مطبوعات شوروی در تاریخ ۱۰ و ۱۱ اکتبر در گزارش یک سطری به نقل از آژانس خبری افغانستان، مرگ ترکی را گزارش کرد.
- برنامه خبری ورمیا که یک برنامه خبری تلویزیونی شامگاهی است، نیز با لحن خشکی در تاریخ ۱۰ اکتبر آن را گزارش نمود. از تاریخ ۱۶ سپتامبر زمانی که ترکی به علت وضع جسمانی از سمت خود استعفا کرده بود، مطبوعات شوروی برای اولین بار از وی سخن به میان آورده بودند.
- ۲- اظهار نظر: از ۱۶ سپتامبر به این سو، مطبوعات شوروی درباره افغانستان به طور کامل و درباره امین بالاخص کمتر به گزارش می‌پردازند. این گونه برخورد می‌تواند نمایانگر عدم اطمینان شوروی نسبت به وقایع افغانستان و موضع امین پس از کودتا علیه ترکی باشد.

سند شماره (۵۲)

از: سفارت آمریکا - اسلام آباد
تاریخ: ۱۴ اکتبر ۷۹
به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی.سی با حق تقدم
موضوع: مفتی محمود علاقه‌مند به کمک مجدد به پناهندگان و تبعیدی‌های افغانی می‌باشد

- ۱- تمام مطلب محرمانه است.
- ۲- در ملاقات با مأموران سفارت در تاریخ هفتم اکتبر، مولانا مفتی محمود رئیس اتحاد ملی پاکستان

مسئله همکاریهای مادی و مالی را برای انقلابیون افغانستان مطرح کرد. وی درباره کمکهای آمریکا برای آنها تبلیغ کرد و کارمند سفارت تشریح کرد که سیاست ایالات متحده دخالت نکردن در موقعیت افغانستان است.

۳- سپس مفتی محمود شروع کرد به شکایت در مورد کمک مالی کشورهای عربی و خصوصاً کشورهای منطقه خلیج فارس به انقلابیون اما فقط به گروههای معین. وی خصوصاً گفت که کشورهای خلیج کمکهای خود را برای پروفیسور برهان‌الدین ربانی رئیس جماعت اسلامی افغانستان می‌فرستند که رابطه نزدیکی با جماعت اسلامی پاکستان که دشمن او هستند دارد.

مفتی پرسید که چرا عربها ثروت خود را بین یک گروه وسیعتری از انقلابیون پخش نمی‌کنند. مفتی همچنین پرسید که ایالات متحده چه نوع کمکی در زمینه حقوق بشر می‌تواند بکند. کارمند سفارت تشریح کرد که بخش حقوق بشر سازمان ملل از پاکستان بازدید خواهد داشت و پیش‌بینی می‌شود که یک برنامه کمک‌رسانی بین‌المللی به زودی در پاکستان اجرا خواهد شد.

مشاور سفارت همچنین گفت که احتمال دارد ایالات متحده به طور مؤثر در این برنامه شرکت داشته باشد. مفتی خاطر نشان کرد که می‌تواند درک کند که ایالات متحده به خاطر دلایل سیاسی جهانی نمی‌خواهد که به طور مستقیم در جریان، درگیر بشود و اینکه او از هرگونه کمکی که ایالات متحده بتواند برای کمک مؤثر به سازمان ملل در جهت کمک به پناهندگان انجام دهد قدردانی می‌کند. او اظهار امیدواری کرد که کوشش ایالات متحده شامل تخلیه پناهندگان بدون توجه به هر ارتباطی که با سازمانهای ناراضی داشته باشند بشود.

کینگ

سند شماره (۵۳)

تاریخ: ۱۱ اکتبر ۷۹

از: سفارت آمریکا کابل

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی

شماره سند: ۷۵۵۷

۱- (بدون طبقه‌بندی) در یازده اکتبر آژانس رسمی خبرگزاری افغانستان اظهار داشته که قسمت کمک آمریکا ۷۵ درصد از هزینه پروژه توسعه سازمان روستایی در استانهای ننگرهار، نیمروز و غزنی را بازپرداخت کرده است (مبلغ بازپرداختی ۱۰۱۲۳۶ دلار می‌باشد).

۲- (بدون طبقه‌بندی) در ۱۵ اکتبر وسایل ارتباط جمعی تحت کنترل دولت افغانستان در سطح وسیعی این مطلب که سازمان کمک دهی آمریکا ۲۵۲۰۷ دلار برای پروژه توسعه سازمان روستایی در سوختا بخشی در ده سبزوالسولی در استان کابل بخشیده یا کمک کرده است را پخش کرد. آژانس خبری باختر متذکر شد که پرداخت در رابطه با موافقت قبلی بوده است، ولی فسخ اخیر کمک اقتصادی به افغانستان توسط کنگره آمریکا را ذکر نکرد. روزنامه باختر در انتها گفته است که کمک مالی آمریکا با اظهار تشکر پذیرفته شده است.

۳- نظریه (خیلی محرمانه) از زمان انقلاب ۱۹۷۸ تا به حال حزب خلقیها عموماً تبلیغ چندانی در مورد کمکهای اقتصادی آمریکا انجام نمی‌داده است. تصور ما این بود که این امر استراتژی حزب خلقیهاست که

بدین وسیله محبوبیت آمریکایی در میان مردم افغانستان کاهش داده شود.
۴- (خیلی محرمانه) این تبلیغات لطف‌آمیز اخیر شاید برای این باشد که باعث شود تا این تاثیر که دولت جدید حفیظ‌الله امین از جانب دولت آمریکا پشتیبانی و حمایت می‌شود، بر ذهن مردم افغانستان گذاشته شود. این مطالعه شاید به این مربوط باشد که مقامات رسمی حزب خلقی به کارمندان سفارت دربارهٔ امیدهای جمهوری دموکراتیک افغانستان برای اعادهٔ کمک اقتصادی آمریکا نسبت به این کشور اظهاراتی داشته‌اند.

سند شماره (۵۴)

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی
به: سفارت آمریکا تهران

تاریخ: ۱۹ اکتبر ۱۹۷۹

طبقه‌بندی: سری

موضوع: گفتگو در مورد افغانستان

- ۱- تمام متن سری است.
- ۲- INR نکات زیر را درباره روابط شوروی - افغانستان و درگیری شوروی در افغانستان تهیه نموده است که گیرندگان (تلکس) می‌توانند بنا به صلاحدید خودشان در گفتگوهای مداوم با دول میزبان در مورد مقاصد شوروی در افغانستان مطالبی را استخراج نمایند. این نکات مکمل اطلاعاتی است که قبلاً در پیام ۸۳۷۴۰ بتاريخ ۱۹ آوریل ۱۹۷۹ تهیه شده است.
- ۳- در خلال شش ماه قبل از به دست‌گیری قدرت توسط امین در ۱۴-۱۶ سپتامبر، مسکو یک سری از تاکتیکهای سیاسی را برای مقابله با وضعیت رو به وخامت افغانستان به خدمت گرفت:
الف: در ابتدا مسکو تلاش کرد تا رژیم ترکی - امین را ترغیب نماید تا پایگاه حمایتی خود را وسیعتر سازد و سیاستهایش را معتدلتر نماید. این توصیه به میزان زیادی مورد توجه واقع نشد.
ب: پس از آن برای مدتی مسکو خودش را تا حدودی از امین و ترکی به عنوان دو فرد، دور کرد در حالی که به طور آشکار به حمایت از انقلاب افغانستان ادامه داد.
ج: در هر صورت به نظر می‌آید که مسکو نهایتاً به این نتیجه رسیده باشد (حدود اوت) که هیچ‌گونه راه‌حل مناسبی در مقابل رژیم ترکی - امین وجود ندارد (هر چند این شایعه وجود داشته است که مسکو در نظر داشته تا از ترکی که میانه‌روتر است، در مقابل امین حمایت نماید).
با این وجود زمانی که ترکی در سر راهش از کنفرانس غیر متعهد در هاوانا به افغانستان در اوایل سپتامبر از مسکو می‌گذشت، ملاقاتش با برژنف بامفهوم حزب با حزب آنچنان مورد تبلیغات پرحرارت قرار گرفت که بیش از همیشه حزب دموکراتیک خلق افغانستان را به عنوان یک حزب کمونیست شناساند.
- ۴- در طی همان دوره شش ماهه، تلاشهای سیاسی روسیه، وسیله حرکت‌های نظامی تکمیل شدند: از جمله پرسنل پشتیبانی نظامی و مستشاران که برخی از آنان در سطح گردان در ارتش افغانستان قرار داده شده‌اند.
- مستشاران شوروی به طور فزاینده کارهایی را به دست گرفته‌اند که به صورت آشکار از وظایف

مستشاری تجاوز می‌کند، برای مثال در فعالیتهای فرماندهی و همچنین به طوری که گزارش شده در برخی فعالیتهای رزمی. به هر حال ما هیچ گونه نشانه قابل اطمینانی در این مورد که نیروهای شوروی به صورت واحدهای رزمی در جنگ علیه شورشیان شرکت کرده باشند نداریم.

- نگرانی شوروی از بابت وضعیت امنیتی افغانستان در مواجهه با شورشیان و طغیان در ارتش، روسها را مجبور به قبول برخی مسئولیتهای امنیتی مستقیم نمود، مثل پایگاه هوایی باگرام که یک نیروی ۴۰۰ نفره شوروی در آنجا وجود دارد.

۵- به دست گیری قدرت در ۱۴-۱۶ سپتامبر توسط امین با وجود تمام نشانه‌ها، بدون اخطار قبلی به مسکو صورت پذیرفت، اما جزئیات آنچه که رویداده مبهم باقی می‌ماند. پوزانف سفیر شوروی ظاهراً به همان گونه که حوادث آشکار می‌شدند در جریان قرار می‌گرفت.

- زمانی که رسانه‌های شوروی به تبلیغات در مورد رهبری ترکی ادامه دادند و آن هم هنگامی که او سرنگون شده بود، یک دوره کوتاه بلا تکلیفی در مسکو وجود داشت. پیام تریک اولیه مسکو به امین در زمان انتخابش به سمتهای ترکی بدون ایجاد تعهد بود، ولی از آن زمان به بعد رسانه‌های گروهی شوروی از رژیم جدید اعلام حمایت کرده‌اند.

- احتمال دارد که توصیه شوروی در اولین سخنرانی امین در ۱۷ سپتامبر انعکاس پیدا کرده باشد.

سند شماره (۵۵)

تاریخ: ۲۵ اکتبر ۷۹

از: سفارت آمریکا در آنکارا

به: وزارت امور خارجه واشنگتن دی سی.

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

شماره سند: ۷۹۶۶

موضوع: (محرمانه) اطلاعات ترکیه در مورد مسئله افغانستان

۱- (تمام متن خیلی محرمانه)

۲- این یک پیام برای اقدام است، پاراگراف نهم را ملاحظه کنید.

۳- خلاصه: طی مذاکراتی که در مورد مسایل افغانستان صورت گرفت، یکی از مأموران وزارت خارجه به ما گفت که ترکها با تشخیصی که آمریکا از اختلاف بین امین و روسها داشته موافق است. به عقیده ترکها سه تن وزیری که از دست امین فرار کرده‌اند، ممکن است که در سفارت شوروی مخفی شده باشند. چون در ضیافتی که در قصر ارگ برگزار شده بود سفیر روسیه، پوزانف هم به دعوت امین حضور داشت و در این ضیافت تیراندازی صورت گرفت و اعتمادی نخست وزیر سابق کشته شد. ترکها نسبت به خبری که راجع به نصب تویهای زمین به هوا به دستور امین در ایستگاه هوایی باگرام شنیده بودند کنجکاو و علاقه‌مند بودند. همچنین آنها اخباری راجع به ژنرال یاکوب، رئیس ستاد ارتش و آجودان سابق ترکی، به این مضمون دریافت کرده بودند که احتمال دارد که او با یک تصفیه مواجه بشود و نیز پنجشیری - وزیر امور داخلی - افغانستان را به قصد مسکو به دلایل پزشکی ترک کرده است. پایان خلاصه.

۴- اختلاف مابین امین و روسها: مأمور سفارت در تاریخ بیست و چهارم اکتبر به منظور بحث (آنچه در مرجع الف آمده است) با رئیس بخش خاور میانه و شمال آفریقای وزارت خارجه دیداری انجام داد. در

این دیدار کارائوس مانوگلو اظهار داشت، که ترکها با تشخیص آمریکا در مورد تیرگی روابط بین امین و روسها هم عقیده هستند. بر طبق اظهارات کارائوس مانوگلو، امین در سخنرانی در دهم اکتبر که پیش از ملاقات او با کمیته قانون اساسی جدید صورت گرفت، او از اصطلاحات مارکسیستی همچون «دیکتاتوری پرولتاریا» و مالکیت دولتی ابزار تولید استفاده کرد، همان گونه که در مشخص ترین اعلامیه‌های عموماً تا این تاریخ این اصطلاحات را از مسایلی که مورد قبول حزب کمونیست خلق است به شمار آورده است. به گمان کارائوس چنین بیاناتی در این زمان سبب خشم روسها خواهد شد، زیرا آنها مایلند تا آنجا که امکان دارد امین به خاطر استحکام پایه‌های حکومتش و جلب حمایت، جانب اعتدال را رعایت کند. ترکها حادثه دیگری را هم دلیل بر تیرگی روابط مابین امین و روسها دانستند که به این قرار است: پوزانف سفیر شوروی، «شاید نقش کنسول رومی را بازی می‌کند.» معاون خود را به جای خود برای شرکت در جلسه تبادل نظر اخیر شبلی (احتمالاً شاه ولی - مترجم)، وزیر خارجه، که در آن سفیران کشورهای سوسیالیستی شرکت داشتند فرستاده است.

۵- پناهگاه: در همان جلسه، بنا به گزارش شبلی، اعلام داشت که افسران افغانی ورود و طنجار و دو وزیر دیگر را که در تاریخ ۱۳ سپتامبر شامل تصفیه شده بودند، در همان روز به سفارت شوروی مشاهده کرده‌اند.

به عقیده کارائوس مانوگلو امکان دارد که سه وزیر هنوز در داخل سفارت باشند، به هر حال او مطمئن بود که آنها نمرده‌اند، امین اخیراً خطاب به روزنامه‌نگاران خارجی گفته بود که او محل اختفای وطنجار و دیگران را می‌داند، ولی به وسیله تلفن نمی‌توان با آنها تماس گرفت.

۶- پوزانف: ترکها می‌دانند که زمانی که در قصر ارگ تیراندازی انجام گرفت سفیر شوروی، پوزانف، در آنجا حضور داشت. آنها حوادث را چنین بازبینی کرده‌اند: ترکی، امین را به قصر می‌خواند، امین، که جریان سال قبل را که طی آن یک وزیر متهم به قصر دعوت شده و سپس در آنجا اعدام شد را بیاد دارد، از پوزانف می‌خواهد که او هم در آن مهمانی حضور یابد، به این امید که او بتواند به نحوی زندگی او را بیمه کند. ترکها نمی‌دانند که چه کسی اول تیراندازی را شروع کرد و چه کسی پوزانف را دعوت کرد، اما عقیده دارند که ممکن است امین نقشه سوء قصد به ترکی را لاقلاً در آن لحظه نداشته است.

۷- اعتمادی: اکنون ترکها معتقدند که نورمحمد اعتمادی (مأخذ الف و ب و ج) نخست وزیر سابق اعدام شده است. بنا بر گزارش، اسدالله امین، رئیس سازمان اطلاعات افغانستان به چند تن از دوستانش گفته است که اعتمادی به دستور ترکی کشته شده است، شواهد ضمنی که به نظر ترکها موید این مسئله است این است که: از زمان زندانی شدن اعتمادی که روز بعد از انقلاب ترکی بود، خانواده او که حق دیدارش را نداشتند، اجازه یافتند که برای او غذای تازه و لباس به زندان ببرند و همچنین با او نامه رد و بدل کنند، البته بدون دیدن او. حدود دو ماه قبل این اختیارات ملغی شد و ده روز قبل حتی رد و بدل کردن نامه هم ممنوع شد.

۸- توپهای زمین به هوا: ترکها گزارشات دریافت داشته‌اند که بر مبنای این گزارشات امین دستور به نصب توپهای زمین به هوا در ایستگاه هوایی باگرام داده است. به نظر آنها این مسئله در صورت صحت می‌تواند پیشرفت مهمی باشد و تنها هدفهای قابل پیش‌بینی برای چنین سلاحهایی می‌تواند هواپیماهای خود افغانها باشد. اگر امین در واقع این سلاحها را برای دفاع در مقابل مخالفت نیروی هوایی خودش

مستقر کرده باشد، این مسئله می‌تواند شاهد جدیدی بر کمبود قابل مشاهده حمایت نظامی از امین باشد. کارائوس مانوگلو از ما تقاضا کرد تا اخباری را که راجع به نصب سلاح‌های زمین به هوا در باگرام می‌باشد، مورد ملاحظه قرار دهیم.

۹- تصفیه‌ها: ترک‌ها شنیده‌اند که ژنرال یاکوب رئیس ستاد ارتش افغانستان و آجودان سابق ترکی هم تصفیه خواهد شد، آنها همچنین مطلع شده‌اند که وزیر امور عام‌المنفعه (داخلی - مترجم) «پنجشیری» (مأخذ هپاراگراف پنجم) که یکی از آخرین وزرای دولت امین است، تنها پنج روز پس از به قدرت رسیدن به دلایل پزشکی به مسکو رفته است.

۱۰- اقدامات خواسته شده: ما از هرگونه تایید و یا تفسیری که سازمان و یا کابل بتواند در مورد گزارشات ترکیه به ما عرضه کند، سپاسگزاریم، به خصوص اگر این گزارشات راجع به استقرار سلاح‌ها در ایستگاه باگرام باشد، ما از این تأییدات و تفسیرات در مذاکراتمان با ترک‌ها استفاده می‌کنیم.

اسپیرز

سند شماره (۵۶)

تاریخ: ۲۵ اکتبر ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا در کابل

به: وزارت امور خارجه در واشنگتن

طبقه‌بندی: خیلی محرمانه

مرجع: کابل ۶۳۰۹

موضوع: (خیلی محرمانه) سفیر جدیدی از آلمان شرقی جانشین سفیری می‌شود که در کوشش‌های تابستان گذشته برای گسترش پایگاه سیاسی رژیم نقش عمده‌ای داشت

۱- (خیلی محرمانه) خلاصه - سفیر جدیدی از آلمان شرقی به مقامات کابل معرفی شده است که جانشین هرمن شوسیائو، که در تلاش‌های تابستان گذشته برای «گسترش پایگاه سیاسی» رژیم حزب خلق نقش عمده‌ای داشت، بشود. مسئله اینکه آیا واقعاً آتشی پشت آن دود سیاسی بود یا نه هنوز مبهم باقی مانده است، اما مقداری شک و تردید وجود دارد که آیا حفیظ‌الله امین نخست وزیر وقت که هدف اصلی این سری جریانات، که شوسیائو عامل اصلی آن بود، از موضوع باخبر بوده است یا خیر. درست در زمانی که قطعی شد که قدرت امین قابل محدود شدن نیست، شوسیائو به طور ناگهانی کابل را ترک کرد. اما شواهد قطعی راجع به شواهد و عوامل خروج و جانشینی وی هنوز کاملاً روشن نیست. به هر حال، حداقل در کوتاه مدت این طور به نظر می‌رسد که روسها راه دیگری جز پشتیبانی از اقدامات و کوشش‌های امین برای تحکیم انقلاب، ندارند.

۲- (خیلی محرمانه) در شب ۲۴ اکتبر، جمهوری دمکراتیک افغانستان اعلام کرد که با انتصاب «کرافت بامبل» (منابع وزارت امور خارجه افغانستان تأیید کردند که اسم وی از نظر املائی درست نوشته شده است) به عنوان سفیر جدید جمهوری دمکراتیک آلمان در کابل موافقت کرده‌اند. در این گزارش کوتاه جزئیات بیشتری گفته نشده است.

۳- (خیلی محرمانه) نظریه: بامبل به جای هرمن شوسیائو سفیر سابق جمهوری دمکراتیک آلمان که مهره اصلی در تلاش‌های تابستان گذشته روسیه برای تشویق جمهوری دمکراتیک افغانستان به گسترش

پشتیبانی برای پایگاه سیاسی بود. خواهد آمد.

شوسیائو، همراه با واسیلی سافرونچک و همکاران دیپلماتش در آن زمان رک و راست در مورد مشکلات داخلی خلقیها و مخصوصاً نیاز مبرم جمهوری دمکراتیک افغانستان به توسعه پشتیبانی در کشور، صحبت می کرده است. بعضی از گزارشهای تایید نشده حاکی از آن است که او جزء لاینفکی از تلاشهای منصوب به شوروی در جهت محدود کردن قدرت حفیظ الله امین بوده است، زیرا وی شخصی تبهکار و گرداننده سیاستهای خفقان آور و افراطی جمهوری دمکراتیک افغانستان بود.

۴- باگذشت زمان، قدرت سیاسی امین، با وجود تلاشهای آشکار روسها برای بستن دست و پایش رو به افزایش گذاشت و امین چند بار در معرض عموم اشاره کرد که وی از مانورهای شوروی که توسط شوسیائو و سافرونچک در سطح شهر می شود آگاه می باشد. مدت کوتاهی پس از آنکه مشخص شد که قدرت امین در حال کاهش نیست، (شوسیائو به طور ناگهانی کابل را ترک کرد. احتمالاً به دلیل اینکه وی از شکستگی پارنچ می برد و احتیاج به ۶ ماه اقامت در آلمان جهت جوش خوردن پایش داشت، همکاران آلمان شرقی ما در اینجا هیچ اشاره ای در آن زمان و یا در خلال این مدت نکرده اند که آیا شوسیائو برای پست سفیری به کابل باز خواهد گشت یا خیر.

۵- (خیلی محرمانه) - مثل اکثر عوامل این جریان مبهم، دلایل انتصاب بامبل هنوز روشن نیست و خروج دائمی شوسیائو می تواند دلایل زیادی داشته باشد. بدیهی ترین دلیل اینکه، با توجه به مشکلات پزشکی، جمهوری دمکراتیک آلمان به جای اینکه برای بهبودی کامل شوسیائو صبر کند باید جای خالی وی را پر کند. دلیل دیگر اینکه شوسیائو در جهت هدفش مبنی بر گسترش پایگاه کارکرده بود و به کارهایش به عنوان «سخنگوی» روسها دیگر در کابل احتیاجی نبود. همچنین امکان دارد که امین که قرار بود که قدرت وی در میان مخالفان داخلی از طریق سیاسی محدود گردد به شوسیائو دستور خروج ناگهانی راداده است و این عمل احتمالاً به این خاطر صورت گرفته که نشان داده شود که امین در حقیقت رهبر افغانستان می باشد که حاضر نیست که قدرتش را واگذار کند، حتی اگر دوستان نزدیکش، یعنی خود روسها در پشت پرده مشغول تلاشهایی باشند تا چنین امری پیش بیاید. به هر حال ما معتقدیم که خروج ناگهانی و جایگزینی شوسیائو بیشتر انگیزه سیاسی داشته است تا انگیزه پزشکی علت این امر هر چه باشد، در نتیجه تیراندازهای مبهم ۱۴ سپتامبر، روسها در کوتاه مدت راه دیگری جز پشتیبانی از اقدامات امین جهت سرکوب شورشیان و تحکیم امنیت انقلاب ندارند. امضاء بلاد

خیلی محرمانه

سند شماره (۵۷)

۳۰ اکتبر ۱۹۷۹

از: سفارت آمریکا - کابل

به: سفارت آمریکا آنکارا با حق تقدم ۳۷۴۳

موضوع: اطلاعات یک شخص ترک در رابطه با اوضاع در افغانستان

۱- (تمامی متن خیلی محرمانه)

۲- طبق تقاضای سفارت آنکارا، در پاراگراف ۱۰ از مرجع، این سفارت مشاهدات زیر را درباره

نکات مورد بحث باقره عثمان اوغلو ارائه می دهد:

(الف) درگیرهای امین - شوروی: اگر چه در گذشته دلایلی وجود داشت که روسها دیگر راه حلهای

سیاسی را برای بی‌ثباتی اوضاع افغانستان بر ادامه رهبری غیر مردمی و ظالمانه حفیظ‌الله امین ترجیح می‌دادند، اکنون مسکو آشکارا، حداقل برای دوره کوتاهی، از وی حمایت می‌کند. ما با قره عثمان اوغلو موافق هستیم که روسها اکنون بدون شک و تردید امین را به پیروی از یک مشی معتدل در صورت امکان، به خاطر گسترش محبوبیت پایگاه خود، راهنمایی می‌کنند. ما همچنین از غیبت سفیر پوزانف از طریق گزارش فشرده غیر معمولی ارائه شده به وسیله وزیر خارجه شاه‌ولی در ششم اکتبر مطلع شده‌ایم که احتمال نشانه‌هایی می‌باشد که نقش شوروی را در ۱۴ سپتامبر می‌توان به عنوان ضدامین ملاحظه نمود. به هر حال در گفتگوی اخیر با یک دیپلمات از جنوب آسیا، وزیر مشاور روسی سافرونچک تلاش کرد تا نقش ۱۴ سپتامبر پوزانف را کاهش بدهد و آن را به عنوان کوششی برای نجات صلح میان دسته‌جات در حال جنگ حزب افغانستان توصیف نمود. در ۲۹ اکتبر پوزانف شدیداً از امین در برابر سفیر معرفی نشده بریتانیا هیلیر فرای تحسین نمود (ما باید اضافه کنیم که کارمندانی در این سفارت هستند که بر این عقیده می‌باشند که شیوه‌های گذشته گفتگو میان امین و روسها یک «بازی گل یا پوچ» بوده است و اینکه مرد قوی بر طاقت از هنگام شروع دوره خلقی عامل مسکو بوده است).

اشاره امین به «دیکتاتوری پرولتاریا» در سخنرانی دهم اکتبرش چیز تازه‌ای نیست. او و رئیس جمهور پیشین نورمحمد ترکی در گذشته گاه به گاه از این اصطلاح سود جستند. این عبارت وی که «... تمامی نواحی مهم تولیدی می‌بایستی جز و اموال عمومی در نظر گرفته شوند» در محتوی از مطمئن کردن امنیت اموال خصوصی ناشی می‌شود (قولی که مکرر از طرف رهبریت خلقی به «سرمایه‌داران ملی» افغانستان داده شده است)، در حالی که تهدیدی است برای محروم کردن دارندگان «کالاهای اجتماعی» از «قدرتی که کار و زحمت دیگران را از طریق مالکیت خصوصی تصاحب می‌کند». این فرمول همچنین یک عبارتی را که ما قبلاً شنیده‌ایم تکرار می‌کند.

(ب) پناهندگی: ما فکر نمی‌کنیم که سه وزیر نظامی تبعیدی هنوز در سفارت شوروی باشند؛ اگر واقعاً آنها آنجا بلافاصله خواستار حفاظت شده بودند. اتفاق نظر در این مورد این است که وطن‌جار که شاید به وسیله گلابزوی همراهی شده، در خانه‌اش در حومه پکتیا بوده باشد. سافرونچک اخیراً به دیپلمات آسیای جنوبی گفت که هر دوی آنها «هنوز آزاد هستند». به عقیده بسیاری از ناظران محلی آنها سعی دارند با نیروهای نظامی بی‌گناه در بخش جنوب شرقی افغانستان همکاری کنند.

همچنین این احتمال است که وطن‌جار و گلابزوی ممکن است در شوروی باشند، برای اینکه روسها فعالیتهای آنها را تحت کنترل قرار دهند، اگر چه یک کارمند عالی‌رتبه سفارت روس این موضوع را که در سوم اکتبر به آمستوتز سفارش نموده است، تکذیب نمود (کابل ۷۳۱۸). بسیاری معتقدند که مزدوربار مرده است، اما یک دیپلمات آسیای جنوبی اظهار می‌دارد که سافرونچک اخیراً به وی گفته است که مزدوربار در اطراف اقامتگاه خود در پایگاه تانک پل چرخی تحت بازداشت خانگی نگهداشته می‌شود. اگر این موضوع حقیقت داشته باشد، او احتمالاً از جانب امین تحت حفاظت روسها می‌باشد (روسها احتمالاً آن پایگاه را اکنون در کنترل دارند)، و بدون شک اگر او تحت کنترل خلقی قرار می‌گرفت بلافاصله (امین) او را به قتل می‌رساند. محرک روسها در چنین وضعیتی حفظ فشار بر امین خواهد بود که از وجود رهبران افغانی در تبعید (یعنی پرچمیستها) در ذخیره دان روسها در مردمانه اطلاع دارد.

(ج) پوزانف: با توجه به نکات خوب گزارش شده توسط شاه‌ولی که روز ۶ اکتبر خطاب به

سیاستمداران اروپای شرقی بوده، ما همچنین بر این اعتقادیم که پوزانف احتمالاً، اگر در خلال واقعه آنجا نبوده باشد، حداقل بلافاصله بعد از تیراندازی در قصر حضور داشته است.

ما هم فکر می‌کنیم منطقی این است که ترکی بنا به اقتضاء زمان هدف واقع شده باشد - و نفر دوم در نتیجه این عملیات از اول انقراض «رهبر بزرگ» را مورد نظر نداشته است.

ما از اعدام هیچ یک از «وزرای متمد» که در طی سال پیش در قصر صورت گرفت اطلاعی نداریم. به چه کسی قره عثمان اوغلو اشاره می‌کرده است؟ (وزیر دفاع پیشین عبدالقادر، که با حيله به قصر آورده شد... محلی که او دستگیر گردید گفته می‌شود که او هنوز در زندان پل چرخ زنده می‌باشد).

(د) اعتمادی: بعد از سبک و سنگین کردن تعدادی از گزارشات موثق، ما نیز متأسفانه به این نتیجه رسیده‌ایم که نخست وزیر پیشین نوراحمد اعتمادی در واقع اعدام گردیده است، اگر چه رژیم امین مکرراً کوشش کرده است که گناه آن را به گردن ترکی و رئیس پیشین ستاد کل افغانستان (AGSA) اسدالله بیندازد، اعدام احتمالاً بعد از روی کار آمدن ۱۴ سپتامبر امین صورت گرفته است. اخبار مداوم درباره طرح‌های شوروی برای استفاده از «اعتمادی» به عنوان یک جایگزین سیاسی برای امین ظاهراً سرنوشت پیرمرد را مختوم کرد.

(ه) موشک‌های سام در باگرام: پایگاه هوایی باگرام تحت کنترل روسیه است و بنابراین امین قادر نیست که هیچ سلاح مخصوصی را بدون موافقت و حمایت روسیه در آنجا نصب و انبار کند. افغانها ظاهراً برای مخالفت با برتری نیروی هوایی پاکستان، از زمان حکومت داودخان موشک‌های سام در اختیار داشتند. ضمناً هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که نیروی هوایی افغان، که در عمل تحت کنترل روسیه است، تا زمانی که روسها می‌خواهند او در مصدر قدرت باقی بماند تهدیدی برای امین به شمار بیاید.

(و) پاکسازیها: در حال حاضر به نظر نمی‌رسد که رئیس ستاد، یاکوب، در معرض هیچ درد سر سیاسی قرار داشته باشد. در واقع، او اخیراً به کمیته مرکزی حزب حاکم معرفی شده بود. وزیر کارهای عمومی پنج شیری، که اعتقاد بر این است زمانی تمایلات پرچمی داشته است، در واقع بعد از کودتای امین به منظور «معالجات پزشکی» به مقصد مسکو عزیمت نمود و از آن زمان نامش در وسائل ارتباط جمعی به چشم نمی‌خورد. او به خوبی می‌توانست قربانی بعدی پاکسازی باشد. در چنین شرایطی روسها توانستند احتمالاً به وی در «مخفیگاه» خود پیشنهاد پناهندگی بدهند.

۳- لطفاً درودهای همکاران قره عثمان اوغلو در سفارت آمریکا را که مشتاقانه او را از روزهای تصدیش به عنوان کاردار ترکیه در کابل به یاد می‌آورند ارسال نمایید. بلا

سند شماره (۵۸)

از: سفارت آمریکا در اسلام آباد: تاریخ: ۳۱ اکتبر ۱۹۷۹
به: وزارت امور خارجه در واشنگتن دی سی

شماره: ۲۴۲۵

موضوع: گفتگوهای سفیر با پیراچه در رابطه با مسائل مربوط به افغانستان

۱- تمامی متن محرمانه

۲- من روز سی و یک اکتبر با ریاض پیراچه که اکنون سه هفته است به عنوان دبیر اضافی در وزارت

امور خارجه انجام وظیفه می‌کند و سابقاً سفیر پاکستان در کابل بوده است گفتگو کرده‌ام. پیراچه کارهای وزارت امور خارجه را در غیاب آقاشاهی وزیر امور خارجه و شهنواز دبیر امور خارجه اداره می‌کند. قائم مقام ریزن سیاسی سفارت از همراهان من و رانا مدیر وزارت امور خارجه در امور آمریکا از همراهان پیراچه بود.

۳- با استناد به تلگرافهای مرجع الف و ب من توجه پیراچه را درباره نظر آمریکا نسبت به موضع جمهوری دمکراتیک افغانستان در مورد روابط با ایالات متحده آمریکا جلب کردم و آن گاه نکات اصلی که در ملاقات روز بیست و هفت اکتبر بین حفیظ‌الله امین رئیس جمهوری افغانستان و «بلاد» کاردار آمریکا مورد بحث قرار گرفته به اطلاع پیراچه رساندم. پیراچه به دقت گوش می‌کرد و یادداشت بر می‌داشت (مرجع د).

۴- وقتی که من صحبت را تمام کردم پیراچه نکات ذیل را مورد توجه قرار داد:
- جالب است که بلاد به جای اینکه با شاه‌ولی ملاقات کند با امین ملاقات کرده است و شاید این بدان معنی است که جمهوری دمکراتیک افغانستان بیش از آنچه از صحبتها استنباط می‌شود میل به مناسبات گرم با ایالات متحده دارد.

- امین ممکن است خود را بیش از اندازه نزدیک به شورویها احساس کند و می‌خواهد به مسکو و دیگران علامت بدهد که او تماماً پایبند نیست.

پس از نوزدهم سپتامبر شایعات متعددی در کابل درباره این میل به بهبود مناسبات جمهوری دمکراتیک افغانستان و ایالات متحده جریان داشت و به نظر حکومت پاکستان چنین می‌آید که شاید این تمایل از جانب شورویها به آنها القاء شده است.

- سه عامل منع کننده در روابط ایالات متحده و جمهوری دمکراتیک افغانستان (قتل دابز سفیر آمریکا، پر کردن سفارت آمریکا با کارمندان و اتکای فزاینده افغانستان به اتحاد جماهیر شوروی) ظاهراً در نتیجه گفتگو با بلاد تغییری نکرده است.

- امین با کاربرد شعار جدید «امنیت، عدالت و مشروعیت» چهره جدیدی را در محک آزمایش قرار می‌دهد. شاید این موضوع سازشکارانه نسبت به مناسبات با ایالات متحده و پاکستان جزئی از این چهره باشد.

۵- من از پیراچه درباره مناسبات پاکستان با جمهوری دمکراتیک افغانستان پرسیدم و او نکات زیر را به اطلاع رساند.

- امین و جمهوری دمکراتیک افغانستان درباره دیدارهای متقابل با شور و شوق صحبت می‌کنند، تا این مرحله سه فقره دیدار طرح ریزی شده، ولی تاریخ آن تعیین نشده است. آن سه فقره دیدار عبارتند از: دیدار آقاشاهی از کابل و دیدار شاه ولی از اسلام آباد و دیدار ضیاءالحق از کابل. آقا شاهی درباره تاریخ دیدارش پس از ایام عید (که روز اول نوامبر آغاز می‌شود) تصمیم خواهد گرفت و شاید برای سفر خود در اواسط نوامبر موافقت خواهد کرد. شاه‌ولی به دیدار متقابل خواهد پرداخت، ولی زمان آن هنوز در دست نیست سرانجام ضیاء در یک تاریخ بعدی دیدار خواهد کرد. دعوتنامه‌های رسمی از مشاور خارجی و رئیس جمهوری تسلیم شده است.

-- حکومت پاکستان انتظار ندارد که از این سری ملاقاتها نتیجه قابل ملاحظه به دست آید.

--الطاف شیخ سفیر جدید پاکستان در کابل قرار است روز ششم نوامبر به مأموریت جدید خود برود.
۶- من گمان می‌کنم که پیراچه دوست خوبی برای شهنواز خواهد بود و نقش فعالانه‌ای در کارهای وزارت امور خارجه خواهد داشت. او فراوان صحبت می‌کند و ظاهراً موضوع مورد علاقه او اکنون افغانستان است.
خواهیم دید که او درباره‌ی موضوعی که هنوز به مرحله تفحص نرسیده است چه عملکردی خواهد داشت. من او را از زمانی که ما هر دو در رانگون (پایتخت برمه) سفیر بودیم می‌شناسم و نظر مساعدی نسبت به او دارم.

بسمه تعالی

اسنادی که در این بخش ارائه می‌شوند تعداد معدودی از گزارشهای به جای مانده از قرارگاه سیا در تهران می‌باشد که به علت همجواری ایران با افغانستان توسط قرارگاه سیا در کابل دائماً در جریان وقایع عام آنجا قرار می‌گرفته و نسخه‌هایی از گزارشهای عملیاتی کابل را تا آنجا که به فعالیتهای قرارگاه تهران مربوط می‌شده دریافت می‌داشته است.

نکته قابل تذکر تفاوت این اسناد با سندهایی است که در قسمتهای دیگر کتاب مشاهده شده و این است که گزارشهای عملیاتی منحصراً برای استفاده عوامل سیا در تهران بوده و در قسمتهای سیاسی سفارتخانه گردش نداشته، دیگر آنکه کسب اطلاعات توسط سیا یک کار حرفه‌ای و کاملاً مخفی بوده و مانند فعالیتهای بخشهای سیاسی سفارتخانه با مانورهای دیپلماتیک آمیخته نیست و منابع، اطلاعات خود را درازای پول یا وعده‌های حمایت سیاسی فروخته‌اند. در گزارشهای خبری فقط توضیح کلی درباره منبع و موقعیت وی داده می‌شود و این گزارشها در اختیار مقامات ارشد سفارتخانه‌ها و تأسیسات نظامی آمریکا نیز قرار داده می‌شوند. در گزارشهای عملیاتی منابع با نام رمز اشاره شده‌اند و در صورتی که مورد لزوم یک واحد سیا باشد هویت او نیز به طور جداگانه صرفاً برای عوامل سیا در یک منطقه اعلام می‌شود. نام رمز منابع از دو حرف انگلیسی پیشوند و یک کلمه به علاوه یک شماره در انتها (که عموماً ۱ می‌باشد) تشکیل شده و دو حرف پیشوند نشان می‌دهد که منبع در ارتباط با چه کشوری فعالیت می‌کند. مثلاً در مورد ایران دو حرف پیشوند اس. دی (sd) و در مورد افغانستان جی‌ای (ge) می‌باشد مانند اس. دی. لور / ۱، جی. ای. کاربون / ۱. برای سهولت خواندن معمولاً در گزارشهای عملیاتی پس از آنکه نام رمز منبع به طور کامل برای بار اول ذکر می‌شود برای اختصار در یک پرانتز حرف اول کلمه همراه با شماره انتهایی آن آورده می‌شود. مثلاً اختصار جی. ای لیبیل / ۱ به صورت ل / ۱ در می‌آیند. علاوه بر این نامهای رمز شماره دار، نامهای رمز بدون شماره نیز هستند که برای معرفی موضوع گزارش یا یکی از موسسات و بخشهای سیا به کار می‌روند. آن دسته که به موضوع گزارش مربوط می‌شوند در ابتدای گزارش سطر سوم یا چهارم نوشته می‌شود و تا آنجا که در اسناد این بخش استفاده شده از این قرارند: کیو. آر. کابل: این عنوان نشان می‌دهد که گزارش به فعالیتهای عملیات مخفی سیا در ارتباط با سازمانها و تشکیلات مختلف کشورها و جریانات سیاسی مربوط می‌شود.

کیو. آر. میستیک: این عنوان نشان می‌دهد که گزارش به فعالیتهای تهیه متون اخبار جعلی، مقالات، اعلامیه‌ها و به طور کلی مکتوباتی که در ارتباط با جریانهای سیاسی است مربوط می‌شود. کیو. آر. میستیک نام رمز یکی از واحدهای سیا که این کارها را انجام می‌دهد نیز می‌باشند. ال. دبلیو. شل: این عنوان کلاً به عملیات مخفی در ارتباط با وسائل ارتباط جمعی جهانی مربوط می‌شود. جی. ای. لیبیل / ۱ که نام رمز یکی از منابع مطرح شده در اسناد است یک فرد افغانی است که ظاهراً در شرکت هواپیمایی آریانا کار می‌کرده و از طرف آن شرکت با سرپرستی عده‌ای دانشجوی همکارش جهت شرکت در دوره‌های آموزش شرکت هواپیماسازی داگلاس به آمریکا اعزام شده بود. از قرار معلوم او یک منبع جدید و تازه استخدام شده بوده است.

دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

سند شماره (۱)

سری

از: بخش خارجه / لوس آنجلس ۲۰۷۸۱ (به کفالت هگرآپ) تاریخ: ۹ شهریور ۱۳۵۸، ۳۱ اوت ۷۹ به: کابل، رئیس رونوشت برای فرانکفورت، آلمان، اسلام آباد، رم، تهران. - اعضاء

هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - حساس - اس. جی. سویرل - دبلیو او. مولد.

جی. ای. لیبیل - جی. ای. یلاستیک

عطف به: الف رئیس ۵۰۴۵۲۵ ب. اسلام آباد ۴۰۲۸۹

ج: کابل ۲۴۵۹۱ د: کابل ۲۴۵۸۰ ه: رم ۷۷۴۶۶

۱- دستیار رئیس پایگاه در عصر ۸ شهریور، ابامونته مأمور پایگاه را به جی. ای. لیبیل / ۱ (ل/۱) معرفی کرد. در این ملاقات که بیش از یک ساعت طول کشید، پایگاه خبرهای ذیل را در جواب به تلگرامهای مرجع یا در رابطه با آنها به دست آورد. همچنین داستان قتل سفیر دابز نیز که بر روی نوار کاست ضبط شده و... خیلی کمی با پاراگراف ۱- ه و ۱- و تلگرام واشنگتن ۴۹۹۳۸۶ دارد (برای تمام مخاطبین ارسال نشده) اخذ گردید. به خلاصه ذیل توجه کنید. تصویر رئیس پلیس فعلی کابل به نام لال محمد و یک افسر ارتش به نام سرگرد قدری که به عنوان طرفدار عبدالولی وصف شده نیز گرفته شده، نوار کاست و تصویر به ستاد ارسال خواهد شد.

۲- خلاصه‌ای از (ماجرای) ترور سفیر دابز، رئیس پلیس کابل که یک سرهنگ نیروی هوایی است همراه با دو تن از دستیارانش (نامشان در نوار ذکر شده) به منزل ل/۱ دعوت شده بودند. لال محمد پس از مدت کوتاهی عزیمت نمود و دو زیر دست خود را که با حالت مستی به سمت... رفتند ترک کرد. این دو فرد منبع داستان ل/۱ هستند. آنها مأمور شلیک ۲۰ ثانیه‌ای مسلسل به سمت یکی از اتاقهای هتل بودند که در آن سفیر دابز پیش از آنکه لال محمد و تعدادی افسر دیگر پلیس به آن اتاق هجوم آورند، نگهداری می‌شد.

این دو مرد از فراز سقف بانکی که در آن طرف خیابان بود به سوی اتاق آتش گشودند و به محض آنکه شلیک را قطع کردند جمع همراه لال محمد در را با زور باز نمودند. به گفته این دو مرد، سفیر دابز در یک صندلی خون‌آلود نشسته بود و هنگامی که گروه لال محمد وارد اتاق شد وی تقریباً مرده بود یا در حال جان دادن بود. ل/۱ معتقد است که لال محمد شخصاً سفیر را کشت، اما نمی‌تواند دلیل یا شاهی برای این عقیده بیاورد. این خبری که دو افسر پلیس مست داده‌اند، نظریات ل/۱ را تأیید نمی‌کند. ل/۱ می‌گوید که لال محمد خودش به او گفت که بیش از ۲۰۰ افغان کشته است، ل/۱ از لال محمد متنفر است و فکر می‌کند که وی یک قصاب است و دست به هر کاری می‌زند.

۳- ل/۱ اظهار داشت که درگیری اخیر در قندهار توسط قدوس خان و یک سرگرد نیروی زمینی افغانستان به نام عصمت و یک ملا به نام عبدالنفعی سازمان داده شده و رهبری می‌شود. قدوس که مقام ریاست دارد یکی از پسرهایش به دست دولت فعلی کشته شده و یک پسر دیگرش در زندان به سر می‌برد و امکان دارد که او نیز مرده باشد. قدوس عضو پیشین سنای افغانستان بوده است، به گفته ل/۱، این گروه از ولی حمایت می‌کنند.

۴- سردار ولی توانسته ویزای پاکستانی بگیرد. این خبر مستقیماً از سردار ولی طی مکالمه تلفنی که در ۷ شهریور با ل/۱ داشته، به دست آمده است.

۵- رفقای دانشجوی گروه ل ۱/ درباره شایعاتی بحث می‌کنند مبنی بر اینکه شورویها با پادشاه در رم مذاکره کرده‌اند، ولی اینها فقط جنبه شایعه دارند. درباره آزادی نورا حمد اعتمادی نیز همین جریان صدق دارد، شایع است که برای مذاکره وی را به مسکو برده‌اند. ل ۱/ فکر می‌کند که اگر اعتمادی آزادی شده بود یک نفر او را می‌دید و چنین چیزی را خبر می‌داد.

۶- ل ۱/ در نظر دارد که مدتی در طی اواخر شهریور را پس از اتمام دوره آموزش داگلاس و فصل شلوغ حج به تعطیلات برود. او با آموزش در واشنگتن طی این مدت موافق است و درباره جزئیات آن با قرارگاه کابل گفتگو خواهد کرد.

۷- ل ۱/ مایل است نسخه‌هایی از نوار کاستی که در فرانکفورت به او داده شده بود تا بین آشنایان افغانی خود توزیع کند داشته باشد. نوارهایی که وی قبلاً توزیع کرده بود حاوی پیامی از شیخ محسن قندهاری بود که معروف است به اینکه یک... افغان و مرد شماره سه تابع آیت‌الله خمینی در قم است. ل ۱/ با قندهاری ملاقات نکرده اما تحت... سرباز برای وی پول ارسال داشته است. ل ۱/ گفت که خمینی با دادن قول تهیه پول و پناهگاه فعالانه از کوششهای قندهاری در افغانستان پشتیبانی می‌کند، او همچنین موافقت کرد که برای افغانهای داوطلب، آموزش نظامی را تدارک ببیند و آنها را به افغانستان مراجعت دهد.

۸- ل ۱/ تقاضا دارد و امیدوار است که واشنگتن هر مقدار کمک مالی بین ۵۰ تا ۱۰۰۰ دلار برای قندهاری که اغلب در قم اقامت دارد، بفرستد، این پول باید به بانک ملی ایران شعبه شهر، شماره حساب ۹ (۰۰۰) ۷۰ ارسال شود. حساب به نام حرکت اسلامی افغانستان می‌باشد. ل ۱/ می‌افزاید که قندهاری ۱۰۰٪ امانت‌دار است و این پول صرف تهیه دارو و تدارکات انسانی برای مردمی که در ناحیه اصلی هستند، خواهد شد. این پول باید به نام سرباز اعانه گردد و قبض آن به ل ۱/ بازگردانده شود. ل ۱/ گفت که خودش حدود ۵۰۰ دلار از پولش را صرف این راه کرده بود.

۹- ل ۱/ مایل است دیدار کوتاهی با دکتر بشیر یکی از یاران ولی و بنیانگذار جبهه آزادیبخش افغانستان داشته باشد. نشانی بشیر صندوق پستی (...) ۸ نوروود، نیوجرسی ۰۷۶۴۸ است، ولی پیشنهاد کرد که این دو با هم ملاقات کنند و ل ۱/ مصمم است که چنین کند و میل دارد واشنگتن هزینه سفر را بپردازد. ل ۱/ قصد دارد بین ۲۶-۲۹ شهریور که امیدوار است طی آن قدری فراغت بیابد به مسافرت رود. لطفاً در اسرع وقت درباره مسافرتش اظهار نظر کنید.

۱۰- ل ۱/ همچنین مایل است نسخه‌هایی از تصاویر خانوادگی را نزد خود نگهدارد، این تصاویر در جوف فیلمی بودند که در فرانکفورت داده شد.

۱۱- دکتر یارموهد محمد، در بیمارستان... شنئوتدی، نیویورک ۱۱۲۳۸، پسر عموی همسر ل ۱/ و مشهور است به اینکه قویاً از رژیم فعلی افغانستان و شورویها حمایت می‌کند. درباره یارموهد گفته می‌شود که در چاپ مطالب طرفدار شوروی در آمریکا فعالیت دارد.

۱۲- ل ۱/ فهرست نام دانشجویان افغانی که فعلاً آموزش داگلاس را طی می‌کنند و نام چندین افغانی در منطقه لوس آنجلس که این دانشجویان را به طور مرتب سرگرم می‌کنند، در اختیار پایگاه قرار خواهد داد. کلاسها هر سال دوبار برگزار می‌شوند. ل ۱/... را حدود دو ماه پیش از... برای تحویل به بخش خارجه / لوس آنجلس، در اختیار قرارگاه کابل قرار خواهد داد. ل ۱/ پیش بینی می‌کند که هر سال دوبار برای تجدید آموزش به داگلاس بازگردد و این هم اکنون به صورت قرارداد بین آریانا و داگلاس بسته شده است.

۱۳- پایگاه با جی. ای. پلاستیک / ۱ در (...) ۲ اوت (اواپیل شهر یور) تماس تلفنی گرفت و قصد دارد در هفته حدود ۱۳ شهر یور با او ملاقاتی داشته باشد.

۱۴- پایگاه با مأمور آزمایش دروغ سنجی مستقر در لوس آنجلس گفتگو کرده تا درباره گزارش ل / ۱ از ترور دابز مذاکره کند. اگر چه پایگاه آماده است به درخواستهای پیشین خود برای آنکه ل / ۱ در مورد گزارشش از ترور دابز آزمایش دروغ سنجی بدهد عمل کند، ولی با توجه به جزئیات مختصری که ل / ۱ ارائه کرد پایگاه تردید دارد که این کار (آزمایش) ضروری باشد. به عنوان یک پیشنهاد بد نیست که ستاد در مورد ضرورت این کار تجدید نظر به عمل آورد... که او حدود ۸ تا ۹ ماه پیش در نیویورک آزمایش دروغ سنجی داد.

۱۵- پرونده: ۰۲۹۳۲۲۰-۲۰۱-۰۹۵۹۹۸۰-۲۰۱ تا تاریخ ۹ شهریور ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری. سری

سند شماره (۲)

سری

از: دهلی نو ۵۱۲۷۳
به: فوری رئیس رونوشت فوری برای اسلام آباد، کابل، تهران، جدہ کراچی، داکا، کلمبو، لندن، کاتماندو، بن، آلمان، کپنهاک.

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ال. دلیو شل کیو. آر. کابل - جی. ای. کار یون - کیو. آر. میستیک.

عطف به: الف. دهلی نو ۵۱۲۳۵ (فقط برای رئیس، اسلام آباد، کابل فرستاده شده)

ب. رئیس ۵۰۸۰۱۹ (فقط برای دهلی نو، اسلام آباد، کابل فرستاده شده)

۱- در بعد از ظهر ۶ مهر «انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی در هند» تظاهرات پر سر و صدایی را در برابر سفارت شوروی در دهلی نو در اعتراض به مداخله شوروی در افغانستان برپا کردند. دانشجویان افغانی سعی کردند تا به مقامات شوروی «نامه سرگشاده‌ای» برای لئونید برژنف بدهند. روسها از قبول نامه امتناع ورزیدند. این تظاهرات وسیله قرارگاه دهلی از نظر مالی تأمین گردیده بود و به وسیله همین بخش از طرف منبع یک جانبه جی. ای. کار یون / ۱ کارمند انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغان در هند سازمان دهی شده بود. کیو. آر. میستیک «نامه سرگشاده» به رئیس جمهوری شوروی را نوشته بود (تلگرام مرجع). خبرنگاران هندی و خبرنگاران تلویزیونی از این تظاهرات عکس و خبر کافی تهیه کردند، این قرارگاه احتمال زیاد می‌دهد که در اخبار امشب و روزنامه‌های فردا صبح گزارشهای فراوانی در مورد این تظاهرات پخش شود. این قرارگاه از طریق آژانس ارتباطات بین‌المللی سعی دارد تصاویر و فیلمهای ساکنی از تظاهرات به دست آورد تا در صورت امکان در جاهای دیگر دوباره پخش شود. در صورتی که مخاطبین در کشورهای همسایه بتوانند تبلیغاتی را که پیرامون این تظاهرات در دهلی نو به عمل آمد دوباره به نمایش بگذارند بسیار خوب خواهد بود.

۲- برای رئیس، بن، آلمان، تهران، کپنهاک: یکی از سخنگویان انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی «به مطبوعات اطلاع داده است که تظاهرات مشابهی قرار است در ۶ مهر در آمریکا، آلمان، ایران و دانمارک انجام گیرد. لطفاً در صورت انجام گرفتن این تظاهرات ما را نیز در جریان قرار دهید.

۳- در ذیل متون گزارشهایی که حدود یک ساعت پس از وقوع تظاهرات توسط دو بنگاه خبری تغذیه مطبوعات هندوستان انتشار یافت عیناً نقل می‌شود:

الف: (دهلی نو، ۲۸ سپتامبر (تراست مطبوعات هند): امروز حدود ۲۰۰ تن از دانشجویان در مقابل سفارت شوروی تظاهرات پر سر و صدایی به راه انداختند و طی آن از شوروی خواستند تا کمک خود را به «رژیم خلقی افغانستان» قطع نماید. «تظاهرکنندگان که مرکب از افغانها، فلسطینی‌ها، دانشجویان هندی و تعداد کمی از دختران دانشجوی بودند شعارهای اسلامی، ضد روسی و ضد امین می‌دادند.»

«این تظاهرات یک ساعته به وسیله انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی سازمان یافته بود.»
«در نامه‌ای که به رئیس جمهور شوروی آقای لئونید برژنف نوشته شده بود دانشجویان خواستار توقف کمک شوروی به رژیم خلقی در افغانستان شدند. آنها با اصرار از رئیس جمهور شوروی می‌خواهند که از منابع انسانی و مادی شوروی برای نجات فقرا و پامال شدگان افغانی استفاده کند.»

«آنها از کشتار بیرحمانه در کشورشان اظهار نگرانی کرده از آقای برژنف خواستند که سیاست دولت خود را در مسلح کردن و حمایت کردن از رژیم خلقی مورد تجدید نظر قرار دهد.»
یکی از کارمندان سفارت نامه را قبول نکرد و گفت «ما فقط نامه‌های رسمی را دریافت می‌کنیم، بگذار آنها نامه خود را به سفارتشان بدهند تا آن هم آن را برای ما بفرستد.
دانشجویان گفتند که خودشان نامه را توسط پست خواهند فرستاد.

ب: دهلی نو، ۲۸ سپتامبر (اخبار متحد هندوستان): سفارت شوروی امروز از قبول نامه‌ای که از پرزیدنت لئونید برژنف می‌خواهد که در سیاست خود مبنی بر اتحاد با «رژیم ظالم و مستبد افغانستان» تجدید نظر نماید، امتناع ورزید.

«این نامه وسیله انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغانی در هند تقدیم شد.»
«حدود ۸۰ نفر در برابر سفارت شوروی اجتماع کرده بودند تا علیه حمایت شوروی از رژیم پرزیدنت حفیظ‌الله امین که «به کشتار سازمان یافته مبارزین آزادی دست زده است» تظاهرات نمایند.
«تظاهرکنندگان می‌خواستند این نامه را به سفارت شوروی، بدهند ولی مورد قبول آنها واقع نشد.»
«در این نامه آمده است، نگران ورنجیده خاطر از خونریزیها و خشونت‌هایی در کشورمان حکمفرماست، دانشجویان افغان مصرانه از شما می‌خواهند که سیاست دولت خود را در مسلح کردن و حمایت از رژیم خلقی افغانستان مورد تجدید نظر قرار دهید.»

«این نامه همچنین خاطر نشان می‌سازد که مخاصمه و تشنج بیش از ۲۰۰۰۰۰ کشته و زخمی در آن کشور به جای گذاشته است، در زندانها حدود ۶۰۰۰ زندانی وجود دارد و تعدادی نیز در حال شکنجه شدن هستند» و اضافه می‌کند که «تعداد بیشماری از مرز گذشته به کشورهای همسایه پناهنده شده‌اند.»
«این نشانگر حمایت دولت شوروی از رژیم کابل است که به جنایات خود علیه انسانیت تحت لوای ایدئولوژی دست می‌یازد.»

«در ابتدا تظاهرکنندگان شعارهایی در محکومیت رئیس جمهورهای افغانستان و شوروی می‌دادند.»
«یکی از سخنگویان انجمن به (خبرنگار) اخبار متحد هندوستان گفت که امروز دانشجویان تظاهرات مشابهی در آمریکا، آلمان غربی، ایران، و دانمارک برپا خواهند داشت.»
«تظاهرکنندگان عبارت بودند از دانشجویان دهلی نو و دانشگاه جواهر لعل نهرو.»

۴- پرونده: ۱۷۹/۳ - ۱۲۴ - ۲۰۰، ۰۹۵۸۵۶۱ - ۲۰۱ تا تاریخ ۶ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط
سری شود.

سری سند شماره (۳)
از: کپنهاک ۲۸۰۷۵ تاریخ: ۸ مهر ۵۸، ۳۰ سپتامبر ۷۹ - اعضاء
به: دهلی نو رونوشت برای رئیس، بن، آلمان، تهران.
هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ال. دبلیو. شل کیو. آر. کابل - کی. ای. کاریون - کیو. آر.
میستیک

عطف به: دهلی نو ۵۱۲۷۳
۱- قرارگاه و سفارتخانه و رابط سازمان اطلاعاتی همکار (سازمان اطلاعاتی دانمارک - م)، اطلاعاتی
از «انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغان» یا تظاهراتی که در کپنهاک از طرف آنها صورت گرفته
باشد ندارند.

۲- پرونده: ۱۷۹/۳ - ۱۲۴ - ۲۰۰؛ ۰۹۵۸۵۶۱ - ۲۰۱. تا تاریخ ۱۰ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.
سری

سری سند شماره (۴)
تاریخ: ۱۰ مهر ۵۸، ۲ اکتبر ۷۹ - اعضاء

.....
.....
هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ال. دبلیو. شل
کیو - آر. کابل - جی. ای. کاریون - کیو. آر. میستیک
عطف به: دهلی نو ۵۱۲۷۳

۱- در مطبوعات محلی هیچ شواهدی از اینکه در ایران تظاهراتی روی داده به چشم نخورده است. در
صورتی که به خبری برخلاف این برخوردیم شما را در جریان خواهیم گذاشت.

۲- پرونده به: ۱۷۹/۳ - ۱۲۴ - ۲۰۰؛ ۰۹۵۸۵۶۱ - ۲۰۱ تا تاریخ ۸ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود.
تماماً سری سری

سند شماره (۵)

سری

از: دهلی نو ۵۱۲۹۸

تاریخ: ۱۱ مهر ۵۸ - اعضاء

به: فوری رئیس - رونوشت فوری برای اسلام آباد،.....، تهران، جده، کراچی، داکا، کلمبو، لندن، کاتماندو، بن، آلمان، کینهاک.

هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. ال. دیپلو. شل کیو. آر. کابل - جی. ای. کار یون - کیو. آر. میستیک.

عطف به: الف. رئیس ۵۲۴۴۴۸ ب. دهلی نو ۵۱۲۷۳

۱- صبح ۷ مهر، چهار عدد از پنج روزنامه صبح دهلی نو، گزارشهایی از تظاهرات دانشجویان افغان (به استثنای «.....» طرفدار شوروی) در جلوی سفارت شوروی که در تلگرام مرجع ب عنوان شده در برداشتند. «استینزمن» و «ایندیان اکسپرس» تصاویری از افغانهای تظاهر کننده و دانشجویان هندی در حال... پلاکارد و پرچم... کردند.

۲- در ذیل عیناً متن مقاله طبع شده «تایمز هندوستان» نقل می شود: «دانشجویان افغان.... هیئت نمایندگی شوروی... برگزار می کنند «نوشته شده توسط یک عضو هیئت تحریریه... یک گروه از دانشجویان افغان امروز تظاهراتی در خارج از سفارتخانه شوروی واقع در چنایا پوری برگزار کردند تا علیه حمایت شوروی از رژیم «خلق» افغانستان اعتراض کنند و تعدادی دانشجوی هندی نیز در بین تظاهر کنندگان دیده می شد.»

«دانشجویان که از تین مورتی شروع به راهپیمایی کردند، شعارهایی مانند «ما خواهان عدالتیم»، «مرگ بر ک. گ. ب»، «الله اکبر» را با هم فریاد می کردند. دو دانشجو یک بیرق حمل می کردند که روی آن به فارسی نوشته بود «خدا... یکی و محمد رسول اوست و به شکل.... بود.

«هنگامی که دانشجویان سعی نمودند یادداشتی را که خطاب به پرزیدنت برژنف از طرف «انجمن اسلامی دانشجویان وطن پرست افغان و نوشته شده بود تحویل دهند یک مأمور سفارتخانه گفت که آنها باید نامه را از طریق سفارتخانه افغانستان بفرستند.»

در این یادداشت اشاره شده بود که افغانستان و شوروی مدت ۶۰ سال را به طور مسالمت آمیز در همسایگی سپری کرده بودند.

و مناسبات خود را بر اساس دوستی، احترام متقابل و حسن نیت استوار نموده بودند. اما این همزیستی مسالمت آمیز ۵ مرداد ۱۳۵۷ از هم پاشید، هنگامی که یک گروه فاقد هرگونه حمایت مردمی با یک کودتای نظامی خونین بر اریکه قدرت جای داده شد تا ارزشهای آزادی و عدالت در افغانستان را سرکوب کنند. آنها از پرزیدنت برژنف درخواست کردند تا حمایت کشورش از رژیم فعلی افغانستان را مورد تجدید نظر قرار دهد.»

۳- بریده‌های روزنامه به ریاست آر. تی. وینر با (محموله) شماره ۱۳۶۰ tm ارسال می شود.

۴- پرونده: ۱۷۹/۳ - ۲۴ - ۲۰۰ - ۰۹۵۸۶ (?) - ۲۰۱ تا ۱۱ مهر ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری.

سری

سند شماره (۶)

سری

تاریخ: ۱۲ اکتبر ۷۹ - ۲۰ مهر ۱۳۵۸

از: وزارت امور خارجه واشنگتن دی. سی.

به: مرکز انبار خلاصه‌های اطلاعاتی.

شماره: ۶۵۰۵

موضوع: خلاصه اطلاعاتی شماره ۹۱۴ بتاريخ ۱۱ اکتبر ۷۹

۱- (سری) عربستان سعودی و شورشیان افغانستان: یک تجزیه و تحلیل سیا شامل نکات زیر است. عربستان سعودی پشتیبانی محدود مالی و مادی از ناراضیان قوی در افغانستان به عمل می‌آورد. پشتیبانی عربستان سعودی منعکس کننده تمایل ریاض به بی‌ثبات کردن رژیم مارکسیستی در کابل است که به عقیده عربستان سعودی یک تهدید ایجاد شده به توسط شوروی برای امنیت همه حکومت‌های اسلامی در منطقه به ویژه پاکستان است. ماهیت پشتیبانی محدود عربستان سعودی تا اندازه‌ای نتیجه سرخوردگی عربستان سعودی نسبت به عملیات مخفیانه‌ای است که به عنوان یک آلت دست سیاست خارجی صورت می‌گیرد.

۲- (سری) انگیزه عربستان سعودی: عربستان سعودی مدت مدیدی پیوندهای نسبتاً خوبی با افغانستان داشته است و سعودیها قبل از اینکه رژیم سلطنتی در سال ۱۹۷۳ در افغانستان سرنگون شود با رژیم سلطنتی روابط نزدیکی داشته‌اند و اکنون هم با محمدظاهر شاه (پادشاه سابق افغانستان) و شاهزاده عبدالولی در تماس هستند. خودسردار داوودخان، رئیس جمهور افغانستان اندکی قبل از اینکه سرنگون شده و کشته شود در آوریل ۱۹۷۸ به زیارت مکه رفت و سعودیها موافقت کردند که برای رژیم او مقداری پشتیبانی مالی فراهم کنند.

۳- (سری - غیر قابل رؤیت برای خارجیان)، سعودیها به دست گرفتن حکومت در افغانستان را از سوی مارکسیستها در سال گذشته جزئی از مبارزه تحت رهبری شوروی می‌دانند که هدف آن محاصره خلیج فارس و شبه جزیره عربستان با رژیمهای رادیکال در تدارک برای براندازی سلطان نشینهای محافظه کار نفت خیز منطقه می‌باشد. انقلاب اتیوپی و کودتای مارکسیستی در یمن جنوبی در ریاض به عنوان قسمتهای دیگر کوششهای شوروی برای به دست گرفتن ثروت نفتی خاورمیانه تلقی می‌شود. مثلاً: «سفیر عربستان سعودی در پاکستان در ماه می ۱۹۷۸ گزارش داده که کودتای افغانستان به تحریک شورویها و برای فراهم کردن پایگاهی که از آن بتوان ایران و پاکستان را سرنگون کرد، به وقوع پیوسته است. ماهیت اسلامی شورش کنونی افغانها یک انگیزه دیگری برای سعودیها است که خود را به عنوان مدافعان ارزشها و نهادهای اسلامی در سراسر جهان قلمداد می‌کنند.»

۴- (سری) هر چند سعودیها حکومت جدید افغانستان در کابل را اندکی پس از برقراری آن به رسمیت شناختند، رسانه‌های عربستان سعودی از انتقاد کنندگان اولیه رژیم جدید افغانستان بوده‌اند و اغلب این رژیم را به حرفهای ضداسلامی و نقض وسیع حقوق بشر متهم کرده‌اند. از اوایل سال ۱۹۷۹ رهبران ناراضی افغانستان به طور منظم برای جلب پشتیبانی نسبت به آرمان خود به عربستان سعودی سفر کرده‌اند. یک گروه به نام جبهه آزادیبخش ملی افغانستان در اواخر سال ۱۹۷۸ دفتری در جده تاسیس کرده است. پشتیبانی جدی مالی عربستان سعودی از شورشیان ظاهراً به طور جدی مدت کمی پس از آغاز سال جدید شروع شده است.

۵- (سری) حدود کمک عربستان سعودی: ماهیت مساعدت محدود سعودی به افغانها منعکس کننده چندین عامل است. سعودیها نسبت به تعدد فرقه‌ها در داخل ناراضیان افغانستان خوشحال نیستند و این کمک را به عنوان اهرمی برای حصول وحدت بیشتر باید به کار برد. سعودیها به رهبران مختلف افغانستان گفته‌اند که همکاری بزرگتر در میان آنها شرط اولیه جهت کمک بیشتر عربستان سعودی است. سعودیها همچنین ممکن است از این واقعیت سرخوردگی داشته باشند که مقدار کافی کمک آنها عملاً به شورشیان نمی‌رسد بلکه بیشتر به دست تبعیدیها می‌افتد.

۶- (سری) ماهیت دلسرانۀ پشتیبانی سعودی نیز منعکس کننده سرخوردگی عربستان سعودی از تامین مالی مخفیانه گروههای ضدچیپی است. در اوایل دهه ۱۹۷۰ سعودیها پشتیبانهای پرشوق و ذوق گروههای چریکی اسلامی در یمن جنوبی و شاخ آفریقا بودند. هرچند سعودیها هنوز هم اندکی به آنها کمک می‌کنند این گروهها نتوانسته‌اند رژیمهای دست چپی را که با آنها ضدیت دارند از جای خود برکنند. سعودیها همچنین از این دلشکسته شده‌اند که نتوانستند پشتیبانی وسیعتر غرب و به ویژه ایالات متحده آمریکا را برای این آرمانها جلب کنند.

۷- (سری) علیرغم این سرخوردگیها پشتیبانی سعودی از شورشیان افغان احتمالاً ادامه خواهد یافت: سعودیها از موفقیت‌های نظامی شورشیان خوشحال شده و بدون شک آنها را به ادامه مبارزه موفق به خاطر «الله» تشویق خواهند کرد.

۸- (محرمانه) روابط بین رهبران سیاهپوست و هیستاروت (اتحادیه‌های کارگری اسرائیل - م): هیستاروت اعلام داشته است که از گروهی از رهبران سیاهپوست آمریکا دعوت کرده است تا به اسرائیل بیایند و اینکه این گروه دعوت را پذیرفته است. ریاست گروه بنجامین هوکس مدیر اجرایی NAACP می‌باشد.

۹- (خیلی محرمانه) مصر و عراق: دفتر حفاظت منافع آمریکا در بغداد گزارش می‌دهد که عراق در مرادات خود با مصر یک نوع جدایی دقیقی بین مسائل سیاسی و ملاحظات عملی را رعایت می‌کند. مثلاً دانشگاهها و مدارس عراق نه تنها قراردادهای سالیانه حدود ۲۰۰۰ مری و استاد مصری را تجدید کرده‌اند، بلکه همچنین دانشگاه موصل یک گروه ۳۰۰ نفری اضافی از استادان را برای سال جاری دانشگاهی استخدام کرده است. به کار گرفتن کارگران مصری نیز بدون کم و کاست ادامه داشته است. در عین حال مصر به طور مداوم از سوی دستگاه رهبری و مطبوعات عراق مورد حمله قرار می‌گیرد.

۱۰- (خیلی محرمانه) اردن و سازمان آزادیبخش فلسطین: سفارت آمریکا در عمان روز نهم اکتبر گزارش داده است که یک هیئت نمایندگی مشترک مرکب از اردن و سازمان آزادیبخش فلسطین برهبری وزیر اطلاعات اردن و یک عضو شورای مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین ظرف هفته آینده به لیبی و الجزایر سفر خواهد کرد تا درباره پرداخت پولی که بر اساس تصمیمات کنفرانس بغداد در سال ۱۹۷۸ تعهد شده بود پافشاری کند این پولها باید به مصرف پشتیبانی از کوششهای سازمان آزادیبخش فلسطین برای افزایش «ایستادگی» ساکنان سرزمینهای اشغالی اسرائیل برسد. لیبی و الجزایر تنها کشورهایی هستند که تعهدات خود را انجام نداده‌اند.^(۱)

۱- این سند خلاصه‌های اطلاعاتی وزارت امور خارجه است که در سطح سفارتخانه‌ها گردش دارد.

سند شماره (۷)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار اطلاعاتی - غیر قابل انتشار برای بیگانگان
کشور: افغانستان

منبع: گزارش حاضر پیرامون وضعیت افغانستان است که به وقت محلی در ساعت ۳۰-۱۵ در تاریخ ۲۳
مهر ۵۸ تهیه شده است

موضوع: گزارش وضعیت شماره ۷ در ساعت ۳۰/۱۵ به وقت محلی در تاریخ ۲۳

مهر ۱۳۵۸-۱۵ اکتبر ۱۹۷۹

۱- منابعی که در اردوگاه کمکی آمریکا در بخش غربی کابل هستند گزارش داده‌اند که انفجارات خفیف و شدیدی را از بخش غربی کابل در سه ساعت گذشته شنیده‌اند (توضیح حوزه فعالیت: این انفجارها ظاهراً از طرف قسمتی به گوش رسیده است که قرارگاه لشکر هفتم در ریشکور حدود ۶-۸ کیلومتری جنوب کابل مستقر است).

۲- حدود ساعت ۱۲/۲۵ به وقت محلی چند ماشین آتش‌نشانی و آمبولانس کابل را به سمت جنوب این شهر ترک کردند (توضیح حوزه فعالیت: ارسال ماشینهای آتش‌نشانی و آمبولانس توسط دولت حاکی از آن است که مخالفین خساراتی بر تأسیسات و یا نیروهای دولتی وارد ساخته‌اند).

۳- در حال حاضر ۶ دستگاه تانک تی - ۶۲ (از سری ۸۰۰ ارتش افغانستان) در دو طرف جاده دو مایلی پایین شهر کابل تا قصر دارالامان صف‌آرایی کرده‌اند. سرنشینان تانک کلاه آهنی بر سر آماده رزم و در خارج از تانکهایشان آماده هستند. لوله همه تانکها به طرف غرب نشانه روی شده است به استثنای تانک بین سفارت روسیه و قصر دارالامان که گاهی به طرف شرق و گاهی به طرف جنوب نشانه روی می‌کند. نفرات پیاده تانکها در نزدیکی دارالامان ظاهراً عصبی بوده و موضع خود را دائماً تغییر می‌دهند.

۴- در ساعت ۱۲/۳۰ یک هلیکوپتر ۲۴/۲۵ - MI در بخش شمالی بر روی اردوی کمکی به پرواز درآمد و در حال چرخش از ارتفاع ۷۰۰۰ پایی نزول کرد و در ارتفاع ۳۰۰-۲۰۰ پایی به طرف غرب یعنی قصر دارالامان (که در حال حاضر مرکز وزارت دفاع ملی این سند خلاصه‌های اطلاعاتی وزارت امور خارجه است که در سطح سفارتخانه‌ها گردش دارد. این سند خلاصه‌های اطلاعاتی وزارت امور خارجه است که در سطح سفارتخانه‌ها گردش دارد. می‌باشد) پرواز کرد و به طرف قرارگاه لشکر هفتم ریشکور رفت (توضیح حوزه فعالیت: ظاهراً این هلیکوپتر منطقه جنوبی کابل را مورد تجسس کامل قرار داده بود).
۵- علیرغم حضور تانکها، آمد و شد نظامی و تجاری در پایین شهر کابل به طرف دارالامان حالت عادی خود را حفظ کرده است.

۶- با وجود اینکه یکی گروهان پیاده در برابر قصر آرایش داده شده است، بقیه شهر دارای وضعی عادی است. علاوه بر اینها شناسایی که در جاده شرقی به طول ۶-۷ کیلومتر در مسیر جلال‌آباد به عمل آمد نشان داد که تانک یا نظامیانی در این قسمت قرار داده نشده است.
آمد و شد تجاری نیز به حالت عادی بود.

۷- افراد و یا وسایل نقلیه روسی بسیار معدودی در کابل مشاهده گردید.

۸- تا ۱۷ مهر ۱۳۵۸ اختلافات زیادی بین چند صد نفر سربازان پرسنل و طبقه لشکر هفتم که خدمت آنها به طور اجباری به بیش از ۲ سال بالا برده شده بود به چشم می‌خورد.

۹- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۲۳ مهر ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۴۰۹۲ - NHK.

۱۰- انتشار از حوزه: سفارت و وابسته‌های دفاعی در کابل، و نیز ارسال به: لندن، اسلام‌آباد، دهلی‌نو، کراچی، تهران، جده، طبقه‌بندی گزارش - سری - هشدار شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است. غیر قابل انتشار برای اتباع بیگانه. تا تاریخ ۲۳ مهر ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمام اجزای گزارش حاوی طبقه‌بندی و قیود کل سند می‌باشند.

سند شماره (۸)

(تاریخ خبر: ۷ آبان ۱۹۷۹ - ۲۸ مهر ۱۳۵۸)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران با مشاوران پیمانکار کشور: افغانستان - پاکستان - چین.

موضوع: مذاکره پیرامون اوضاع افغانستان طی بازدید یک هیئت نمایندگی نظامی چین از پاکستان منبع: یک افسر (بین سرگرد تا سرهنگ تمام - م) پاکستانی که گزارشهای او در گذشته عموماً مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

۱- در ۵ آبان ۱۳۵۸ مدیر عملیات ارتش سرتیپ میان محمد افضل در خلال صحبت با یک فرد معتمد خود گفت که طی دیدار ۱۰ روزه «هیئت نمایندگی نظامی حسن تفاهم» (از ۲۸ مهر تا ۷ آبان) که ژانگ کایقان معاون ستاد مشترک ارتش آزادیبخش خلق آن را سرپرستی می‌نمود، اوضاع افغانستان به تفضیل موضوع مذاکره قرار گرفت. در این مذاکرات افسران ارشد ارتش پاکستان با حضور ژنرال ضیاء الحق به اجمال شرحی پیرامون شورش جاری علیه رژیم افغانستان که شورشیان مسلمان در افغانستان برپا کرده‌اند، ارائه نمودند.

۲- در مرحله‌ای از مذاکرات معاون ستاد مشترک ژانگ کایقان اظهار داشت که اگر شورشیان مسلمان به حد کافی از حمایت خارجی برخوردار نشوند، رژیم حفیظ‌الله امین رئیس جمهور افغانستان قادر خواهد بود موقعیت خود را محکم کند و این موجب بیشتر شدن ناآرامی و نفوذ شوروی در رژیم خواهد شد. این بیان ژنرال ضیاء را بر آن داشت که بپرسد اگر آنها (چینی‌ها) از اوضاع افغانستان نگران هستند، چرا از شورشیان مسلمان حمایت نمی‌کنند. ژانگ کایقان جواب داد که در عین احساس همدردی با راهی که این شورش بر آن بود، چینیها نمی‌توانند به شورشیان کمک کنند، زیرا که در صورت آشکارشدن این موضوع، انعکاسات جهانی و خیمی را ایجاد خواهد کرد و بر مذاکراتی که در حال حاضر در مسکو بین چین و شوروی جریان دارد، تأثیر خواهد گذاشت. برای حفاظت از موضع چین، ژانگ کایقان درخواستی را که قبل از آن سفیر چین در اسلام آباد تسلیم کرده بود تکرار نمود. مضمون درخواست این بود که هیچ یک از تسلیحات و مهمات چینی موجود در تدارکات ارتش پاکستان نباید برای شورشیان مسلمان افغانستان ارسال شود (توضیح حوزه فعالیت: به ۷۹ - ۳۱۵۱۵۷۸ - TDFIRD B مورخ ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ رجوع کنید که در آن دستور ژنرال ضیا گزارش شده است که چیزی از اسلحه، مهمات یا دیگر

تأمینات چینی الاصل نباید برای شورشیان افغانستان که دولت پاکستان به طور مخفیانه آنها را تامین می‌کند ارسال شود.

۳- محل کسب اطلاعات: پاکستان، اسلام آباد (۸ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۲۱۱۷-NPR.

۴- انتشار از حوزه فعالیت: سفارت و وابسته دفاعی اسلام آباد ارسال شده به کابل، کراچی، دهلی نو، جده، لندن، فرماندهی مشترک استراتژیک هوایی - فرماندهی مشترک، فرماندهی (منطقه) اقیانوس آرام، (منحصراً برای فرماندهی مشترک، فرماندهی اقیانوس آرام فرماندهی ناوگان اقیانوس آرام - فرماندهی ناوگان هفتم و مشاور سیاسی، فقط).

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - بخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۹ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود... تمام اجزای گزارش طبقه‌بندی و قیود کل سند را دارا می‌باشد.

سند شماره (۹)

طبقه‌بندی گزارش: سری، هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار.

کشور: افغانستان

منبع: یک افسر میان رتبه ارتش افغانستان که گزارشهای او در گذشته عموماً مورد تأیید قرار گرفته‌اند.

موضوع: عزیمت هیئت نمایندگی نظامی شوروی از افغانستان (تاریخ خبر: ۲۲

اکتبر ۷۹-۳۰ مهر ۵۸)

۱- در ۳۰ مهر، هیئت ارشد نمایندگی نظامی که سرپرستی آن بر عهده ژنرال ایوان جی. پاولوسکی است و از اواخر مرداد ۱۳۵۸ در افغانستان بوده کابل را با پرواز ویژه از فرودگاه نظامی فرودگاه بین‌المللی کابل ترک کرد.

۲- علاوه بر ژنرالهای روسی این هیئت که قبلاً در فهرست از ایشان نام برده شد (لطفاً رجوع کنید به گزارش ۷۹-۱۷/۴۵۳-۳۱۵-TDFRD B-۱۲ مهر ۱۳۵۸)، سر تپ اکیمشیف نیز عضو این هیئت بود. در ۲۹ مهر افسران ارشد ارتش جمهوری دموکراتیک افغانستان برای هیئت یک ضیافت شام خداحافظی در کاخ چهلستون به پا کردند. میزبان این ضیافت سرهنگ یاکوب رئیس ستاد بود.

۳- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۱۱ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۴۱۳۴-

NHK

۴- انتشار از حوزه فعالیت: سفارت و وابسته دفاعی کابل ارسال شده به لندن، اسلام آباد، دهلی نو، کراچی، تهران، جده، فرماندهیهای نظامی.

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا پیمانکاران مشاور - بخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمامی اجزای گزارش طبقه‌بندی و قیود

کل سند را دارا می‌باشند.

سند شماره (۱۰)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار

کشور: افغانستان / پاکستان

موضوع: ۱- نگرانی ناراضیان افغانی پیرامون حمله بزرگ جمهوری دمکراتیک افغانستان در استان پکتیا. ۲- پذیرفتن دولت پاکستان به اینکه به طور محدود تدارکات مهمات شورشیان افغانی را تامین کند.

(تاریخ اطلاعات: ۲۹ مهر - ۹ آبان ۱۳۵۸، ۳۱-۲۱ اکتبر ۱۹۷۹)

منبع: یک مقام پیشین میان رتبه دولت افغانستان که در دهه آخر خرداد ۱۳۵۷ به پاکستان گریخت. او روابط نزدیکی با رهبری جبهه آزادی ملی افغانستان و سایر گروه‌های تبعیدی در پاکستان دارد. او یک منبع جدید و امتحان نشده است. او خبرهای خود را از سران تبعیدی افغانی در پاکستان اخذ کرد.

۱- خیرهایی که به سران تبعیدی افغانی در پاکستان رسیده‌اند حاکی از آن است که در حدود ۲۹ مهر ۱۳۵۸ نیروهای مسلح جمهوری دمکراتیک افغانستان تحت کنترل مستشاران نظامی شوروی حمله بزرگی را در استان پکتیا شروع کردند. شورشیان قبیله‌ای افغان که در آغاز تهاجم نیروهای جمهوری... به پاکستان گریخته بودند گزارش دادند که دولت افغانستان حدود ۳۰۰ تانک و زره‌پوش را با پشتیبانی هواپیمای میگ ۲۱ و هیلکوپترهای توپدار MI-۲۴ به نواحی قبیله نشین... منگل و جاجی اعزام داشته بود و... حرم (شرقی ۲۲-۶۹، شمالی ۴۱-۳۳) و همچنین نواحی وسیعی در اطراف علی... جاجی (شرقی ۴۳-۶۹، شمالی ۵۷-۳۳) و چمکانی (شرقی ۴۹-۶۹، شمالی ۴۸-۳۳) که در چند ماه گذشته در دست قبایل شورشی بوده باز پس گرفته بود.

۲- تعداد کتیری از شورشیان قبایل منگل و جاجی همراه خانواده‌های خود از مرز پاکستان به نواحی پاراچینار (شرقی ۶۰-۷۰، شمالی ۵۴-۳۳) و میرام شاه (شرقی ۰۴-۷۰، شمالی ۰۱-۳۳) گریخته‌اند. شورشیانی که فراری شده‌اند خانواده‌های خود را در محل امنی در پاکستان خواهند گذاشت و به نواحی قبایل خود باز خواهند گشت تا شورش خود را علیه نیروهای دولتی ادامه دهند. سبقت‌الله مجددی رهبر جبهه آزادی ملی افغانستان اخیراً همراه با مقداری تدارکات درمانی، پتو و غذا برای شورشیان قبایل و خانواده‌هایشان اعزام پاراچینار شد. پیش از آن حدود ۵۰۰ شورشی قبیله‌ای جهت درمان جراحاتی که در نبرد با نیروهای دولتی افغانستان در استان پکتیا برداشته بودند به پیشاور آمده بودند.

۳- قبایل شورشی که لطمه اصلی حمله جمهوری دمکراتیک افغانستان به آنها رسید، پیروان سید حامد (احمد-م) گیلانی رهبر محاذ ملی انقلابی افغانستان بودند که در حال حاضر در عربستان سعودی به دنبال حمایت عربستان سعودی از مبارزه شورشیان به سر می‌برد.

گیلانی که از آغاز تهاجم جمهوری دمکراتیک افغانستان در تماس تلفنی با مشاوران خود در پاکستان بوده، بیش از همه نگران اوضاع است و در نظر دارد جهت از سرگیری فرماندهی نیروهای خود در پاکستان پس از تعطیلات عید (۱۲-۱۰ آبان) به پاکستان بازگردد. در عین حال وی از مشاوران خود

خواسته بود با مقامات دولت پاکستان تماس گرفته و خواستار پشتیبانی مادی برای قبایل شورشی شوند. ۴- در... و ۶ آبان یکی از مشاوران گیلانی با تنویر احمدخان مدیرکل اداره افغانستان، ایران و ترکیه وزارت خارجه پاکستان و رضا پیراچا کفیل وزیر خارجه ملاقات کرد تا آنها را در مورد اوضاع پکتیا توجیه کرده و خواستار پشتیبانی دولت پاکستان از قبایل شورشی شود. تنویر و پیراچا گفتند خود از دامنه تهاجم جمهوری دمکراتیک افغانستان در پکتیا آگاه بودند و منابع اطلاعاتی پاکستان در کابل گزارش کرده بودند که شورویها به حفیظ الله امین رئیس جمهور افغانستان توصیه نموده بودند که نیروهای خود را تحت راهنمایی مستشاران شوروی متمرکز کند تا شورش در استان پکتیا را سرکوب کنند. دولت پاکستان تا اندازه‌ای بر اساس گزارشهایی که از منابع خود در قبایل شورشی که بسیاری از شورویها را در پکتیا ملبس به یونیفورمهای نظامی افغانستان دیده بودند شاهد داشت که شورویها عمیقاً در تهاجم پکتیا دست دارند.

۵- پیراچا به رهبر ناراضی افغانی توصیه کرد به پیشاور برگردد و در آنجا او باید با یک سرگرد نیروی زمینی پاکستان که به ناراضیان افغانی تسلیحات برای قبایل شورشی در پکتیا می‌دهد، تماس بگیرد. در ۸ آبان یک مشاور دیگر گیلانی با آن سرگرد نیروی زمینی پاکستان در پیشاور تماس گرفت و همان طور که قول داده شده بود، مقدار نامعلومی تسلیحات دریافت نمود. سرگرد پاکستانی اذعان نمود که از طرف مقامات بالاتر در اسلام آباد به وی اجازه داده شده بود که این کمک محدود را فراهم کند و مقدار بیشتری (تصریح نشد) کمک در آتیه داده خواهد شد.

۶- توضیح حوزه فعالیت: برای کسب جزئیات بیشتر درباره تهاجم عمده نیروهای مسلح افغانی در استان پکتیا تحت راهنمایی مستشاران نظامی شوروی به گزارش ۳۱۵/۱۸۹۶۸-۷۰ TDFIRD B مورخ ۷ آبان ۱۳۵۸ نیز رجوع کنید که از یک مقام امنیتی پاکستان گرفته شده است.

۷- محل کسب اطلاعات: پاکستان، اسلام آباد (۹ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت ۲۱۸

- NPR

۸- حوزه انتشار: سفارتخانه و وابسته دفاعی اسلام آباد، ارسال شد به کابل، کراچی، دهلی نو، جدّه، لندن، تهران، ریاست ستاد فرماندهی استراتژیک هوایی، ریاست ستاد فرماندهی اقیانوس آرام (منحصراً برای ریاست ستاد فرماندهی اقیانوس آرام،...، ریاست ستاد ناوگان اقیانوس آرام، فرماندهی ناوگان هفتم فقط برای مشاور سیاسی).

سند شماره (۱۱)

طبقه‌بندی گزارش - سری - هشدار - شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیر قابل رؤیت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده.

کشور: افغانستان

منبع: یک کارمند دولتی متوسط افغان که منبعی جدید و آزمایش نشده است. او پاراگراف‌های یک تا چهار را از یک مقام نظامی افغان و پاراگراف‌های پنج و شش را از نتیجه مشاهدات شخصی در اختیار ما گذارده است.

موضوع: افزایش حضور نظامی روسیه در کابل (تاریخ خبر: سپتامبر و اکتبر

۱۹۷۹ - مهر و آبان ۱۳۵۸)

۱- در پایگاه نظامی پل چرخی (پل چرخی - م) قسمت آموزش رانندگان تانک تعداد آموزش دهندگان روسی از ۱۸ نفر در اواخر اوت ۱۹۷۹ به تعدادی حدود ۲۰ - ۳۰ نفر در اواخر اکتبر افزایش یافته است. (اظهار نظر منبع وی دسترسی آزاد به دیگر مکانهای پل چرخی ندارد لیکن اظهار می‌دارد که بنا بر گفتگوهایش با دیگر مقامات افغانی وی معتقد است که تعداد مقامات روسی منصوب به دیگر مکانهای نظامی به طور فاحشی افزایش یافته است).

۲- در پایگاه پل چرخی در حال حاضر حدود ۲۰۰ تانک حاضر به کار موجود است. این تانکها از داخل پناهگاههای پادگان جایی که قبلاً به دستور مشاورین روسی انبار شده بودند بیرون آورده شده‌اند و چون قبلاً به مقامات روسی اطلاع داده شده بود که اگر به این پناهگاهها حمله شود تانکها به شدت آسیب خواهند دید. تعداد تانکها در این محل هنوز به مقدار زیاد افزایش نیافته است.

۳- در حال حاضر ۵۰۰ داوطلب سرباز افغانی تحت تعلیم تانک در پل چرخی هستند. از نظر سنی بین ۲۴ - ۲۰ هستند و اکثر آنها از اقوام خلقیهای متعدده به شمار می‌آیند (اظهار نظر منبع فرعی: سطح کارآیی کنونی آنها به نظر نمی‌رسد که استفاده از تانکهای پل چرخی را ممکن سازد).

۴- اظهار نظر منبع: منبع فرعی با قاطعیت بیان می‌دارد «که روسها اختیارات را در سربازخانه‌های پل چرخی به دست گرفته‌اند و قدرت تصمیم‌گیری اینک در اختیار روسهاست». منبع فرعی از این واقعیت که اکنون دیگر روسها قدرت نظامی افغانستان را اداره می‌کنند ناراحت است. روحیه او و دیگرانی که در وضع او هستند در وضع بسیار بدی است.

۵ - تعداد بیشماری از روسهای جوان وارد افغانستان شده و در مجتمع مسکونی میکرایون جای گرفته‌اند. در تاریخهای ۲۸، ۲۹ و ۳۰ اکتبر بین ساعتهای ۱۶ تا ۱۷ یک شمارش تقریبی از روسهای جوان که به تفریح و بازی والیبال در زمینهای ورزشی بلوک ۵ مشغول بودند انجام شد. حدود ۳۰ سرباز شمارش یافت (توضیح منبع: قبل از اوت ۱۹۷۹ تنها یک زمین والیبال وجود داشت). روسهایی که بعضیهاشان لباس افغانی به تن کرده بودند حدود ۲۱ یا ۲۲ ساله به نظر می‌رسیدند. همه آنها موهایشان به سبک «نظامی» بسیار کوتاه اصلاح شده بود. این تازه واردهای روسی را به سادگی می‌توان از مشاورین نظامی روسی تمیز داد. مشاورین نظامی روسی معمولاً مسن تر بوده، لباس شخصی به تن دارند و موهایشان بلند است و معمولاً همسر و کودکانشان نیز همراهشان است (توضیح منبع: به نظر می‌رسد که تعداد مشاورین

نظامی ساکن در مجتمع مسکونی افزایش یافته باشد). در ۲۹ و ۳۰ اکتبر سه دستگاه اتوبوس افغانی روسی الاصل دیده شد که کودکان روسی را به مدرسه می‌برد.

اتوبوسها مملو از این کودکان بودند. هر سه اتوبوس حدود ۱۰۰ کودک را به همراه داشتند. (توضیحی منبع: روسها قصد پنهان نمودن حضور فزاینده خود در این مجتمع مسکونی را ندارند. این طور به نظر می‌رسد که آنها می‌خواهند بگویند «ما در اینجا خواهیم ماند به ما عادت کنید».

۶- وقتی که شخصی وارد مجتمع میکرایون از طریق آب پس از عبور از پل روی رودخانه کابل می‌شود پس از گردش به چپ از دو ساختمان نظامی عبور خواهد کرد. اولی به وسیله افغانها حفاظت می‌شود؛ در صورتی که ساختمان دوم که یک مرکز مخابراتی است به وسیله افغانهای تحت فرمان یک جوان روسی حفاظت می‌گردد. این جوان روسی که موطلایی است یونیفورم افغانی بهتر دوخته شده‌ای را می‌پوشد و در حالی که کلاشینکف بر دوش دارد شبها سربازان خود را مورد بازدید قرار می‌دهد. او را در ساعات مختلف شب در آنجا می‌توان دید.

۷- محل کسب اطلاعات: کابل، افغانستان (۳۰ اکتبر ۱۹۷۹) شماره گزارش ۴۱۳۲ - NHK

۸- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته نظامی در کابل ارسال شده به لندن، اسلام‌آباد، دهلی نو، کراچی، تهران، جده، فرماندهیهای نظامی....

طبقه‌بندی گزارش - سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۸ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود تمام اجزای گزارش طبقه‌بندی و قیود کل سند را دارد.

سند شماره (۱۲)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار.

کشور: افغانستان / شوروی (تاریخ اطلاعات: اکتبر ۱۹۷۹ - مهر و آبان ۵۸)

موضوع: یک افسر... رتبه ارتش افغانستان که گزارشهایش عموماً مورد تأیید قرار گرفته‌اند. او این خبر را از افسران ارشد... وزارت دفاع کسب کرد.

۱-..... اکتبر، افسران خلقی طرفدار ترکی..... دستگیر شدند.

۲-..... اسدالله..... پیام، عضو شورای..... رئیس مخابرات رادیویی..... و دو جانشین او شد. سرهنگ گل حسن زرمتمی..... بازرس..... گل حسن زرمتمی از نزدیکان..... محمد اسلام وطنجار بود. هر دوی آنها..... و پشتون هستند.

سرگرد خدایدوست اندار، رئیس..... در وزارت دفاع. سرگرد گل بهار، رئیس پرسنلی..... معاون ریاست تشکیلات یک سروان عالیرتبه. (توضیح حوزه فعالیت: منبع نمی‌توانست نامش را به خاطر آورد).

(توضیح منبع: بازداشتهای دیگری نیز صورت گرفته‌اند)

۳- (توضیح حوزه فعالیت: گزارش ۴۱۳۰ - NHK) که گزارش قدیمیتری را بازداشت طرفداران ترکی در ارتش می‌باشد، ملاحظه کنید).

سند شماره (۱۳)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار.
کشور: افغانستان منبع: یک افسر افغانی میان رتبه که اخبار او عمدتاً مورد تأیید قرار گرفته است. او این اخبار را از یک افسر اطلاعاتی افغانی به دست آورده است.

موضوع: ۱- تلاش احتمالی برای ترور پرزیدنت حفیظ الله امین.

۲- کمین برای اتوبوسها در خارج از کابل. (تاریخ اطلاعات: اواخر اکتبر ۱۹۷۹ - اوایل آبان ۵۸)

۱- در اواخر اکتبر یک افسر مورد اعتماد خلقی که به عنوان محافظ در مقابل مجلس خلق که دفتر حفیظ الله امین در آن قرار دارد انجام وظیفه می‌کرد، در حالی که سعی داشت اسلحه کلتی را به داخل منطقه‌ای از کاخ که بردن اسلحه به آن جا ممنوع است و تنها محافظین شخصی امین می‌توانند اسلحه داشته باشند، ببرد دستگیر شد. تحقیقات از افسر خلقی نشانگر این مطلب است که او در تلاش برای پنهان نمودن اسلحه در منطقه ممنوعه قبل از استفاده آن جهت ترور امین بوده است (توضیح منبع فرعی: قبل از اینکه امین قدرت را از ترکی بگیرد، افسران خلقی مورد اعتمادی چون افسر دستگیر شده اجازه داشتند که در حضور امین ترکی اسلحه حمل نمایند. از تاریخی که امین به ریاست جمهوری رسید تمام افسران از حمل سلاح در محل کاخ جایی که امین زندگی و کار می‌کند محروم شده‌اند. ملاقات کنندگان افغانی که به کاخ می‌آیند حداقل دو مرتبه تفتیش بدنی شده و همین طور به وسیله وسایل فلزیاب بازرسی می‌شوند. یک وسیله فلزیاب جای اسلحه را که افسر خلقی در بدنش مخفی نموده بود شناسایی کرد).

۲- در حدود ۹ آبان، دو «ماشین» (توضیح منبع: ممکن است که اتوبوس بوده باشند)، در پشت دو منبع ذخیره بنزین در گذرگاه جاده سالانگ که اولین محله خارج کابل می‌باشد، متوقف گردید. «ماشینها» به وسیله شورشیانی که لباس نظامیان افغانی را پوشیده بودند و ادار به توقف گردیده بودند. وقتی که راننده یکی از «ماشینها» می‌خواست اسلحه خود را بردارد تیری به میان چشمانش شلیک شد. شورشیان اتوبوس را غارت نموده و به تپه‌های اطراف فرار کردند.

۳- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۱۱ آبان ۵۸ - نوامبر ۷۹ شماره گزارش NHK-۴۱۳۸).

۴- انتشار از حوزه فعالیت: سفارتخانه و وابسته نظامی در کابل. ارسال شده به لندن، اسلام آباد، دهلی نو، کراچی، تهران... طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیر قابل رویت برای بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمام اجرای گزارش طبقه‌بندی و قیود کل سند را دارا می‌باشد.

سند شماره (۱۴)

طبقه‌بندی گزارش: سری - هشدار اطلاعاتی - غیرقابل دسترسی برای بیگانگان - غیرقابل دسترسی برای پیمانکاران با مشاوران پیمانکار

کشور: افغانستان / روسیه
موضوع: پروازهای مهمات رسانی به منطقه کابل.

(تاریخ اطلاعات: اکتبر ۱۹۷۹)

منبع: یک افسر میان‌رتبه نیروی هوایی افغانستان که گزارشات پیشین او مورد تأیید قرار گرفته است. وی این اطلاعات را در حین انجام وظیفه به دست آورده است.

۱- در طول دو هفته آخر اکتبر ۱۹۷۹ حدود ۱۰ پرواز AN ۱۲ (CUB) حامل مهمات از روسیه به خواجه‌رواش و پایگاه هوایی بگرام کابل وارد شد. این محموله‌ها دو برابر محموله مهماتی است که در دو هفته اول اکتبر وارد شده بود.

۲- (اظهار نظر منبع گزارش‌کننده: مهماتی که از روسیه می‌رسد به وسیله هواپیماهای باربری به خلبانی خدمه روسی به مناطق درگیری برده می‌شود).

۳- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۹ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش حوزه فعالیت: NHK-۴۱۳۳، همچنین فرستاده شد به لندن، اسلام‌آباد، دهلی نو، کراچی، تهران، جده، فرماندهی نیروهای آمریکا در اروپا...

طبقه‌بندی گزارش: سری - اخطار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه‌کننده است. تا تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. تمام اجزای گزارش طبقه‌بندی و قیود کل سند را دارد.

سند شماره (۱۵)

کشور: افغانستان / روسیه
سری
هشدار: شامل منابع و شیوه‌های اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای بیگانگان - غیرقابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار

منبع: یک افسر میان‌رتبه نظامی افغان که گزارشات پیشین او مورد تأیید قرار گرفته است وی این اطلاعات را از طریق یک افسر اطلاعاتی ارتش افغانستان به دست آورده است.
(تاریخ اطلاعات: آذر و آبان ۵۸ - اکتبر ۱۹۷۹).

موضوع: به کنترل درآمدن پایگاه هوایی شینداد توسط روسیه

۱- از اواسط اکتبر روسها کنترل پایگاه شینداد در استان فراه را به دست گرفته‌اند (اظهار نظر منبع: شورویها درباره پایگاه هوایی شینداد همان نظارتی را اعمال کردند که بر پایگاه هوایی بگرام اعمال داشته‌اند) و مقامات افغانی در آنجا فقط به صورت «نمایشی» هستند و تمام تصمیمات در این پایگاه‌ها توسط روسها اتخاذ می‌گردد.

۲- محل کسب اطلاعات: افغانستان، کابل (۱۱ آبان ۱۳۵۸) شماره گزارش - NHK-۴۱۳۶.

۳- طبقه‌بندی گزارش: سری - اخطار - شامل منابع و روشهای اطلاعاتی است - غیرقابل رویت برای

بیگانگان - غیر قابل رویت برای پیمانکاران یا مشاوران پیمانکار - پخش و اقتباس اطلاعات تحت نظر تهیه کننده است. تا تاریخ ۱۰ آبان ۱۳۷۸ در بایگانی ضبط شود. - تمام اجزای گزارش طبقه بندی و قیود کل سند را دارا می باشد.

سند شماره (۱۶)

سری - ۲۸ شهریور ۵۸ - اعضا

از: رئیس ۵۱۶۸۸۶

به: با حق تقدم به تهران، رونوشت برای کابل

هشدار: شامل منابع و شیوه های اطلاعاتی است

عطف به: تهران ۵۴۲۴۲ (به کابل فرستاده نشد / احتیاج نیست)

۱- برای کابل، تلگرام مرجع درخواست می کند که تهران به... اوضاع افغانستان افزوده شود. درخواست می شود کابل هماهنگی کند.

۲- در ادامه اقداماتی که اتخاذ شده تا یک ارتباط اطلاعاتی با دولت بازرگان برقرار شود، ما... که کاردار لینکن اطلاعات دست چینی را که شفاهاً تکرار می شود، شفاهاً درباره افغانستان به یزدی یا بازرگان بدهد. این مطالب از طرف ستاد به قرارگاه مخابره خواهد شد تا به لینکن بدهند. اولین اطلاعات ذیلاً ارائه می شود. لینکن باید این را توضیح دهد که اطلاعات به عنوان جزئی از فعالیتی داده می شود که از جلسه توجیه اطلاعاتی ۳۰ مرداد شروع شد. او همچنین باید از بازرگان یا یزدی بخواهد دولت ایران هر گونه تأییدی نسبت به این اطلاعات داشته باشد یا بتواند به دست آورد. بدهد. به این ترتیب ما می خواهیم گفتگوی (تکرار می شود گفتگو) اطلاعاتی را تشویق کنیم. شما می توانید به لینکن اطمینان دهید که وزارت خارجه در جریان این درخواست است و موافقت دارد.

۳- «در ۲۶ مرداد، یک هیئت نظامی عالی رتبه روس تحت ریاست یک ژنرال چهار ستاره وارد کابل شد. این ژنرال توسط ۱۲ ژنرال و ۶ سرهنگ دیگر همراهی می شد. پیش بینی می شد که این هیئت به مدت ۲۵ روز در آنجا بماند تا اوضاع شورش را مطالعه کند. موقعیت مستشاری شوروی برای ارتش افغانستان در چند ماه گذشته تقویت شده است. به علاوه در اواسط شهریور ما خبرهای تأیید نشده ای به دست آوردیم مبنی بر اینکه سربازان شوروی به صورت لشکر وارد کابل شده بودند تا احتمالاً از شهروندان و تأسیسات شوروی حفاظت کنند. به هر حال ما خبرهای فایل اطمینانی داریم که تقریباً ۴۰۰ سرباز شوروی در... بگرام نزدیک کابل مستقر شده اند.

۴- مخاطبین به تلگرام شماره ۲۴۱۷۴۷ وزارت خارجه مورخه ۲۳ شهریور توجه خواهند کرد که مربوط به برقراری گفتگو راجع به افغانستان با دولت ایران می باشد. ممکن است که این پیام به دنبال تأیید ما از پیشنهاد مطروحه در پاراگراف... به وزارت خارجه با تحریک ما ارسال شده باشد، اما به هر صورت جهت و..... آن به قصد تکمیل قضیه بوده است. مثلاً..... اوضاع افغانستان به طور کلی با یزدی یا بازرگان، لینکن باید خبر پاراگراف سه را رد کند و خواستار تأیید ایرانیها شود.

۵- بدون پرونده، تا تاریخ ۲۸ شهریور ۷۸ در بایگانی ضبط شود. تماماً سری. سری.